



بیتنا به روز و نو به نشسته و مهر بیا

پژوهش‌های سلامت‌اداری

سال اول - شماره ۳ - پاییز ۱۴۰۴

صاحب امتیاز: سازمان بازرسی کل کشور

مدیر مسئول: دکتر ذبیح الله خدائیان

جانشین مدیرمسئول: دکتر محمد امین کیخای فرزانه

سر دبیر: دکتر خیرالله پروین

اعضای تحریریه:

دکتر محمد هادی صادقی، دکتر علی امامی میبیدی، دکتر سعید حبیبیا،
دکتر محمد جواد جاوید، دکتر آرین قلی پور، دکتر محمد حسن صادقی
مقدم، دکتر حسن دانایی فرد، دکتر عباس کریمی، دکتر علی رضائیان،
دکتر همایون مافی، دکتر مهدی صادقی شاهدانی، دکتر پژمان
محمدی، دکتر فرشاد مؤمنی، دکتر محمد مهدی قبولی درافشان،
دکتر سید جواد امینی، دکتر شهرام ابراهیمی، دکتر باقر انصاری، دکتر
محمد وزین کریمیان، دکتر مصطفی السان

ویراستار فارسی: دکتر رضا عارف / ویراستار انگلیسی: محمود
مهدوی فر / مدیر داخلی فصلنامه: آمنه کاشانی موحد

شمارگان: ۵۰۰ نسخه / قیمت: ۲۵۰,۰۰۰ تومان
<https://www.salamatedari-mag.ir>
نشانی: تهران / خیابان آیت الله طالقانی / تقاطع خیابان شهید سپهبد قرنی /
سازمان بازرسی کل کشور / مرکز آموزش و پژوهش‌های سلامت‌اداری
و مبارزه با فساد / کدپستی: ۱۵۸۱۷۱۵۴۱۱ / تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۴۶۱۴

فصلنامه پژوهش‌های سلامت‌اداری به استناد مجوز شماره ۲۱۷۳۰
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر می‌شود.

مطالب مقالات، موضع سازمان بازرسی کل کشور
نیست و صحت آن‌ها تنها به عهده
نویسندگان آن است.

۱۱۷

فرا تحلیل استراتژی‌ها و
راهکارهای پیشگیری از
فساد در نهادها و شرکت‌ها
(محسن ناصح)



۱۶۳

مدل‌سازی عوامل مؤثر بر
مشارکت مردم در ارائه
گزارش‌های فساد به سازمان
بازرسی کل کشور (مورد مطالعه:
اداره کل بازرسی استان فارس)
(محمدرضانوربخش/محمدرضا
ارغوان/عباس سنتی)

۲۱۹

ارائه مدل ساختاری - تفسیری
توسعه اکوسیستم نظارت
دیجیتال در کشور
(مهدی هدایت‌فر / ایوب
محمدیان/ پریسا رسولیان)

۷

مدیریت عمومی نوین؛
مصلح موانع بوروکراتیک تولید
(محمد جواهری طهرانی /
سیدامیر موسوی نژاد)

۴۵

تأملی بر جایگاه، فعالیت و
وضعیت شورای عالی هواپیمایی
کشوری در نظام حقوقی ایران
(میلاد صادقی/ وحیده نجفی)

۷۹

امکان‌سنجی استفاده از نظام
تبادل داده‌ها و فراداده‌ها به منظور
مبارزه با فساد
(عباس مرادی / محسن محمدی
حسنلوئی)

فهرست مطالب

شیوه‌نامه تنظیم و قالب‌بندی مقالات

- ۱- مقاله حداکثر در ۲۰ صفحه A4 با فاصله خطوط Single و حاشیه‌های ۲/۵ سانتی‌متر از هر طرف در نرم‌افزار Word تایپ شود.
- ۲- نوع قلم فارسی و انگلیسی و اندازه آنها مطابق جدول زیر انتخاب شود.

اندازه قلم	نام قلم	موقعیت استفاده
۱۴	B Zar پر رنگ	عنوان مقاله
۱۲	B Zar	متن مقاله
۱۲	B Zar پر رنگ	عناوین بخش‌های مقاله
۱۱ چپ چین	B Zar پر رنگ	نام مؤلفان
۱۱	B Zar پر رنگ	کلمه چکیده و کلمات کلیدی
۱۰	B Zar پر رنگ	عناوین جداول و اشکال
۱۰	B Zar	متن جداول و شکل‌ها و منابع
۱۰	B Zar	پانویس
یک واحد کمتر از اندازه فارسی در هر موقعیت	Times New Roman	متن انگلیسی

- ۳- اصول نگارش زبان فارسی به طور کامل رعایت شود و در متن اصلی از به کار بردن اصطلاحات انگلیسی که معادل فارسی آن‌ها در فرهنگستان زبان فارسی تعریف شده‌اند، حتی الامکان پرهیز گردد.
- ۴- بعد از عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان به ترتیب نویسنده اصلی، نویسنده دوم و سایر ذکر شود.
- ۵- مرتبه علمی و سازمان متبوع نویسنده/ نویسندگان در پاورقی اولین صفحه مقاله درج گردد.
- ۶- چکیده فارسی و انگلیسی در حدود ۳۰۰ کلمه به همراه با ۵ تا ۷ واژگان کلیدی باشد.
- ۷- ساختار مقاله به ترتیب بخش‌های اصلی زیر را داشته باشد: کلیات و مقدمه/ تحلیل مطالب/ نتیجه‌گیری/ پیشنهادها/ منابع و مأخذ.
- ۸- پیوست‌ها پس از منابع و مأخذ آورده شود.
- ۹- نحوه درج جداول و نمودارها:
- جداول و نمودارها به ترتیب شماره‌گذاری و در متن مقاله در جای خود مورد استفاده قرار گیرند.
 - عنوان و شماره تمام جداول و نمودارها در بالای آن‌ها و مأخذ جداول و نمودارها در زیر آن‌ها درج گردد.
- ۱۰- شیوه تنظیم ارجاعات: (شیوه APA)
- در متن این‌گونه به مأخذها ارجاع شود (نام خانوادگی صاحب اثر، سال: صفحه)؛ مثال (موسوی، ۱۳۸۶: ۵۵).
 - هر دسته از منابع پایانی به ترتیب حروف الفبای همان زبان تنظیم گردد و ابتدا منابع زبان فارسی، سپس عربی، آنگاه منابع لاتین و در نهایت منابع اینترنتی آورده شوند.
 - نمونه ترتیب ذکر مشخصات کتاب‌ها در فهرست منابع پایانی:
 - نام خانوادگی، نام صاحب اثر یا مترجم، سال انتشار، عنوان اصلی کتاب: عنوان فرعی کتاب، شهر محل انتشار، ناشر.
 - نمونه ترتیب ذکر مشخصات مقالات در فهرست منابع پایانی:
 - نام خانوادگی، نام صاحب اثر یا مترجم، «عنوان مقاله در گیومه»، عنوان مجله، سال نشر، دوره، شماره، از صفحه تا صفحه.
 - نمادگذاری‌ها و زیرنویس‌ها در پایین هر صفحه درج شود.



پژوهش‌های
سلامت‌اداری
سال اول
شماره ۳
پاییز ۱۴۰۴

سخن مدیر مسئول

مقوله سلامت‌اداری، به‌مثابه یکی از مهم‌ترین ارکان بنیادین حکمرانی مطلوب، از شاخص‌های کارآمدی نظام اجرایی و اداری در هر جامعه‌ای به‌شمار می‌رود. مقابله با فساد و ارتقای سلامت نظام اداری، صرفاً در سایه اقدامات مقابله‌ای و کیفری و راهکارهای واکنشی، به نتایج پایدار و تحول‌آفرین نخواهد رسید. آنچه در این میان اهمیت بنیادین دارد، بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی، نظریه‌پردازی‌های بومی و راهبردهای مبتنی بر دانش است؛ راهبردهایی که از دل پژوهش‌های عمیق، بین‌رشته‌ای و مسئله‌محور برمی‌خیزند و با زمینه‌ها و اقتضائات فرهنگی، ساختاری و نهادی کشور هماهنگ‌اند.

فصلنامه پژوهش‌های سلامت‌اداری با رسالت ایجاد گفتمان علمی در موضوع پیشگیری از فساد و تقویت زیربنای

دانشی اقدامات اصلاحی، تلاش دارد تا پیوندی مؤثر میان جامعه دانشگاهی و حوزه اجرا برقرار کند. این نشریه بر آن است تا با ترویج مباحث علمی در موضوعاتی چون شفافیت، پاسخگویی، پیشگیری، قانونمداری، عدالت سازمانی، ارتقای بهره‌وری و مقابله نظام‌مند با مفاسد اداری، بستری برای تضارب آرا، تبادل تجارب و ارتقای ظرفیت‌های تحلیلی در این حوزه فراهم آورد.

در شرایط پرشتاب و تحولات پیچیده جهان امروز، تصمیم‌سازی مبتنی بر شواهد و اطلاعات معتبر، به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل شده است و توسعه ادبیات علمی در زمینه سلامت نظام اداری نه تنها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر، بلکه یک مطالبه اجتماعی و شرط لازم برای ایجاد و افزایش اعتماد، سرمایه اجتماعی و اثربخشی سیاست‌های عمومی است. پژوهش‌های علمی می‌توانند چشم‌اندازهایی دقیق، پیش‌بینی‌پذیر و کارآمد برای سیاست‌گذاران ترسیم کند و از خطر تصمیم‌گیری‌های شهودی و کم‌عمق بکاهد؛ از این رو، مرکز آموزش و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد سازمان بازرسی کل کشور با ایجاد فصلنامه پژوهش‌های سلامت اداری و اتخاذ رویکردی علمی، داوری دقیق و رعایت اصول اخلاق پژوهش، در پی آن است که این نشریه را به مرجع فکری و دانشی در عرصه یاد شده، بدل سازد؛ به این وسیله از همه استادان، پژوهشگران، مدیران و صاحب‌نظران دعوت می‌شود تا با ارائه یافته‌های علمی، نقدهای راهگشا و پیشنهادهای مبتنی بر تجارب میدانی، ما را در تحقق این هدف یاری رسانند.

امید است با هم‌افزایی علمی و تقویت زیست‌بوم پژوهش در حوزه سلامت نظام اداری، بتوان سهمی مؤثر در پیشبرد اصلاحات دانش‌بنیان، نظام‌مند و شفافیت‌پایه ایفا کرد.

خدائیان

رئیس سازمان بازرسی کل کشور



پژوهش‌های
سلامت‌اداری
سال اول
شماره ۳
پاییز ۱۴۰۴
صفحه ۷ الی ۴۳

مدیریت عمومی نوین؛ مصلح موانع بوروکراتیک تولید^۱

چکیده

موضوع تولید و فعالیت‌های تولیدی در کشور، با مشکلات و موانع بسیاری مواجه است. هم‌علل خارجی و هم وضعیت داخلی کشور، تولید را به مخاطره انداخته و رونق و جهش آن را متوقف ساخته است. یکی از این موانع داخلی، نظام اداری بوروکراتیک است که با ویژگی‌هایی مانند تمرکزگرایی، فرایندهای طولانی و

محمد جواهری طهرانی^۲
(استادیار حقوق عمومی
گروه حقوق عمومی و
بین‌الملل دانشکده
حقوق و علوم سیاسی
دانشگاه شیراز)

سیدامیر موسوی نژاد^۳
(دانش‌آموخته
کارشناسی ارشد حقوق
عمومی دانشگاه شهید
بهشتی)

۱. این مقاله، حاصل انجام طرح پژوهشی «تنقیح و آسیب‌شناسی قوانین و مقررات؛ با رویکرد رفع موانع تولید و امنیت سرمایه‌گذاری» در دانشگاه شیراز است.

۲. نویسنده مسئول

tehrani.mj@gmail.com

ارسال: ۲۱ فروردین ماه ۱۴۰۴

بازنگری: ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴

پذیرش: ۱۰ خرداد ماه ۱۴۰۴

3. amir.moosavi20@yahoo.com

زمان بر، عدم هماهنگی بخش‌های مختلف، خشک و غیرمنعطف بودن رویه‌ها و روندها و مشکلات دیگر، امر تولید را دچار مصائب بسیاری کرده است. گرچه دولت، نمی‌تواند بدون نظام اداری، جامعه، اقتصاد و تولید آن را مدیریت نماید، اما باید راهی برای اصلاح و تعدیل معایب روش بوروکراتیک اداره یافت؛ تا دست‌کم بخشی از موانع تولید در کشور، از بین برود. مدیریت عمومی نوین، آن چاره و راهی است که با کاربست مؤلفه‌های آن، هم کارایی نظام اداری در بخش تولید افزایش می‌یابد؛ هم کیفیت تولید و ارائه کالاها رشد می‌کند و هم فعالیت‌های تولیدی از دام فرایندهای مبهم و پیچیده اداری، نجات پیدا می‌کنند؛ چرا که این نظریه سعی دارد معایبی، نظیر تورم قوانین مبهم، تمرکزگرایی دولتی و فرایندمحوری رویه‌های اداری را با قراردادمحوری، تمرکززدایی و تأکید بر نتایج رویه‌های اداری، اصلاح نماید و اگر در این مسیر موفق شود؛ می‌توان امیدوار بود که موانع بوروکراتیک بر سر راه تولید، برطرف گردند؛ بنابراین دولت، باید همگام با تغییرات وضعیت زمانه و کشور، مبتنی بر سیاست‌های کلی نظام و برنامه‌های توسعه، به بازبینی نظام اداری و اصلاح و رفع موانع آن، اقدام نماید و نظریه مدیریت عمومی نوین می‌تواند در این مسیر، نقش بزرگی ایفا کند.

واژگان کلیدی: تولید، نظام اداری، بوروکراسی، روش بوروکراتیک، مدیریت عمومی نوین، اقتصاد، بخش خصوصی.

New Public Management: Rectifier of Bureaucratic Obstacles to Production

Mohammad Javaheri Tehrani /// (Assistant Professor of Public Law, Faculty of Law and Political Shiraz University)

Seyed Amir mosavinedjad /// (Graduate of Master of Public Law, Shahid Beheshti University)

Abstract

Manufacturing and production activities in the country face numerous challenges. While external factors play a role, domestic structural issues have also hindered growth and stifled momentum. A significant internal obstacle is the bureaucratic administrative system, characterized by over-centralization, protracted procedures, a lack of inter-sectoral coordination, and rigid, inflexible processes. These features have created substantial impediments for the production sector.

Although an administrative system is essential for state governance of the economy and production, the government must seek to reform the traditional bureaucratic model to mitigate its drawbacks and remove these obstacles. New Public Management (NPM) presents a viable solution. By applying its principles, NPM can enhance the efficiency of the administrative system within the production sector and improve the quality of output and goods provision. Furthermore, it can liberate productive activities from the trap of opaque and convoluted administrative procedures.

This theory aims to reform issues such as proliferating ambiguous regulations, governmental over-centralization, and process-heavy administration by emphasizing contractual approaches, decentralization, and a results-oriented focus. Its successful

implementation could significantly reduce the bureaucratic barriers to production.

Consequently, in alignment with evolving national conditions, overarching state policies, and development plans, the government must undertake a revision of its administrative system. The theory of New Public Management can play a pivotal role in this essential reform process.

Keywords: Production, Administrative System, Bureaucracy, Bureaucratic Method, New Public Management (NPM), Economy, Private Sector.

مقدمه

یکی از موضوعات مهم حکمرانی و اداره جامعه، تأمین کالاها و خدمات برای اعضای جامعه یا مردم، از جانب دولت است. دولت برای تأمین کالاها و خدمات، هم زمان نقش‌های مختلفی را برعهده دارد؛ به همین دلیل نظام اداری دولت در اقتصاد، تأثیر و دخالت عمده‌ای دارد. در یک نظام حکمرانی و اداری با روش کلاسیک یا سنتی، دولت برای تولید و تأمین کالاها و خدمات عمومی، به وسیله ادارات یا شرکت‌های تابعه خویش مبادرت به تولید داخلی می‌کند؛ از راه اخذ مالیات و عوارض، منابع مالی بودجه را تأمین می‌کند و با استفاده از نظام اداری خویش، عرصه عمومی جامعه را تنظیم می‌نماید. در این روش، وظایف متعدد دولت، به وسیله سازمان‌های اداری دولت، انجام می‌شود که متکی به مالیات و بودجه دولتی هستند. این سازمان‌ها که اداره دولتی هستند، مشابه و همانند بنگاه یا شرکت در بخش خصوصی عمل می‌کنند؛ با این تفاوت که فعالیت‌های این سازمان‌ها، متکی به منابع مالی دولتی در قالب بودجه است و ساختار آنان بوروکراتیک می‌باشد. اداره از نظر قانونی، بخش بزرگی از بدنه حاکمیت را به خود اختصاص می‌دهد (Lane2000:59)؛ در نتیجه، دولت ابعاد و وسعت بسیار بزرگی از

جامعه را در اختیار می‌گیرد و در اکثر حوزه‌های جامعه، دخالت مستقیم دارد. ادارات دولتی، شخصیت حقوقی ممتاز و متمایزی نسبت به دولت ندارند. بودجه مالی آنان، با تقاضای خود ادارات، از جانب دولت به آنان اختصاص می‌یابد و هرکدام، تولید مجموعه‌ای از وظایف تخصصی حوزه‌های مختلف اجتماع را در دست گرفته است. ماکس وبر، چنین سازمان‌بندی بدنه اداری دولت را بوروکراسی نامید. او سعی نمود با بررسی شواهد تاریخی و تحلیل نظام‌های سیاسی مختلف، ویژگی‌های عمده روش نظم دولت که به آن چهره‌ای خاص می‌بخشید را شناسایی نماید؛ البته امروزه، از بوروکراسی به عنوان روش کلاسیک یا سنتی اداره و حکمرانی یاد می‌شود (هیوز، ۱۴۰۱: ۳۵).

روش حکمرانی جدید، قائل به واگذاری و برون‌سپاری امور مختلف دولت است. می‌توان برای تأمین مایحتاج جامعه، به جای دولت، از بازیگران و فعالان دیگری نیز بهره گرفت؛ به عنوان نمونه، تولید و عرضه کالاها، می‌تواند هم در داخل و هم در خارج از کشور، به وسیله شرکت‌های دولتی یا بنگاه‌های خصوصی، تأمین و ارائه گردد (Lane 2000: 5-6)؛ به عبارتی، حکمرانی نوین، تمایل دارد برای بهره‌وری بهتر و بیش‌تر، از ترکیب امکانات موجود دولتی و خصوصی در بخش‌های مختلف، نظیر تولید، تأمین مالی، تنظیم‌گری، مقررگذاری و غیره استفاده کند. در نتیجه این نگرش، دولت دیگر به نحو مستقیم در حکمرانی اقتصادی، دخالت نمی‌کند (Ibid: 6). روش جدید اداره و حکمرانی در پی پاسخ به چالش‌های جهان پیچیده، شبکه‌محور و چندبخشی و جبران کاستی‌های رویکرد قدیمی حاکم بر نظام اداری است. این نگرش، ناشی از نگرانی‌های جدی در باب ورشکستگی دولت‌ها، کنار گذاشتن سازمان‌های متمرکز و بزرگ و حرکت به سمت خصوصی‌سازی و برون‌سپاری وظایف دولتی است. در این رویکرد از دولت خواسته می‌شود که کشتی را هدایت کند؛ نه این‌که در آن پارو بزند. دولت، با تعیین اهداف، یعنی آنچه که باید انجام شود؛ به جای دخالت حداکثری در امور، بستری فراهم می‌سازد تا فعالان و بازیگران بخش خصوصی، توانایی انجام امور را به نحو باکیفیت و مناسب داشته باشند (Bryson and Others, 2014: 445-446).

این پژوهش، سعی می‌کند، ابتدا با روشن نمودن مفهوم بوروکراسی باتکیه بر یافته‌های ماکس وبر و نحوه ارتباط آن با تولید، موانعی که از این روش سامان‌دهی نظام اداری برای

تولید و فعالیت‌های تولید، برمی‌خیزد را آشکار سازد؛ همچنین قصد اصلی، ماندن در عرصه نظری یا انتزاعی صرف نیست؛ از همین روی، قوانین و مقررات مرتبط با تولید نیز، بر مبنای ویژگی‌های بوروکراسی، تحلیل و آسیب‌شناسی می‌گردند؛ تا نشان داده شود که بحران بوروکراسی، تنها از سازمان‌ها ناشی نمی‌شود و قوانین و مقررات نیز، نقش مهمی در ایجاد یا تشدید فرایندهای بوروکراتیک، ایفا می‌کنند. درباره موضوع ارتباط بوروکراسی با تولید، مقاله «کانال‌های تأثیر بوروکراسی بر عملکرد اقتصاد ایران»، نوشته احسان خاندوزی و زهرا کاویانی، مجراهای تأثیرات مثبت و منفی بوروکراسی در اقتصاد و تولید را نشان داده است؛ اما این مقاله، قوانین و مقررات را در ارتباط با بوروکراسی، آسیب‌شناسی نکرده و راهکاری برای جایگزینی آن ارائه نداده است؛ به همین دلیل، پژوهش حاضر سعی می‌کند، هم مبتنی بر مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی که «نظام بوروکراسی را زاییده و حاصل حاکمیت‌های طاغوتی دانسته و آن را طرد کرده است و هم بر اساس حکم بند ۱۰ اصل سوم آن قانون، مبنی بر «ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور»، درباره راهکار اصلاح نظام اداری در بخش تولید کشور که مبتنی بر روش بوروکراتیک سازمان‌دهی شده است، بیندیشد و نظریه مدیریت عمومی نوین را به عنوان بدیل بوروکراسی و راه اصلاح معایب آن برای تولید، توضیح دهد. گرچه نظریه مدیریت عمومی نوین در پایان‌نامه‌ها و مقالات بسیاری تحلیل و تعریف شده است، اما تاکنون هیچ پژوهشی، نقش آن در اصلاح موانع بوروکراتیک تولید را بررسی نکرده است؛ بنابراین، پژوهش فعلی، سعی می‌کند که نظریه مذکور را در ارتباط با تولید، تحلیل نماید.

۱) دیالکتیک روش بوروکراتیک و تولید

یکی از عوامل مؤثر بر امنیت اقتصادی و رونق تولید کشور، نظام اداری است. سازمان‌های اداری می‌توانند هم عاملی در رونق و رشد تولید باشند، هم مانع سترگی بر سر راه تولید. اکثر اندیشمندان علم اقتصاد بر این عقیده بودند که سازمان‌های اداری بوروکراتیک، به مثابه ماشین، تنها به اجرای سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و اوامر کارگزاران سیاسی مشغول‌اند؛ هیچ دخل و تصرفی در ایده‌ها و انگیزه‌های تصمیم‌گیران سیاسی ندارند و صرفاً ابزاری

خنثی هستند (خاندوزی و کاویانی، ۱۳۹۵: ۶)؛ اما مطالعات به‌روزرتر و نوین، انگارهٔ اداره به مثابهٔ ماشین بی‌اراده را کنار گذاشت و این گزاره رسمیت یافت که «بوروکراسی، ابزار منفعل و خنثایی در دست سیاست‌گذاران اقتصادی نیست و می‌تواند نقش مثبت یا بازدارنده‌ای در مسیر هدف رشد یا هدف عدالت داشته باشد.» (خاندوزی و کاویانی، ۱۳۹۵: ۷) یک نظام اداری چابک و پویا، بستری مناسب برای تولید فراهم ساخته و امر تولید را تسهیل می‌نماید؛ از طرف دیگر، همین نظام و سازمان‌های تابعه‌اش، می‌توانند به مانع بزرگی برای فعالیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری‌های مولد تبدیل شوند. موانع ایجادشده از جانب سازمان‌های اداری و فرایندهای آنان، نه از سنخ موانع بیرونی و خارج از اراده‌ای مانند تحریم‌ها و نوسانات ارزی به حساب می‌آیند و نه مبتنی بر حوادث و اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی در امر تولید، مثل جنگ و حوادث طبیعی هستند؛ چراکه نظام اداری، بزرگ‌ترین بخش حاکمیت سیاسی کشور است که بر مبنای سیاست‌های کلی و اهداف و برنامه‌های نظام سیاسی تأسیس و سامان می‌یابد؛ از این رو می‌توان گفت که موانع مربوط به فرایندهای اداری، مانعی درونی و داخلی به حساب می‌آید که تغییر و اصلاح آن نیز در اختیار ارادهٔ حاکمیت و دولت است.

ماده یازدهم (۱۱) قانون مدیریت خدمات کشوری، بیان می‌دارد: «امور اقتصادی: آن دسته از اموری است که دولت، متصدی اداره و بهره‌برداری از اموال جامعه است و مانند اشخاص حقیقی و حقوقی در حقوق خصوصی عمل می‌کند، از قبیل: تصدی در امور صنعتی، کشاورزی، حمل‌ونقل، بازرگانی، مسکن و بهره‌برداری از طرح‌های مندرج در ماده (۱۰) این قانون.» پس دولت، وظایف اقتصادی متعددی به عهده دارد که در تقسیم‌بندی کلاسیک وظایف عمومی دولت، به اعمال تصدی شناخته شده است؛ اما این وظایف اقتصادی و تصدی‌گری اقتصادی، هم وظیفهٔ دولت و هم چالشی برای آن است. دولت، وظایف اقتصادی خود را به وسیلهٔ سازمان‌های اداری و بنگاه‌های اقتصادی و شرکت‌های دولتی تحت اختیار خویش، انجام می‌دهد و به وسیلهٔ سازمان‌های اداری خویش، بر فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی در بخش خصوصی و تعاونی، نظارت می‌نماید؛ به عبارتی، سیاست‌های اقتصادی دولت، به وسیلهٔ سازمان‌های اداری و شرکت‌های

دولتی که هر دو ساختاری بوروکراتیک دارند، اجرا می‌شوند؛ از همین رو، چالش اصلی دولت در زمینه تصدی‌گری، افزایش و رشد سازمان‌ها و ادارات دولتی و مخدوش شدن قلمرو دخالت دولت و عدم شفافیت آن در اقتصاد کشور می‌گردد (دانایی فرد و الوانی، ۱۳۹۹: ۴)؛ علاوه بر این، رشد تصدی‌گری دولت، «بخش خصوصی را در جامعه تضعیف می‌کند و بهره‌وری کل را کاهش می‌دهد.» (دانایی فرد و الوانی، ۱۳۹۹: ۱۳)؛ همچنین با درگیر شدن دولت در تصدی‌گری، اعمال نظارت آن نیز بر فعالیت‌های بخش خصوصی کاهش می‌یابد؛ چراکه «دولتی که خود متصدی کارهای بخش خصوصی شده است، از نظارت و کنترل آن بخش باز می‌ماند.» (دانایی فرد و الوانی، ۱۳۹۹: ۱۳).

دولت، با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مختلف، مانند سیاست‌های مالی در قالب بودجه، سیاست‌های پولی، از طریق بانک‌ها، عوارض و تعرفه‌های مالیاتی و مقررات‌گذاری‌های متعدد، مانند مجوزها و ممنوعیت‌ها در اقتصاد و تولید کشور نقش مهمی ایفا می‌کند؛ اما مجرا و مجری این سیاست‌ها، نظام اداری و سازمان‌های اداری هستند که با اجرای شدید یا خفیف هر کدام از سیاست‌های اقتصادی، هم بر عملکرد نهایی دولت اثر می‌گذارند و هم رفتارهای بنگاه‌های اقتصادی را جهت داده و بر رشد یا کاهش فعالیت‌های آنان، تأثیر مستقیمی دارند (خاندوزی و کاویانی، ۱۳۹۵: ۳۱)؛ به عبارتی، نظام اداری دولتی، نقش واسطه را میان تصمیم‌گیران اقتصادی و خط‌مشی‌گذاران در دولت و مجلس و فعالان اقتصادی مستقل و خرد ایفا می‌کند؛ به دیگر سخن، اکثر سیاست‌های اقتصادی قوه مجریه و مقننه، به وسیله نظام اداری و ساکنان آن، بر اقتصاد اعمال می‌شود؛ به همین دلیل بوروکراسی حلقه گمشده میان سیاست‌های اقتصادی و رشد اقتصادی کشور به حساب می‌آید (خاندوزی و کاویانی، ۱۳۹۵: ۱۰)؛ از این رو، «کارآفرینان ریسک‌گریز خصوصی، حتی با وجود سرمایه‌گذاری‌های مکمل دولتی، زمانی که با یک بوروکراسی فاسد و غیرقابل پیش‌بینی مواجه‌اند؛ از سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت می‌پرهیزند؛ از طرف دیگر، اگر بوروکراسی ویژگی‌های مناسبی داشته باشد، می‌تواند ریسک سرمایه‌گذاری خصوصی بلندمدت را کاهش دهد و حتی معضل هماهنگی میان فعالان اقتصادی بخش‌های مرتبط یا میان فعالان داخلی یا خارجی را تا حد زیادی

تخفیف دهد.» (خاندوزی و کاویانی، ۱۳۹۵:۱۱) حال که وضعیت و نقش نظام اداری در اقتصاد و تولید کشور مشخص گردید، لازم است ابتدا بوروکراسی در مقام روش غالب سامان دهی و سازمان بندی نظام اداری کشور بررسی شود و مفهوم آن و تأثیرات مثبتش بر اقتصاد و تولید مشخص گردد؛ سپس بر مبنای دیدگاهی دیالکتیکی، اثرات منفی و بازدارنده سامانه بوروکراتیک بر تولید بیان گردد و قوانین و مقررات موجود در حوزه تولید، بر اساس این نگرش، تحلیل و آسیب شناسی شوند.

۱-۱) مفهوم بوروکراسی به مثابه روش

بوروکراسی، هم‌زاد تمدن‌های بشری نخستین؛ چون مصر و چین و ایران باستان، است؛ اما ملازم با واقعۀ مدرن، به اوج خود رسید (Weber, 1946:204-205). گستردگی و پیچیدگی فزاینده جامعۀ مدرن، همراه با تحرک و پویایی اقتصاد سرمایه داری، مسئلۀ مدیریت ابعاد مختلف نظام اجتماعی را به قدرت تخصصی و کارشناسی بوروکراسی، وابسته نموده و به همین دلیل، بوروکراسی در مدرنیته، به چنین جایگاه و موقعیت ممتازی دست پیدا کرده است (Weber, 1946:235). وبر معتقد است که بوروکراسی مدرن، پیش‌نیاز هر نوع شکل‌گیری و رشد اقتصاد پولی است (Weber, 1946:205). اقتصاد سرمایه داری مدرن، نیازمند سطح بسیار بالایی از ثبات اجتماعی، سیاسی و حقوقی است؛ چرا که جوهرۀ سرمایه داری، به مثابه یک نظام اقتصادی، همواره در تلاطم و تزلزل است. در اقتصاد سرمایه داری، بازار با نوسانات همیشگی مشخص می‌گردد. نرخ اوراق بهادار و بازار بورس و سهام، هرروزه در حال تغییر است. هرگونه سرمایه‌گذاری در طرح‌های تولیدی از سوی بخش خصوصی در طول زمان، با ریسک‌ها و خطرهای نوسانات مختلفی مواجه می‌گردد و تولید را دچار مشکل می‌سازد؛ بنابراین ماهیت فعالیت اقتصادی سرمایه دارانه، خود متضمن خطرهای گوناگونی است و در صورتی که نظام اجتماعی - سیاسی جامعه هم ناپایدار و بی‌ثبات باشد؛ اقتصاد با مشکل بزرگی روبه‌رو شده و کشورهای ورشکسته خواهند شد (Stanisevski, 2004:121)؛ حال آنکه بوروکراسی، با ویژگی‌های منحصر به فرد خویش، بی‌ثباتی اقتصاد سرمایه داری را تا حد زیادی، از بین می‌برد و با قابلیت پیش‌بینی نسبی خود، آن را متعادل می‌سازد. نقش بوروکراسی در اقتصاد آن‌چنان آشکار است که عده‌ای

معتقدند اگر بوروکراسی وجود نداشته باشد؛ پول، ارزش خود را از دست می‌دهد و به پدیداری بی‌ارزش تبدیل می‌گردد (Stanisevski, 2004:122).

وبر اعتقاد داشت که اقتصاد مدرن، تنها با بوروکراسی، قابل اداره است (Weber, 1930:130) و اصلاً مشخصه عمده جهان مدرن، اقتصاد خصوصی سرمایه‌دارانه است که به روش بوروکراتیک سازمان‌دهی، متکی است (Weber, 2005:131). وبر، علت این وابستگی اقتصاد مدرن به بوروکراسی را در احتیاج مبرم سرمایه‌داری به نظم و انضباط می‌داند. برای اقتصاد سرمایه‌داری، انضباط، اصلی عقلانی - سازمانی برای هرگونه تولید اقتصادی تلقی می‌شود (Weber, 2005:134). تأکید بر نظم و انضباط در کارخانه یا بنگاه‌های اقتصادی، بر اجرای مستمر، عقلانی، دقیق و منطبق با قواعد و دستورات اقتصادی، دلالت می‌کند (Weber, 2005:135) که موجب پیش‌بینی مراحل مختلف تولید و اندازه‌گیری و به تبع آن، محاسبه میزان سودآوری فعالیت‌ها و فرایندهای تولیدی است (Weber, 2005:136). بوروکراسی، این احتیاج اساسی اقتصاد مدرن را تأمین می‌نماید. برای تأمین نظم و ثبات در فعالیت‌های اقتصادی، وظایف و امور مختلف، بر مبنای قوانین قابل محاسبه و بدون توجه به اشخاص، انجام می‌شود؛ به همین دلیل، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های حوزه‌های مختلف جامعه در قالب قانون تعیین می‌گردند (Stanisevski, 2005:122)؛ از طرف دیگر، اقتصاد مدرن، نیازمند مدیریت تخصصی و کارشناسانه امور به وسیله متخصصان آموزش دیده است که می‌توانند اختیارات بوروکراتیک را به نحو احسن، اجرایی کنند. این مسئله، نمود و جلوه‌ای از تخصص‌گرایی و تقسیم کار، به مثابه حداکثرسازی سود اقتصادی مورد نظر آدم اسمیت است (Stani-sevski, 2005:123)؛ پس مشخص گردید که بوروکراسی و اقتصاد مدرن، وابسته و هم‌بسته به یکدیگرند و انجام هرگونه فعالیت اقتصادی در جهان مدرن، مستلزم وجود بوروکراسی است؛ اما بوروکراسی چه ویژگی‌هایی دارد که از یک سو بستر مناسبی برای فعالیت‌های اقتصادی فراهم می‌سازد و از سوی دیگر می‌تواند مانعی برای تولید اقتصادی باشد؟

ماکس وبر، سعی کرد از شواهد تاریخی و بررسی واقعیات اجتماعی واقعه مدرن، ویژگی‌های عمده و اساسی بوروکراسی را شناسایی کند و آن‌ها را در نمونه‌ای آرمانی

صورت‌بندی نماید؛ تا بتواند جهان واقع را با الگوی خود بسنجد. وبر پی برد که راه‌اندازی و تأسیس هر سازمانی بر مبنای بوروکراسی، مستلزم تعیین دقیق صلاحیت‌های هر سازمان و هر کارمند به وسیله قانون است (Weber, 2015:76). وظایف و اختیارات هر اداره و هر منصبی، باید به وسیله قوانین و مقررات عام در ساختاری منسجم و جامع، تدوین و تعیین گردد (Weber, 2015:78)؛ چراکه به زعم وبر، جامعه و اقتصاد مدرن، برای مدیریت پیچیدگی فزاینده وضعیت‌های اجتماعی، نیازمند قوانین قابل محاسبه و صوری هستند (Stani-sevski, Ibid: 123). یکی دیگر از ویژگی‌های بوروکراسی که معروف‌ترین آن نیز هست، تأسیس و ایجاد سلسله‌مراتب دقیق و منظم در قالب هرمی از مقامات عالی‌رتبه تا پایین مرتبه است (Weber, 2015:77). این ویژگی، هم انجام فرایندهای اداری را منظم و ساده می‌گرداند و هم به دلیل تمرکزگرایی شدید و غیرمنعطف خود، مانع مهمی برای فعالیت‌های تولیدی منعطف است؛ همچنین، بوروکراسی، ایجاد بخش بایگانی و انجام فرایندهای اداری مبتنی بر اسناد اداری مکتوب را به همراه دارد (Weber, 2015:77-78)؛ به همین دلیل در هر اداره و سازمانی، دبیرخانه و بخش بایگانی و منشی و دبیر، برای تولید اسناد رسمی و حفظ و نگه‌داری از آنان، وجود دارد و شاید بزرگ‌ترین بخش هر اداره را هم به خود اختصاص دهد؛ علاوه بر این‌ها، بوروکراسی، مستلزم تفکیک اداره از محل زندگی شخصی کارمندان است؛ از همین رو، ابزار و وسایل انجام امور هم در مالیکت اداره قرار می‌گیرد و کارمندان، حقی نسبت به آنان ندارند (Weber, 2015:78). این مسئله، تمرکز فنی و اقتصادی بسیاری برای ادارات دولتی به ارمغان آورده و دولت را نسبت به دیگران در مرتبه برتری قرار می‌دهد؛ اما در جهت مخالف، این ویژگی موجب تمرکزگرایی شدیدی می‌گردد و هم هزینه‌های دولت را افزایش می‌دهد و هم مشارکت افراد و تولیدکنندگان را در تصمیم‌گیری‌ها و اداره امور، محدود می‌سازد.

همان‌گونه که آشکار است، ماهیت این مؤلفه‌ها، صوری یا شکلی بودن است. می‌توان این ویژگی‌ها را بر هر نوعی از سازمان و در هر گونه‌ای از امور - عمومی یا خصوصی، سودمحور یا خیرخواهانه - اعمال نمود؛ به دلیل صوری بودن، بوروکراسی روشی است که قابلیت اجرا در هر زمینه‌ای را دارد و صرفاً شیوه‌ای برای اداره امور به حساب می‌آید؛ نه

سازمان یا اداره یا ساختمان؛ به خاطر همین جوهره روشی بودن بوروکراسی است که هم می‌توان مسجد و بقاع متبرکه را به نحو بوروکراتیک اداره نمود و هم اقتصاد سرمایه‌داری را با آن منظم ساخت؛ بنابراین، بوروکراسی، یک نوع روش اداره امور است که گرچه برای اقتصاد و فعالیت‌های تولیدی، مزایای مهم و اساسی به همراه دارد؛ اما موانع و آسیب‌هایی نیز برای آن ایجاد می‌کند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌گردد.

۱-۲) روش بوروکراتیک: مانع تولید

در روش بوروکراتیک اداره، قوانین، به مثابه خط‌مشی‌ها و سیاست‌های اداره تلقی شده که موجب می‌گردد مجریان قانون، قدرت بسیاری در تفسیر و اجرای آن‌ها در اختیار داشته باشند؛ از طرف دیگر، گاه قوانین ناکارآمد بوده و کارمندان و ادار می‌شوند برای رتق و فتق امور، از این قوانین ناکارآمد معتبر، تخطی کنند که این امر، مسئولیت‌پذیری را تضعیف و موجب سردرگمی و ابهام در تحقق اهداف واقعی و معین می‌گردد (Pratt, 2006: 102). روش بوروکراتیک، غیرقابل انعطاف است و همین مسئله، بر عملکرد سازمان‌های اداری مرتبط با بخش تولید، تأثیر منفی شدیدی می‌گذارد. این عدم انعطاف، موجب کاغذبازی‌های وقت‌گیر و ارائه خدمات بی‌کیفیت و ضعیف‌گشته و توان انطباق سازمان‌های اداری با واقعیت‌ها و نیازهای اقتصادی - تولیدی جامعه و دولت را کاهش داده یا از بین می‌برد (هیوز، ۱۴۰۱: ۱۳). ساختارهای برآمده از روش بوروکراتیک، سفت و سخت و ناسازگار هستند. این ساختارها، ضد تجربه هستند و تلاش می‌کنند محیط پیرامون خود، از جمله تولید و فعالیت‌های تولیدی را با شرایط و نیازهای خود منطبق سازند (Pratt, 2006: 102)؛ درحالی‌که باید اداره بر مبنای واقعیات و نیازهای محیط، رفتار کند. ادارات بوروکراتیک، بر فرایندها، مقررات، دستورالعمل‌ها و رویه‌های مرسوم اداری تأکید دارند و ارزیابی کارایی و عملکرد آن‌ها، صرفاً مبتنی بر ضابطه پیروی یا عدم پیروی آنان از قوانین و مقررات، انجام می‌پذیرد (هیوز، ۱۴۰۱: ۱۵)؛ به عبارتی در الگوی بوروکراتیک اداره، گرایش شدیدی به توجه همه‌جانبه و صرف بر فرایندها به جای پیامدها، تأکید بر مقررات به جای نتایج، وجود دارد. این گرایش، خود باعث خشکی و عدم انعطاف ادارات می‌گردد (هیوز، ۱۴۰۱: ۳۶)؛ به سخن دیگر

«الگوی اداره بوروکراسی خشک است؛ دید محدودی دارد و شیفته و گرفتار ساختار و فرایند بود.» (هیوز، ۱۴۰۱: ۵۷). ساختار غیرمنعطف و سلسله‌مراتبی اداره بوروکراتیک، مخارج و هزینه‌ها را افزایش می‌دهد (هیوز، ۱۴۰۱: ۶۳). سازمان‌های بوروکراتیک، اگر به نتایج مورد نظر خود دست یابند، برای توسعه و افزایش این نتایج، تشکیلات خود را گسترش می‌دهند؛ اگر هم به نتایج تعیین شده دست نیابند، به منظور رفع نقایص و تکمیل فرایندها، سازمان‌های جدیدی ایجاد می‌کنند. در هر صورت، چه نتایج پیش‌بینی شده حاصل گردد و چه نتایج غیرمنتظره‌ای ایجاد شده باشد؛ سازمان بزرگ‌تر خواهد شد و این سیر گسترش، هزینه‌ها و مخارج بسیاری بر نظام بودجه‌ریزی کشور، تحمیل می‌کند (دانایی فرد و الوانی، ۱۳۹۹: ۹۲).

در ادارات بوروکراتیک، نظارت بر مدیران میانی، ناکافی و ناکارآمد است. مشارکت میان کارمندان تنها نمایشی و نمادین است و آنانی که می‌توانند مبتنی بر تجربیات واقعی خود در تصمیم‌سازی‌ها، نقش مفیدی ایفا کنند؛ کنار گذاشته می‌شوند. در این بستر، همکاری دشوار است و تسلیم بودن و اطاعت کورکورانه، بیش از نوآوری و خطرپذیری، اهمیت دارد. هر اداره برای خود، نظم و ترتیبی داخلی و خاص ایجاد می‌کند و اصطلاحات تخصصی خود را به کار می‌گیرد، تاییگانگان، یعنی فعالان هر حوزه، از دایره امور خارج گردند و راه برای اعمال قدرت کارشناسی متخصصان اداری، باز شود (Pratt, 2006: 103)؛ همچنین، اطاعت و تبعیت خالصانه کارمندان از قوانین و مقرراتی که تنها خط‌مشی‌های کلی را معین می‌سازند و با وضعیت‌های پیش‌آمده انضمامی هم‌خوانی نداشتند؛ کارایی دولت را کاهش داده و مانعی برای تولید می‌گردد (دانایی فرد و الوانی، ۱۳۹۹: ۹۲)؛ به عبارتی، اداره بوروکراتیک، زمانی می‌تواند به خوبی عمل کند که اوضاع و احوال جامعه، دارای ثبات و پایداری مناسبی باشد؛ چرا که مقابله با شرایط متغیر و غیرقابل پیش‌بینی، از توان سامانه بوروکراتیک خارج بوده و ادارات نمی‌توانند راهکارهای صحیح متناسب با وضعیت‌های بحرانی یا متغیر را سنجیده و انتخاب کنند (دانایی فرد و الوانی، ۱۳۹۹: ۶۴)؛ بنابراین «بوروکراسی... به جای خطرپذیری، گریز از خطر را در مدیران تقویت می‌کند.» (دانایی فرد و الوانی، ۱۳۹۹: ۵۹). این مسئله موجب می‌گردد که قشر کارمندان و اعضای سلسله‌مراتب‌های اداری بخش تولید کشور، از

هرگونه تغییر و تحول جلوگیری کرده و در لاکه محافظه کارانه فرورفته و قابلیت سازگاری تولید و جامعه، با تحولات پیش آمده را کاهش دهند. روش بوروکراتیک اداره، بر مبنای نظام اداره سلسله مراتبی از بالا به پایین، سامان می یابد و در این چهارچوب، مدیران مبتنی بر این سلسله، صرفاً بر مبنای قوانین و مقررات، به نحو یک پارچه ای عمل می کنند. اداره و مدیران و کارمندان آن، پیرو تام و تمام مقررات و دستورالعمل ها هستند و تمرکز اصلی بر رعایت فرایندهای صوری و اوامر قانونی است (نجف بیگی، ۱۳۹۷: ۲۶). این امر در واقع، ادارات را به سرعت گیرها و موانع تولید کشور تبدیل می نماید؛ چرا که «در شرایطی که محیط به طور مداوم تغییر می کند، دستورالعمل های ثابت و روش های معین کار، کاربردی نخواهد داشت.» (هیوز، ۱۴۰۱: ۶۴)

روش بوروکراتیک در پی کنترل و اعمال نظارت شدید و سلسله مراتبی بر انجام امور است؛ تا از رعایت فرامین قانونی و صحت عملکردهای کارمندان، مبتنی بر قانون، اطمینان حاصل کند؛ به عبارتی این روش، بر یکسان سازی و ضابطه مندی رفتار و اعمال کارمندان تأکید می کند (دانایی فرد و الوانی، ۱۳۹۹: ۷) در نتیجه این تأکید فراوان، وضعیت انعطاف ناپذیری اداره و عدم ارتباط واقعی با وضعیت های مختلف، پیش می آید؛ همچنین آرمان و هدف کنترل امور در این روش، موجب توسل و کار بست روزافزون قوانین و مقررات کلی و غیرشخصی شده که با خود دو پیامد به بار می آورند: یکی آنکه کارمندان در اعمال قوانین و مقررات، دچار سردرگمی و ابهام می شوند و لازم می گردد برای رفع این چالش، قوانین و مقررات لاحق، برای شفاف کردن منظور قوانین و مقررات سابق، وضع گردند. دیگر، عملکرد کارمندان، نه بر مبنای نتایج واقعی و عینی، بلکه صرفاً مبتنی بر حداقل عملکرد قانونی که از آنان انتظار می رود، ارزیابی شده و برای ایجاد عملکرد بهتر، باز قوانین و مقررات جدید، لازم می شوند (دانایی فرد و الوانی، ۱۳۹۹: ۱۰)؛ بنابراین، روش بوروکراتیک اداره، با تورم قوانین و مقررات ملازم است. ادارات و سازمان ها، برای تفسیر و اجرای قوانین، اقدام به وضع آیین نامه ها و بخش نامه ها می کنند یا مقدمات تهیه قوانین جدیدی را فراهم می سازند (دانایی فرد و الوانی، ۱۳۹۹: ۱۲۷)؛ در نتیجه، هم عملکرد ادارات، مختل می شود و آنان دچار گستردگی مبهم وظایف می گردند

و هم تورم قوانین و مقررات، وضعیت‌های متداخل و گاه متعارضی را ایجاد می‌کند؛ در نهایت، همه این‌ها موجب عدم شفافیت فرایندهای اداری بخش تولیدی و قطع ارتباط با وضعیت‌های موجود واقعی در جامعه خواهد شد.

گرچه باید اذعان داشت که روش بوروکراتیک، محاسنی و مزایایی با خود به همراه دارد؛ برای کنترل امور مناسب است و اطمینان از انجام وظایف را افزایش می‌دهد و جاری شدن امور را استاندارد می‌سازد؛ لکن در حرکت مبتنی بر تحولات، بسیار کند است و نوآوری و انعطاف و توجه به موقعیت‌های انضمامی را کنار می‌گذارد (هیوز، ۱۴۰۱: ۵۷)؛ به عبارتی، دامنه و برد روش بوروکراتیک، محدود است و سازمان‌های اداری را در هزرتوی ساختارها و فرایندهای متداخل و پیچیده گیر می‌اندازد و برای استانداردسازی فرایندهای اداری، از نوآوری و خلاقیت دوری می‌جوید (مبصر و الوانی، ۱۳۹۲: ۳۰). ساختار اداره بوروکراتیک، تحت تسلط فرایندهاست و به نتایج و برون‌دادهای خود توجهی ندارد. عملکرد خوب در این روش، یعنی اطاعت محض از قوانین و مقررات. این روش تلاش می‌کند تا همه چیز را کنترل کند و در این مسیر، آن‌چنان به صدور مقررات و دستورالعمل و بخش‌نامه اشتغال می‌یابد که از فکر به دست آوردن نتایج اثربخش مستغنی می‌شود (مبصر و الوانی، ۱۳۹۲: ۶۵). می‌توان گفت که «متصدیان مشاغل دولتی، مایل‌اند از قوانین و آیین‌نامه‌ها، به صورت سپری در برابر سرزنش‌هایی که ممکن است در اثر اشتباه‌ها و خطاهای آنان از طرف افراد، گروه‌ها و مؤسسه‌های دیگر صورت گیرد؛ استفاده کنند؛ به این دلیل، از هرگونه تخطی از رویه‌ها، شیوه‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها، تازمانی که مافوق آن‌ها بخش‌نامه جدیدی ابلاغ کند، پرهیز می‌کنند.» (دانایی فرد و الوانی، ۱۳۹۹: ۱۲۹-۱۲۸)

یکی دیگر از معایب فرایندهای اداری بوروکراتیک، سازمان‌دهی تقلیل‌گرایانه و جزئی وظایف و امور است؛ بر اساس این سامان‌دهی، هر اداره و واحد اداری، صرفاً وظایف قانونی خود را انجام داده و تنها دل‌مشغول دست‌یابی به اهداف سازمانی خویش است (دانایی فرد و الوانی، ۱۳۹۹: ۱۵). پیامد این سازمان‌بندی، غفلت از نگرش کل‌نگر و فهم هدف‌های عمومی و کلی نظام جامعه است و موجب می‌شود که با مسئله‌ای مانند تولید، به صورت جزیره‌ای جدا افتاده از دیگر مسائل جامعه برخورد شود. برای رفع این مشکل هم

ساختارهای جدید و هماهنگ ساز - مانند شوراهای عالی در موضوعات مختلف - ایجاد می‌گردد که خود این سازمان‌های جدید، سبب افزایش فرایندهای بوروکراتیک و گسترش بی‌دلیل ابعاد دولت می‌شود (دانایی فرد و الوانی، ۱۳۹۹: ۱۵). حتی عده‌ای بر این عقیده‌اند که این جداسازی و تفکیک جزیره‌ای وظایف موجب شده که کارمندان اداری، به جای آنکه نگران منافع عمومی و وضعیت نظام سیاسی باشند؛ دل مشغول منافع و ترجیحات شخصی خویش باشند و برای تأمین و ارضای آنان، به افزایش بودجه و توسعه سازمان، اقدام کنند (کریمی و واعظی، ۱۴۰۱: ۶)؛ به همین دلایل، روش بوروکراتیک اداره دولتی، کارایی و تأثیر مثبت سابق خویش را از دست داده است (کریمی و واعظی، ۱۴۰۱: ۸۴).

۱-۳) رد پای روش بوروکراتیک در نظام اداری ایران

مبتنی بر پژوهش‌های صورت‌گرفته در نظام اداری ایران، از سطح وزارت خانه تا مراتب اداری پایین‌تر، سلسله‌مراتب شدید اداری حکم فرماست؛ به نحوی که مدیران میانی و کارمندان، حداقل نقش را در تصمیم‌گیری‌ها داشته و برای انجام اکثر امور، باید از مقامات عالی‌رتبه کسب تکلیف کنند (فقیهی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴). این مسئله در بخش تولید معضل بغرنجی است؛ چرا که هم موجب هدررفت زمان در انجام امور مرتبط با تولید که گاه مستلزم انجام سریع و فوری هستند، شده و هم تأخیر بسیار مخربی را در اتخاذ تصمیم و انجام تصمیم اداری را ایجاد می‌کند که ممکن است خسارات زیادی را با خود به همراه داشته باشد؛ همچنین، یکی دیگر از معایب نظام اداری بوروکراتیک ایران، عدم صراحت و شفافیت در تقسیم وظایف و موازی‌کاری‌های همپوشان است. این موازی‌کاری‌ها، یکی از عمده مصائب نظام اداری کشور و مانع عظیمی در راه رونق تولید به حساب می‌آید (فقیهی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴). از همه مهم‌تر، گویا ساختارهای اداری هر وزارتخانه و سازمان کل در یک راستا و ذیل برنامه‌های مدون بلندمدت، نظم و نسق نیافته است؛ بدین معنی که با تغییر مدیران ارشد و رده بالای اداری، تغییرات شدیدی در کارمندان و سمت‌های اداری رخ می‌دهد و سمت‌های جدیدی ایجاد می‌گردد که نه قلمروی عملکردی آن‌ها مشخص است و نه وظایف معینی برای آنان تعریف گشته

است. این مسئله، هم هزینه‌های نظام اداری و بودجه کشور را افزایش می‌دهد، هم سبب عدم ثبات و پایداری نظام اداری می‌گردد که به نحو شدیدی در تمام امور تولیدی کشور، تأثیر مخرب مستقیمی می‌گذارد و هم خود نوعی فساد است. این که «با تغییر هر وزیر، ساختار هم تغییر می‌کند» (فقیهی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵)، نمایانگر غلبه رویکرد نظام تاراج‌گنایم است که در آن، هر صاحب‌منصبی، به نزدیکان و هم‌مسلمان خود، خارج از ضوابط شایسته‌سالاری و اداری، پست و مقام اعطا می‌کند.

برای روشن‌تر شدن وضعیت نامناسب نظام اداری تولید در کشور، کافی است که به فرایندهای نظام بانکی، به عنوان مهم‌ترین اداره کشور در تأمین مالی تولید، توجه شود. بانک‌ها، مجریان اجرای سیاست‌های پولی و مالی کشور هستند که سامان‌دهی آن‌ها برای تولید، حساس و حیاتی است. «دست‌کاری در فرمول و نرخ‌گذاری سود تسهیلات، جابه‌جایی سرفصل اعتبارات، عدم رتبه‌بندی اعتباری مشتریان و اعطای اعتبارات بر اساس نفوذ یا بیش‌ترین منفعت برای مدیران بانک‌ها، از جمله سازوکارهایی است که بوروکرات‌های بانکی در قبال سیاست‌های حمایتی مصوب در پیش نمی‌گیرند و در نتیجه، خط‌مشی مصوب مقامات پولی، به ظاهر ابلاغ می‌شود؛ اما به تحقق اهداف نمی‌انجامد.» (خاندوزی و کاویانی، ۱۳۹۵: ۳۵) این مختصر، تا حدودی معایب نظام اداری بوروکراتیک کشور که به شدت در تولید تأثیر مستقیم و مخربی دارد را آشکار ساخت و شمایی کلی از وضعیت نامناسب ارتباط نظام اداری و تولید را ترسیم نمود؛ اما جدای از ساختار اداری، قوانین و مقررات موجود هم خود فرایندهای بوروکراتیک را ایجاد یا تشدید ساخته و تولید را با مشکلات بسیاری مواجه می‌سازند؛ از همین رو، ضروری است که قوانین و مقررات مهم حوزه تولید، از منظر ایجاد موانع بوروکراتیک، آسیب‌شناسی گردند و تحلیل شوند؛ به همین سبب در ادامه سعی می‌شود که ارتباط مهم‌ترین قوانین و مقررات حوزه تولید با فرایندهای بوروکراتیک، نسبت‌سنجی و تحلیل شوند و عمده‌معایبی که ایجاد می‌کنند، شناسایی گردند.^۱

۱. برای رعایت اختصار و پرهیز از اطناب، تنها نمونه‌های بارزی از مصادیق قانونی، تحلیل و بررسی می‌گردند و مصادیق دیگر در پانویست ذکر می‌گردد.

۱-۳-۱) مسئله هماهنگی سازمان‌های اداری

قوانین و مقررات موجود در بخش تولید، برای حمایت و تسهیل فعالیت‌های تولیدی کشور، احکام و فرامینی را صادر و تسهیلاتی را پیش‌بینی می‌نمایند. انجام و اجرای این احکام و اعطای تسهیلات به تولیدکنندگان، از سوی سازمان‌های اداری مرتبط صورت می‌پذیرد و به عبارتی قانون‌گذار به نظام اداری دستور می‌دهد که احکام مرتبط با تولید را اجرا و تسهیلات پیش‌بینی شده را به مشمولان قانون، اعطا نماید؛ اما در بسیاری از موارد، این احکام و تسهیلات در قلمروی وظایفی چند سازمان و اداره قرار دارد که معضل هماهنگی در تصمیم‌گیری و اجرا را ایجاد می‌سازد؛ برای نمونه، ماده ۲۸ «قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی»، منابع مالی و شرایط تأمین مالی مورد نیاز برای اجرای سیاست‌های کلی اصل مذکور را معین نموده است؛ اما در بندهای سه‌گانه آن، پنج نهاد اداری مکلف به انجام دستورات ماده شده‌اند: دولت، وزارت اقتصاد و دارایی، بانک مرکزی، هیئت امنای حساب ذخیره ارزی و بانک‌های عامل داخلی. این تعدد نهادهای اداری، هرچند همه در یک قلمروی موضوعی واحد فعالیت می‌کنند؛ هماهنگی برای اجرای مفاد ماده را با مشکل جدی متوجه می‌سازد. ماده ۱۴ «قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن»، برای حمایت از احداث مسکن و تأمین مالی تولید مسکن، وزارت امور اقتصاد و دارایی، بانک مرکزی و وزارت راه و شهرسازی را موظف نموده است که اقدامات متعددی انجام دهند. نتیجه اجرای این ماده، به احتمال زیاد، ایجاد شورای هماهنگی تأمین مالی تولید مسکن و افزایش هزینه‌های دولت خواهد بود.

مواد ۱ تا ۴ «آیین‌نامه اجرایی بند (ت) ماده (۳۸) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور»، برای ترخیص کالاهای مورد نیاز واحدهای تولیدی، فرایندی سه‌مرحله‌ای را برای ترخیص با اسناد حداقلی، پیش‌بینی کرده است. در ظاهر، امکان ترخیص کالاهای مورد نیاز تولید با اسناد اندک، هم باعث کاهش فرایندهای اداری شده و هم حمایت مناسبی برای تولید به حساب می‌آید؛ اما هنگامی که پای اداره بانک و اداره گمرک، به عنوان متولیان این حکم، به میان آید؛ حمایت تبدیل به مانع می‌گردد. این که تولیدکننده ابتدا باید با بانک جهت توافق بر سر تسویه ریالی وارد مذاکره گردد، پس از آن به گمرک مراجعه کند و

مجوز ترخیص را اخذ نماید و بانک‌ها باید، صحت تعهدات و اسناد مالی تولیدکنندگان را در درگاه گمرک تأیید نمایند؛ خود معضلی بزرگ و زمان‌بر برای تولید است.^۱ مبتنی بر وضعیت کشور و پیچیده‌تر شدن امور مختلف، بدیهی است که موضوعی واحد در قلمروی وظایف چند اداره و سازمان باشد. قانون‌گذار هم ناچار است که برای رتق وفتق امور کشور و تولید مملکت، تمام نهادهای مربوط را به کار گیرد؛ اما هماهنگی میان این نهادها نیز باید دغدغه قانون‌گذار و نظام اداری باشد. عدم هماهنگی نظام اداری، پیامدهای متفاوتی با خود دارد؛ از یک طرف، می‌تواند خلل‌های جدی برای تولید ایجاد نماید و آن را متوقف سازد؛ از طرفی، هزینه‌های زیادی بر عهده تولیدکنندگان گذارد و موجب فوت فرصت و ایجاد خسارت گردد؛ از طرف دیگر، می‌تواند به بزرگ‌تر شدن دولت و افزایش بودجه اداری منجر شود. نمونه بارز این مورد، ایجاد شوراهای هماهنگی متعدد در نظام اداری کشور، حول موضوعات مختلف است.^۲ این شوراها، هم بار مالی و هزینه‌های دولت را افزایش می‌دهند و هم موجب سردرگمی و ابهام در رویه‌های اجرایی کشور می‌گردند؛ به نحوی که تصمیمات شوراهای متعدد، می‌تواند در تعارض با هم قرار گیرد، برای حل این تعارض باز شورای جدیدی تأسیس گردد، موضوع واحد به چند نهاد سپرده شود، موازی‌کاری شدیدی شکل بگیرد و در نهایت، تولید کشور تعطیل شود.

۱-۳-۲) زمان طولانی فرایندهای بوروکراتیک

یکی دیگر از آسیب‌های روش بوروکراتیک که برخاسته از محور سلسله‌مراتبی بودن روش بوروکراتیک نظام اداری است، طولانی بودن زمان انجام فرایندهای اداری است. در جهان فعلی که رشد فناوری، سرعت تغییرات را به حداقل ممکن رسانده است. سرعت اقدام، برای هرگونه فعالیت تولیدی، مؤلفه بسیار مهمی است؛ حال آنکه نظام

۱. مصداق‌های دیگری نیز از مسئله هماهنگی نظام اداری، در قوانین و مقررات موجود است؛ «بخش نامه بانک مرکزی در خصوص شیوه‌نامه اجرایی فاکتورینگ به منظور تبیین ضوابط و مقررات اجرایی در فرآیند پذیرش مطالبات قراردادی»، یکی از مقررات مهم برای تولیدکنندگان در ارتباط با نظام بانکی است که عدم هماهنگی میان نهادهای متولی آن، خسارات بسیاری به تولیدکنندگان وارد می‌سازد.

۲. آخرین نمونه تأسیس مصداق از این نوع شوراها، «شورای ملی تأمین مالی» موضوع ماده ۲ «قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها» می‌باشد.

اداری بوروکراتیک، با ساختار سلسله‌مراتبی و متمرکز، خود مانع بزرگی برای اقدامات سریع اقتصادی است. اتخاذ هرگونه تصمیم در مورد تولید در این سلسله‌مراتب، باید از عالی‌ترین مقام ناشی گردد و تا به مرحله اجرا برسد، می‌تواند موجب خسارات بسیاری به تولید گردند. جدای از این آسیب ذاتی روش بوروکراتیک، واضع قانون هم توجهی به اصل سرعت در اقتصاد ندارد و فرایندهای زمان‌بر بوروکراتیک را ایجاد یا تشدید نموده است؛ به عنوان مثال، مطابق ماده ۵۲ «قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور»، مرجع صالح صدور مجوز تغییر کاربری اراضی کشاورزی، موظف به اعلام نظر ظرف یک ماه است. در ادامه ماده بیان داشته است که «در صورت عدم پاسخ در مهلت مقرر، احداث یا توسعه واحدهای مذکور در اراضی دیم درجه چهار و بالاتر که امکان تبدیل آن به کشت آبی نباشد با رعایت ضوابط زیست‌محیطی و پس از تأیید وزارت جهاد کشاورزی و پرداخت عوارض قانونی بلامانع است». جدای از نقص ماده، از منظر تعیین ضمانت اجرای عدم انجام حکم ماده از سوی مرجع صدور مجوز، روش جایگزین در صورت عدم اعلام نظر مرجع، زمان صدور مجوز برای فعال اقتصادی بخش کشاورزی را طولانی‌تر می‌کند و موجب فوت فرصت می‌شود. ماده ۳ «آیین‌نامه اجرایی ماده (۵۲) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» و تبصره‌های آن در مقام توضیح حکم ماده ۵۲، فرایند صدور مجوز را پیچیده‌تر و بالطبع، طولانی‌تر نموده است. متقاضی تغییر کاربری ابتدا باید گواهی شرکت آب منطقه‌ای، مبنی بر عدم امکان تأمین آب موردنیاز برای کشاورزی، را اخذ، سپس درخواست خود را به مدیریت امور اراضی استان ارائه نمایند. تبصره ۱ این

۱. تبصره ۱ ماده ۱ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها: «تشخیص موارد ضروری تغییر کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها در هر استان به عهده کمیسیون مرکب از رئیس سازمان جهاد کشاورزی، مدیر امور اراضی، رئیس سازمان مسکن و شهرسازی، مدیرکل حفاظت محیط زیست آن استان و یک نفر نماینده استاندار می‌باشد که به ریاست سازمان جهاد کشاورزی تشکیل می‌گردد. نماینده دستگاه اجرایی ذی‌ربط می‌تواند بدون حق رأی در جلسات کمیسیون شرکت نماید. سازمان جهاد کشاورزی موظف است حداکثر ظرف مدت دو ماه از تاریخ دریافت تقاضا یا استعلام مطابق نظر کمیسیون نسبت به صدور پاسخ اقدام نماید. دبیرخانه کمیسیون فوق در سازمان‌های جهاد کشاورزی استان‌ها زیر نظر رئیس سازمان مذکور تشکیل می‌گردد و عهده دار وظیفه دریافت تقاضا، تشکیل و تکمیل پرونده، بررسی کارشناسی اولیه، مطرح نمودن درخواست‌ها به نوبت در کمیسیون و نگهداری سوابق و مصوبات می‌باشد.»

ماده هم فرایند جایگزین برای صدور مجوز را مطابق ماده ۵۲ «قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور»^۱ مشخص نموده است.^۲

۱-۳-۳) تمرکزگرایی بوروکراتیک

اگر تمرکز دولت بر ارائه مستقیم خدمات گوناگون و دخالت حداکثری در جامعه باشد؛ نظام اداری بوروکراتیک، مناسب‌ترین ساختاری است که به آن یاری می‌رساند. خط مشی‌های اقتصادی در یک سازوکار کنترل شده، از بالا به پایین، تعیین و برای اجرا ابلاغ می‌گردد و اختیار مدیران و کارمندان را تا میزان زیادی، محدود می‌کنند (Denhard & Denhard, 2000: 551)؛ همچنین نظام اداری بوروکراتیک در تلاش است تا به نسخه‌ای بسته از سازمان یا سیستم تبدیل شود که مشارکت شهروندان در آن به حداقل می‌رسد. مدیران حرفه‌ای نقشی در سیاست‌گذاری‌ها و اداره امور ندارند و وظیفه آنان صرفاً اجرای اهداف معین منطبق با احکام قانونی است (Denhard & Denhard, 2000: 552)؛ بنابراین، یکی از ویژگی‌های منفی روش بوروکراتیک اداره، تمرکزگرایی شدید است که ساختار سلسله‌مراتبی دقیق و منسجمی را برای تأمین این تمرکزگرایی، ایجاد می‌کند؛ حال آنکه که در جهان چندبعدی و پیچیده امروز، نیاز است که برای تصمیم‌گیری و اقدام در مورد موضوعات مختلف، شرکا و ذی‌نفعان آن در تعامل تنگاتنگ با یکدیگر قرار داشته باشند و هر نوع تصمیم‌گیری، بر مبنای مشارکت همه‌جانبه طرف‌های یک مسئله صورت پذیرد. تمرکزگرایی برخاسته از روش بوروکراتیک، باعث می‌گردد که سیاست‌گذاری‌ها و خط‌مشی‌های گوناگون، مانند سیاست‌های اقتصادی، داخل دولت و تنها از منظر دولت،

۱. تبصره ۱: «در صورتی که مرجع صدور مجوز تغییر کاربری پس از تکمیل پرونده ظرف یک ماه نسبت به اعلام نظر در خصوص احداث یا توسعه واحدهای صنعتی و معدنی اقدام ننماید، مدیریت امور اراضی استان موظف است پس از اخذ نظریه مؤسسه تحقیقات خاک و آب در خصوص درجه‌بندی زمین مورد نظر تعیین تکلیف نموده و در صورتی که از نوع اراضی دیم درجه (۴) و بالاتر که امکان تبدیل آن به کشت آبی نیست، باشد با رعایت ضوابط زیست محیطی و اخذ عوارض قانونی مربوط نسبت به صدور مجوز اقدام نماید.»

۲. مصادیق دیگر این آسیب در قوانین حوزه تولید، یکی ماده‌ی ۳ «قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها» و تبصره‌ی ۱ آن ماده است؛ مورد دیگر، تبصره ۱ بند ب ماده ۵ «قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی» است و مواد ۱۲ تا ۱۴ «قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی» نیز، این آسیب را با خود به دوش می‌کشند.

به عنوان سیاست‌گذار و مدیر جامعه، ترسیم و تعیین گردد و واقعیت‌های انضمامی و شرایط واقعی حاکم بر جامعه و اقتصاد، به میزان زیادی، نادیده گرفته شود؛ همچنین، مدیران میانی و کارمندان ادارات مختلف با افراد متقاضی و تولیدکنندگان بخش‌های مختلف، مواجهه دارند و با واقعیت‌ها و نیازهای تولیدکنندگان آشنایی دارند؛ اما آنان هیچ تأثیری در شکل‌گیری سیاست‌ها و تصمیم‌ها ندارند و اطلاعات آنان باید صرف تفسیر و اجرای قواعد رأس هرم نظام اداری گردد؛ قوانین و مقررات تولید هم این تمرکزگرایی را پذیرفته و به آن دامن زده‌اند. تبصره ۱ ماده ۱۲ «قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور»، تعیین ضوابط توجیه فنی و اقتصادی و زیست محیطی طرح‌های تولیدی و نحوه حمایت دولت از این طرح‌ها را در اختیار شورای اقتصاد، گذاشته است؛^۱ همچنین تبصره ۸ همین ماده، مقرر داشته است که «به منظور کاهش هزینه‌ها و تشویق به کاهش مصرف در کالاها و خدمات یارانه‌ای، به وزارتخانه‌های مذکور و شرکت‌های تابعه و وابسته ذی‌ربط به آن‌ها در این ماده، اجازه داده می‌شود با تصویب شورای اقتصاد مصارف کمتر از حد معین، آب، برق، گاز، فرآورده‌های نفتی و سایر کالاها و خدمات یارانه‌ای را با توجه به فصل، منطقه جغرافیایی، نوع مصرف و مصرف‌کنندگان، متناسب با کاهش مصرف به حداقل قیمت یا صفر کاهش دهد.» پیدا است که تصمیم‌گیری‌های عمده در موضوع تولید کشور در دستان شورای اقتصاد است که اعضای آن همگی از بدنه حاکمیت سیاسی کشور تعیین شده‌اند و هیچ نماینده‌ای از بخش خصوصی در آن حضور ندارند؛ علاوه بر این، «قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی» در بند ب ماده ۴، مقرر داشته است که دستگاه‌های اجرایی، «استاندارد مورد نظر کالا و خدمات مورد نیاز خود را تعیین و در سامانه موضوع این ماده اعلام کنند و در صورت عدم وجود استاندارد مدون، پیشنهاد تدوین یا انطباق آن را به سازمان ملی استاندارد ارائه کنند.» تبصره این بند، نیز به صراحت اعلام کرده است:

۱. تبصره ۱: «توجیه فنی و اقتصادی و زیست محیطی، زمان بندی اجراء و بازپرداخت و سقف تعهد دولت در هر یک از طرح‌هایی که نیاز به تعهد دولت دارد با پیشنهاد وزارتخانه ذی‌ربط به تصویب شورای اقتصاد می‌رسد. شورای اقتصاد مکلف است حداکثر تا مدت یک ماه پس از وصول هر طرح به دبیرخانه آن، رسیدگی و تعیین تکلیف کند.»

«در صورتی که دستگاه‌های موضوع ماده (۲) این قانون، استانداردهای مورد نظر خود را به صورت غیرمستعارف تعیین کنند با اعتراض تشکل تخصصی سازندگان و پیمانکاران طراحی، تدارک و ساخت، موضوع، به سازمان ملی استاندارد ایران ارجاع می‌شود تا با بررسی موضوع با همکاری طرف‌های ذی‌نفع و سایر دستگاه‌های مربوط، حداکثر ظرف مدت یک ماه اتخاذ تصمیم نماید. تصمیم سازمان ملی استاندارد برای دستگاه‌های موضوع ماده (۲) این قانون لازم‌الاجرا است.»؛ علاوه بر معضلات عدم هماهنگی و فوت فرصت در فرایند اعتراض و حل اختلاف، قانون‌گذار به این نکته پی برده است که ممکن است ضوابط تعیین شده از سوی ساختار تمرکزگرای دستگاه‌های اجرایی، خلاف قاعده و غیرمستعارف باشد؛ اما هرگز به این فکر نکرده است که تشکل‌های تخصصی سازندگان و پیمانکاران را در تعیین این استانداردها مشارکت دهد و سازمان‌ها را مکلف به کسب نظر از آنان نماید؛ به این ترتیب، هم نیاز به پیش‌بینی فرایند حل اختلاف نبود و هم هزینه‌ها و زمان بسیاری مصرف نمی‌شد؛ بنابراین، نظام اداری ایران، هم در ساختار سازمانی خویش و هم در قوانین و مقررات حاکم بر خود، به شدت از روش بوروکراتیک بهره برده و ویژگی‌های آن را به انحای مختلف در ادارات گوناگون، پیاده و نهادینه ساخته است. همان‌گونه که بیان شد، این ویژگی‌ها برای بخش تولیدی کشور نیز مانع بزرگی هستند و از رونق و رشد آن جلوگیری می‌کنند؛ از همین رو، یکی از مصادیق شعار «سرمایه‌گذاری برای تولید»، می‌تواند اصلاح نظام اداری در بخش مرتبط با تولید باشد که هم موانع تولید را رفع نماید و هم بستر رشد تولید و اقتصاد کشور را فراهم سازد؛ در نتیجه در بخش بعدی این پژوهش، سعی می‌گردد نظریه‌های مصلح روش بوروکراتیک اداره، تحلیل گردد و شاخصه‌های آن معرفی گردد و در باب کاربردی آن بر بخش اقتصادی -

۱. یکی دیگر از مصادیق تمرکزگرایی شدید نظام اداری تولید در قوانین، ماده ۴۰ «قانون حمایت از مالکیت صنعتی» است که مقرر داشته است: «برای تشخیص هریک از موارد مندرج در بندهای (۱) تا (۳) ماده (۳۹) این قانون، موضوع در هیئتی مرکب از رئیس مرجع ثبت، بالاترین مقام دستگاه اجرایی ذی ربط (یا نمایندگان هریک از آن‌ها) و یکی از قضات متخصص در این امر با انتخاب رئیس قوه قضائیه، مطرح می‌شود. در صورت موافقت آن هیئت، دستگاه اجرایی یا اشخاص معین، بدون نیاز به موافقت مالک اختراع، از آن بهره برداری می‌کنند. به منظور انجام تمام وظایف اداری هیئت موضوع این ماده، دبیرخانه‌ای تحت ریاست رئیس مرجع ثبت در آن مرجع تشکیل می‌شود.»

تولیدی نظام اداری، فکر شود. نظریه مدیریت عمومی نوین، می‌تواند به عنوان راهکاری برای آسیب روش بوروکراتیک اداره در تولید، به کار آید و تا حدودی، موانع اداری موجود بر سر راه تولید را رفع نماید.

۲) مدیریت عمومی نوین؛ درمان بیماری روش بوروکراتیک در تولید

بوروکراسی که روش سنتی مدیریت دولتی به حساب می‌آید، بر این فرض استوار است که هسته اصلی حیات سیاسی - اداری حاکمیت، وضع قانون، تفسیر قانون و اجرای قانون است. مدیران دولتی در اجرای قانون، بر مبنای سلسله مراتب، قوانین و اصول حاکم بر خدمات عمومی، مانند اطمینان، سازگاری، پیش‌بینی‌پذیری و پاسخ‌گویی عمل می‌کنند تا منافع عمومی را تأمین نمایند (Pratt, 2006: 141). این روش سازمان‌بندی نظام اداری، برای دورانی که فناوری، هنوز ثانیه به ثانیه موجب تغییر جهان و جوامع نشده بود، کارا و مفید و مؤثر بود. در جهان کنونی، فرایندهای پیچیده‌تری از تعاملات شکل گرفته است و طیفی از مشارکت‌کنندگان مختلف که استقلال بیشتری از دولت دارند ظهور کرده‌اند. این وضعیت جدید، روش جدیدی برای حکمرانی طلب می‌کند. روشی جدید که در آن شبکه‌های مستقل و خودمختار در آن نقش مهمی ایفا می‌کنند و راهکاری مناسب برای غلبه بر محدودیت‌های مبادله کالاها و خدمات در بازارهای بی‌ثبات تلقی می‌شوند. این نظام ارتباط شبکه‌ای، وسیله‌ای برای برنامه‌ریزی و مدیریت بر مبنای همکاری و پیوندهای افقی میان نظام اداری و ذی‌نفعان است (Dickinson, 2016: 504)؛ بنابراین وضعیت جدید، نظریه مدیریت عمومی نوین، برای پاسخ‌گویی به اقتضائات واقعیات انضمامی حاکم بر جوامع سیاسی، ظهور نمود. اگر پذیرفته شود که بوروکراسی، یک روش است که ادارات بر مبنای شاخصه‌های آن، سامان‌دهی شده و جامعه و اقتصاد را به نحو بوروکراتیک، اداره می‌کنند؛ مدیریت عمومی نوین، خود روشی جدید است که می‌توان با کاربست آن، سامان‌دهی نظام اداری را تغییر داده و معایب روش بوروکراتیک اداره را اصلاح و تعدیل نمود

(Lane,2000:6). مدیریت عمومی نوین، یک آرمان بنیادین دارد، آن هم افزایش کارایی در ارائه کالاهای عمومی^۱ و خدمات عمومی^۲ است؛ چنان‌که بند ۱۲ «سیاست‌های کلی نظام اداری» ابلاغی از جانب رهبری، «توجه به اثربخشی و کارایی در فرایندها و روش‌های اداری به منظور تسریع و تسهیل در ارائه خدمات کشوری» را به عنوان یکی از سیاست‌های مهم در سازمان‌دهی نظام اداری کشور، بیان نموده است. در نظریه سازمان‌ها، کارایی هم در نسبت با خود سازمان و هم در رابطه با جامعه سنجیده می‌شود؛ به عبارتی در نظریه سازمان‌ها، کارایی داخلی، به معنای بهره‌وری فعالیت‌ها در قالب رابطه میان ورودی‌ها^۳ و خروجی‌ها^۴، از کارایی بیرونی، به مفهوم تأثیر فعالیت‌ها و عملکردهای سازمان که دارای مزایایی برای دیگران (شهروندان) است؛ تفکیک می‌گردد؛ درحالی‌که روش بوروکراتیک، تنها به کارایی درونی نظر دارد و سعی در دستیابی به آن دارد؛ نظریه مدیریت عمومی نوین در پی دستیابی به هر دو معنا از کارایی است (Lane,2000:62). این نظریه برای دستیابی به این هدف، ابزارهای مختلفی را برای اصلاح نظام اداری دولت پیشنهاد می‌کند؛ ابزارهایی از قبیل خصوصی‌سازی، قراردادگرایی، ادغام شرکت‌های دولتی، برون‌سپاری و غیره (Lane,2000:60). معیارهایی که ماده ۱۰۵ «قانون برنامه پنج‌ساله پیشرفت جمهوری اسلامی ایران» با عبارت «ارتقای بهره‌وری نظام اداری، کاهش هزینه‌های جاری و چابک‌سازی، هوشمندسازی، منطقی‌سازی و متناسب‌سازی اندازه دولت، مبتنی بر نقش دولت در سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری و کاهش تصدی‌گری»، سعی کرده است با انجام اقدامات متعددی، نظام اداری و ساختار دولت را بر مبنای آنان، اصلاح کند. روش بوروکراتیک اداره، با استفاده از قوانین و مقررات عام، به وسیله ارتشی از کارمندان و کارشناسان اداری، نظم را برقرار می‌سازد و جامعه را مدیریت می‌کند؛ درحالی‌که مدیریت عمومی نوین، از قراردادهای پیمانکاری استفاده می‌کند تا کارایی و پویایی

1. - Public Goods

2. - Public Service

3. - Input

4. - Output

افزایش یابد؛ همچنین الگوی ساختاری روش بوروکراتیک، سازمان دهی سلسله مراتبی اجرایی از بالا به پایین و هدایت و نظارت متمرکز رأس سلسله بر مراتب پایین تر است؛ اما مدیریت عمومی نوین، سعی می‌کند کارایی در ارائه خدمات را به وسیله شبکه‌ای از روابط قراردادی، تضمین نماید (Lane, 2000: 65). مدیریت عمومی نوین نیز به مانند بوروکراسی، مبانی، مؤلفه‌ها و پیامدهای مخصوص به خود را دارد که در ادامه سعی می‌گردد به نحو واضح آنان را تحلیل نمود تا سازوکار اصلاح نظام اداری در بخش تولید، روشن گردد.

۲-۱) بنیادهای اقتصادی مدیریت عمومی نوین

برای کوچک کردن اندازه و کاهش هزینه‌های دولت، دولت‌ها تصمیم گرفتند که نظام اداری خود را بازسازی کنند و روش حاکم بر آن را تغییر دهند؛ به همین دلیل، روش‌ها و تکنیک‌های مدیریتی جدیدی معرفی شدند که از بخش خصوصی سرچشمه گرفته‌اند (van Thiel and Others, 2007: 90)؛ همچنین برای افزایش کارآمدی دولت‌ها، سازوکارهای بازار، مانند بازارهای داخلی در بخش دولتی، سرمشق قرار گرفتند؛ علاوه بر این، همکاری با بخش خصوصی، هم در قالب مشارکت‌های دولتی - خصوصی و هم از راه برون سپاری وظایف عمومی، افزایش یافت. این تغییرات، مستلزم ایجاد رویه‌های جدیدی برای مدیران حرفه‌ای، اعطای انعطاف‌پذیری، استقلال در مدیریت و مسئولیت‌پذیری بیش‌تری به آن‌ها است (van Thiel and Others, 2007: 91)؛ همچنین الگوی جدید، سعی می‌کند که شهروندان را به عنوان مشتری کالاها و خدمات عمومی شناسایی کند؛ تا هم به نحو مناسب‌تری، پاسخ‌گوی نیازهای شهروندان باشد، هم بستری برای مشارکت آنان در ارائه و تأمین خدمات عمومی فراهم سازد؛ چراکه مشتری می‌تواند وضعیت و کیفیت خدمات ارائه شده را بسنجد و عملکرد ادارات را ارزیابی نماید و در صورت عدم رضایت از خدمات، اداره را با پیامدهای منفی مواجه سازد (van Thiel and Others, 2007: 94)؛ پیامدهایی از قبیل ارزیابی ضعیف عملکرد اداره در مجموع، ازدست رفتن مشتری و به تبع آن، کاهش ورودی مالی برای اداره.

مدیریت عمومی نوین، بر این دلالت دارد که بخش عمومی، از بخش خصوصی، متمایز و جدا نیست. فرض این نظریه بر این است که مدیران دولتی، به مانند فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان، باید کارآفرین باشند و برای دستیابی به منافع عمومی، همانند فعالان بخش خصوصی تلاش کنند؛ چنان‌که، ماده ۵ «قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران» با عنوان مردمی‌سازی اقتصاد، به منظور «جلب مشارکت بخش خصوصی و کاهش تصدی‌های دولت و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی»، احکام مفصلی را مقرر داشته است که می‌توان آن را در رابطه با تغییر الگوی رفتار دولت در اقتصاد و تولید و نزدیک کردن نظام اداری تولید به بخش خصوصی، فهم کرد؛ به همین دلیل، مدیریت عمومی نوین خواهان این است که به مدیران حرفه‌ای نظام اداری، صلاحیت‌های اختیاری و انعطاف‌پذیری لازم، برای دستیابی و سنجش منافع حوزه عملکرد خود داشته باشند و کارایی را بهبود بخشند (Lynn, 2006: 142)؛ بدین‌گونه می‌توان «چابک‌سازی، متناسب‌سازی و منطقی ساختن تشکیلات نظام اداری در جهت تحقق اهداف چشم‌انداز» که در بند ۱۰ «سیاست‌های کلی نظام اداری» مقرر شده است را اجرایی نمود.

مبتنی بر این نظریه، دولت به مثابه یک کارفرما، نه آن‌گونه که در شرایط عمومی پیمان پیش‌بینی شده است، بلکه به عنوان کارفرمایی مشابه کارفرمای بخش خصوصی، تعریف می‌شود. پیامد این نگاه این است که دیگر دولت در انعقاد قراردادهای خود، نمی‌تواند از حق اعمال حاکمیت مطلق خود استفاده نماید و تنها باید به مفاد و تعهدات قرارداد پایبند باشد؛ از همین رو در صورت بروز هرگونه مشکل در ایفای تعهدات قراردادی، می‌توان همانند بخش‌های خصوصی، علیه دولت، مبتنی بر قرارداد، طرح دعوی نمود؛ چنان‌که اختلافات قراردادی، نه با قدرت فائقه دولت، آن‌گونه که به عنوان مثال در شرایط عمومی پیمان مشخص شده است، بلکه در وضعیتی برابر و متداول، مانند اشخاص خصوصی، حل و فصل می‌گردند (Lane, 2000: 148). این وضعیت، نمود بند ۱۹ «سیاست‌های کلی نظام اداری»، مبتنی بر «زمینه‌سازی برای جذب و استفاده از ظرفیت‌های مردمی در نظام اداری»

است؛ بنابراین، یکی از پیامدهای این نظریه برای نظام اداری، این است که اصطلاح حکومت، جایگزین دولت می‌گردد؛ چراکه دولت دیگر خدمات مستقیم حداکثری ارائه نمی‌کند و به نحو فزاینده‌ای، دخالت مستقیم آن در امور اقتصادی جامعه، کاهش می‌یابد. زین پس دولت، نقش فرمان‌دهی بر پاروزدن را برعهده خواهد داشت و خود، پارو نمی‌زند. بازیگران و فعالان بخش خصوصی، انجام اموری که تحت اختیار دولت بود را انجام می‌دهند و دولت یا به عبارتی بهتر، حکومت، جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های کلی را تعیین می‌نماید (Lane, 2000: 104).

پس آنچه که مدیریت عمومی نوین منادی آن است، بازتعریف نقش و هدف دولت و به تبع آن، ظهور اهمیت بازار و ارزش‌های ابزاری آن در نظم بخشیدن به امور عمومی است (Ventris, 2000: 504). اجرا و پیاده‌سازی مدیریت عمومی نوین، ملازم تغییر در نقش مدیران دولتی است. برای آنکه بتوان به عملکردهای بهینه دست یافت، مدیران باید از رویه‌ها و مقررات دست‌وپاگیر اداری رها شوند؛ به عبارتی در یک فرایند متداخل، باید هم مقررات‌زدایی و هم تمرکززدایی صورت گیرد؛ یعنی قوانین و مقررات انبوه و مبهم، کنار گذاشته شود و دولت از اداره و تنظیم متمرکز ابعاد مختلف جامعه، من جمله تولید، دست بکشد (Kaboolian, 1998: 190)؛ از همین رو، مدیریت عمومی نوین، برای حلّ مشکل تورم قوانین، قرارداد را اصل و مبنای ارائه خدمات عمومی قرار می‌دهد. نظریه‌پردازان مدیریت عمومی نوین، باور دارند که نظام قراردادی می‌تواند هم در تخصیص منابع مالی و بودجه‌ای، هم در توزیع کالاها و خدمات و هم در تنظیم و نظارت بر امور عمومی، به کار گرفته شود و جایگزین قوانین و مقررات گردند. قرارداد، هم هزینه‌های دولت را کاهش می‌دهد؛ هم موجب افزایش کارایی می‌گردد و هم شفافیت در انجام امور را تأمین می‌نماید (Lane, 2000: 131). این نظریه تلاش می‌کند تا وضعیتی قراردادی ایجاد کند که در آن، ادارات، وظایف اداری، کارمندان و سایر موارد، به وسیلهٔ مجموعه‌ای از قراردادها، تنظیم و مدیریت شوند. قراردادها، نه تنها شامل ارائه خدمات می‌شوند، بلکه روابط استخدامی اداری را نیز در برمی‌گیرد؛ به همین دلیل، دولت باید، اختیارات متناسبی را به مدیران حرفه‌ای خود اعطا نماید تا آنان، هم توان

انعقاد قراردادهای مختلف را داشته باشند و هم برای اجرای قرارداد و نظارت بر آن، بتوانند به نحو مستقل و مستقیم، دخالت کند (Lane, 2000: 147)؛ بنابراین در این نظریه، قرارداد، جایگزین مقررات اداری می‌شود و روابط را سازمان می‌دهد.^۱

تمرکززدایی، یکی دیگر از محورهای اصلی مدیریت عمومی نوین است. این نظریه با اعطای اختیارات و مسئولیت‌های مدیریتی بیش‌تر به مدیران حرفه‌ای در سازمان‌های اداری، سعی می‌کند معضل تمرکزگرایی دولت را تعدیل نماید. نیاز به انعطاف‌پذیری، با پیچیده‌تر شدن جامعه، نمایان گردید. این نظریه سعی کرده است با تفویض اختیارات و تمرکززدایی اداری، هم انعطاف‌پذیری بیش‌تری برای مواجهه با مسائل پیچیده فراهم سازد و هم حاکمیت قانون و مسئولیت‌پذیری را تضمین نماید. در این وضعیت، قانون، ماهیت و فرایند ارائه خدمات را به طور دقیق معین نمی‌کند؛ بلکه قانون‌گذار به مدیران اجازه می‌دهد که مبتنی بر شرایط حاکم و واقعیات و نیازهای موجود، تصمیم مقتضی بگیرند و خدمات را متناسب با آن شرایط و تصمیم، ارائه دهند (Bourgon, 2007: 10).

بند ۱۱ «سیاست‌های کلی نظام اداری» که از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شده نیز، بر «عدم تمرکز اداری و سازمانی، با رویکرد افزایش اثربخشی، سرعت و کیفیت خدمات کشوری» تأکید و توجه نموده است. یکی از نمونه‌های تمرکززدایی و انعطاف‌پذیری در نظام اداری تولید کشور، شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی است که به وسیله ماده ۱۱ «قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار»، تأسیس شده است و وظایف و اختیارات آن، تا حدودی در جهت تمرکززدایی دولت در بخش اقتصاد است و با تقویت

۱. این‌که آیا استفاده و کاربرد قرارداد در تمام بخش‌های نظام اداری باید نهادینه گردد؛ مسئله‌ای نظری یا انتزاعی نیست. پاسخ و راه حل مناسب این پرسش را باید در نحوه نقش‌آفرینی دولت در جامعه و اقتصاد و اهداف تصدی‌گری آن، جست‌جو کرد؛ به عبارتی، دولت با اهداف گوناگون، و با نیت‌های مختلفی در امور جامعه دخالت می‌کند و تصدی امور را در دست می‌گیرد؛ گاهی به خاطر کسب سود، زمانی برای جبران ناتوانی بخش خصوصی برای انجام موضوعی، دخالت می‌کند؛ وقتی برای جلوگیری از بحران و خسارت و تامین نظم عمومی، در امور اجتماعی-اقتصادی دخالت نماید؛ به همین دلیل، لازم است برای پاسخ به چگونگی استفاده از قراردادها در نظام اداری، ابتدا به مسئله اقتصاد سیاسی و سیاست‌های اقتصادی دولت، پرداخته شود و جواب مسئله در آن‌جا پیدا گردد. این پژوهش تنها در پی معرفی روش مناسب برای اصلاح نظام اداری تولید، یا به عبارتی صرفاً قصد دارد که روشی را معرفی کند که برای بخش تولیدی نظام اداری، مفیدتر و مناسب‌تر از روش بوروکراتیک است و قصد تعمیم نظریه مدیریت عمومی نوین را به کل نظام اداری ندارد و حتی آن را به صلاح نمی‌داند که دلایل آن در این پژوهش نمی‌گنجد.

آن، می‌توان تا میزان بسیاری، مشکلات بوروکراتیک اداره تولید را رفع یا اصلاح نمود؛ حال باید به مؤلفه‌ها و شاخصه‌های نظریه مدیریت عمومی نوین پرداخت؛ تا هم پیامدهای آن برای نظام اداری مشخص گردد و هم امکان مقایسه آن با مؤلفه‌های روش بوروکراتیک اداره، فراهم شود.

۲-۲) مؤلفه‌های مدیریت عمومی نوین

گفته شد که اساس مدیریت عمومی نوین، بر کاهش یا حذف تفاوت‌های میان بخش دولتی و بخش خصوصی و تغییر جهت، از تأکید بر رعایت فرایندها، بر تأکید بر نتایج است (Hood, 1995:94)؛ بنابراین این نظریه، سعی دارد که از روش‌های مدیریت بخش خصوصی در نظام اداری عمومی - دولتی استفاده کند (van der Meer, 2006:166)؛ اما مدیریت عمومی نوین، برای اصلاح و بازسازی نظام اداری، مطابق با آرمان‌ها و مبانی خود، معیارها و مؤلفه‌هایی را تبلیغ می‌کند که با کاربست و اعمال آن‌ها در نظام اداری، معایب روش بوروکراتیک، با روش مدیریت عمومی نوین، کنار گذاشته می‌شود و اصلاح می‌گردد. موارد زیر را می‌توان، مهم‌ترین معیارهای مدیریت عمومی نوین به حساب آورد:

- مدیریت‌گرایی حرفه‌ای در بخش دولتی: به مدیران اختیار کنترل فعال و شفاف بر عملکردها داده شود؛ به عبارتی، اختیارات مناسبی به آنان تفویض گردد و صلاحیت‌های اختیاری، جایگزین صلاحیت‌های تکلیفی گردد؛ چنان‌که تضمین و تأمین پاسخگویی، مستلزم اعطای اختیارات شفاف برای مدیریت است (Hood, 1991:4)؛ به عبارتی «به مدیران، حق مدیریت اعطا گردد.» (Kolthoff and Others, 2007:400)
- تعیین استانداردها و معیارهای شفاف برای عملکرد: تعریف و تعیین اهداف، شاخص‌های موفقیت، آن‌هم به نحوی که قابلیت اندازه‌گیری کمی داشته باشند؛ چراکه پاسخگویی، مستلزم بیان واضح اهداف و کارایی ملازم با نگاه دقیق به اهداف است (Hood, 1991:4).

- تأکید اساسی بر کنترل و ارزیابی نتایج: نظام ارزیابی در این نظریه، سعی دارد نتایج را ارزیابی کند و آنان را از منظر مطابقت و موفقیت در رسیدن به اهداف تعیین شده، بسنجد (Lane, 2000: 170). ارزیابی‌ها، اغلب بر اندازه‌گیری عملکردها و مقایسه نتایج کمی با اهداف معین تمرکز دارند. منابع مالی - بودجه‌ای و پاداش‌های مالی و غیرمالی، متناسب با ارزیابی‌های مثبت از عملکردهای اداره، تخصیص داده می‌شود (Hood, 1991: 4)؛ از همین رو، مدیریت عمومی نوین، به شدت بر نتایج تأکید می‌کند و خواهان آن است که در نظام اداری، به جای رعایت فرایندها، به نتایج اعمال اداری توجه شود. ماده ۱۱۰ «قانون برنامه پنج ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران»، مقرر داشته است که «به منظور ارتقای نظام مدیریت عملکرد، مشتمل بر ارزیابی عملکرد سازمان، مدیران و کارکنان»، تمامی دستگاه‌های ارائه‌دهنده خدمات کشور، «بر اساس شاخص‌های سنجش کیفیت خدمات، قیمت تمام شده، سرعت ارائه و میزان الکترونیکی شدن خدمات و همچنین میزان رضایت مندی مردم از دریافت خدمات، و... به صورت سالانه ارزیابی و بر اساس نمره، رتبه‌بندی» شوند.
 - افزایش رقابت‌پذیری: ایجاد بستر رقابتی، هم میان سازمان‌های دولتی مختلف، هم میان سازمان‌های دولتی با بخش خصوصی (Hood, 1995: 97). این ویژگی را می‌توان با استفاده از قراردادهای مدت‌دار و مناقصه‌های عمومی شفاف در نظام اداری ایجاد نمود؛ چنان‌که رقابت، هم کلید کاهش هزینه‌ها و هم موجب کیفیت خدمات می‌گردد (Hood, 1991: 5).
 - کاربست روش‌های مدیریت بخش خصوصی: استفاده از ابزارهای تثبیت شده بخش خصوصی در نظام اداری، یکی دیگر از ویژگی‌های این نظریه است؛ روش‌ها و ابزارهایی مانند انعطاف‌پذیری بیش‌تر در استخدام، برقراری نظام پاداش مبتنی بر عملکردها، استفاده از قراردادها و غیره (Hood, 1991: 5).
- فی‌الجمله، مدیریت عمومی نوین یعنی، نتایج باید جایگزین فرایندها، به عنوان قلب نظام اداری، گردد. شهروندان، به عنوان مشتریان، باید نقش برجسته‌ای در تعریف و

ارزیابی عملکرد ادارات داشته باشند. قراردادهای کوتاه مدت و مبتنی بر عملکرد، باید بر یک پارچگی عمودی در تعریف مسئولیت‌ها و تضمین ارائه مؤثر و کارآمدتر خدمات و کالاها، اولویت داشته باشد. صلاحیت‌های اختیاری و انعطاف در تصمیم‌گیری‌ها، نه قوانین و مقررات متمرکز، باید قلمرو عملکردی مدیران را شکل دهند و در نهایت، تخصیص بودجه، باید شفاف و تحت تأثیر شناسایی، پیگیری و ارزیابی نتایج عملکردهای ادارات، صورت پذیرد؛ نه مبتنی بر درخواست‌های مالی - بودجه‌ای سیری ناپذیر ادارات بوروکراتیک (Khademian, 1998:270)؛ اما باید متذکر شد که این پژوهش، تنها در مقام توصیف نظریه مدیریت عمومی نوین است و کاربست معیارها و مؤلفه‌های آن را تنها در بخش اقتصادی - تولیدی نظام اداری دولت، پیشنهاد می‌دهد؛ چرا که مدیریت عمومی نوین، بستری فراهم می‌سازد که با موضوع تولید و اقتصاد، بر بنای معیارهای اقتصادی تصمیم‌گیری و رفتار شود و سازمان اداری اقتصاد دولت، به نحو اقتصادی و مقرون به صرفه، سازمان یابد و مدیران اقتصادی دولت، همانند مدیران بخش خصوصی، برای تولید تصمیم گرفته و عمل کنند.

نتیجه‌گیری

امروزه، هیچ دولتی نمی‌تواند ادعا کند که همه ابزارها یا تمام امکانات لازم برای تأثیرگذاری بر یک جامعه پیچیده را در اختیار دارد. قطعاً دولت بازیگر مهمی است؛ اما باید با دیگران همکاری کند، تا هم نیازهای جامعه تأمین گردد و هم آن را به سمتی که باید، حرکت دهد. نقش دولت به طور فزاینده‌ای، تنظیم بایدها، آوردن بازیگران مناسب به عرصه اداره امور عمومی و ایجاد راه‌حل‌های پایدار برای مشکلات عمومی است. مشخصه فرایند سیاست‌گذاری معاصر، پراکندگی قدرت و مسئولیت است. دلایل زیادی برای این وضعیت وجود دارد؛ بازارهای جهانی، مسائل جدیدی را ایجاد کرده‌اند که نیازمند راه‌حل‌های جهانی است. فناوری، دسترسی بیشتری را به فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی فراهم ساخته است؛ همان‌طور که روند توسعه سیاست تغییر می‌کند؛ نقش دولت، مقامات اداری و کارمندان عمومی نیز تغییر می‌کند، دولت‌ها، همچنان نقش کلیدی را

در تنظیم قواعد سیاسی - حقوقی حکمرانی، ایجاد توازن بین منافع و اطمینان از رعایت عدالت اجتماعی ایفا خواهند کرد. در مقابل، از کارمندان دولتی خواسته می‌شود که نقش‌های جدیدی در تسهیل، مذاکره و حلّ تعارض‌های موجود اداری بر سر راه تولید، ایفا کنند؛ بنابراین باید مبتنی بر شرایط موجود، نظام اداری را سازمان داد. مدیریت عمومی نوین، می‌تواند برای تجدید ساختار در بخش اداری اقتصاد جامعه، راهکارهای مفیدی ارائه دهد و موانع بوروکراتیک تولید را تا حدودی رفع نماید؛ چنان‌که شاخصه‌ها و معیارهای این نظریه در اسناد بالادستی کشور، مانند سیاست‌های کلی و برنامه توسعه، مورد توجه قرار گرفته و دولت مکلف به انجام اقدامات متعددی برای اعمال آنان شده است. می‌توان گفت، کاربست مدیریت عمومی نوین در نظام اداری تولید، نوعی سرمایه‌گذاری برای تولید و راه رونق و جهش آن در بعد اداری دولت است.

منابع فارسی

۱. الوانی، سید مهدی، مبصر، داریوش (۱۳۹۲)، «بررسی آثار راهبردهای مدیریت دولتی نوین بر سازمان‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، دوره ۳، شماره ۱۲، صص ۲۳-۴۸.
۲. خاندوزی، سید احسان، کاویانی، زهرا (۱۳۹۵)، «کانال‌های تأثیر بوروکراسی بر عملکرد اقتصاد ایران»، فصلنامه مجلس و راهبرد، دوره ۲۳، شماره ۸۷، صص ۵-۴۲.
۳. دانایی‌فرد، حسن، الوانی، سید مهدی (۱۳۹۹)، مباحث مدیریت دولتی، انتشارت علمی و فرهنگی.
۴. فقیهی، ابوالحسن، واعظی، رضا، آغاز، عسل (۱۳۸۹)، «تأملی بر تعامل بوروکراسی و فرهنگ در ایران»، فصلنامه علوم مدیریت ایران، دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۱-۳۲.
۵. کریمی، محمود، واعظی، مجتبی (۱۴۰۱)، «جستاری بر نظریه مدیریت دولتی نوین و جایگاه آن در حقوق اداری»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، دوره ۱۱، شماره ۳۸، صص ۱-۲۵، نشانی: <https://doi.org/10.22034/qjplk.2022.1282.1248>
۶. نجف‌بیگی، رضا (۱۳۹۷)، مدیریت دولتی نوین و مدیریت سازمان‌های دولتی در ایران، مؤسسه کتاب مهربان نشر.
۷. هیوز، آون (۱۴۰۱)، مدیریت دولتی نوین: نگرشی راهبردی سیر اندیشه‌ها، مفاهیم، نظریه‌ها، ترجمه سید مهدی الوانی، سهراب خلیلی شورینی، غلام‌رضا معمارزاده، تهران، انتشارات مروارید.

منابع انگلیسی

1. Bryson , John, Crosby, Barbara, Bloomberg, Laura(2014), Public Value Governance: Moving Beyond Traditional Public Administration and the New Public Management, Public Administration Review, Volume 74, Issue 4, Pages 445-456. <https://doi.org/10.1111/puar.12238>
2. Denhardt, Robert, Denhardt, Vinzant(2000), The New Public Service: Serving Rather Than Steering, Public Administration Review, Vol. 60, No. 6, Pages 549-559. <https://doi.org/10.1111/0033-3352.00117>
3. Dickinson, Helen(2016), From New Public Management to New Public Governance: The implications for a 'new public service', in The Three Sector Solution: De-

- living public policy in collaboration with not-for-profits and business, Edited by John Butcher, David Gilchrist, ANU Press.
4. Hood, Christopher(1991), A Public Management for All Seasons?, *Public Administration: Volume 69, Issue 1*, Pages 3–19. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9299.1991.tb00779.x>
 5. Hood, Christopher(1995), The “new public management” in the 1980s: Variations on a theme, *Accounting, Organizations and Society*, Volume 20, Issues 2–3, Pages 93–109. [https://doi.org/10.1016/0361-3682\(93\)E0001-W](https://doi.org/10.1016/0361-3682(93)E0001-W)
 6. Kaboolian, Linda(1998), The New Public Management: Challenging the Boundaries of the Management vs. Administration Debate, *Public Administration Review*, Vol. 58, No. 3, Pages 189–193. <https://doi.org/10.2307/976558>
 7. Khademian, Anne(1998), What Do We Want Public Managers to Be? Comparing Reforms, *Public Administration Review*, Vol. 58, No. 3, Pages 269–273. <https://doi.org/10.2307/976567>
 8. Kolthoff, Emile, Huberts, Leo, Van Den Heuvel, Hans(2007), The Ethics of New Public Management: Is Integrity at Stake?, *Public Administration Quarterly*, Vol. 30, No. 3/4, Pages 399–439. <https://doi.org/10.1177/073491490703000402>
 9. Lane, Jan-Erik(2000), *New Public Management*, Routledge Press.
 10. Lynn, Laurence(2006), *Public Management: Old and New*, Routledge Press.
 11. *national Review of Administrative Sciences*, Volume 73, Issue 1, Pages: 7–26. <https://doi.org/10.1177/0020852307075686>
 12. Pratt, Dick(2006), *New Public Management, Globalization, and Public Administration Reform*, in *Fairness, Globalization, and Public Institutions: East Asia and Beyond*, Edited by Jim Dator, Dick Pratt and Yongseok Seo, University of Hawai'i Press.
 13. Stanisevski, Dragan(2004), *Economy and Bureaucracy: Handmaidens of Modern Capitalism*, *Administrative Theory & Praxis*, Vol. 26, No. 1, Pages 119–127.
 14. Van Der Meer, Frans-Bauke(2007), *New Public Management and Evaluation*, in *New Public Management in Europe: Adaptation and Alternatives*, Edited by Chris-

- topher Pollitt, Sandra van Thiel and Vincent Homburg, Palgrave Macmillan Press.
15. Van Thiel, Sandra, Steijn, Bram, Allix, Marine(2007), 'New Public Managers' in Europe: Changes and Trends, in *New Public Management in Europe: Adaptation and Alternatives*, Edited by Christopher Pollitt, Sandra van Thiel and Vincent Homburg, Palgrave Macmillan Press.
16. Ventriss, Curtis(2000), *New Public Management: An Examination of Its Influence on Contemporary Public Affairs and Its Impact on Shaping the Intellectual Agenda of the Field*, *Administrative Theory & Praxis*, Volume 22, Issue 3, Pages 500–518. <https://doi.org/10.1080/10841806.2000.11643468>
17. Weber, Max(1946), *From Max Weber: Essays in Sociology*, Translated, edited, and with an Introduction by H. H. Gerth and C. Wright Mills. New York: Oxford University Press.
18. Weber, Max(2005), *Max Weber: Readings And Commentary On Modernity*, Edited by Stephen Kalberg, Blackwell Publishing.
19. Weber, Max(2015), *Bureaucracy*, in *Weber's Rationalism and Modern Society New Translations on Politics, Bureaucracy, and Social Stratification*, Edited and Translated by Tony Waters and Dagmar Waters, Palgrave Macmillan Press.



پژوهش‌های
سلامت‌اداری
سال اول
شماره ۳
پاییز ۱۴۰۴
صفحه ۴۵ الی ۷۷

تأملی بر جایگاه، فعالیت و وضعیت شورای عالی هواپیمایی کشوری در نظام حقوقی ایران

چکیده

شورای عالی هواپیمایی کشوری از کهن‌ترین و مهم‌ترین تشکیلات رسمی و مجمعی (گروهی) در امر حکمرانی بر صنعت هوانوردی ایران به شمار می‌رود. این مقاله کوشیده است تا با نظر به سیر تشکیل و تحولات شورا، انتقاد از فعالیت و وضعیت آن و طرح دیدگاه‌های ممکن در باب موجودیت و آینده آن، به شناخت و تحلیلی مناسب از این نهاد دست یابد؛ نتیجه اساسی چنین

میلاد صادقی^۱
(دانشجوی دکتری
حقوق تجارت و
سرمایه‌گذاری بین‌المللی،
دانشکده حقوق و علوم
سیاسی دانشگاه تهران)

وحیده نجفی^۲
(دانشجوی دکتری
حقوق عمومی،
دانشکده حقوق
دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد تهران مرکز)

۱. نویسنده مسئول

md.sadeghi.n@gmail.com

ارسال: ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴

بازنگری: ۱۷ شهریورماه ۱۴۰۴

پذیرش: ۸ مهرماه ۱۴۰۴

2. najafi.v1365@gmail.com

تحلیل و شناختی حاکی از این است که با عنایت به نارسایی‌ها و مشکلات کنونی بر سر سلامت اداری شورا و همچنین بادقت در سایر قوانین و مقررات جاری، دو دیدگاه را می‌توان در ارتباط با موجودیت شورا و آینده آن به میان آورد؛ یکی لزوم تداوم حیات شورا (تقویت یا احیای آن) و دیگری، لزوم انحلال و برچیدن شورا. هریک از دو دیدگاه متکی به أدله و مستندات مخصوص به خود هستند؛ اما به نظر می‌رسد که دیدگاه نخست در مقایسه با دیدگاه دوم، از رسمیت، قدرت و شهرت بیشتری برخوردار است؛ افزون بر این، پیشینه تاریخی شورا و نگاه به فلسفه تشکیل شورای عالی هوایی به عنوان سلف شورای عالی هواپیمایی کشوری به صنعت هوانوردی ایران کمک شایانی می‌کند تا به گونه‌ای مناسب بتوان نسبت به مسئله تقویت یا احیای شورا و در مقابل، انحلال آن، تصمیم‌گیری کرد.

واژگان کلیدی: حقوق هوایی، قوانین، مقررات، وظایف، اختیارات، هواپیمایی.

A Reflection on the Position, Functioning, and Situation of the High Council of Civil Aviation in Iranian Legal System

Millad Sadeghi (Ph.D. Student in International Trade and Investment Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran)

Vahideh Najafi (Ph.D. Student in Public Law, Islamic Azad University of tehran)

Abstract

The High Council of Civil Aviation (HCCA) is one of the oldest and most significant collegial institutions in Iran's civil aviation governance. This article seeks to provide a comprehensive understanding and analysis of the Council. This objective is pursued by examining the historical trajectory of the HCCA -including its establishment and evolution- critiquing its current function and status, and discussing possible approaches regarding its existence and future. The core finding of this analysis indicates that, based on the current shortcomings, challenges faced by the HCCA, and relevant existing laws and regulations, two main propositions concerning the Council can be advanced: first, the necessity of maintaining and reinforcing the Council (through its rehabilitation and strengthening), and second, the necessity of its abolition and dissolution. Each proposition is supported by specific arguments and evidence; however, the first appears to carry greater weight and legitimacy than the second. Furthermore, considering the Council's historical background and the foundational rationale behind its predecessor, the "High Council of Aviation," would greatly assist the Iranian aviation industry in making a decisive

چکیده انگلیسی

determination regarding whether to reinforce and rehabilitate the Council or, conversely, to proceed with its abolition.

Keywords: Aviation Law, Regulations, Duties and Powers, Civil Aviation, High Council of Civil Aviation (HCCA).

۱. مقدمه

در صنعت و حقوق هوانوردی ایران، از شورای عالی هواپیمایی کشوری و جایگاه، فعالیت و وضعیت آن کمتر بحث و گفت‌وگوی مشخص و منظمی به میان آمده و دیده می‌شود؛ این در حالی است که به نقش سازمان هواپیمایی کشوری (به‌عنوان نماینده دولت در امور حمل‌ونقل هوایی و فرودگاه‌های کشور) در حفظ ایمنی و امنیت هوانوردی توجه شده و عمدتاً وضعیت و طرز فعالیت این سازمان مورد نظر قرار گرفته است. 'شورا از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین تشکیلات رسمی و مجمعی در امر حکمرانی بر صنعت هوانوردی کشوری ایران به شمار می‌رود؛ و چنان‌که تاریخ گواهی می‌دهد، اساس آن به پیش از «قانون هواپیمایی کشوری» سال (۱۳۲۸) باز می‌گردد؛ حتی به عقیده برخی از نویسندگان، با توجه به ترکیب اعضای این شورا و نیز وظایف و اختیاراتی که قانون‌گذار برای آن در نظر گرفته است، شورا به‌مثابه بالاترین رکن تصمیم‌گیر در صنعت هوانوردی است و اساساً امر سیاست‌گذاری را برعهده دارد (اشراقی آرانی، ۱۳۹۴: ۵۶)؛ همین دسته بر این باورند که شورا در مسائلی نظیر حمایت از حقوق مسافر، به‌ویژه در شرایط مخصوص، همچون

۱. از جمله در این خصوص بنگرید به مقاله زیر:

محمدزاده قره‌باغ، حسین، جباری، منصور و حسین رستمزاد، بهار ۱۳۹۹، «نقش سازمان هواپیمایی کشوری ایران در حفظ ایمنی هوانوردی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره بیست و یکم، شماره ۶۶، صفحات ۱۰۵-۶۹.

سرایت ویروس‌های واگیردار، حق وضع مصوبه داشته و می‌تواند خلأ قانونی موجود در کشور را مرتفع نماید (اشراقی آرانی، ۱۴۰۱: ۴۱۵)؛ صلاحیتی که البته با صلاحیت سازمان هواپیمایی کشوری مبنی بر حمایت از حقوق مسافرین هوایی متداخل است^۱ و می‌تواند موجب بروز مشکلاتی در نظام حکمرانی بر صنعت هوانوردی کشوری گردد؛ بدین جهت ضروری است که در باب ماهیت وجودی شورا تأملی روشن صورت گیرد.

به هر ترتیب، این شورا در طول تاریخ مصوبات و تصمیماتی را گذرانده است که در مواقعی واکنش و حساسیت پاره‌ای از مراجع و سازمان‌های دولتی را به همراه آورده و متعاقباً مداخله و نظارت قضایی و رأی به ابطال مصوبه یا تصمیم مورد اعتراض را در پی داشته است^۲؛ افزون بر این، شورا امروزه موجودیت و لزوم تداوم حیات خود را به دلیل آنکه به نارسایی‌ها و مشکلات متعدد دچار شده است، در خطر می‌بیند.

این مقاله به دنبال شناخت جایگاه، فعالیت و وضعیت شورا در نظام حقوقی ایران است. به نظر می‌رسد که این شناخت در مجموع می‌تواند در گرو عبور از سه گفتار باشد؛ نخست، سیر تشکیل و تحولات و تغییرات شورا که به نوعی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری پیرامون شورا قلمداد می‌شود؛ دوم، انتقاد از وضعیت و فعالیت شورا بر اساس تحولات و تغییرات پدیدآمده؛ سوم، اظهارنظر در باب موجودیت شورا و آینده‌ای که می‌تواند در انتظار این شورا باشد؛ بدین سان، در مقاله پیش‌روی، به ترتیب طی سه گفتار به شرح مذکور دنبال می‌شود و در نهایت با ذکر پیشنهادهای مورد نظر در خلال اشاره به نتایج یافته‌های به‌دست‌آمده، مقاله به پایان می‌رسد.

۲. سیر تشکیل و تحولات شورا

بررسی سیر تشکیل و تحولات و تغییرات شورای عالی هواپیمایی کشوری نشان می‌دهد که پس از تشکیل این شورا، ابتدا به موجب تصویب نامه سال (۱۳۲۶) هیئت وزیران

۱. بر طبق بند (۲۸) از ماده (۳) اساس‌نامه سازمان هواپیمایی کشوری، به شماره ۹۸۲۴۳/ت/۵۹۱۸۶ هـ مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۵.

۲. از جمله در این خصوص می‌توان به ابطال مصوبه شورای عالی هواپیمایی کشوری در خصوص تعیین نرخ حمل‌ونقل هوایی مسافر و بار توسط هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره (۱۳۷) مورخ ۱۳۸۲/۰۴/۰۸ در پرونده کلاسه ۸۲/۲۰۰ اشاره کرد.

و سپس به موجب «قانون هواپیمایی کشوری» سال (۱۳۲۸)، جایگاه و وضعیت آن مکرراً با تحولات و تغییرات مهم و قابل توجهی همراه بوده است؛ چنین واقعیتی نیز به نوبه خود گویای این مطلب است که در نظر قانون‌گذار، شورا می‌توانسته است به مثابه نهادی اثرگذار و تعیین‌کننده در صنعت هوانوردی ایران عمل نماید و همانند سازمان هواپیمایی کشوری، نقش مؤثری را در تأمین ایمنی هوایی و یا بی‌خطری پرواز و توسعه منظم هواپیمایی کشوری از خود به جای گذارد.

باتوجه به تعدد تحولات و تغییرات شورا در طول تاریخ، نگاه درست به سیر تشکیل شورا و تحولات و تغییرات آن حائز اهمیت فراوان است و مانع از نقل نادرست یا ناقص و تحلیل‌های ناصواب از جایگاه، فعالیت، وضعیت شورا، وظایف و اختیارات آن می‌شود؛ برای نمونه، هیئت تخصصی اداری و امور عمومی دیوان عدالت اداری در دادنامه شماره ۱۳۴۲/۹۱۳۹۰۰۲۰۳۱۳۹۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۱۴ به نقل اشتباه از یکی از وظایف و اختیارات شورا مبادرت نموده است. ادقت در سیر تحولات و تغییرات شورا می‌توانست از بروز این خطا ممانعت به عمل آورد؛ بدین ترتیب، نخست به پایه اصلی شورا برابر با تصویب نامه سال (۱۳۲۶) هیئت وزیران و سپس، تشکیل آن به موجب «قانون هواپیمایی کشوری» سال (۱۳۲۸) و پس از این دو، به تحولات و تغییرات شورا بر اساس قوانین و مقررات بعدی (پیش از انقلاب اسلامی ایران و پس از آن) خواهیم پرداخت.

۱.۲. تشکیل شورا

چنان‌که گفته شد، پایه اصلی شورای عالی هواپیمایی کشوری به تصویب نامه سال (۱۳۲۶) هیئت وزیران باز می‌گردد. در این سال، هیئت وزیران بنا بر پیشنهاد وزارت جنگ و موافقت وزارت راه با تشکیل مجمعی با عنوان «شورای عالی هوایی» موافقت می‌نماید. منظور از تشکیل این شورا بر طبق همین تصویب نامه، اجرای الزامات قرارداد (۷) دسامبر (۱۹۴۴) شیکاگو یا همان «کنوانسیون هواپیمایی کشوری بین‌المللی»^۲ و

۱. آنجا که می‌خوانیم: «هرچند بر اساس بند (ج) تبصره یک ماده (۶) قانون اصلاح قانون هواپیمایی کشوری مصوب سال ۱۳۴۷ مرجع نرخ‌گذاری و تعیین و تصویب نرخ حمل و نقل هوایی مسافر و بار که باید به میزان عادلانه تعیین گردد». 2. Convention on International Civil Aviation, Signed at Chicago, on 7 December 1944.

ایجاد هماهنگی و همکاری دائمی بین سازمان هواپیمایی کشوری و نیروی هوایی نظامی و رفع نیازمندی‌های هوایی مخصوصاً در قسمت فرودگاه‌ها، ارتباطات و هواشناسی بوده است. ریاست این شورا برعهده رئیس بازرسی هوایی ارتش شاهنشاهی بود و در آن، رئیس اداره کل هواپیمایی کشوری، فرمانده نیروی هوایی، یک نفر افسر فنی هوایی و مستشار حقوقی اداره کل هواپیمایی کشوری به طور دائم عضویت داشتند.^۱

اما در سال (۱۳۲۸) با تصویب «قانون هواپیمایی کشوری»، «شورای عالی هوایی» به «شورای عالی هواپیمایی کشوری» تغییر نام داد و ترکیب و وظایف و اختیارات متفاوتی پیدا کرد. این شورا به موجب ماده (۶) این قانون دارای (۷) نفر عضو عالی‌رتبه بود که برای (۳) سال انتخاب می‌شدند. این اعضا شامل دو نفر کارمند عالی‌رتبه هواپیمایی کشوری به انتخاب وزیر راه، یک نفر از قضات عالی‌رتبه به انتخاب وزیر دادگستری، یک نفر افسر ارشد نیروی هوایی شاهنشاهی به انتخاب وزیر جنگ، یک نفر کارمند عالی‌رتبه وزارت بازرگانی و پیشه و هنر به انتخاب وزیر بازرگانی و پیشه و هنر، یک نفر کارمند عالی‌رتبه وزارت کشور به انتخاب وزیر کشور و بالاخره یک نفر نماینده اتاق بازرگانی به انتخاب اتاق بازرگانی بودند؛ همان ماده، این شورا را موظف کرده بود تا اولاً در مسائل مربوط به هواپیمایی کشوری که از طرف وزیر راه یا یکی از اعضای شورا به آن ارجاع می‌شود، مطالعه و اظهار نماید؛ ثانیاً راجع به صدور پروانه‌های بهره‌برداری هوایی یا الغا یا توقیف موقت یا محدود ساختن اختیارات مندرج در آن‌ها که طبق مواد (۱۷) و (۱۸) قانون هواپیمایی کشوری به شورا ارجاع می‌شود، اظهار نظر نماید؛^۲ ثالثاً نرخ حمل و نقل هوایی مسافر و بار را که باید به میزان عادلانه تعیین گردد، به تصویب رساند.

۱. تصویب‌نامه هیئت وزیران راجع به شورای عالی هوایی، مصوب ۱۳۲۶/۰۲/۲۶ و به شماره ابلاغ ۳۴۱۴.

۲. البته تشخیص و نظریه شورا در ارتباط با وظیفه مذکور، دارای اهمیت به خصوصی بوده و فراتر از یک اظهار نظر صرف یا مشورتی به نظر می‌رسد. این برداشت بدین خاطر است که مطابق با ماده (۱۷) «قانون هواپیمایی کشوری»، تحصیل پروانه بهره‌برداری هوایی از سوی شخص طبیعی یا حقوقی ایرانی و صدور آن توسط سازمان هواپیمایی کشوری، منوط به آن است که شورا بهره‌برداری هوایی تقاضا شده را منطبق با مصالح کشور و احتیاجات جامعه تشخیص دهد و اطمینان حاصل نماید که تقاضاکننده قادر به انجام نوع بهره‌برداری هوایی مورد تقاضای خود به طرز اطمینان‌بخش است. در رابطه با ضمانت اجرای اداری الغا، توقیف موقت یا محدود ساختن اختیارات مندرج در پروانه بهره‌برداری که از سوی سازمان هواپیمایی کشوری، مطابق با شرایط مقرر در ماده (۱۸) قانون مذکور اتخاذ می‌شود، چنین استنباط می‌شود که سازمان به نظر شورا توجه خواهد نمود.

گفتنی است که در آن زمان در تبصره ماده (۶) این قانون مقرر گردید که آیین نامه شورای عالی هواپیمایی کشوری شامل طرز تشکیل جلسات و طریقه ارجاع امور به شورا و رسیدگی و صدور رأی و سایر مسائل مربوط به طرز عمل شورا به وسیله شورا تنظیم و پس از تصویب هیئت وزیران به موقع به اجرا گذاشته شود. در این راستا هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۲۹/۱۰/۱۶ بنا به پیشنهاد وزارت راه، آیین نامه شورای عالی هواپیمایی کشوری را در (۸) ماده به تصویب رساند.^۱ بر اساس ماده (۳) این آیین نامه، شورا هر ماه لااقل یک مرتبه تشکیل جلسه می دهد و در صورت احتیاج ممکن است به دعوت رئیس، جلسه فوق العاده نیز تشکیل شود.

۲.۲. تحولات شورا

پس از تشکیل شورا در سال (۱۳۲۸) به موجب «قانون هواپیمایی کشوری»، این شورا در موارد متعددی با تحولات و تغییرات همراه شده است. از نظر زمانی و تاریخی، این تغییرات و تحولات عمدتاً به دوره پس از پیروی انقلاب اسلامی ایران باز می گردند؛ اما از نظر محتوایی و موضوعی، تحولات و تغییرات مربوط به ترکیب یا آرایش و حقوق اعضای شورا تا حدودی در مقایسه با تحولات و تغییرات مربوط به وظایف و اختیارات شورا جدی تر و با حساسیت و اهمیت بیشتری از سوی قانون گذار دنبال شده است.

پیش از انقلاب، قانون گذار به موجب «قانون اصلاح ماده ۶ قانون هواپیمایی کشوری» (مصوب ۱۳۴۷/۰۱/۲۱) ترکیب شورا را از یک هیئت (۷) نفره به یک هیئت (۱۱) نفره تغییر می دهد. این بار مقرر می شود که در این شورا، یازده نفر عضو، مرکب از رئیس کل هواپیمایی کشوری، یک نفر از اعضای عالی مقام هواپیمایی کشوری به انتخاب وزیر راه، یک نفر از قضات عالی مقام به انتخاب وزیر دادگستری، یک نفر از امرای نیروی هوایی شاهنشاهی به انتخاب وزیر جنگ، یک نفر نماینده عالی مقام از وزارت اقتصاد به انتخاب وزیر اقتصاد، یک نفر نماینده عالی مقام از وزارت کشور به انتخاب وزیر کشور، یک نفر نماینده عالی مقام از وزارت امور خارجه به انتخاب وزیر امور خارجه،

۱. مقرر هیئت وزیران، مصوب ۱۳۲۹/۱۰/۱۶، به شماره ابلاغ ۱۱۱۹-۱۳۴۴/۷.

یک نفر نماینده عالی مقام از سازمان برنامه به انتخاب مدیرعامل سازمان برنامه، یک نفر از اعضای اتاق بازرگانی به انتخاب رئیس اتاق، یک نفر از اعضای اتاق صنایع و معادن ایران به انتخاب رئیس اتاق و بالاخره یک نفر متخصص حقوق هوایی به انتخاب وزیر راه، حضور داشته باشند. به موجب این قانون، اگرچه مدیرعامل شرکت هواپیمایی ملی ایران و یک نفر نماینده از مؤسسات هواپیمایی خصوصی داخلی در جلسات شورا می‌توانستند شرکت نمایند؛ اما فاقد حق رأی بودند. قانون مذکور، علاوه بر تغییر در ترکیب شورا، وظایف و اختیارات شورا را نیز با تغییرات نسبتاً گسترده و قابل توجهی همراه می‌کند؛ براین اساس، افزون بر وظیفه و اختیار مربوط به «مطالعه و اظهارنظر در مسائل مربوط به هواپیمایی کشوری که از طرف نخست وزیر به شورا ارجاع [شود] و یا یکی از اعضای شورا پیشنهاد نماید» و همچنین «اظهارنظر راجع به صدور پروانه بهره‌برداری هوایی یا الغا یا توقیف موقت یا محدود ساختن اختیارات مندرج در آن‌ها که طبق مواد (۱۷) و (۱۸) قانون هواپیمایی کشوری به شورا ارجاع می‌شود»، دو وظیفه مهم دیگر به شورا محول می‌گردد؛ یکی آنکه از این پس، شورا راجع به لوایح قانونی مربوط به هواپیمایی کشوری و طرح موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی با دول خارجه که به وسیله دولت تقدیم مجلسین می‌شود، اظهارنظر خواهد نمود. دیگری آنکه، می‌بایست مبادرت به تعیین خط‌مشی کلی هواپیمایی کشوری نماید؛ البته وظیفه شورا در خصوص تصویب نرخ حمل‌ونقل هوایی مسافر و بار نیز با این تغییر روبرو می‌شود که دیگر ضرورتی به تعیین آن به میزان عاده نخواهد بود؛ اما مهم‌ترین تغییری را که به نظر باید دستاورد «قانون اصلاح ماده ۶ قانون هواپیمایی کشوری» دانست، تبصره جدیدی است که به شرح ذیل و به عنوان تبصره (۲) ماده (۶) به این قانون الحاق می‌شود:

«در مواردی که وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی و سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به دولت مقرراتی تهیه و تنظیم می‌نمایند که ممکن است به نحوی از انحاء با مسائل مربوط به هواپیمایی کشوری ارتباط پیدا کند، موظف‌اند قبلاً نظر شورای عالی هواپیمایی کشوری را جلب کنند.»

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این شورا بازمه از حیث ترکیب و حقوق اعضا و وظایف و اختیارات خود با تغییرات حقوقی نسبتاً عمیقی روبرو می‌گردد:

۱- در سال (۱۳۵۹) «قانون تفویض اختیارات و وظایف شورای عالی هواپیمایی کشوری» بدون آنکه تغییری در وظایف و اختیارات شورا پدید آورد، مجدداً شورا را به یک هیئت (۷) نفره باز می‌گرداند. این بار مقرر می‌شود که در این هیئت (۷) نفره، معاون وزارت راه و ترابری و رئیس سازمان هواپیمایی کشوری، یک نفر از اعضای مطلع هواپیمایی کشوری به انتخاب وزیر راه و ترابری، یک نفر نماینده مطلع از وزارت امور اقتصادی و دارایی به انتخاب وزیر امور اقتصادی و دارایی، یک نفر نماینده مطلع از سازمان برنامه و بودجه به انتخاب وزیر، مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه، یک نفر متخصص حقوق هوایی به انتخاب وزیر راه و ترابری، یک نفر نماینده مطلع از وزارت امور خارجه به انتخاب وزیر و یا سرپرست وزارت امور خارجه و یک نفر نماینده مطلع نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران به انتخاب وزیر دفاع حضور خواهند یافت؛ همچنین در صورت لزوم مدیرعامل شرکت هواپیمایی ملی ایران و یک نفر نماینده از مؤسسات هواپیمایی داخلی در جلسات هیئت شرکت می‌نمایند؛ اما حق رأی نخواهند داشت.

در راستای این قانون، آیین‌نامه شورای عالی هواپیمایی کشوری در (۱۴) ماده در تاریخ ۱۳۶۰/۰۷/۱۹ به تصویب هیئت وزیران می‌رسد که در حال حاضر آیین‌نامه مذکور، مورد عمل است.

۲- در سال (۱۳۷۳) به موجب «قانون اصلاح موادی از قانون تأسیس هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران» (مصوب ۱۳۷۳/۰۲/۰۶)، مدیرعامل شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان عضو دارای حق رأی در شورای عالی هواپیمایی موضوع ماده (۶) اصلاحی قانون هواپیمایی کشوری تعیین می‌گردد.^۱

۳- در سال (۱۳۷۸) هیئت وزیران طی تصویب‌نامه به شماره ابلاغ (۱۸۹۹۰) و تاریخ ابلاغ ۱۳۷۸/۰۳/۱۰، مقرر می‌نماید که «نمایندگانی از نیروهای مسلح با انتخاب وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به عنوان ناظر (بدون حق رأی) بتواند در جلسات

۱. البته به نظر می‌رسد که دقیق‌تر این بود قانون مذکور، به «قانون تفویض اختیارات و وظایف شورای عالی هواپیمایی کشوری» ارجاع می‌داد.

هیئت مقرر در قانون تفویض اختیارات و وظایف شورای عالی هواپیمایی - مصوب ۱۳۵۹ - حضور یابد.^۱

۴- در سال (۱۳۸۹) «قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۹۰-۱۳۹۴) به موجب بند (ب) ماده (۱۶۱) دولت را مکلف می‌کند که تا پایان سال اول برنامه نسبت به متنوع‌سازی نرخ خدمات حمل‌ونقل هوایی بار و مسافر اقدام نماید و از ابتدای سال سوم برنامه ضمن آزادسازی کامل نرخ حمل‌ونقل هوایی، خدمات فرودگاهی و شبکه پروازی، لغو تخفیفات تکلیفی و هرگونه معافیت در زمینه بهره‌برداری از خدمات ناوبری هوایی، فرودگاهی، نشست و برخاست، خدمات پروازی، واگذاری اماکن و سایر موارد مرتبط، نسبت به واقعی نمودن نرخ آن‌ها اقدام کند. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در دادنامه به شماره ۱۴۰۲۳۱۳۹۰۰۰۲۴۵۸۹۷۸ مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۱ اگرچه در مقام رسیدگی به شکایت و خواسته با موضوع ابطال مصوبه ستاد تنظیم بازار بوده است، لکن در خلال رأی خود، چنین نظر داده است که «اساساً نرخ‌گذاری در حوزه حمل‌ونقل هوایی در قلمرو نرخ‌گذاری تکلیفی دولت قرار نمی‌گیرد و اصل بر این است که عرضه و تقاضا، نرخ خدمات را در این حوزه مشخص سازد...». پیش از آن نیز هیئت تخصصی اداری و امور عمومی دیوان عدالت اداری در دادنامه شماره ۱۴۰۲۳۱۳۹۰۰۰۲۰۹۱۳۴۲ مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۱۴ از منتفی شدن موضوع نرخ‌گذاری از سوی شورا یاد کرده بود.^۲

۵- «قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور» (مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ با اصلاحات بعدی) در ماده (۵۳) می‌نویسد که اعتبارات سازمان هواپیمایی کشوری (هزینه‌ای

۱. تصویب‌نامه با عنوان تعیین یک ناظر از طرف وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در جلسات هیئت مقرر در قانون تفویض اختیارات شورای عالی هواپیمایی کشوری، مصوب ۱۳۷۸/۰۲/۰۸ هیئت وزیران.

۲. با این همه ممکن است برخی به استناد قسمت (۱-۲) از بند (ث) ماده (۴۸) «قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران» و این تصور که نرخ خدمات حمل‌ونقل هوایی مسافر و بار، قیمت‌گذاری «کالاهای اساسی یارانه‌ای» یا حتی «کالاهای خدمات انحصاری» محسوب می‌شوند، قائل به جواز قیمت‌گذاری دولتی توسط شورا باشد. به باور نویسندگان این مقاله، استناد و تمسک به این حکم از قانون مذکور و اعتقاد به جواز قیمت‌گذاری دولتی خدمات حمل‌ونقل هوایی مسافر و بار، صحیح به نظر نمی‌رسد.

و سرمایه‌ای) از محل درآمدهای اختصاصی، کمک‌ها و سایر درآمدهایی که بر اساس تعرفه مصوب شورای عالی هواپیمایی کشوری با رعایت مواد (۳۸) و (۳۹) قانون محاسبات عمومی کشور وصول می‌شود، تأمین خواهد شد.^۱

در نهایت شایسته ذکر است که در این دوره علاوه بر تغییرات فوق، قانون‌گذار در مورد یا موضوعی منحصر به فرد، شورا را مداخله داده و اختیاری ویژه برای آن قائل شده است؛ در همین زمینه، جزء (۱) از بند (ج) ماده (۵۷) «قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت»، سازمان هواپیمایی کشوری را موظف کرده است تا حداکثر ظرف شش ماه از لازم‌الاجرا شدن این قانون کلیه دستورات عمل‌ها و ضوابط قبلی مرتبط با نحوه تأسیس، فعالیت، اداره و نظارت بر شرکت‌های هواپیمایی را به تفکیک بار و مسافر با رعایت قوانین در قالب آیین‌نامه اجرایی بازنگری کند و پس از اخذ تأیید شورای عالی هواپیمایی کشوری آن را به تصویب هیئت وزیران برساند.

جدول زیر برخی از مهم‌ترین تغییرات و تحولات مربوط شورا را که در حال حاضر دارای اعتبار و نفوذ هستند، نمایش می‌دهد.

جدول مهم‌ترین تغییرات و تحولات مربوط به شورای عالی هواپیمایی کشوری			
ردیف	مستند قانونی یا مقرراتی	تغییر در ترکیب، آرایش و حقوق اعضا	تحول در وظایف و اختیارات
۱	قانون تفویض اختیارات و وظایف شورای عالی هواپیمایی کشوری	ایجاد هیئت (۷) نفره	-

۱. البته بر طبق بند (۱۵) از ماده (۶) اساس‌نامه سازمان هواپیمایی کشوری، یکی از وظایف و اختیارات رئیس سازمان، «پیشنهاد اصلاح تعرفه‌های خدمات سازمان به مراجع ذی‌ربط برای تصویب» است. در این حکم از اساس‌نامه و سایر مقررات آن مشخص نیست که مقصود از عبارت «مراجع ذی‌ربط» چه مراجعی هستند و حتی ماده (۷) اساس‌نامه نیز با تصریح به اینکه اعتبارات سازمان همه ساله هم از محل تعرفه‌های مصوب شورا و هم از محل آیین‌نامه اجرایی ماده (۶۳) «قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین»، موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۰۶۸۹/ت ۳۵۶۳۲ هـ مورخ ۱۳۹۱/۰۴/۲۷، وصول می‌شود، بر ابهام‌ها افزوده است. گفتنی است که در زمان تصویب این اساس‌نامه، آیین‌نامه مذکور، ملغی‌الاثربوده و به جای آن، آیین‌نامه جدیدی به شماره ۸۷۳۴۵/ت ۵۷۶۴۴ هـ مورخ ۱۳۹۹/۰۸/۰۳ اعتبار داشته است؛ با این حال، آیین‌نامه اخیر به خلاف آیین‌نامه پیشین، فاقد جدولی در خصوص «تعرفه‌های خدمات سازمان هواپیمایی کشوری» است.

جدول مهم‌ترین تغییرات و تحولات مربوط به شورای عالی هواپیمایی کشوری

-	اعطای حق رأی به مدیرعامل شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران	قانون اصلاح موادی از قانون تأسیس هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران	۲
-	اضافه شدن عضو ناظر نیروهای مسلح	تصویب نامه سال (۱۳۷۸) هیئت وزیران	۳
تأمین اعتبارات سازمان هواپیمایی کشوری بر اساس تعرفه مصوب شورا	-	قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور	۴

منبع تهیه این جدول، مفاد قوانین و مقرراتی است که پیش‌تر از آن‌ها در متن مقاله یاد گردید.

۳. انتقاد از وضعیت و فعالیت شورا

بادقت در آخرین تحولات و تغییرات مربوط به وضعیت و فعالیت شورای عالی هواپیمایی کشوری می‌توان بر این باور بود که امروزه سلامت اداری شورا با نارسایی‌ها و مشکلات دامنه‌دار و قابل توجهی روبرو است؛ در حقیقت، وضعیت و فعالیت یا طرز کار شورا از جهات عدیده قابل انتقاد می‌نماید. شواهد و مدارک نشان می‌دهد که شورا از گذشته در ارتباط با اختیارات و وظایف خود به‌گونه‌ای نارسا و ضعیف اقدام به فعالیت نموده است و ترکیب اعضای آن نیز به نحوی است که می‌تواند اعتبار تصمیمات، مصوبات و سیاست‌های آن را با چالش روبرو نماید؛ این قبیل نارسایی‌ها و چالش‌ها آنگاه تشدید می‌گردد که مقامات انتخاب‌کننده اعضای شورا، از ضوابط و معیارهای مشخصی برای انتخاب و معرفی اعضا پیروی نمی‌کنند و در عمل، جایگاه و وضعیت شورا را از یک نهاد عمل‌گرا و تخصصی به نهادی سیاسی تنزل می‌دهند؛ افزون بر این مراتب، عملکرد شورا از منظر مقوله حکمرانی خوب و برخی مؤلفه‌ها و شاخصه‌های آن همچون شفافیت، محل تأمل بوده و نبود نظارت مؤثر نسبت به مصوبات و تصمیمات شورا بر کارکرد ضعیف

۱. به نظر نویسندگان این مقاله، سلامت اداری، مفهومی گسترده‌تر از فقدان فساد دارد و نبود سلامت اداری ضرورتاً و منحصرأ دلالت بر وجود فساد نمی‌کند.

شورا دامن زده است؛ در نهایت، فعالیت و طرز کار شورا بر اساس آیین نامه سال (۶۰) با ابهاماتی و ایراداتی مواجه است که تاکنون نسبت به رفع آن ابهامات و اصلاح ایرادات، اقدامی به عمل نیامده است.

۱.۳. اختیارات و وظایف شورا

نخستین و مهم ترین انتقادی که بر وضعیت و فعالیت شورای عالی هواپیمایی کشوری وارد است، مربوط به مسئله وظایف و اختیارات شورا و حتی خوانش شورا از چگونگی اجرای این وظایف و اختیارات و یا استناد به آن در هنگام اتخاذ تصمیمات و مصوبات است؛ برای نمونه، شورا در مواقعی به استناد وظیفه و اختیار خود مبنی بر تعیین خط مشی کلی هواپیمایی کشوری (مقرر در بند (ه) از تبصره (۱) الحاقی به ماده (۶) اصلاحی قانون هواپیمایی کشوری) مبادرت به تدوین مقررات و هنجارگذاری در صنعت هواپیمایی کشوری ایران نموده است؛ از جمله این مقررات، می توان به شیوه نامه ای با عنوان «تأسیس شرکت های هواپیمایی بازرگانی»^۱ اشاره کرد که البته خود در مقام روزآمد کردن شیوه نامه قبلی این شورا با عنوان «شیوه نامه ضوابط تأسیس و عملیات شرکت ها و مؤسسات حمل و نقل هوایی کشور»، مصوب ۱۳۷۲/۵/۱۰ بوده است^۲؛ این در حالی است که «تعیین خط مشی کلی» مفهومی چون «وضع سیاست»، «سیاست گذاری» یا «سیاست سازی» دارد و هرگز نمی تواند دلالتی بر مفهوم رقیبی به نام «مقررات گذاری» یا «هنجارگذاری» داشته باشد (صادقی، ۱۴۰۱: ۶۳)؛ بدین ترتیب شایسته آن است که شورا از مقررات گذاری یا هنجارگذاری به استناد بند (ه) از تبصره (۱) الحاقی به ماده (۶) «قانون هواپیمایی کشوری» احتراز نماید؛ علاوه بر مورد مذکور، وظیفه شورا مبنی بر اظهار نظر راجع به صدور «پروانه بهره برداری»^۳ و چگونگی رعایت مفاد ماده (۱۷) «قانون هواپیمایی کشوری»، به لحاظ تقدم و تأخر زمانی، مبهم به نظر می رسد؛ این ابهام بدین خاطر است که مطابق

۱. ویرایش ۰۵ - بازرگری ۰۱: بهمن ۹۹.

۲. اکنون این شیوه نامه نیز به «شیوه نامه تأسیس و فعالیت شرکت های هواپیمایی بازرگانی» تغییر عنوان داده است و آخرین ویرایش آن (ویرایش ۰۶) مربوط به خردادماه ۱۴۰۲ است.

3. Operating licence.

با مقررات شیوه‌نامه مربوط به «تأسیس و فعالیت شرکت‌های هواپیمایی بازرگانی»، متقاضی دریافت پروانه بهره‌برداری هوایی، پیش از همه موظف به دریافت تأییدیه بازرگانی، تأییدیه امنیتی و «گواهینامه بهره‌بردار هوایی»^۱ است؛ بدین ترتیب، پرسش این است که آیا اظهارنظر و تشخیص شورا، مقدم بر دریافت تأییدیه‌ها و گواهینامه مذکور است یا مؤخر بر آن؟ برخی از مقررات شیوه‌نامه اخیرالذکر (همچون مقرر ۴-۱-۱) نشان می‌دهد که اظهارنظر و تشخیص شورا مؤخر بر دریافت تأییدیه‌ها و گواهینامه مذکور است؛ باین حال، پیوست (د) این شیوه‌نامه (گردش کار صدور مجوز تأسیس شرکت‌های هواپیمایی) خلاف این امر را اثبات می‌کند؛ بدین شرح که طرح موضوع در شورا، مقدم بر دریافت تأییدیه‌ها و گواهینامه موردنظر است و در صورت رد تقاضا در شورا، نوبت به دریافت تأییدیه‌ها و گواهینامه نخواهد رسید و موضوع منتفی خواهد شد. مسئله وظایف و اختیارات شورا و انتقادات از آن، محدود به موارد پیش‌گفته نیست. از دیگر انتقادات وارده، موضوع «تعیین و تصویب نرخ حمل‌ونقل هوایی مسافر و بار» است. بادقت در مقررات پراکنده و متفرق ایران می‌توان دریافت که شورا حتی در زمانی که موضوع آزادسازی نرخ خدمات حمل‌ونقل هوایی مسافر و بار در ایران مطرح نبوده و طبق قانون می‌بایست نسبت به تعیین و تصویب نرخ حمل‌ونقل هوایی مسافر اقدام می‌نمود، اشتیاق و اهتمام چندانی از خود نسبت به اجرای این وظیفه و اختیار قانونی نشان نمی‌داده است؛ چنان‌که در تاریخ ۱۳۷۷/۰۴/۲۳ شاهد اتخاذ تصمیم و تصویب‌نامه‌ای از ناحیه نمایندگان ویژه رئیس‌جمهور در ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار هستیم که به موجب آن از تاریخ ابلاغ این تصویب‌نامه، بهای بلیت پروازهای داخلی کلیه شرکت‌های هواپیمایی (اعم از دولتی و غیردولتی) به نرخ هر ساعت صندلی پرواز به مبلغ هشتاد و شش هزار ریال تعیین می‌شود؛ علاوه بر این، قلمرو و حدود وظیفه مذکور از حیث شمول آن نسبت به پروازهای

1. Air Operator's Certificate (AOC).

۲. قابل‌تأمل آنکه «قانون برنامه پنج‌ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۷۳-۱۳۷۸)، ضمن اشاره به حرکت به سمت اصلاح قیمت‌ها در مورد کالاهای عمومی و خدمات باتوجه به شرایطی مخصوص، مقرر می‌داشت که این شورای اقتصاد است که علاوه بر هماهنگی و نظارت بر امر قیمت‌ها، مسئولیت قیمت‌گذاری را برعهده خواهد داشت.

بین‌المللی نیز می‌توانست چالش‌برانگیز باشد. اگرچه این وظیفه شورا ظاهراً اطلاق داشته و تفاوتی میان پروازهای داخلی و بین‌المللی ایجاد نکرده، اما توجه به حکم مقرر در ماده (۱۷) آیین‌نامه پرواز هواپیماهای کشوری خارجی در ایران^۱ حکایت از این امر می‌نماید که تسری این وظیفه شورا نسبت به پروازهای بین‌المللی نیازمند تصریح مقررات بوده است.

۲.۳. ترکیب اعضای شورا

علاوه بر مسئله وظایف و اختیارات شورا، بر ترکیب شورا نیز می‌توان خرده‌گرفت و از آن انتقاد کرد. درحالی‌که با «قانون اصلاح ماده (۶) قانون هواپیمایی کشوری»، مدیرعامل شرکت هواپیمایی ملی ایران و یک نفر نماینده از مؤسسات هواپیمایی خصوصی داخلی از حق بدون رأی جهت شرکت در جلسات شورا برخوردار بودند؛ اما در تحولات بعدی، مدیرعامل شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان عضو شورا از حق رأی برخوردار می‌شود. این تحول از این جهت که امتیازی ناروا برای یک شرکت دولتی و برخلاف مقتضیات رقابت در صنعت هوانوردی است، مورد انتقاد قرار گرفته و اصلاح قانون از این حیث توصیه شده است (اشراقی آرانی، ۱۳۹۴: ۵۶)؛ علاوه بر این، حضور با حق رأی مدیرعامل یک شرکت بازرگانی، ولو دولتی، در شورایی که دارای شأن و منزلت سیاستگذاری است، با اصول صحیح زمامداری مغایر به نظر می‌رسد؛ زیرا همان‌گونه که زمامداران نباید تجارت کنند (مونتسکیو، ۱۳۶۲: ۵۳۱)، بازرگانان نیز نباید به زمامداری و حکمرانی پردازند و خود را درگیر چنین امری کنند؛ هرچند در قالب یک تشکیلات مجمعی باشد.

یکی دیگر از ملاحظات آنکه در ترکیب اعضای شورا حائز اهمیت است، مشروعیت حضور بدون حق رأی عضو ناظر در جلسات شورا است که در یک نمونه هیئت وزیران در سال (۱۳۷۸) نسبت به آن اقدام نموده است. حضور چنین عضوی، حتی بدون حق رأی، محل تأمل است. به استثنای زمانی که هیئت وزیران در سال (۱۳۲۶) مبادرت به تشکیل «شورای عالی هوایی» می‌نماید، تعیین اعضا و یا حذف یا اضافه شدن آنها، خواه با حق رأی، خواه بدون حق رأی، همواره به موجب قانون بوده است؛ البته بنا بر احتمال، اقدام هیئت

۱. مصوب ۱۳۴۱/۱۰/۱۲ هیئت وزیران.

وزیران در سال (۱۳۷۸) نسبت به تعیین یک ناظر از طرف وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در جلسات شورا خود ریشه در مشکل دیگری در خصوص ترکیب اعضای شورا داشته است. این مشکل به نظر به عضویت یک نفر نماینده مطلع نیروی هوایی به انتخاب وزیر دفاع باز می‌گردد؛ چراکه مشخص نیست این عضو پس از انتخاب توسط وزیر مذکور و معرفی به شورا، در حقیقت ملاحظات و منافع وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح را در جلسات شورا نمایندگی نموده و بازتاب خواهد داد یا آنکه در راستای حفظ و ارتقای منافع و ملاحظات نیروی هوایی و به‌طور کلی ستاد کل نیروهای مسلح اقدام خواهد نمود.

به هر روی، چنین تصور می‌شود که قانون‌گذار در طول تاریخ با مسئله ترکیب اعضای شورا به‌عنوان یک چالش روبرو بوده و به همین دلیل مکرراً در راستای تغییر آن اقدام نموده است. اخیراً نیز دولت با تصویب و ارسال «لایحه اصلاح ماده (۶) قانون هواپیمایی کشوری» به مجلس درصدد اضافه نمودن یک نفر نماینده از وزارت صنعت، معدن و تجارت به انتخاب وزیر این وزارتخانه برآمده است.^۱

۳.۳. ملاحظات مربوط به انتخاب اعضای شورا

انتخاب اعضای شورا، مسئله و چالش دیگری است که صنعت هوانوردی ایران با آن در مقاطع مختلف روبرو بوده است. در این زمینه، تجربه عملی نشان می‌دهد که برخی از مقامات انتخاب‌کننده اعضای شورا، در مواردی، آن دقت نظر لازم و شایسته را معمول نمی‌دارند و دست به انتخاب اعضای زده‌اند که بی‌گمان می‌توانست از منظر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین، مورد نظارت و بازبینی قرار بگیرد؛ البته، بخشی از این مسئله و مشکل به نبود معیار و یا سنج‌های مشخص در قانون نسبت به انتخاب برخی از اعضا، همچون «یک نفر متخصص حقوق هوایی» باز می‌گردد و پاره‌ای دیگر، به ترتیبات مقرر قانونی و ابهام در عبارات قانون؛ برای نمونه، در ارتباط با «یک نفر متخصص حقوق هوایی» شورا، این موضوع مطرح می‌شود که «تخصص» را چگونه باید احراز و از چه معیار یا ضابطه‌ای در این مورد باید پیروی کرد. شاید اگر همچون روش مورد پذیرش

۱. لایحه به شماره ۶۲۸۵۵/۹۶۲۰۴ مورخ ۱۴۰۳/۰۶/۲۸.

در «قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم قانون اساسی»، «قانون تفویض اختیارات و وظایف شورای عالی هواپیمایی کشوری» نیز از حضور «یک نفر حقوق دان برجسته و آشنا به حقوق هوایی» یاد می‌کند، مقام انتخاب‌کننده با مسئله و چالش کمتری روبرو می‌بود؛ البته این رویکرد قانون‌گذار ایرانی در نوع خود بسیار جالب توجه است و نشان‌دهنده موقعیت مخصوص رشته حقوق هوایی در نظر قانون‌گذار است و حتی می‌تواند دلالت بر استقلال این رشته و برخورداری آن از مبانی و بنیادهای ویژه داشته باشد؛ علاوه بر این چالش، انتخاب «یک نفر از اعضای مطلع هواپیمایی کشوری» نیز می‌تواند بحث برانگیز باشد. مورد اخیر بیشتر به تفسیر عبارت «هواپیمایی کشوری» باز می‌گردد و این پرسش را به میان می‌آورد که آیا عبارت مذکور دلالت بر لزوم انتخاب عضو مطلع از «سازمان هواپیمایی کشوری» دارد؟ و در نتیجه، وزیر مربوط در هنگام انتخاب خود، دایره محدودی پیش‌روی دارد و مجاز به انتخاب فرد مطلع دیگری خارج از سازمان هواپیمایی کشوری نمی‌باشد؟ اگرچه ظاهر قانون حکایت از این دارد که عبارت «هواپیمایی کشوری» دلالتی بر «سازمان هواپیمایی کشوری» نمی‌کند؛ اما آیین‌نامه شورای عالی هواپیمایی کشوری در ماده (۳) برداشت مخالف را به ذهن می‌رساند. ماده مزبور مقرر می‌دارد که «فرد مطلع سازمان هواپیمایی کشوری عضو شورا، سمت دبیری شورا را نیز خواهد داشت». با اینکه از نظر اصول تفسیری، امکان تفسیر قانون به وسیله آیین‌نامه به واسطه مغایر بودن مرجع وضع آنها، با اشکال و ایراد حقوقی می‌تواند همراه شود؛ اما در هر صورت به منظور جمع میان حکم قانون و حکم مندرج در آیین‌نامه، مقتضی و مناسب آن است که مقام انتخاب‌کننده، عضو مطلع هواپیمایی کشوری شورا را از میان کارکنان یا وابستگان سازمان هواپیمایی کشوری انتخاب و معرفی نماید تا مسیر بروز مشکلات بعدی مسدود گردد؛ در غیر این صورت نیز پیشنهاد دیگر آن است که مقام انتخاب‌کننده، عضو مطلع را از میان همان نهادهایی که دارای نماینده یا

۱. برای مطالعات بیشتر در این خصوص، بنگرید به: صادقی، میلاد، ششم آبان ۱۴۰۲، «تخصص چیست و متخصص کیست؟»، روزنامه جهان اقتصاد، شماره ۸۲۶۰، صفحه ۳.

شایسته ذکر است که «قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم قانون اساسی»، در ترکیب اعضای شورای رقابت، از حضور «یک حقوق دان برجسته و آشنا به حقوق اقتصادی» یاد کرده است (ماده ۵۳).

عضو در شورا هستند (از جمله شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران) تعیین نکنند؛ و الا به نظر می‌رسد که چالش مربوط به ترکیب اعضای شورا، بر طبق آنچه در قسمت (۲.۳) به میان آمد، تشدید خواهد شد.

۴.۳. شفافیت و قابلیت دسترسی به سیاست‌ها، مصوبات و تصمیمات شورا

مسئله شفافیت و قابلیت دسترسی به مصوبات و تصمیمات شورا از دیگر مسائل حائز اهمیتی است که در انتقاد از فعالیت و طرز کار شورا می‌توان به آن پرداخت. اساس نامه سازمان هواپیمایی کشوری در بند (۳۰) ماده (۳) مقرر نموده است که این سازمان موظف به اجرای سیاست‌ها، مصوبات و تصمیماتی است که شورای عالی هواپیمایی کشوری در چهارچوب اختیارات و وظایف قانونی آن شورا اتخاذ و ابلاغ می‌کند؛ با این حال مشکلی که در این زمینه دیده می‌شود، فقدان بستری مناسب برای قابلیت دسترسی به سیاست‌ها، مصوبات و تصمیمات شورا است. اینک با توجه به اینکه نزدیک به هشت دهه از عمر این شورا می‌گذرد، نظام حقوق هوایی ایران باید با حجم قابل توجهی از این‌گونه سیاست‌ها، مصوبات و تصمیمات روبرو باشد؛ اما شوربختانه در این زمینه شفافیتی ملاحظه نمی‌شود و امکان دسترسی عمومی به این سیاست‌ها، مصوبات و تصمیمات وجود ندارد.^۱

۱. ذکر این مطلب مناسب است که سامانه قوانین و مقررات سازمان هواپیمایی کشوری نیز با اینکه به تفکیک به انتشار و درج قوانین مجلس شورای اسلامی، مقررات مصوب هیئت دولت، استانداردهای «سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری» (ایکائو)، مقررات مصوب سازمان و موافقت‌نامه‌ها/ تفاهم‌نامه‌ها مبادرت نموده است، لیکن قسمتی را به انتشار و درج سیاست‌ها، مصوبات و تصمیمات شورا اختصاص نداده است که توصیه می‌شود در راستای جبران این نقیصه، اقدام شایسته در دستور کار قرار بگیرد؛ به‌ویژه با توجه به آنکه به موجب ماده (۱۰) آیین‌نامه سال (۶۰) شورا، مصوبات و تصمیمات شورا به امضای رئیس شورا به سازمان هواپیمایی کشوری اعلام خواهد شد و سازمان مذکور اقدامات لازم را در اجرای مصوبات و تصمیمات شورا به عمل خواهد آورد، انتشار و درج مصوبات و تصمیمات شورا در سامانه قوانین و مقررات سازمان، امری دشوار نخواهد بود؛ جالب آنکه اشکال شفافیت در طرز فعالیت شورا و فراهم نبودن امکان دسترسی عمومی به مصوبات، تصمیمات و سیاست‌های این نهاد، مسئله عموم شوراهای کشور به نظر می‌رسد؛ در این خصوص مصوبه مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۳۱ شورای عالی اداری در ماده (۳) مقرر داشته است که «به منظور تقویت سیستم شفافیت و پاسخگویی نهادهای شورایی، سازمان اداری و استخدامی کشور با همکاری دستگاه‌های اجرایی و دبیرخانه نهادهای مذکور، سامانه‌ای تحت عنوان «سامانه ملی مدیریت شوراهای کشور» ایجاد [خواهد کرد] تا تمامی نهادهای موضوع این مصوبه، اطلاعات، صورت‌جلسات و تصمیمات اتخاذ شده را در این سامانه ثبت نمایند».

۵.۳. نظارت مؤثر بر مصوبات و تصمیمات شورا

برخی از نویسندگان بر این عقیده‌اند که با وجود خلأ نظارتی مؤثر بر عملکرد شوراهای عالی، دیوان عدالت اداری، تنها مرجعی است که می‌تواند بر بخشی از تصمیم‌گیری‌های شوراهای عالی اداری، اقدام کند و این امر به دو طریق قابل حصول است: نخست، رسیدگی به درخواست اشخاص نسبت به ابطال مصوبات یا مقررات شوراهای عالی و دوم، طرح مصوبه در هیئت عمومی دیوان از سوی رئیس قوه قضاییه یا رئیس دیوان و درخواست ابطال آن؛ اما این نظارت دیوان، نظارتی است که به صورت فراگیر یا منظم به عمل نمی‌آید؛ بلکه به صورت موردی اجرا می‌شود و با وجود تراکم و تورم در وضع مقررات و آیین‌نامه‌های دولتی، امکان نظارت مؤثر از طریق دیوان عدالت اداری ممکن به نظر نمی‌رسد (دبیرنیا، ۱۳۹۳: ۱۳۸).

از طرف دیگر، هرچند به موجب ماده (۶۴) آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور (مصوب ۱۳۹۸/۰۳/۲۱)، تشخیص دستگاه مشمول نظارت و بازرسی با سازمان مذکور است و مؤسسه و دستگاه نمی‌تواند مانع انجام بازرسی شود؛^۱ لکن «دستگاه» در این آیین‌نامه تابع تعریف به خصوصی است. بر طبق ماده (۱) آیین‌نامه یادشده، مقصود از «دستگاه»، وزارتخانه و سایر اشخاص حقوقی مذکور در ماده (۲) «قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور» (مصوب ۱۳۶۰ با آخرین اصلاحات و الحاقات بعدی) است. ماده (۲) این قانون نیز در بیان وظیفه سازمان نسبت به بازرسی مستمر بر اساس برنامه منظم، تنها از وزارتخانه‌ها، ادارات و نیروهای نظامی و انتظامی و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها و دفاتر اسناد رسمی و مؤسسات عام‌المنفعه و نهادهای انقلابی و سازمان‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه یا سهام آنان متعلق به دولت یا دولت به نحوی از انحا بر آن‌ها نظارت یا کمک می‌نماید و کلیه سازمان‌هایی که شمول این قانون نسبت به آن‌ها مستلزم ذکر نام آن‌ها است، یاد می‌کند. مطابق با این دستور، بعید است که بتوان شورا را در ردیف یکی از ادارات یا

۱. بر طبق ماده مزبور، چنانچه مؤسسه یا دستگاه، ادعایی در این خصوص داشته باشد، باید کتباً به سازمان اعلام نماید و نظر نهایی رئیس سازمان یا مقام مأذون از جانب وی لازم‌الاتباع خواهد بود.

مؤسسات دولتی قلمداد کرد و قائل به شمول حکم مندرج در ماده (۶۴) آیین‌نامه اجرایی نسبت به شورا گردید؛ بدین ترتیب چنین می‌توان گفت که مقوله نظارت‌پذیری نسبت به شورا با اخلال روبرو است و رفع این اخلال به جهت حساس بودن وظایف و اختیارات شورا، امری مبرم و حیاتی است. این نظارت خارجی، سبب خودپایشی یک سازمان (در اینجا، شورا) خواهد شد و موجب می‌شود تا شورا رفتار خود را برای نظارت‌کنندگان خارجی نیک روشن کند (مینتزبرگ، ۱۳۷۷: ۲۲۶)؛ همچنین این نظارت می‌تواند تا حدودی در حل برخی از چالش‌های پیشین شورا نیز مفید باشد؛ زیرا ارتباطات رسمی و کتبی، اسنادی پدید می‌آورد و این اسناد را هنگامی که از تصمیم‌های گرفته شده پرسش می‌شود، به نمایش می‌گذارد (مینتزبرگ، ۱۳۷۷: ۲۲۶).

۶.۳. سایر ابهامات در آیین‌نامه شورا

در نهایت باید از دیگر ابهامات مربوط به فعالیت و طرز کار شورا یاد کرد که به واقع، آیین‌نامه سال (۶۰) شورا، سهم ممتازی را به خود در این رابطه، اختصاص داده است؛ از جمله این ابهامات، اختیارات و وظایفی است که آیین‌نامه شورا در مواقعی به «رئیس شورا» و در مواقعی به «رئیس سازمان هواپیمایی کشوری» به عنوان یکی از اعضای شورا محول کرده است و در نوع خود محل تأمل به نظر می‌رسد؛ برای مثال به موجب ماده (۱) آیین‌نامه، شورای عالی هواپیمایی کشوری، در اولین جلسه از بین اعضا یک نفر رئیس و یک نفر نایب‌رئیس برای مدت یک سال انتخاب خواهد کرد که انتخاب مجدد آن‌ها بلامانع است و در غیاب رئیس شورا، اداره جلسات با نایب‌رئیس خواهد بود؛ اما آیین‌نامه در ماده (۳) پس از آنکه به این مطلب اشاره می‌کند که فرد مطلع سازمان هواپیمایی کشوری عضو شورا، سمت دبیری شورا را نیز خواهد داشت، مقرر می‌دارد که دعوت و ترتیب جلسات، انجام امور اداری و تنظیم صورت‌جلسات شورای عالی، با نظر رئیس سازمان و در غیاب وی نایب‌رئیس، از وظایف دبیر شورا است. در این ماده اشاره به عبارت «رئیس سازمان» محل تأمل است. این موضوع به احتمال بسیار زیاد ناشی از یک اشتباه به نظر می‌رسد؛ زیرا به دلایل گوناگون از جمله تصریح به عبارت «و در غیاب وی

نایب رئیس» می‌توان گفت که منظور آیین‌نامه از عبارت «رئیس سازمان» در این ماده، باید «رئیس شورا» بوده باشد.^۱

البته در ماده (۴) آیین‌نامه، اختیار دعوت از کلیه مؤسسات هواپیمایی داخلی جهت تعیین نماینده مؤسسات مذکور به «رئیس سازمان هواپیمایی کشوری» داده شده است تا او نسبت به انجام این امر اقدام نماید؛ لذا در این ماده همانند ماده (۳) آیین‌نامه، احتمال وقوع اشتباه بسیار بعید و دوراز ذهن به نظر می‌رسد.

اما ماده (۸) آیین‌نامه، تغییر بیان داده و این بار به جای اشاره به یکی از سه عبارت «رئیس شورا»، «رئیس سازمان» و «رئیس سازمان هواپیمایی کشوری»، عنوان «رئیس» را برگزیده است. به موجب این ماده، در صورتی که اکثریت اعضا با قید فوریت، موضوعی را برای طرح در شورا پیشنهاد نمایند، رئیس، آن موضوع را در دستور اولین جلسه شورا قرار خواهد داد و اگر در جلسه باشد در همان جلسه، مطرح می‌شود. در اینجا به نظر می‌رسد که اختیار مقرر در ماده (۸) آیین‌نامه به «رئیس شورا» متعلق است و از جمله اختیارات وی است.

یکی دیگر از مشکلاتی که امروزه شورا می‌تواند با آن مواجه باشد، اعتبار تصمیمات آن در فرضی است که لااقل چهار نفر از اعضای صاحب‌رأی حاضر در جلسه، رأی موافق داده باشند. در حقیقت به موجب ماده (۵) آیین‌نامه، تصمیمات شورا وقتی معتبر است که لااقل چهار نفر از اعضای صاحب‌رأی حاضر در جلسه رأی موافق داده باشند؛ با این حال حکم مذکور مربوط به زمانی است که شورا دارای هفت عضو با حق رأی بوده است. امروزه با توجه به اینکه مدیرعامل شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران نیز دارای حق رأی در شورا است، مشخص نیست که در فرض حضور همه اعضای برخوردار از حق رأی، تصمیمات حائز رأی موافق چهار نفر، چه اعتباری خواهند داشت؛ زیرا در این صورت نمی‌توان قائل به حصول اکثریت نسبی در رأی‌گیری شد.

۱. پاره‌ای از مجموعه قوانین و مقررات هواپیمایی کشوری در ماده (۳) آیین‌نامه شورا، به جای عبارت «با نظر رئیس سازمان»، به عبارت «با نظر رئیس» اشاره دارند؛ از جمله این موارد، مجموعه قوانین و مقررات هواپیمایی کشوری است که در مهرماه سال (۱۳۹۱) توسط معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات به چاپ رسیده است. با این حال در سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران (پایگاه به نشانی qavanin.ir) همان عبارت «با نظر رئیس سازمان» ملاحظه می‌شود. همین ترتیب اخیر در سامانه قوانین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تکرار شده است.

۴. دو دیدگاه در باب موجودیت شورا

دقت در سیر تشکیل و تحولات شورای عالی هواپیمایی کشوری و همچنین انتقادات از وضعیت و فعالیت آن، پرسشی را ظاهراً به میان می‌آورد. اینکه هرچند تأسیس و تشکیل شورا برای قانون‌گذار، دارای اهمیت بوده و قانون‌گذار در پی تحقق اهداف خاصی از این مجرا بوده است؛ اما آیا امروزه نیز می‌توان با توجه به تحولات پدیدآمده و البته کارنامه و طرز عمل شورا، همچنان از موجودیت و ضرورت تداوم حیات آن دفاع کرد؟ یا آنکه باید بر این نظر بود که تداوم حیات و فعالیت شورای مذکور دیگر امری غیرلازم و بی‌فایده است و باید انحلال آن اعلام گردد و موجودیت آن از نظام حقوقی ایران برچیده شود؟ وانگهی در بررسی لزوم تداوم حیات شورا نباید از کلیت نظام حقوق هوایی ایران و تأثیری که دیگر قوانین و مقررات می‌توانند بر تصمیم‌گیری و قضاوت نسبت به موجودیت و عملکرد شورا برجای گذارند، غافل شد. در این زمینه باید بار دیگر به مفاد «قانون هواپیمایی کشوری» و مقررات بعدی هواپیمایی از جمله اساس‌نامه سازمان هواپیمایی کشوری و حتی مقررات بین‌المللی هواپیمایی از قبیل «کنوانسیون (۱۹۴۴) شیکاگو»^۱ مراجعه کرد و با رویکردی کل‌نگر و جامع به بحث درباره موجودیت شورا و آینده آن پرداخت.

در این رابطه می‌توان دو عقیده یا دیدگاه را به میان آورد؛ یکی، لزوم تداوم حیات شورا یا اصرار بر تقویت و احیای شورا. عنصر سازنده این دیدگاه، اتخاذ اقدامات درمانی و اصلاحی برای رفع نارسایی‌ها و مشکلات شورا یا حرکت اساسی در راستای احیای شورا است؛ دیگری، لزوم انحلال و برچیدن شورا و تزریق سایر وظایف و اختیارات باقی مانده و اساسی آن به نهادهای موجود از قبیل سازمان هواپیمایی کشوری به عنوان نماینده دولت در امور حمل‌ونقل هوایی و فرودگاه‌های کشور است.

۱.۴. لزوم تداوم حیات شورا (تقویت یا احیای آن)

این عقیده و دیدگاه بر آن است که شورای عالی هواپیمایی کشوری هنوز هم می‌تواند هیئت و یا مجمعی تأثیرگذار در صنعت هوانوردی ایران باشد و کارکردها و نقش‌هایی

1. Chicago Convention of 1944.

بسیار مهم را از خود به جای گذارد؛ لذا وجود و تداوم حیات آن ضرورت دارد. اگر نقایص یا نارسایی‌هایی در جایگاه و وضعیت و همچنین طرز کار و فعالیت آن دیده می‌شود یا آنکه عملاً به نهادی بی‌نام‌ونشان در صحنه صنعت هوانوردی ایران تبدیل شده است، باید حسب مورد در راستای رفع این نقایص و نارسایی‌ها کوشید و آن را درمان، اصلاح و تقویت کرد یا این شورا را مجدداً احیا نمود و حیاتی دوباره به آن بخشید.

در این دیدگاه، وجود شورا یا احیای آن مغتنم است؛ زیرا به واسطه آن که مجمعی فرابخشی یا فراسازمانی است و متشکل از اعضای مطلع و متخصص از بخش‌ها و قسمت‌های مختلف دولت و جامعه است، می‌تواند به نحو بهتری از عهده اداره صنعت هوانوردی کشوری برآید و حتی باقوت و دقت عمل بیشتری به تعهدات و تکالیف بین‌المللی در قلمرو هواپیمایی کشوری پاسخ دهد؛ برای نمونه، می‌دانیم که قوانین و مقررات هواپیمایی در سطح بین‌المللی به طور معمول مربوط به «هواپیماهای کشوری»^۱ است و درباره «هواپیماهای دولتی»^۲ از جمله «هواپیماهای نظامی»^۳ مجری نمی‌باشند (رک: صادقی، ۱۳۹۷: ۳۵۱-۳۵۲)؛ بااین حال وفق بند اخیر ماده (۳) «کنوانسیون هواپیمایی کشوری بین‌المللی»، دولت‌ها، متعهد هستند که هرگاه مقرراتی را برای هواپیماهای دولتی خود صادر نمایند، به‌گونه‌ای مناسب و مقتضی، ایمنی ناوبری هواپیمای کشوری را مورد ملاحظه قرار دهند. اینک شورای عالی هواپیمایی کشوری با توجه به ترکیب نفرات خود، همچون حضور یک نفر نماینده مطلع از نیروی هوایی و یک نفر متخصص حقوق هوایی و توسل به ابزار مهمی چون تبصره (۲) الحاقی به ماده (۶) اصلاحی «قانون هواپیمایی کشوری» و یا بند (د) از تبصره (۱) الحاقی به ماده (۶) مذکور، می‌تواند دولت را در اجرا و عمل به حکم و تعهد مندرج در این کنوانسیون و تأمین ایمنی هوایی، مساعدت و یاری نماید؛ جالب آنکه اگر به پایه اصلی تشکیل شورا یعنی «شورای عالی هوایی» بازگردیم، درخواستیم یافت که یکی از مقاصد تشکیل این شورا اجرای الزامات «کنوانسیون (۱۹۴۴) شیکاگو» و حتی ایجاد هماهنگی و همکاری دائمی میان

1. Civil aircraft.

2. State aircraft.

3. Military aircraft.

سازمان هواپیمایی کشوری با نیروی هوایی نظامی بوده است. چه بسا به دلیل اهمیت موضوع هماهنگی و همکاری میان بخش نظامی و کشوری در «مدیریت ترافیک هوایی»^۱ - که امروزه «سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری» (ایکائو)^۲ نیز بر آن تأکید فراوان دارد - حضور رئیس بازرسی هوایی ارتش و فرمانده نیروی هوایی در کنار رئیس اداره کل هواپیمایی کشوری و مستشار حقوقی این اداره، سیاستی کاملاً موجه و پسندیده است و دولت را در اجرای صحیح تعهدات بین‌المللی خود، یاری می‌داده است.

گفتنی است که این دیدگاه مورد تأکید نویسندگانی قرار گرفته است. پاره‌ای بر آن اند که تقویت شورا، امری ضروری است و از این رو لازم است علاوه بر تعیین افراد مطلع برای عضویت در این شورا، دبیرخانه و کمیته‌های تخصصی برای این شورا در نظر گرفته شود؛ زیرا کمیته‌های مذکور با عضویت کارشناسان خبره صنعت هوانوردی، خط‌مشی‌های اجرایی و هماهنگی میان نهادهای مختلف را بررسی و پیش‌نویس‌ها را به صورت کارشناسی تدوین می‌کنند و در نتیجه مصوبات شورا با پشتوانه کارشناسی صادر شده و به موقع اجرا گذاشته می‌شوند (منظری، ۱۴۰۱: ۳۵۲). دسته‌ای دیگر از نویسندگان بر این باورند که هرچند «قانون تفویض اختیارات و وظایف شورای عالی هواپیمایی کشوری»، این شورا را از صحنه صنعت هوانوردی ایران حذف و آن را به هیئت بی‌نام‌ونشان تبدیل نموده است؛ اما نظر به اینکه این شورا کارکردهای قانونی بسیار مهمی دارد و تاکنون صنعت هوانوردی ایران شاهد مصوبات و تصمیمات قابل ملاحظه‌ای از سوی این رکن تصمیم‌گیر نبوده است، پیشنهاد می‌شود که قانونی با نام «قانون احیای شورای عالی هواپیمایی کشوری» وضع و آیین‌نامه اجرایی آن به تصویب هیئت وزیران برسد (اشراقی آرنای، ۱۳۹۴: ۵۶).

به نظر می‌رسد که دولت به همین دیدگاه متمایل است و در این خصوص بیشتر به ضرورت تقویت شورا می‌اندیشد. گواهی بر این ادعا، تصویب «لایحه اصلاح ماده (۶) قانون هواپیمایی کشوری» توسط هیئت وزیران و ارسال آن به مجلس شورای اسلامی

1. Air Traffic Management

2. International Civil Aviation Organization/ ICAO

جهت انجام تشریفات قانونی در تاریخ ۱۴۰۳/۰۶/۲۸ است؛ لایحه‌ای که نه تنها با تفسیر دیوان عدالت اداری از منتفی شدن موضوع نرخ‌گذاری از سوی شورا و حتی حکم مندرج در ماده (۴۸) قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت، مخالفت دارد و در این زمینه اقدام به شفافیت و رفع ابهام قانونی نموده است، بلکه چنان‌که گفته شد به دنبال آن است تا یک نفر نماینده از وزارت صنعت، معدن و تجارت به شورا اضافه گردد.

۲.۴. لزوم انحلال و برچیدن شورا

در مقابل دیدگاه نخست، ممکن است بتوان به دیدگاه دیگری قائل شد و از ضرورت انحلال یا برچیدن شورا دفاع کرد؛ دیدگاهی که شاید در بادی امر چندان قابل دفاع به نظر نرسد؛ اما در حقیقت، ادله به خصوصی آن را پشتیبانی می‌کند و به آن جدیت می‌بخشد. زمینه و مقدمه طرح این دیدگاه، مصوبه‌ای است که «شورای عالی اداری» در یک صد و هشتاد و هشتمین جلسه مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۳۱ بنا به پیشنهاد سازمان اداری و استخدامی کشور و به استناد بند (۷) ماده (۱۱۵) «قانون مدیریت خدمات کشوری» اتخاذ کرده است. منظور از این مصوبه، بازنگری و اصلاح نظام تصمیم‌گیری شوراها و کمیته‌ها و سازماندهی مراجع و نهادهای تصمیم‌گیرنده موازی و غیرضرور است؛ همچنین این مصوبه در راستای اجرای سند تحول دولت مردمی مبنی بر بازمهندسی ساختارهای شورایی و انسجام تصمیم‌گیری و افزایش پاسخگویی اتخاذ شده است.

به موجب ماده (۱) این مصوبه، در راستای سازماندهی، بازطراحی و تعیین تکلیف نهادهای شورایی کشور در بخش دولت و حذف وظایف و فعالیت‌های موازی و متداخل، تمامی دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند از میان فهرست نهادهای شورایی که به پیوست این مصوبه آمده است، حداکثر ظرف مدت یک ماه، نهادهای شورایی مرتبط با حوزه خود را بررسی و ضمن به‌روزرسانی، پیشنهاد انحلال، ادغام و یا ضرورت ادامه فعالیت آن‌ها را به سازمان اداری و استخدامی کشور اعلام نمایند.

بر طبق ماده (۲) این مصوبه، پیشنهادهای واصله از دستگاه‌ها در کارگروهی مرکب از سازمان اداری و استخدامی کشور، سازمان برنامه و بودجه کشور، معاونت حقوقی

رئیس‌جمهور با همکاری دستگاه اجرایی ذی‌ربط مطرح و نسبت به ضرورت ادامه فعالیت، ادغام و انحلال و یا پیش‌بینی سازوکار جدید با رویکرد کاهش نهادهای مذکور اقدام می‌گردد و نتیجه حداکثر ظرف مدت سه ماه برای تصمیم‌گیری نهایی در چهارچوب قوانین و مقررات به شورای عالی اداری ارائه می‌شود. در میان پیوست این مصوبه، از شورای عالی هواپیمایی کشوری به عنوان یکی از شوراهای وابسته به وزارت راه و شهرسازی یاد شده است.^۱

در حال حاضر به نظر می‌رسد با توجه به سایر قوانین و مقررات هواپیمایی و همچنین تحولات و تغییرات پدیدآمده در نظام حقوق هوایی ایران، شورای عالی هواپیمایی کشوری عملاً به یک مجمعی تبدیل شده است که از ایفای آن کارکرد اصلی مورد نظر قانون‌گذار، ناتوان است یا دیگر موجبی برای اعمال آن باقی نمانده است؛ از سویی، برخی از وظایف و اختیارات این شورا، دست‌کم به موجب تفاسیر قضایی از تحولات قانونی بعدی، دیگر نمی‌تواند از صلاحیت‌های این شورا باشد؛ از سوی دیگر، در ارتباط با شماری از وظایف و اختیارات شورا، امکان اقدام و مداخله از طرف نهاد یا مرجعی متفاوت قابل تصور است. در خصوص موضوع اخیر می‌توان از اساس نامه سازمان هواپیمایی کشوری یاد کرد. سازمان هواپیمایی کشوری بر طبق مقررات این اساس نامه مجاز است در ارتباط با فضای هوایی کشور در حوزه هوانوردی غیرنظامی و پروازهای عبوری از فضای کشور و نشست و برخاست از فرودگاه‌ها مطابق با «قانون هواپیمایی کشوری»، اقدام به سیاست‌گذاری نماید؛ افزون بر این، سازمان مذکور می‌تواند در خصوص طراحی، عملیات، تجهیزات، سامانه‌ها، تسهیلات، مدیریت، نیروی انسانی و اقتصاد حمل‌ونقل

۱. اعلام وابستگی دستگاهی شورای عالی هواپیمایی کشوری به وزارت راه و شهرسازی (از حیث محل استقرار دبیرخانه) در پیوست این مصوبه، قابل تأمل است، زیرا در سال (۱۳۴۷)، «قانون اصلاح ماده (۶) قانون هواپیمایی کشوری» مقرر نموده بود که این شورا در نخست‌وزیری تشکیل خواهد شد و این همان نخست‌وزیر بود که در برابر شورا، حقوق و اختیاراتی ویژه داشت؛ از ارجاع مسائل مربوط به هواپیمایی کشوری به شورا جهت مطالعه و اظهار نظر تا حق دریافت گزارش سالانه فعالیت‌ها و پیشنهادهای شورا بر اساس ماده (۱۳) آیین‌نامه شورا. در بازنگری قانون اساسی در سال (۱۳۶۸) نخست‌وزیری حذف شده و رئیس‌جمهور به جای نخست‌وزیر، ریاست هیئت وزیران را عهده‌دار می‌شود. اینک به نظر می‌رسد که محل تشکیل شورا باید به جای نخست‌وزیری، ریاست جمهوری باشد و وظایف و اختیارات شورا در برابر نخست‌وزیر و همچنین حقوق و اختیارات نخست‌وزیر در برابر شورا در رابطه میان شورا و رئیس‌جمهور معنی شود و شورا را به دلیل همین ارتباط و مضافاً فرابخشی بودن آن، دستگاهی وابسته به ریاست جمهوری تلقی کرد.

هوایی مطابق با الزامات ایمنی، استانداردها و توصیه‌نامه‌های «سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری» (ایکائو) سیاست‌گذاری کند. این امور در حقیقت از جمله وظایف و اختیارات این سازمان به شمار می‌رود؛ حتی علاوه بر این‌ها، سازمان هواپیمایی کشوری در مورد وظیفه شورا نسبت به مطالعه و اظهارنظر در مسائل مربوط به هواپیمایی کشوری نیز دارای اختیار و وظیفه است؛ به نحوی بر طبق «قانون هواپیمایی کشوری» این وظیفه نه تنها در زمره وظایف عمده این سازمان است؛ بلکه عمل به آن منوط به ارجاع مقامی عالی‌رتبه نمی‌باشد. در این رابطه، بند (ه) ماده (۵) «قانون هواپیمایی کشوری» تصریح داشته است که مطالعات و تحقیقات علمی و فنی در مسائل مربوط به هواپیمایی کشوری و ایجاد تسهیلات و تشویق افراد و مؤسسات صلاحیت‌دار به انجام این امور و تهیه موجبات آن، از جمله وظایف عمده این سازمان است.

در خصوص شمار دیگری از وظایف و اختیارات شورا نیز می‌توان به‌گونه‌ای استدلال کرد که نشان‌دهنده غیرضروری بودن وجود شورا و لزوم انحلال آن باشد؛ برای نمونه، شورا از ایام قدیم موظف بوده است تا نسبت به صدور پروانه بهره‌برداری هوایی اظهار نظر نماید و تشخیص دهد که آیا بهره‌برداری هوایی تقاضا شده منطبق با مصالح کشور و احتیاجات جامعه است و به این اعتقاد برسد که تقاضاکننده قادر به انجام نوع بهره‌برداری هوایی مورد تقاضای خود به طرز اطمینان‌بخش است؛ لیکن امروزه سازمان هواپیمایی کشوری می‌تواند به واسطه وجود مقررات، به خصوص در باب شیوه تأسیس شرکت‌های هواپیمایی و در قالب این مقررات، نسبت به درخواست‌ها و تقاضاهای به عمل آمده، ظرف زمانی مشخص و با در دست داشتن اطلاعات و مدارک مورد نیاز، تصمیم‌گیری نماید. وانگهی اگر هدف حصول اطمینان از انجام نوع بهره‌برداری هوایی مورد تقاضا به طرز مطمئن است، این هدف را می‌توان از طریق فرایندها و الزامات مربوط به دریافت و صدور «گواهینامه بهره‌بردار هوایی» تأمین نمود.

گفتنی است یکی دیگر از دلایل و مدارکی که می‌تواند ضرورت انحلال و برچیدن شورا را تقویت نماید، اشاره ابتدایی «قانون تفویض اختیارات و وظایف شورای عالی

۱. مقرر در بند (۱۲) و (۱۹) از ماده (۳) اساس‌نامه سازمان هواپیمایی کشوری.

هواپیمایی کشوری» است. در اینجا قانون‌گذار به ذکر این مطلب پرداخته است که کلیه اختیارات و وظایف شورا، موضوع «قانون اصلاح ماده (۶) قانون هواپیمایی کشوری»، مادام که قانون جدید هواپیمایی کشوری به تصویب نرسیده به هیئتی مرکب از هفت نفر تفویض می‌شود. اشاره‌ای که احتمالاً دلالت بر این امر می‌نماید که با توسعه قوانین و مقررات هواپیمایی و تمهید نظامات و تأسیسات جدید حقوقی می‌توان به همان اهداف و انتظارات مورد نظر از ماهیت وجودی شورا دست یافت.

۵. نتیجه‌گیری

شورای عالی هواپیمایی کشوری از کهنه‌ترین و مهم‌ترین تشکیلات رسمی و مجمعی در امر حکمرانی بر صنعت هوانوردی کشوری ایران، کمتر توجه نویسندگان را به خود جلب کرده است. جایگاه، فعالیت و وضعیت حقوقی این نهاد، به ندرت موضوع و هدف مباحث مشخص و منظم قرار گرفته است؛ این در حالی است که پایه اصلی تشکیل شورا، اولاً به پیش از «قانون هواپیمایی کشوری» سال (۱۳۲۸) باز می‌گردد؛ ثانیاً تحولات و تغییرات قانونی نسبت به این شورا به‌گونه‌ای بود که عموماً قلمرو و دامنه اختیارات و وظایف شورا را گسترش و توسعه داده است؛ تا آنجا این شورا در مقام نهاد سیاست‌گذار هوانوردی کشوری ایران نشانده است. این مقاله با طرح چندین گفتار در خصوص شورا، به نتایج و پیشنهادهای متعددی دست یافته است که اهم آن‌ها را به شرح زیر می‌توان گزارش کرد:

۱- در ارتباط با سیر تشکیل شورا و تحولات شورا، اگرچه پیش از انقلاب اسلامی ایران، شاهد تحول و توسعه وظایف و اختیارات این شورا همراه با تغییر در ترکیب اعضای آن هستیم، اما پس از انقلاب، غالباً تغییر در ترکیب و حقوق اعضای شورا و گرایش به سمت تغییر آرایش اعضا را باید به عنوان جریان اصلی تحولات شورا معرفی کرد؛ بدین ترتیب، پیش از انقلاب، تحولات و تغییرات شورا، رنگ و بویی ماهوی - شکلی داشته است؛ اما پس از انقلاب، تحولات و تغییرات بیشتر شکلی یا آیینی به نظر می‌رسد؛ در دوره اخیر البته تحول ماهوی ناشی از وضع «قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه

- کشور» نیز باتوجه به اساس نامه سازمان هواپیمایی کشوری، مبهم مانده است و در نتیجه، رفع ابهام در این خصوص، ضرورت خواهد داشت.
- ۲- بادقت در آخرین تحولات و تغییرات پدیدآمده، اعم از آنکه مربوط به پیش از انقلاب باشد یا پس از آن، یا آنکه جنس و طبیعتی ماهوی داشته باشد یا شکلی و آیینی، می توان دریافت که امروزه شورا با نارسایی ها و مشکلات دامنه داری روبرو است؛ نارسایی ها و مشکلاتی از قبیل کیفیت اجرا و عمل به وظایف و اختیارات و خوانش شورا از وظایف و اختیارات خود و استناد به آن؛ تا ترکیب اعضای شورا و ملاحظات مربوط به انتخاب اعضای آن و حتی تزلزل برخی از اصول حکمرانی خوب در فعالیت شورا؛ در این زمینه برای نمونه، شورا به استناد وظیفه و اختیار خود مبنی بر «تعیین خط مشی کلی هواپیمایی کشوری» مبادرت به هنجارگذاری و مقررات گذاری می نماید؛ همچنین تصور می شود که نبود سازوکارهای نظارتی مؤثر بر فعالیت، مصوبات و تصمیمات شورا، بیشتر به این مشکلات دامن زده است.
- ۳- بادقت در نارسایی ها و مشکلاتی که شورا امروزه به آن دچار است و البته توجه به کلیت نظام حقوق هوایی ایران و سایر قوانین و مقررات موضوعه، دو دیدگاه را می توان در ارتباط با موجودیت شورا به میان آورد. یکی، لزوم تداوم حیات شورا (تقویت یا احیا) و دیگری، لزوم انحلال و برچیدن آن. هریک از دو دیدگاه، متکی به دلایل مخصوص به خود هستند؛ اما چنین تصور می شود که دیدگاه نخست در مقایسه با دیدگاه دوم از رسمیت، قدرت و شهرت بیشتری برخوردار است.
- ۴- به نظر می رسد که تصویب «لایحه اصلاح ماده (۶) قانون هواپیمایی کشوری» توسط هیئت وزیران در سال (۱۴۰۳) و ارسال آن به مجلس شورای اسلامی جهت انجام تشریفات قانونی، گواه یا قرینه ای بر حمایت دولت از دیدگاه نخست (لزوم تداوم حیات شورا و تقویت آن) باشد. این لایحه البته می توانست به صورتی جامع و با عناوین دیگری همچون «لایحه تقویت شورای عالی هواپیمایی کشوری» و به منظور پاسخ به نارسایی های موجود، تهیه، تصویب و سپس به مجلس ارسال

شود؛ چنین لایحه‌ای فرضاً می‌توانست ترتیبی اتخاذ نماید تا مقررات مربوط به طرز عمل شورا نیز اصلاح گردد.

۵- البته ممکن است پیشینه تاریخی شورا و نگاه به فلسفه تشکیل «شورای عالی هوایی» به عنوان سلف شورای عالی هواپیمایی کشوری، بتواند راهنمای مفیدی برای صنعت هوانوردی ایران در روزگار کنونی باشد تا این صنعت به گونه‌ای شایسته و مناسب نسبت به مسئله تقویت یا احیای شورای عالی هواپیمایی کشوری یا در مقابل، انحلال آن، تصمیم‌گیری نماید؛ اما تردیدی نیست که در صورت تصمیم به تداوم حیات شورا، حذف وظایف و فعالیت‌های موازی و متداخل، نظیر آنچه در باب برخی از وظایف و اختیارات مشترک یا مشابه میان شورا و سازمان هواپیمایی کشوری گفته شد، باید در دستور کار قرار گیرد و نسبت به آن سیاستی مشخص و کارآمد پیش‌بینی گردد.

۱. اشراقی آرانی، مجتبی، «مسئولیت مدنی متصدیان حمل هوایی در قبال سرایت ویروس های واگیردار به مسافران (با تکیه بر وضعیت پاندمی ویروس کووید ۱۹)» فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره بیست و پنجم، ویژه نامه حقوق و کرونا، شماره ۲، ۱۴۰۱، صفحات ۳۹۹-۴۱۸.
۲. اشراقی آرانی، مجتبی، ۱۳۹۴، قانون هواپیمایی کشوری در نظم حقوقی کنونی، نشر مخاطب.
۳. اشراقی آرانی، مجتبی، صادقی، میلاد، «حقوق هوایی، تأملی در مفهوم و اوصاف»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۸۱، اردیبهشت ۱۳۹۷، صفحات ۳۳۷-۳۶۲.
۴. اشراقی آرانی، مجتبی، صادقی، میلاد، اردیبهشت ۱۳۹۷، «حقوق هوایی، تأملی در مفهوم و اوصاف»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۸۱، صفحات ۳۳۷-۳۶۲، صفحه ۳۵۱ و ۳۵۲.
۵. دبیرنیا، علیرضا، «صلاحیت مجلس شورای اسلامی در تأسیس شوراهای عالی اجرایی؛ استقلال قوا یا تحدید صلاحیت های قوه مجریه»، مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و هشتم، شماره ۸۸، ۱۳۹۳، صفحات ۱۴۳-۱۱۵.
۶. صادقی، میلاد، ۱۴۰۱، باز در پرواز: هفت گفتار کوتاه در باب حقوق هوایی، انتشارات اندیشه عصر.
۷. صادقی، میلاد، ششم آبان ۱۴۰۲، «تخصص چیست و متخصص چیست؟» روزنامه جهان اقتصاد، شماره ۸۲۶۰، صفحه ۳.
۸. محمدزاده قوه باغ، حسین، جباری، منصور و حسین رستمزاد، «نقش سازمان هواپیمایی کشوری ایران در حفظ ایمنی هوانوردی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره بیست و یکم، شماره ۶۶، بهار ۱۳۹۹، صفحات ۶۹-۱۰۵.
۹. منظری، علیرضا، ۱۴۰۱، آخرین بازمانده: بازخوانی ۳۰ سال تاریخ معاصر صنعت هوانوردی ایران، تین نگار.
۱۰. مونتسکیو، ۱۳۶۲، روح القوانین، ترجمه و نگارش: علی اکبر مهتدی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۱. مینتزیگ، هنری، ۱۳۷۷، سازماندهی: پنج الگوی کارساز، ترجمه: ابوالحسن فقیهی و حسین وزیری سابقی، مرکز آموزش مدیریت دولتی.



پژوهش‌های
سلامت‌اداری
سال اول
شماره ۳
پاییز ۱۴۰۴
صفحه ۷۹ الی ۱۱۶

امکان‌سنجی استفاده از نظام تبادل داده‌ها و فرا داده‌ها به منظور مبارزه با فساد

چکیده

فساد شامل رفتارهای غیرقانونی و غیراخلاقی است که در آن افراد با سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود به منافع شخصی یا گروهی دست می‌یابند. این پدیده به عنوان یکی از چالش‌های مهم جوامع، تأثیرات گسترده‌ای بر حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی دارد. فساد اقتصادی می‌تواند منجر به کاهش سرمایه‌گذاری‌های ملی و خارجی و تضعیف رشد اقتصادی می‌شود و حکمرانی را دچار اختلال و ساختار اجتماعی جامعه، اعتماد، اطمینان و حاکمیت قانون را به شدت

عباس مرادی^۱
(مدیرگروه پردازش
داده‌ها و اطلاع‌رسانی
پژوهشکده آمار تهران)

محسن محمدی
حسنلونی^۲ (دانشجوی
دکترای مدیریت
بازرگانی دانشگاه آزاد
اسلامی واحد مبارکه)

۱. نویسنده مسئول:

abasmoradi1364@gmail.com

تاریخ ارسال: ۲۹ دی‌ماه ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۰ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۰ خردادماه ۱۴۰۴

2. mohsenmohammadi1994@mau.ac.ir

تضعیف می‌کند. نقطه مقابل فساد، شفافیت حاکمیتی، اقتصادی و اطلاعاتی است. هدف اصلی از شفافیت حاکمیتی مبارزه با فساد، مسئولیت‌پذیری و پاسخگو کردن مسئولین کشور است. در شفافیت اقتصادی و اطلاعاتی، باید فعالیت‌های اقتصادی تجاری پیش‌بینی‌پذیر باشند. مفهوم شفافیت اطلاعات بدان معنا است که دسترسی آسان و آزاد به اطلاعات آماری و ریزداده‌های باکیفیت در قالب مناسب به موقع و به‌هنگام برای همگان وجود داشته باشد که به موجب آن عملکرد نهادها و سازمان‌ها را بررسی کنند. به موجب آن تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات اجرایی حکمرانان کشور به صورت منصفانه، دقیق و درست انجام می‌شود. زیرساخت‌های شفافیت شامل داده‌های باکیفیت، فرهنگ و التزام به تبادل داده‌ها و فراداده‌ها، تخصص مربوط به جورسازی داده‌ها و پیوند رکوردها و تحلیل درست از داده‌های تجمیع‌شده است. با استقرار این زیرساخت‌ها، نظارت همه‌جانبه بر نحوه حکمرانی برای آحاد جامعه فراهم و از فساد در جامعه پیشگیری می‌شود. در حکمرانی خوب به منظور پیشگیری فساد از تحلیل محتوا سری زمانی داده‌های تبادل یافته استفاده می‌شود؛ بنابراین لازمه حکمرانی خوب و مبارزه با فساد استقرار نظام تبادل داده‌ها و فراداده‌ها است؛ در واقع این نظام مبتنی بر سه رکن اصلی شامل زیرساخت‌های فناورانه مانند سکوه‌های یکپارچه تبادل داده و هوش مصنوعی شامل الگوریتم‌های شناسایی ناهنجاری‌ها، فرهنگ‌سازی و ارتقای سواد آماری سیاست‌گذاران و مشارکت عمومی در نظارت و راهبرد کلان شامل ترکیب اقدامات پیشگیرانه، نظارتی و تنبیهی با استفاده از بانک‌های اطلاعاتی یکپارچه شده است. با تجمیع داده‌های باکیفیت، جورسازی داده‌ها، پیوند رکوردها و تحلیل محتوای سری‌های زمانی، می‌توان حلقه‌های فساد را در سطوح خرد و کلان شناسایی و متلاشی کرد. این چهارچوب نه تنها شفافیت و عدالت اجتماعی را نهادینه می‌کند، بلکه با تبدیل داده‌ها به ابزاری عملی، پایه‌ای برای توسعه پایدار و اعتمادسازی در حکمرانی خوب فراهم می‌آورد. در این پژوهش با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای استقرار تبادل داده‌ها به منظور پیشگیری از فساد در قالب مدلی نوین تشریح شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است استانداردهای تبادل داده‌ها و فراداده‌ها، افزایش

سواد آماری، و توسعه فرهنگ استفاده آگاهانه از آمار، زمینه‌ساز شفافیت و تصمیم‌گیری مبتنی بر واقعیت‌اند. گردآوری، یکپارچه‌سازی، تبادل و تحلیل ریزداده‌ها با بهره‌گیری از فناوری‌هایی چون یادگیری ماشین، بلاک چین و رایانش ابری، امکان پیش‌بینی و شناسایی فساد را فراهم می‌سازد؛ همچنین، نظارت بلادرنگ، شناسایی الگوهای مشکوک و اطلاع‌رسانی عمومی، نقش مهمی در کاهش تقلب و ارتقای پاسخ‌گویی نهادها ایفا می‌کنند. مجموعه این عوامل در کنار سازوکارهای حقوقی و فنی، ساختار یکپارچه‌ای برای حکمرانی داده‌محور فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، داده‌های باز، نظام تبادل، شفافیت اطلاعاتی، تحلیل داده‌ها، فساد

Role of Statistical Data and Metadata Exchange in Combating Corruption

Abbas Moradi (Head of Data Processing and Information Department, Tehran Statical Research Center)

Mohsen Mohammadi Hassanloei (Ph.D. Student in Buisness Management, Islamic Azad University, Mobarakeh Branch)

Abstract

Corruption, defined as dishonest or criminal conduct by individuals or organizations in positions of authority to obtain illicit benefits or abuse power for personal gain, is a fundamental problem plaguing societies worldwide. Its detrimental effects extend across the economy, politics, society, and the environment. Corruption erodes governance, undermines the rule of law, and severely weakens social trust and institutional integrity.

Transparency serves as the primary antidote to corruption, aiming to hold officials accountable and foster integrity. In an economic and informational context, transparency requires that commercial activities be predictable and that anonymized microdata from government bodies be proactively disclosed as a public good within an open data framework. This entails providing high-quality statistical information and microdata in a timely, accessible, and structured manner to all stakeholders.

Such information transparency empowers individuals and organizations to monitor institutional performance, verify the fairness and accuracy of governmental decisions, and ensure proper policy implementation. The necessary infrastructure for transparency includes the production of quality data, a robust culture of data and metadata exchange, technical expertise in data

چکیده انگلیسی

collation, matching, record linkage, and the analytical capacity to interpret aggregated information.

Establishing this infrastructure enables comprehensive public oversight of governance processes, which is instrumental in preventing corruption. Furthermore, applying analytical techniques—such as content analysis derived from time-series data exchanges—can significantly enhance the effectiveness of corruption prevention within a framework of good governance. Consequently, implementing a systematic data and metadata exchange system is indispensable for promoting good governance and combating corruption.

Keywords: Good Governance, Open Data, Data Exchange System, Information Transparency, Data Analysis, Corruption

۱- مقدمه

نظام تبادل داده‌ها و فراداده‌ها در چهارچوب حکمرانی خوب و شفافیت اقتصادی، باهدف ایجاد شفافیت، پاسخگویی و بهبود کیفیت خدمات عمومی طراحی شده است. این نظام بر پایه انتشار داده‌های حکومتی باز استوار است که شامل اطلاعات مرتبط با عملکرد حاکمیت، در قالب استاندارد، ماشین خوان و به هنگام است و دسترسی آزاد و برابر شهروندان به آن‌ها، مطابق قوانینی مانند «انتشار و دسترسی آزاد اطلاعات» و «برنامه هفتم توسعه»، تضمین می‌شود. الزاماتی همچون یکسان‌سازی مفاهیم، ناشناس‌سازی داده‌ها، تدوین دستورالعمل‌های حریم خصوصی و سطوح دسترسی، کیفیت و امنیت داده‌ها را تقویت می‌کند. از طریق گام‌های اجرایی مانند شناسایی داده‌های کلیدی، ارزیابی کیفی، پیوند رکوردها و تحلیل داده‌ها، این نظام امکان نظارت عمومی، کاهش فساد و بهبود تصمیم‌گیری را فراهم می‌سازد. در حوزه شفافیت اقتصادی نیز با تمرکز بر سه مؤلفه افشای اطلاعات، صحت محتوا و بیان شفاف، به پیش‌بینی‌پذیری سیاست‌ها و تقویت اعتماد ذی‌نفعان می‌انجامد. در مجموع، این چهارچوب با تلفیق فناوری، قوانین و مشارکت شهروندی، ابزاری کلیدی برای تحقق حکمرانی داده‌مبنا، عدالت اجتماعی و توسعه پایدار محسوب می‌شود؛ در واقع نظام تبادل داده‌ها و فراداده‌ها با تکیه بر قوانین بالادستی، الزامات

فنی و گام‌های اجرایی، بستری برای تحقق حکمرانی خوب و شفافیت اقتصادی فراهم خواهد کرد. این نظام با انتشار داده‌های باز حکومتی، امکان نظارت عمومی، بهبود کیفیت خدمات و کاهش فساد را تسهیل می‌نماید. خلأ استفاده از نظام تبادل داده‌ها و فراداده‌ها برای مبارزه با فساد از ضرورت‌های اصلی این پژوهش است. این بخش به تعاریف، مفاهیم و قوانین کشور مرتبط با نظام تبادل داده‌ها و فراداده‌ها اختصاص دارد. بانک جهانی حکمرانی خوب را بر اساس شش ویژگی شامل پاسخگویی، کیفیت مقررات، اثربخشی دولتی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون و کنترل فساد تعریف می‌کند، در واقع حکمرانی خوب، کوششی در جهت حاکمیت قانون شفافیت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، برابری، کارایی، اثربخشی، پاسخگویی و دیدگاه راهبردی در اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری است (کافمن، ۲۰۱۱: ۲۲۲). به داده‌هایی که امکان استفاده یا استفاده مجدد از آن (پردازش و ترکیب با دیگر داده‌ها برای دستیابی به داده‌های جدیدتر) آزاد و رایگان بوده و هر فرد بتواند از آن برای مقاصد قانونی مدنظر استفاده کند، داده‌های باز می‌گویند. داده‌های باز زمانی که ناظر به عملکرد حاکمیت باشد یا توسط حاکمیت گردآوری شود یا به هر نحو دیگری با حاکمیت مرتبط گردد «داده‌های حکومتی باز» نامیده می‌شود. واژه باز در عبارت موصوفی داده‌های باز، اصولی را تعیین می‌کند که به موجب آن میزان اشتراک‌پذیری، تغییرپذیری و سازگاری داده‌ها و فراداده‌ها را تضمین می‌کند؛ بدین منظور معنای «باز» در عبارت‌های «داده‌های باز» و «محتوای باز» باید تدقیق شود؛ در واقع باز به این معنی است که هر کسی می‌تواند آزادانه به هر منظوری به داده‌ها دسترسی داشته باشد، از آن‌ها استفاده کند، آن‌ها را تغییر دهد و به اشتراک بگذارد. کیفیت داده‌های باز از طریق اشتراک‌گذاری آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ بنابراین پس از تضمین کیفیت داده‌های باز، می‌توان اثربخشی فعالیت‌های هر سازمان و سازگاری آن با سایر بخش‌های مختلف حاکمیت را از طریق آن داده‌های باکیفیت تبادل یافته مورد سنجش قرار داد.

طبق اصل یکم از اصول بنیادین آمارهای رسمی، دسترسی برابر به آمارهای رسمی کشور برای آحاد جامعه تعریف شده است. به موجب این اصل، با عنوان «ارتباط، بی طرفی و دسترسی برابر» آمارهای رسمی در هر کشوری یکی از موثق‌ترین اطلاعات جامعه است که

توسط مراکز آماری و یا سایر دستگاه‌های اجرایی آن کشورها منتشر می‌شود. داده‌های باز با کیفیت جزء لاینفک نظام آماری یک جامعه دموکراتیک است که بر اساس آن سیاست‌های دولت و برنامه‌ریزان را مورد ارزیابی قرار می‌دهد؛ بنابراین حق هر شهروندی است که به بانک‌های اطلاعاتی آمارهای رسمی که در کمال بی‌طرفی توسط ارکان نظام آماری تهیه شده است دسترسی آزاد داشته باشد. انتشار داده‌های حکومتی باز با کیفیت، موجب تنویر و افزایش شفافیت بخش عمومی خواهد شد و امکان نظارت بهتر مردم بر این بخش‌ها را ممکن می‌سازد. بر اساس قانون داده‌های باز، دولت ایالات متحده و منشور بین‌المللی داده‌های باز الزامات استفاده از داده‌های حکومتی باز شامل: تعاریف مفاهیم یکسان، انتشار ریزداده‌های در قالب‌های استاندارد و یکسان، ماشین‌خوان بودن ریزداده‌ها، انتشار به موقع و به‌هنگام ریزداده‌ها و دسترسی همگانی به ریزداده‌های ناشناس سازی شده است. اسناد بالادستی مرتبط با نظام تبادل داده‌ها در کشور شامل، اصول بنیادین آمارهای رسمی، قانون آمار، قانون «انتشار و دسترسی آزاد اطلاعات»، قانون «مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی» و قانون برنامه هفتم پیشرفت - بند «پ» ماده (۱۰۷) (به منظور ایجاد زیست‌بوم نظام‌مند در حوزه داده و اطلاعات دستگاه‌های اجرایی به منظور افزایش شفافیت، بهبود کیفیت خدمات و رضایت‌مندی شهروندان با ارتقای کیفیت فرایندهای اداری از طریق خلق ارزش از داده‌ها، افزایش کارایی و اثربخشی حکمرانی با استفاده از داده به عنوان سرمایه ملی «آیین‌نامه توسعه و استقرار نظام حکمرانی داده‌مبنا» در چهارچوب وظایف و اختیارات هیئت وزیران مصرح در اصل یک‌صد و سی و هشتم قانون اساسی تصویب می‌گردد) است. به استناد قانون «انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» مصوب سال ۱۳۸۷، امکان دسترسی آحاد جامعه به داده‌های حاکمیتی فراهم شده است. گام‌های اجرایی برای تبادل داده‌ها و فراداده‌ها به منظور حکمرانی خوب شامل: شناسایی داده‌های حکومتی باز، تعیین اولویت داده‌های حکومتی باز، ارزیابی کیفی داده‌ها، استقرار نظام تبادل داده‌ها و فراداده‌ها، تدوین دستورالعمل حفظ حریم خصوصی و نحوه ناشناس‌سازی، تدوین آیین‌نامه رعایت

1. Open Government Data Act

2. International Open Data Charter

محرمانگی، بررسی کنترل افشای اطلاعات، تعیین سطوح دسترسی، جوسازی و پیوند رکوردها، تلخیص، خوشه‌بندی یا رده‌بندی داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌های تبادلیافته، مطالبه‌گری خدمات شایسته و حکمرانی خوب از دولت است. از طرفی سازمان تجارت جهانی^۱ در سال ۲۰۱۴ اعلام می‌دارد که شفافیت اقتصادی عبارت است از درجه‌ای که سیاست‌ها و عملکردهای تجاری و فرایند تحقق آن‌ها، باز و قابل پیش‌بینی باشد. در واقع شفافیت اقتصادی سه مؤلفه اصلی دارد:

- افشا^۲: کسب اطلاعات ارائه‌شده و سطح دسترسی برای گروه‌های ذی‌نفع
- صحت^۳: اطلاعات همان‌گونه که فرستنده درک کرده توسط مخاطب دریافت شود.
- گنگ نبودن بیان و ارائه^۴: انتخاب نوع رسانه، حساسیت متنی، انسجام زبانی، ارائه، مدیریت حجم صدا و ارتباط که گنگ نباشند.

۲- مروری بر ادبیات موضوع:

فساد، اعتماد اجتماعی، سرمایه‌گذاری مشروع و رشد یک کشور را از بین می‌برد. رز - آکرمن و پالیفکا (۲۰۲۴، ۲۸) معتقدند که پیامدهای مستقیم اقتصادی فساد شامل مواردی همچون رشد اقتصادی پایین، سرمایه‌گذاری کم، تورم، کاهش ارزش پولی، فرار مالیاتی، شکاف در جامعه، افزایش نابرابری، اعتماد پایین، آموزش ضعیف، زیرساخت‌های باکیفیت پایین، نرخ بالای جرم و جنایت، قاچاق، آسیب‌های زیست‌محیطی بیشتر و افزایش خطرات بهداشتی و ایمنی است؛ علاوه بر این، از آنجایی که رشوه‌گیرنده در پی بهترین رشوه‌دهنده است، بهترین ارائه‌دهنده کالا و خدمات نایاب می‌شود. شیوع فساد انگیزه‌ها را مخدوش می‌کند و به شرکت‌ها و مقامات دولتی بی‌پروا و ناکارآمد پاداش می‌دهد (رز - آکرمن، ۲۰۲۴: ۳۱). اگر فساد در نحوه خدمات‌دهی دولت گسترش یابد ممکن است باعث مرگ و میر افراد جامعه شود. فسادهای ناشی از کیفیت نامناسب تولیدات، قراردادهای تحویل نشده و اجرای ناکافی مقررات برخی از این نوع فسادها هستند. فساد در پروژه‌های زیربنایی گسترده

1. WTO
2. Disclosure
3. Accuracy
4. Clarity

که منجر به احداث ساختمان‌های نامرغوب همراه با بازرسی یا نگهداری ناکافی می‌شود، از مهم‌ترین عوامل کشتار جامعه است. امبراسیز و بیلهام در مقاله‌ای با عنوان «فساد می‌کشد» اشاره کردند، ۸۳ درصد از کل مرگ‌ومیر ناشی از فروریختن ساختمان‌ها در زلزله در ۳۰ سال گذشته در کشورهایی رخ داده است که به طور غیرعادی فاسد هستند (امبرسیس، ۲۰۱۱: ۱۵۴)؛ از این رو بانک جهانی از نوآوری‌ها و روش‌های فراابتکاری در برنامه‌های مبارزه با فساد حمایت می‌کند؛ همچنین این بانک از برنامه‌های مبتکرانه که سهولت دسترسی روزافزون داده‌ها برای ایجاد یک پایگاه مبتنی بر شواهد به منظور اصلاحات ضد فساد را تسهیل نماید حمایت لازم را انجام می‌دهد. ابتکاراتی شامل تعمیق درک بیشتر از خطرات فساد، پیشبرد استفاده از فناوری‌ها برای کاهش فساد در مخارج عمومی و ارائه خدمات بیشتر، ارتقای مسئولیت‌پذیری از طریق سکوها و زیرساخت‌های مرتبط با پایگاه داده‌ها، تبادل داده‌ها و اطلاعات، تجزیه و تحلیل داده‌ها به منظور پیش‌بینی‌ها و جلوگیری از رخدادهای آتی همگی تحت حمایت بانک مرکزی خواهد بود. فساد با تأثیرات مخربی همچون کاهش رشد اقتصادی، افزایش نابرابری، تضعیف اعتماد اجتماعی و خطرات جانی (مانند فروریختن ساختمان‌ها در کشورهای فاسد) تهدیدی جدی برای توسعه پایدار محسوب می‌شود. بانک جهانی و کشورهای پیشرو مانند کره جنوبی (با برنامه‌های تحلیل داده محور DAAPA)، برزیل (با پروژه‌های شفافیت مالی)، انگلستان (با پلتفرم‌های افشای فساد)، آمریکا (با سامانه‌های گمرکی ACE و CTPAT)، استرالیا (با سیستم‌های تحلیل داده)، ترکیه (با واحد MASAK)، پاکستان و هند (با دولت الکترونیک و ثبت آنلاین دارایی‌ها) از فناوری‌های نوین مانند داده‌های باز، الگوریتم‌های تشخیص ناهنجاری (نظیر PAACDA) و نظریه گراف برای شناسایی الگوهای فساد، افزایش شفافیت و تقویت پاسخگویی استفاده می‌کنند؛ با این حال، چالش‌هایی مانند دست‌کاری داده‌ها، عدم تقارن اطلاعاتی و نیاز به بهبود زیرساخت‌های حکمرانی داده، همچنان اجرای مؤثر این راهکارها را با مانع روبه‌رو می‌سازد. در ادامه این تجارب به تفکیک کشورها تشریح شده است. در سال ۲۰۲۳ میلادی دانشکده سیاست و مدیریت عمومی مؤسسه توسعه کره جنوبی^۱ KDI با همکاری بانک

جهانی برنامه‌هایی را به منظور، تجزیه و تحلیل داده‌ها برای مبارزه با فساد در مدیریت عمومی (DAAPA)^۱، بررسی راه‌حل‌های مبتنی بر داده‌ها و سیاست‌های مبتنی بر شواهد برای کنترل فساد، اندازه‌گیری ریسک فساد و نحوه اطلاع‌رسانی برگزار کردند. هدف این سمپوزیوم، گردهمایی محققان به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های ضدفساد، اطلاع‌رسانی سیاست‌ها و اقدامات مؤثرتر توسط دولت‌ها برای پاسخگویی بیشتر مدیریت دولتی بود. موضوعات این رویداد در چهار حوزه رویکردهای داده‌محور جدید برای شناسایی و اندازه‌گیری فساد، استفاده از منابع و روش‌های جدید داده‌ها برای اندازه‌گیری اثرات فساد، استفاده از داده‌های باز برای ارزیابی اثربخشی ابزارها، سیاست‌ها و مداخلات ضدفساد و تسهیل در دسترسی و تبادل داده‌ها، کیفیت و مسائل مربوط به حریم خصوصی تبیین شده بود. بانک جهانی در پروژه‌های مختلف خود در برزیل به تبادل داده‌ها و افزایش شفافیت توجه ویژه‌ای داشته است. برخی از اقدامات بانک جهانی در زمینه تبادل داده‌ها برای مبارزه با فساد در برزیل عبارت‌اند از:

- ۱- پروژه تقویت شفافیت و پاسخگویی در دولت محلی^۲: این پروژه با همکاری بانک جهانی به منظور افزایش شفافیت و پاسخگویی در دولت‌های محلی برزیل طراحی شده است. یکی از اهداف اصلی این پروژه تسهیل تبادل داده‌ها و اطلاعات بین نهادهای مختلف دولتی و عمومی است. این امر به کاهش فساد و افزایش اعتماد عمومی کمک می‌کند.
- ۲- سیستم‌های مدیریت اطلاعات مالی^۳: بانک جهانی به برزیل کمک کرده است تا سیستم‌های مدیریت اطلاعات مالی خود را بهبود ببخشد. این سیستم‌ها به دولت برزیل امکان می‌دهند که داده‌های مالی خود را به صورت شفاف و قابل دسترس برای عموم منتشر کنند. این اقدام به کاهش فساد و افزایش کارایی دولت کمک کرده است.
- ۳- برنامه‌های مبارزه با فساد و ترویج شفافیت^۴: بانک جهانی با همکاری دولت برزیل

1. Data Analytics for Anticorruption in Public Administration
 2. Projeto de Fortalecimento da Transparência e Prestação de Contas
 3. Financial Management Information Systems - FMIS
 4. Anti-Corruption and Transparency Programs

برنامه‌هایی را برای مبارزه با فساد و ترویج شفافیت اجرا کرده است. این برنامه‌ها شامل تبادل داده‌ها بین نهادهای مختلف دولتی و عمومی برای شناسایی و پیگیری فعالیت‌های فاسد است.

۴- پلتفرم‌های دیجیتال و فناوری‌های نوین: بانک جهانی به برزیل در توسعه و استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال و فناوری‌های نوین برای تبادل داده‌ها و افزایش شفافیت کمک کرده است. این پلتفرم‌ها به دولت برزیل امکان می‌دهند که داده‌ها و اطلاعات خود را به صورت آنلاین و قابل دسترس برای عموم منتشر کنند.

۵- تحلیل داده‌ها و اطلاعات: بانک جهانی با استفاده از تکنیک‌های پیشرفته تحلیل داده‌ها به برزیل کمک کرده است تا الگوهای مشکوک و فعالیت‌های فاسد را شناسایی کند. این تحلیل‌ها به دولت برزیل امکان می‌دهند که تصمیم‌گیری‌های بهتری برای مبارزه با فساد انجام دهد.

سامانه مبارزه با فساد و حفاظت از داده‌ها در انگلستان^۱ مجموعه‌ای از ابزارها، فناوری‌ها، سیاست‌ها، و پروتکل‌ها (تشریفات) است که به منظور افزایش شفافیت، کاهش فساد، و حفاظت از اطلاعات محرمانه طراحی شده است. هدف این سامانه افزایش اعتماد عمومی به نهادهای دولتی و کاهش فرصت‌های فساد از طریق تبادل داده‌ها و اطلاعات است. برخی از ویژگی‌ها و عملکردهای اصلی این سامانه عبارت‌اند از:

۱. مدیریت و شفافیت مالی

- انتشار عمومی داده‌ها: اطلاعات مالی و گزارش‌های دولتی و عمومی از طریق این سامانه به صورت شفاف منتشر می‌شود.
- ردیابی هزینه‌ها: به منظور شناسایی و جلوگیری از هرگونه فساد مالی استفاده، ردیابی و مدیریت هزینه‌های دولتی تشریح شده است.

۲. تشویق به افشای فساد

- پلتفرم‌های گزارش‌دهی محرمانه: ایجاد پلتفرم‌هایی برای افرادی که می‌خواهند به صورت محرمانه اطلاعاتی درباره فساد گزارش دهند.

- حمایت قانونی از افشاکنندگان: ایجاد قوانین و مقرراتی برای حفاظت از افرادی که فساد را گزارش می‌دهند.
 - ۳. استفاده از فناوری‌های پیشرفته
 - تحلیل داده‌ها: استفاده از تحلیل داده‌ها و یادگیری ماشین برای شناسایی الگوهای مشکوک و فعالیت‌های فاسد استقبال می‌شود.
 - سیستم‌های رصد و نظارت: سیستم‌های رصد و نظارت برای پایش فعالیت‌های دولتی و شناسایی هرگونه تخلف طراحی شده است.
 - ۴. تبادل داده‌ها و همکاری بین‌المللی
 - ایجاد شبکه‌های همکاری: تبادل داده‌ها و فراداده‌ها بین نهادهای دولتی، سازمان‌های غیرانتفاعی، و نهادهای بین‌المللی توسعه داده شده است.
 - مشارکت در پروژه‌های جهانی: همکاری با نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی و سازمان ملل برای مبارزه با فساد دولتی تدوین شده است.
 - ۵. آموزش و توانمندسازی کارکنان
 - برگزاری دوره‌های آموزشی: دوره‌های آموزشی برای کارکنان دولتی در زمینه شفافیت و مبارزه با فساد تعریف شده است.
 - تربیت مدیران متخصص: تربیت مدیران و مسئولین با تخصص در زمینه مدیریت شفافیت و مقابله با فساد صورت گرفته است.
- به منظور جلوگیری از فساد در گمرک آمریکا اقدامات زیر صورت گرفته است:
- ۱- استقرار سامانه تجارت بین‌المللی (ACE): یک سیستم آنلاین است که برای تسهیل فرایندهای گمرکی و تجاری طراحی شده است. این سامانه به واردکنندگان و صادرکنندگان امکان می‌دهد که مدارک و اطلاعات خود را به صورت الکترونیکی ارسال و مدیریت کنند که این امر به کاهش فساد کمک می‌کند؛ زیرا داده‌ها به صورت شفاف و قابل پیگیری ذخیره می‌شوند (جونز، ۲۰۱۳: ۴۳).

۲- برنامه مبارزه با قاچاق و انطباق تجاری (CTPAT)^۱: یک برنامه اختیاری و داوطلبانه است که به کسب و کارها کمک می‌کند تا با همکاری با گمرک و حفاظت مرزی ایالات متحده (CBP)، امنیت زنجیره تأمین خود را افزایش دهند. این برنامه با ارزیابی و تأیید امنیتی کسب و کارها، به کاهش فرصت‌های فساد و قاچاق کمک می‌کند (اولسون، ۲۰۱۶: ۳۰).

۳- طراحی سیستم‌های پیشرفته تحلیل داده‌ها: گمرک و حفاظت مرزی ایالات متحده (CBP) از سیستم‌های پیشرفته تحلیل داده‌ها برای شناسایی الگوهای مشکوک در واردات و صادرات استفاده می‌کند. این سیستم‌ها از الگوریتم‌ها و تکنیک‌های یادگیری ماشین برای تحلیل داده‌های بزرگ استفاده می‌کنند تا رفتارهای غیرعادی و مشکوک را شناسایی کنند (گاریسیا، ۲۰۲۱: ۱۳۱).

۴- مراقبت و بازرسی دقیق (CSI)^۲: کانتینرهای وارداتی قبل از ورود به بندر ایالات متحده توسط این برنامه مورد ارزیابی و بازرسی دقیق قرار می‌گیرد. این برنامه با همکاری بین‌المللی به کاهش فساد و قاچاق در زنجیره تأمین کمک می‌کند (کیفر، ۲۰۰۷: ۱۵۳).

۵- آموزش و تربیت کارکنان گمرکی: گمرک و حفاظت مرزی ایالات متحده (CBP) برنامه‌های آموزشی متعددی برای کارکنان خود دارد تا آن‌ها را با جدیدترین روش‌ها و تکنیک‌های مقابله با فساد و قاچاق آشنا کند. این آموزش‌ها شامل شناسایی الگوهای مشکوک، استفاده از فناوری‌های پیشرفته و رعایت اصول اخلاقی است.

۶- همکاری با نهادهای بین‌المللی: گمرک CBP با سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان جهانی گمرک (WCO) همکاری می‌کند تا بهترین روش‌ها و استانداردهای بین‌المللی را در زمینه مبارزه با فساد و قاچاق پیاده‌سازی کند. این همکاری‌ها به تبادل اطلاعات و تجربیات کمک می‌کند و هماهنگی بیشتری را در سطح بین‌المللی ایجاد می‌کند.

1. Customs-Trade Partnership Against Terrorism

2. Container Security Initiative

۷- برنامه افشاگری: گمرک و حفاظت مرزی ایالات متحده برنامه‌ای برای افشاگری دارد که به افراد امکان می‌دهد به صورت محرمانه تخلفات و فسادهای مشاهده شده را گزارش کنند. این برنامه با ایجاد کانال‌های امن برای افشاگری، به کاهش فساد کمک می‌کند.

در آمریکا داده‌های مربوط به مخارج دولت در اختیار همگان است؛ علاوه بر آن در برخی از ایالت‌های آمریکا، وب‌سایت‌های شامل ردیابی تراکنش‌ها را در اختیار شهروندان به منظور کنترل و نظارت بر هزینه‌های دولت قرار می‌دهند. این سامانه‌ها از ائتلاف منابع و کلاهبرداری‌ها جلوگیری می‌کنند.

در استرالیا نیز چندین سامانه و ابزار برای مبارزه با فساد دولتی و تبادل داده‌ها به کار گرفته شده است. این سامانه‌ها به افزایش شفافیت، شناسایی و پیگیری موارد فساد، و ارتقای همکاری بین‌المللی کمک می‌کنند. برخی از مهم‌ترین سامانه‌ها عبارت‌اند از:

۱- سامانه گزارش دهی فساد: این سامانه به شهروندان و کارکنان دولتی امکان می‌دهد که موارد مشکوک به فساد را به صورت محرمانه گزارش دهند. اطلاعات ارائه شده در این سامانه به طور دقیق بررسی و پیگیری می‌شود.

۲- پلتفرم شفافیت مالی: این پلتفرم برای انتشار عمومی داده‌های مالی و اطلاعات مربوط به هزینه‌ها و درآمدهای دولتی طراحی شده است. دسترسی به این اطلاعات به شهروندان و سازمان‌های نظارتی کمک می‌کند تا به فعالیت‌های مالی دولت نظارت کنند.

۳- سیستم تحلیل داده‌ها: این سیستم از تکنولوژی‌های پیشرفته تحلیل داده‌ها برای شناسایی الگوهای مشکوک و فعالیت‌های فاسد استفاده می‌کند. تحلیل داده‌ها به نهادهای دولتی کمک می‌کند تا فساد را به موقع شناسایی و پیگیری کنند.

۴- سامانه همکاری بین‌المللی: این سامانه برای تبادل داده‌ها و اطلاعات بین نهادهای دولتی استرالیا و سازمان‌های بین‌المللی طراحی شده است. همکاری بین‌المللی به افزایش شفافیت و کاهش فساد در سطح جهانی کمک می‌کند.

۵- سیستم حفاظت از داده‌ها: این سیستم برای حفاظت از داده‌ها و اطلاعات

محرمانه طراحی شده است. استفاده از این سیستم‌ها به کاهش دسترسی غیرمجاز به داده‌ها و جلوگیری از نشت اطلاعات حساس کمک می‌کند.

۶- برنامه‌های آموزشی: استرالیا برنامه‌های آموزشی متعددی برای کارکنان دولتی در زمینه مبارزه با فساد و شفافیت دارد. این برنامه‌ها شامل آموزش استفاده از فناوری‌های نوین و شناسایی الگوهای مشکوک است.

هیئت بررسی جرائم مالی (MASAK)، یک واحد اطلاعات مالی ترکیه وابسته به وزارت دارایی و خزانه‌داری است. وظایف اصلی این سازمان پیشگیری از جرم پول‌شویی، تحقیق در مورد آن، تدوین اقدامات و پردازش اطلاعات جمع‌آوری شده و ارائه آن به مراجع لازم است.

در پاکستان به منظور تسهیل در تبادل داده‌ها، دولت الکترونیک راه‌اندازی شد تا سطح تماس رودررو کارمندان مالیات با شهروندان کاهش یابد و فساد مرتبط با رشما و ارتشا کاهش چشمگیری یابد. در هند با ارائه ثبت آنلاین دارایی‌ها به‌ویژه زمین در یک منطقه روستایی، سرعت بازیابی و به‌روزرسانی سوابق به طور قابل توجهی بهبود یافت و میزان قابل توجهی رشما و ارتشا کاهش یافت. ابتکارات داده‌های باز امکان تجمیع منابع داده‌های مختلف را فراهم می‌کند و شناسایی اختلافات و ناهنجاری‌هایی را که ممکن است نشان‌دهنده فساد باشد، آسان‌تر می‌کند (دارالسلام، ۲۰۲۱: ۱۲). مردم می‌توانند به داده‌های باز دسترسی داشته باشند و آن‌ها را تجزیه و تحلیل کنند و مسئولیت‌پذیری را تقویت کنند و افشاگری در مورد اقدامات فاسد را امکان‌پذیر کنند. ساختار فراداده‌ها را می‌توان برای شناسایی دقیق ایرادات در داده‌ها، داده‌های پرت و تجزیه و تحلیل آن برای ناسازگاری‌ها مورد استفاده قرار داد. روش‌های پیشرفته، مانند الگوریتم PAACDA، تشخیص داده‌های پرت را افزایش می‌دهد و به نرخ‌های دقت بالایی در شناسایی ناهنجاری‌ها دست می‌یابد (وانیتا، ۲۰۲۴: ۱۴۷). با استفاده از نظریه گراف‌ها، روابط بین موجودیت‌های داده را می‌توان به منظور شناسایی و جداسازی داده‌های پرت تجزیه و تحلیل کرد و به درک واضح‌تری از یکپارچگی داده‌ها رسید (لیو، ۲۰۱۶: ۳۷). علی‌رغم این‌که روش‌های خلاقانه در تشخیص فساد گسترش یافته و این

روش‌ها امیدوارکننده هستند؛ اما همچنان چالش‌هایی مانند پنداشت دست‌کاری داده‌ها و عدم تقارن اطلاعات موانع مهمی هستند که برای اجرای مؤثرتر تشخیص فساد باید این موانع را برطرف کرد (دارالسلام، ۲۰۲۱: ۱۳).

۳- داده‌های بازو کشف فساد

در راستای بهبود شرایط انتشار و تبادل داده‌ها و اطلاعات آماری در کشور، هدف اصلی حکمرانی مبتنی بر داده، جلوگیری و کشف فساد است؛ اما نباید حریم خصوصی افراد نقض شود و یا اطلاعات محرمانه افراد منتشر شود؛ بنابراین باید تعادل بین آن دو را نیز در نظر گرفت؛ بدین منظور باید مجموعه داده‌های موجود را بر حسب اهمیت محتوا، انتشار و کنترل افشا خوشه‌بندی کرد. ابتدا داده‌های حساس باید خوشه‌بندی شوند و بر اساس اهمیت، اولویت‌بندی شوند. اطلاعات محرمانه نیز باید مطابق با دستورالعمل‌های مشخص ناشناس‌سازی شده و سپس منتشر شوند. به عنوان مثال، در برخی کشورها، انتشار اطلاعات مالی مقامات دولتی پس از ناشناس‌سازی، به شناسایی ناهنجاری‌ها و جلوگیری از فساد کمک کرده است. اگر از فساد یقین حاصل گشت، آنگاه باید از طریق فایل اصلی که ناشناس‌سازی شده است به افشای اطلاعات فرد خاطی پرداخت و جرائم متناسب با فساد وی در نظر گرفت. یادآوری می‌شود آنچه در رابطه با انتشار ریزداده‌ها دارای اهمیتی ویژه است، وجود ساختار منظم و مدون به منظور مدیریت داده‌های عمومی در سطح نهادها و روابط بین آن‌ها است. علاوه بر این‌که تبادل ریزداده‌ها یک حرفه‌ای تخصصی است، تبادل و انتشار ریزداده‌ها نیازمند نهادی هماهنگ‌کننده و ناظر است که باید علاوه بر تخصص یکپارچه‌سازی، به حفظ حریم خصوصی و رعایت محرمانگی نیز تسلط کامل داشته باشد. سایر اقدامات عبارت‌اند از:

- فهرستی از مجموعه داده‌های حکومتی باز تهیه شود.
- خوشه‌بندی بر حسب اهمیت محتوا، انتشار و افشای مجموعه داده‌ها انجام شود (لیو، ۲۰۲۴: ۱۱).
- کیفیت ریزداده‌ها ارزیابی شود (هاسون، ۲۰۲۵: ۲۱).

- امکان‌سنجی تبادل ریزداده‌ها باید مورد بررسی قرار گیرد.
- سناریوهای افشای اطلاعات بررسی شود.
- ناشناس‌سازی صورت گیرد.

تبادل ریزداده‌ها و فراداده‌های حکومتی باز نقش مهمی در حل مشکلات چندوجهی و پیچیده، شناسایی و جلوگیری از فساد را ایفا می‌کند. تبادل ریزداده‌ها و فراداده‌ها و همچنین تجزیه و تحلیل‌های پیشرفته، بینش لازم را به متخصصین این حوزه در مورد کشف و جلوگیری از فساد را می‌دهد. معماری سازمانی برگرفته از تبادل ریزداده‌ها و اطلاعات آماری نه تنها شفافیت را افزایش می‌دهد، بلکه به عموم مردم امکان نظارت مؤثرتر بر فعالیت‌های حاکمیتی را می‌دهد. برخی از اقدامات سیاست‌گذاران در این راستا عبارت‌اند از:

- شناسایی داده‌های حکومتی باز برای کشف فساد
- کیفیت‌سنجی داده‌های حکومتی باز
- ناشناس‌سازی داده‌های حکومتی باز
- تبادل داده‌های حکومتی باز با یکدیگر
- تکنیک‌های تجزیه و تحلیل فراداده
- تشخیص مبتنی بر شواهد
- اعلام عمومی و افشای هویت فرد خاطی

فساد در بسیاری از کشورها و حتی کشورهای توسعه‌یافته رخ می‌دهد و همواره برای کشف و جلوگیری از آن اقداماتی صورت می‌گیرد. یکی از راه‌های مقابله با این موضوع، استفاده از داده‌های حکومتی باز به عنوان یکی از ابزارهای ایجاد بینش بیشتر در مورد کارایی و اثربخشی اقدامات دولتمردان است. با استفاده از تبادل داده‌های حکومتی باز می‌توان چالش‌هایی مانند عدم تقارن اطلاعات در بین ذی‌نفعان را کاهش داد. سازوکار تولید داده‌های باز باید به گونه‌ای باشد که بر اساس استانداردهای تولید با کمترین تبدیلات ممکن قابلیت ترکیب با سایر داده‌های حکومتی باز را داشته باشد. اگر این مهم رخ دهد، ارزش آفرینی داده‌ها افزایش می‌یابد، سیاست‌گذاری‌ها دقیق و فسادهای احتمالی شناسایی می‌شود؛ بنابراین با اجرای

تسهیل در فرهنگ مرتبط با داده‌های حکومتی باز، مردم می‌توانند فعالیت‌های حاکمان را کنترل و از فساد جلوگیری کنند؛ بنابراین داده‌های حکومتی باز باید به صورت رایگان از طریق اینترنت، ساختاریافته و قابل خوانش توسط ماشین برای همگان باید در دسترس باشد. لازم به ذکر است که تجمیع داده‌ها نقش مهمی در مبارزه با فساد ایفا می‌کند، اما کافی نیست. این نقش از طریق افزایش شفافیت، شناسایی الگوهای مشکوک و تسهیل نظارت بر عملکرد نهادها محقق می‌شود.

۴- نقش تبادل داده‌ها در مبارزه با فساد

تجمیع داده‌ها از منابع مختلف، مانند اطلاعات مالی، قراردادها، پروژه‌ها و اطلاعات مربوط به دارایی‌های مقامات دولتی در بخش‌های مختلف می‌تواند شفافیت را در فعالیت‌های دولتی افزایش دهد. این شفافیت، امکان نظارت عمومی و رسانه‌ای را فراهم می‌کند و احتمال وقوع فساد را کاهش می‌دهد (پسرام و همکاران، ۲۰۱۹: ۳۱). مهم‌ترین پیامدهای استفاده از تبادل داده‌ها به منظور کشف فساد عبارت‌اند از:

- شناسایی الگوهای مشکوک: تجمیع داده‌ها می‌تواند به شناسایی الگوهای مشکوک و غیرعادی در تراکنش‌های مالی و سایر فعالیت‌ها کمک کند. این الگوها می‌توانند نشانه‌هایی از فساد، مانند پول‌شویی، اختلاس و رشوه‌خواری باشند. الگوریتم‌های یادگیری ماشین می‌توانند در شناسایی این الگوها بسیار مؤثر باشند.
- تسهیل نظارت: تجمیع داده‌ها می‌تواند به نهادهای نظارتی در نظارت بر عملکرد نهادها و افراد کمک کند. این امر می‌تواند به شناسایی و جلوگیری از فساد کمک کند. نهادهای نظارتی می‌توانند با استفاده از داده‌های تجمیع‌شده، عملکرد نهادها را ارزیابی کنند و در صورت وجود هرگونه تخلف، اقدامات لازم را انجام دهند.
- بهبود پاسخگویی: تجمیع داده‌ها می‌تواند به افزایش پاسخگویی نهادها و افراد در برابر مردم کمک کند. مردم می‌توانند با دسترسی به اطلاعات شفاف،

عملکرد نهادها را ارزیابی کنند و در صورت وجود هرگونه تخلف، از طریق مجاری قانونی اقدام کنند.

- کاهش هزینه‌های مبارزه با فساد: تجمیع داده‌ها می‌تواند به کاهش هزینه‌های مبارزه با فساد کمک کند. با استفاده از داده‌ها و ابزارهای تحلیلی، می‌توان به طور مؤثرتر و با هزینه کمتر، فساد را شناسایی و جلوگیری کرد.

چالش‌ها و محدودیت‌های استفاده از تبادل داده‌ها:

- کیفیت داده‌ها: کیفیت داده‌های تجمیع شده بسیار مهم است. داده‌های ناقص، غیردقیق یا نادرست می‌توانند به نتایج نادرست و تصمیم‌گیری‌های اشتباه منجر شوند.

- ✓ عدم استفاده از تعاریف مفاهیم یکسان

- ✓ پراکندگی داده‌ها: داده‌ها در سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی کشور پراکنده هستند و روحیه تعامل و همگرایی برای تجمیع آن‌ها تعریف نشده است.

- ✓ قالب‌های متفاوت ذخیره‌سازی داده‌ها: داده‌ها در سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی کشور در قالب‌های مختلف ذخیره می‌شوند که یکپارچگی و دسترسی به آن‌ها دشوار است.

- کنترل افشا:

- ✓ حفظ حریم خصوصی: تجمیع داده‌ها باید با رعایت قوانین حفاظت از حریم خصوصی انجام شود. اطلاعات شخصی افراد باید به طور مناسب محافظت شود تا از سوءاستفاده جلوگیری شود.

- ✓ رعایت محرمانگی: تکنیک‌ها و روش‌های مربوط به محرمانگی تدوین شود.

- هماهنگی بین نهادها: تجمیع داده‌ها از منابع مختلف نیازمند هماهنگی بین نهادهای مختلف است. این هماهنگی می‌تواند چالش برانگیز باشد.

- مقاومت در برابر شفافیت: برخی از نهادها و افراد ممکن است در برابر شفافیت و تجمیع داده‌ها مقاومت کنند. این مقاومت می‌تواند به شکست تلاش‌ها برای مبارزه با فساد منجر شود.

- زیرساخت‌های مناسب: تجمیع و تحلیل داده‌های حجیم نیازمند زیرساخت‌های فناوری اطلاعات قوی و متخصصان ماهر است.

۵- مدل مفهومی تبادل داده‌ها در پیشگیری از فساد

مدل مفهومی داده‌های تجمیع شده به شناسایی و مبارزه با فساد کمک می‌کند. این مدل در حالت کلی شامل گردآوری، ذخیره‌سازی، پردازش و تحلیل داده‌ها از منابع مختلف است. با تجمیع داده‌ها، می‌توان الگوها و رفتارهای مشکوک که امکان فساد در آن‌ها وجود دارد را مورد تحلیل قرار داد. استفاده و تجمیع اطلاعات برگرفته از تکنولوژی‌های بیومتریک، تأییدهای دومارحله‌ای، سیستم‌های مانیتورینگ (پایشگری) و تحلیل داده‌ها به شناسایی دقیق افراد و جلوگیری از کلاهبرداری و فساد کمک شایانی می‌نماید (پسرام و همکاران، ۲۰۱۹: ۵۹). ترکیب اطلاعات هویتی با اطلاعات مالی و اداری به صورت کلی، انتشار آن به صورت ناشناس سازی شده و در قالب فایل عمومی، می‌تواند دریچه‌های شفافیت را پرنورتر و حفره‌های مربوط به فساد را پر کند. فتاوری‌هایی مانند بلاک چین، هوش مصنوعی، پیوند رکوردها و جورسازی رکوردها می‌توانند با ایجاد شفافیت و امنیت بیشتر، به مبارزه با فساد کمک کنند. از طرفی سیستم‌های گزارش دهی و هشداردهی نیز فعالیت‌های مشکوک را به سرعت شناسایی خواهند کرد (آلوتیبی و همکاران، ۲۰۲۵: ۶۳). طراحی معماری سازمانی موفقیت‌آمیز نیازمند:

- زیرساخت‌های و فناوری‌های لازم
 - آموزش و فرهنگ سازی مستمر
 - توسعه روزآمد نرم افزارهای مورد نیاز
 - تطبیق با قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی
- است. بخش‌های عمده مدل مفهومی تبادل داده‌ها به منظور کشف فساد عبارت‌اند از:
- گردآوری داده‌ها

✓ منابع داده: سیستم‌های اطلاعاتی، بانک‌های داده، شبکه‌های اجتماعی، گزارش‌های مالی

- ✓ روش‌های گردآوری از طریق API، وب اسکرپینگ، فرم‌های آنلاین
- کیفیت داده‌ها
 - ✓ بررسی کیفیت ریزداده‌ها
 - دقت
 - کامل بودن
 - قابلیت اعتماد
 - به روز بودن
 - قابلیت دسترسی
 - شفافیت
 - ✓ تعریف سنجه‌های کیفیت
 - ✓ امکان تبادل با سایر داده‌ها
- ذخیره‌سازی داده‌ها
 - ✓ پایگاه‌های داده: مخازن داده، پایگاه‌های داده بزرگ
 - ✓ ابزارهای SQL, NoSQL, Hadoop
- تبادل ریزداده‌ها و فراداده‌ها
 - ✓ ساخت غرفه داده‌ها
 - ✓ هرس کردن داده‌ها
 - ✓ هم‌افزایی داده‌ها
 - جورسازی داده‌ها
 - پیوند رکوردها
- معماری سازمانی
 - ✓ تجمیع ریزداده‌ها
 - ستاره‌ای
 - برف‌گونه
- پردازش و تحلیل داده‌ها

✓ تکنیک‌های یادگیری ماشین، یادگیری عمیق، داده‌کاوی و تحلیل‌های

آماري

✓ ابزارها Python, R, Spark

• شناسایی الگوهای مشکوک

✓ الگوریتم‌های تشخیص ناهنجاری، شبکه‌های عصبی

✓ ابزارها TensorFlow, Scikit-Learn

• نظارت، مانیتورینگ

✓ داشبوردهای دیدارسازی داده‌ها مانند Power BI, Tableau

✓ سیستم‌های هشداردهی بی‌درنگ

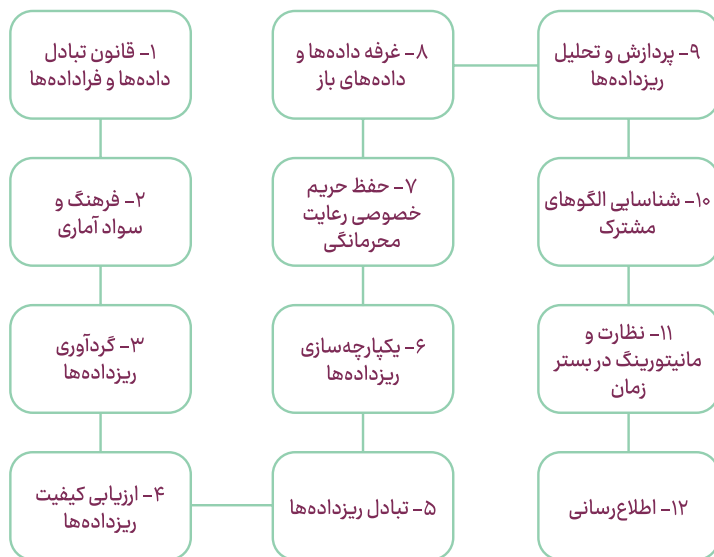
• اطلاع‌رسانی

✓ اطلاع‌نگاشت (اینفوگرافیک)

✓ پویانگاشت (موشن‌گرافیک)

در این پژوهش با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای مفهوم و ابعاد گوناگون تبادل داده‌ها در پیشگیری از فساد در قالب مدلی نوین تبیین شده است. در این‌گونه تحقیقات توصیفی، هدف محقق تشریح نظام‌مند ویژگی‌های آن پدیده‌های مورد مطالعه و بومی‌سازی آن است. در واقع در این پژوهش، بر اساس یافته‌ها و استدلال‌های مرتبط که از ادبیات و مباحث نظری پیشین نشئت گرفته شده است به بررسی، تشریح و تبیین ابعاد موضوع پرداخته شده است. جستجوی کلیدواژه‌ها در پایگاه‌های SID، Google Scholar، Web of Science، Scopus و نورمگز انجام شد. معیار ورود شامل زبان (انگلیسی یا فارسی)، سال (۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴) و ارتباط مستقیم با موضوع تبادل داده‌ها و پیشگیری از فساد بود. در مجموع ۵۰ مقاله مرتبط انتخاب و اطلاعات آن‌ها در جدول پیوست ۱ استخراج شد. به بیان دیگر در این پژوهش، استدلال‌های محقق با جزئیات مطالعه شده هم‌پیوند شده است. سپس نتیجه‌گیری و نظریه‌پردازی در قالب مدل مفهومی تدوین شده است. چنین مدلی تا زمانی که با نقیض خود روبه‌رو نشود، از پایداری کافی برخوردار است. بر اساس تحلیل داده‌ها مؤلفه‌های کلیدی شامل: وجود

چهارچوب حقوقی روشن برای تبادل داده‌ها، ضرورت یکپارچگی سامانه‌های اطلاعاتی، تعریف ساختارهای استاندارد برای فراداده‌ها، مشارکت نهادهای ناظر و عمومی و امنیت اطلاعات و حریم خصوصی شناسایی شدند. مدل مفهومی استقرار نظام تبادل داده‌ها و فراداده‌ها به منظور جلوگیری از فساد، به صورت طرح‌واره در شکل زیر معرفی شده است:



۱- قانون تبادل داده‌ها و فراداده‌ها: باید بر اساس استاندارد تبادل داده‌ها و فراداده‌های آماری در درجه اول به استانداردسازی و تبادل کارآمد داده‌های آماری و بین دستگاه‌های اجرایی پرداخت و قانون مدام کاملاً تنقیح گردد. درحالی‌که استاندارد تبادل داده‌ها و فراداده‌های آماری بیشتر با چهارچوب فنی و استانداردهای توسعه یافته برای به اشتراک‌گذاری داده‌های آماری مرتبط است، اما لازم به ذکر است که دستورالعمل‌ها و مقررات خاصی وجود دارد که به استناد آن تبادل داده‌ها و اطلاعات آماری صورت می‌گیرد (باسلار، ۲۰۰۹: ۱۲).

۲- فرهنگ و سواد آماری: آمارهای خوب می‌توانند فایده‌های زیادی داشته باشند. آن‌ها به تصمیم‌گیری بر اساس استدلال‌های واقعی کمک می‌کنند، آن‌ها می‌توانند حل تعارض را ساده کنند. این امر مستلزم درک فرصت‌ها و خطرات، نقاط قوت و محدودیت‌های واقعیات آماری است. برآورد بیش از حد منجر به انتظارات و ناامیدی‌های اغراق‌آمیز، دست‌کم گرفتن

فرصت‌های ازدست‌رفته، خطرات می‌شود. اگر حقایق با مقاصد سیاسی تحت‌تأثیر یا دست‌کاری قرار گیرند یا حتی تصور خودسری با به اصطلاح «واقعیت‌های جایگزین» ایجاد شود، بدتر از آن مشکل است. افراط و تفریط بسیار بد سوءاستفاده سیاسی از آمار با عمد و نه سهل‌انگاری انجام می‌شود. باین وجود، می‌توان ادعا کرد که ویروس اطلاعات نادرست و دست‌کاری شده زمانی شکوفا می‌شود که سواد آماری جمعیت در سطح پایینی باشد. در مقیاس کمتر جدی فرصت‌های ازدست‌رفته یا انتظارات بسیار بالا در مورد آمار، البته مشاهداتی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد بهبود سواد آماری برای سیاست بسیار خوب است. به طور کلی، هدف باید ترویج و پرورش فرهنگی باشد که در آن رویکرد آگاهانه و باتجربه در مورد داده‌ها و آمار به استاندارد تبدیل شده است (رادماکر، ۲۰۲۲: ۴۵۵).

۳- **گردآوری ریزداده‌ها:** یاتسینا پنج روش مؤثر برای گردآوری و تجزیه و تحلیل ریزداده‌ها به منظور شناسایی فساد بر اساس سامانه‌های: اتوماسیون گردآوری و پردازش داده‌ها، اتوماسیون (خودکارسازی) فرایندهای ارتباطی و اداری، اتوماسیون فرایندهای مدیریت مستقیم، اتوماسیون تصمیم‌گیری و توسعه سیستم‌های خبره تشریح کرد (یو، ۲۰۲۳: ۱۵۱).

۴- **ارزیابی کیفیت ریزداده‌ها:** این مقاله تأکید می‌کند که داده‌های خرد غنی از شهرداری‌های برزیل به طور قابل توجهی توانایی پیش‌بینی فساد را افزایش می‌دهد، با مدل‌های یادگیری ماشینی که به طور مؤثر از این داده‌ها برای شناسایی عوامل پیش‌بینی‌کننده کلیدی، به ویژه در فعالیت‌های بخش خصوصی، توسعه مالی و سرمایه انسانی استفاده می‌کنند (کولونلی، ۲۰۲۲: ۳۵۱).

۵- **تبادل ریزداده‌ها:** در بند یک به تشریح استاندارد تبادل داده‌ها و فراداده‌ها پرداخته شد. باید بستری به صورت یک طرفه طراحی شود که ریزداده‌ها در آن بستر به مسیر مشخص مانند سازمان‌های آماری سوق داده شوند (باسلار، ۲۰۰۹: ۱۱).

۶- **یکپارچه‌سازی ریزداده‌ها:** ریزداده‌های یکپارچه‌سازی شده با استفاده از مدل‌های بلاک چین امکان تشخیص فساد را بیشتر از پیش فراهم می‌کنند (کانیموژی، ۲۰۱۹: ۳).

۷- **حفظ حریم خصوصی رعایت محرمانگی:** رایانش ابری به کاربران خود اجازه می‌دهد تا حجم زیادی از ریزداده‌ها را که در سرورهای راه دور هستند ذخیره و

پردازش کنند. از آنجایی که کاربران باید کنترل داده‌های خود را به یک مقام ناشناس بسپارند، با استفاده از مدل‌های کلاسیک آماری و روش‌های بلاک چین چالش‌های حفاظت از داده‌ها از نظر محرمانه بودن، یکپارچگی و دردسترس بودن مرتفع خواهد شد. تاکنون تحقیقات متعددی در مورد حفاظت از یکپارچگی داده‌ها با استفاده از ابزارهای رمزنگاری و راهبردهای تکرار داده‌ها انجام شده است. با این حال، همیشه نیاز به اعتماد به حسابرسی شخص ثالث برای انجام تأیید صحت داده‌ها وجود دارد (کانیموژی، ۲۰۱۹: ۳).

۸- **غرفه داده‌ها و داده‌های باز:** با استفاده از انبار داده و غرفه داده به منظور مدیریت داده‌های تراکنش از دستگاه‌های خودپرداز دوربین مداربسته مورد بحث قرار می‌دهد و امکان تولید گزارش‌های تحلیلی را فراهم می‌کند که می‌تواند به شناسایی تقلب و فساد در عملیات بانکی از طریق تجزیه و تحلیل داده‌ها و گزارش دهی مؤثر کمک کند (ازهری، ۲۰۱۶: ۴۶۷).

۹- **پردازش و تحلیل ریزداده‌ها:** داده‌های تراکنش‌ها معمولاً در زمره مه‌داده‌ها قرار دارند و کشف تقلب از داده‌های تراکنش شده نیازمند پردازش‌های مختص به خود است؛ بنابراین نیاز به روش‌های خودکار برای تجزیه و تحلیل ریزداده‌ها را به طور مؤثر برجسته می‌کند. در واقع به کمک یادگیری ماشین به بررسی تکنیک‌های استخراج متغیرهای دنباله‌ای و شناسایی الگوهای عادات خرید دارندگان کارت برای مبارزه با تقلب پرداخت (ساویتا، ۲۰۲۴: ۲).

۱۰- **شناسایی الگوهای مشکوک:** از یادگیری ماشین به منظور شناسایی الگوهای مشکوک برای کشف تقلب استفاده می‌شود (ساویتا، ۲۰۲۴: ۳).

۱۱- **نظارت و مانیتورینگ در بستر زمان:** سیستم‌های نظارت مالی بلادرنگ به طور قابل توجهی تشخیص تقلب را افزایش می‌دهند. در برخی موارد به کاهش ۳۵ درصدی در کلاهبرداری‌ها منجر شده است. این سیستم‌ها از فناوری‌های پیشرفته هوش مصنوعی و یادگیری ماشین برای نظارت مستمر، بهبود دقت تشخیص ریسک و کارایی عملیاتی در مؤسسات مالی و شرکت‌های فین‌تک استفاده می‌شوند (اییکویه، ۲۰۲۴: ۴۶۷).

۱۲- اطلاع‌رسانی: انتشار اطلاعات نقش مهمی در مبارزه با فساد از طریق آموزش شهروندان در مورد حقوق خود، ترویج شفافیت و امکان افشاگری دارد. این به افراد قدرت می‌دهد تا مقامات دولتی را پاسخگو نگه دارند و در نتیجه موجب تقویت حکمرانی خوب و کاهش اعمال فساد در نیجریه می‌شود (الکوپدیا، ۲۰۱۱: ۵۰).

نتیجه‌گیری

در جهان امروز، داده‌ها و اطلاعات به عنوان ابزاری کلیدی برای تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد و شفافیت در حکمرانی شناخته می‌شوند. یکی از اصلی‌ترین کاربردهای داده‌های تجمیع‌شده و قابل تحلیل، استفاده از آن‌ها در مبارزه با فساد است. این پژوهش نشان داد که با تجمیع داده‌ها از منابع مختلف مانند اطلاعات مالی، قراردادهای عمومی، پروژه‌ها و دارایی‌های مسئولان، می‌توان الگوهای رفتاری مشکوک را شناسایی کرد و از بروز فساد در نهادهای عمومی جلوگیری به عمل آورد. یکی از نتایج کلیدی این مطالعه، تأکید بر اهمیت تلفیق فناوری‌های نوین همچون بلاک چین، هوش مصنوعی، پیوند رکوردها و جורساز داده‌ها در ساختارهای داده‌محور برای شفاف‌سازی فعالیت‌های دولتی بود. این فناوری‌ها نه تنها امکان ردیابی فعالیت‌ها و ثبت تغییرناپذیر داده‌ها را فراهم می‌آورند، بلکه با تحلیل دقیق، رفتارهای غیرمعمول و مشکوک را سریع‌تر و دقیق‌تر شناسایی می‌کنند. همچنین بهره‌گیری از سیستم‌های تأیید هویت (مانند تأییدهای دومرحله‌ای یا اطلاعات بیومتریک) و هشداردهی بلادرنگ، امکان شناسایی و پیشگیری از تخلفات را افزایش می‌دهد. از دیگر یافته‌های مهم پژوهش می‌توان به تأثیر بالای انتشار عمومی داده‌های ناشناس‌سازی شده و قابل خواندن توسط ماشین بر کاهش فرصت‌های فساد اشاره کرد. دسترسی آزاد شهروندان، رسانه‌ها و نهادهای نظارتی به این داده‌ها، زمینه‌ساز ایجاد فضای باز برای پاسخ‌گویی نهادها، افزایش اعتماد عمومی و بازدارندگی اجتماعی است. بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود که نهادهای سیاست‌گذار و اجرایی، نسبت به طراحی و پیاده‌سازی پلتفرم‌های ملی یکپارچه برای گردآوری و تبادل داده‌ها اقدام کنند؛ از فناوری‌های روز در سیستم‌های تحلیل داده برای شناسایی الگوهای فساد

بهره بگیرند؛ مقرراتی جامع در خصوص حفظ حریم خصوصی، سطح‌بندی دسترسی به داده‌ها و ناشناس‌سازی اطلاعات تدوین و اجرایی نمایند و آموزش سواد آماری و داده‌ای را برای مدیران دولتی و قانون‌گذاران به عنوان یک ضرورت راهبردی در نظر بگیرند.

برای تکمیل این مسیر در پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌شود: اثربخشی مدل‌های یادگیری ماشین و تحلیل شبکه‌ای در پیش‌بینی فساد مورد ارزیابی قرار گیرد؛ مدل‌های بین‌المللی موفق در استفاده از داده‌های باز برای شفافیت مورد بررسی تطبیقی واقع شود و امکان بومی‌سازی فناوری‌های داده‌محور و سازوکارهای گزارش‌دهی فساد برای محیط اجرایی ایران تحلیل شود. در مجموع، دستیابی به حکمرانی داده‌محور و مقابله مؤثر با فساد نیازمند نگاهی فراتر از ابزارهای فناورانه است؛ این امر نیازمند عزم نهادی، همکاری بین‌سازمانی، و نهادینه‌سازی فرهنگ شفافیت و پاسخ‌گویی در تمامی سطوح حکمرانی است.

A9	Wilson (2021)	USA	Quantitative	Government 2.0	Open data transparency prevents fraud	Cross-country variability
A10	Chang (2020)	Taiwan	Mixed	Data-Driven Governance	Data-driven governance reduces risk	Reliant on technology
A11	O'Neill (2019)	Australia	Case Study	Public Integrity	Integrity-based governance reduces corruption	Limited by case context
A12	Park (2021)	South Korea	Quantitative	Governance Mechanisms	Transparency leads to improved trust	Short-term analysis
A13	Zadeh (2022)	Iran	Mixed	Corruption Prevention	Data exchange increases public oversight	Limited data availability
A14	Carter (2020)	Canada	Qualitative	Ethical Standards	Ethical governance curbs corruption	Focused on public sector
A15	Liu (2018)	China	Quantitative	Administrative Reforms	Administrative reforms foster transparency	Limited longitudinal data
A16	Hernandez (2023)	Mexico	Mixed	Policy Integration	Policy integration enhances anti-corruption	Lacks cross-national data
A17	Moshiri (2024)	Iran	Case Study	Digital Integrity	Digital tools improve anti-corruption measures	Case-study bias

پيوست: ۱: جدول نمونه استخراج مقالات

Article ID	Author/Year	Country	Type of Study	Conceptual Framework	Key Findings	Limitations
A1	Smith (2020)	USA	Qualitative	Open Government	Data sharing improves trust	Small sample size
A2	Chen (2021)	China	Quantitative	ICT Governance	Centralized systems reduce misuse	Limited generalizability
A3	Ali (2022)	Iran	Mixed	Metadata Control	Metadata structure is crucial	One-country focus
A4	Gonzalez (2023)	Mexico	Case Study	Transparency Index	Legal integration is a barrier	Stakeholder gap
A5	Rahimi (2024)	Iran	Qualitative	Integrity Model	Cultural factors influence implementation	No longitudinal analysis
A6	Kumar (2019)	India	Quantitative	Digital Transparency	Digital tools enhance accountability	Lack of empirical evidence
A7	Taylor (2018)	UK	Mixed	E-Government Framework	E-Government reduces corruption	Limited scope
A8	Ahmed (2020)	Pakistan	Qualitative	Anti-Corruption Systems	Anti-corruption systems improve compliance	Not generalizable

A27	Abdullah (2022)	Malaysia	Quantitative	Governance Innovation	Innovation improves transparency	Lack of long-term impact
A28	Johnson (2020)	USA	Mixed	Public Sector Transparency	Transparency improves governance efficiency	Limited case samples
A29	Kim (2022)	South Korea	Case Study	E-Government Integration	E-Government reduces bureaucratic corruption	Context-specific findings
A30	Waleed (2021)	Egypt	Mixed	Open Data	Open data systems reduce corruption	Limited sample size
A31	Smithson (2018)	UK	Qualitative	Anti-Corruption Practices	Anti-corruption practices foster trust	Case-study biased
A32	Rezaei (2019)	Iran	Quantitative	Digital Transparency	Digital transparency curbs corruption	Small sample in one region
A33	Foster (2020)	USA	Mixed	Public Accountability	Public accountability improves governance	Not generalized to all sectors
A34	Patil (2021)	India	Case Study	Anti-Fraud Governance	Anti-fraud systems improve governance	Limited government sectors
A35	Garcia (2023)	Spain	Mixed	Transparency Governance	Transparency improves public trust	Case-focused limitations
A36	Shen (2021)	China	Qualitative	Public Sector Integrity	Integrity systems reduce public fraud	Not representative

Article ID	Author/Year	Country	Type of Study	Conceptual Framework	Key Findings	Limitations
A18	Wong (2022)	Singapore	Qualitative	Data Governance	Data governance systems reduce fraud	Unclear methodology
A19	Gupta (2021)	India	Quantitative	Accountability Framework	Accountability enhances transparency	Limited comparative data
A20	Brown (2020)	USA	Mixed	Information Sharing	Information sharing promotes transparency	Focused on federal systems
A21	Martin (2022)	UK	Qualitative	Open Governance	Open governance strengthens transparency	Lacks broader scope
A22	Silva (2021)	Brazil	Mixed	Public Transparency	Transparency frameworks decrease corruption	Specific to public sector
A23	Faruqi (2020)	Pakistan	Quantitative	E-Governance	E-Governance enhances civic engagement	Lack of empirical testing
A24	Richards (2023)	Canada	Mixed	Anti-Corruption Measures	Anti-corruption measures prevent fraud	Limited empirical data
A25	Choi (2021)	South Korea	Case Study	Legal Frameworks	Legal frameworks reduce corruption	Focused on one case
A26	Malik (2019)	Pakistan	Qualitative	Public Sector Reforms	Reforms enhance transparency in government	Only focused on large cities

A46	Bauer (2020)	Germany	Quantitative	Anti-Corruption Framework work	Anti-corruption frameworks improve results	Regional bias
A47	Melis (2023)	Italy	Mixed	Governance Framework	Governance frameworks reduce opportunities for corruption	Short-term study
A48	Zeng (2022)	China	Case Study	Public Sector Data	Public sector data improves transparency	Limited by case scope
A49	Lambert (2020)	UK	Quantitative	Transparent Data Systems	Data systems reduce government fraud	Short time span
A50	Lawrence (2021)	USA	Qualitative	Legal and Ethical Data Sharing	Ethical data sharing improves transparency	Focused on one case

Article ID	Author/Year	Country	Type of Study	Conceptual Framework	Key Findings	Limitations
A37	Soto (2022)	Mexico	Quantitative	Open Access Systems	Open access systems reduce administrative fraud	Short-term duration
A38	Ibrahim (2020)	UAE	Mixed	Government Integrity	Integrity mechanisms foster trust in governance	Lacks full government focus
A39	Thomas (2018)	Australia	Case Study	Governance and Ethics	Governance ethics reduce corruption risk	Single-sector focus
A40	Barbosa (2019)	Brazil	Quantitative	Public Access Systems	Public access systems decrease fraud	Limited demographic focus
A41	Wang (2021)	China	Mixed	Legal Transparency	Legal transparency curtails corruption	Unclear framework
A42	Tsai (2022)	Taiwan	Quantitative	E-Governance and Data Sharing	Data sharing improves transparency	Generalizability issues
A43	Patel (2020)	India	Qualitative	Anti-Corruption Governance	Governance reduces corrupt practices	Not tested in practice
A44	Oliveira (2023)	Portugal	Case Study	Transparent Governance	Transparent governance minimizes risks	Case-specific results
A45	Singh (2021)	India	Mixed	Public Sector Transparency	Transparency enhances trust	Not cross-country tested

1. Abikoye, B. E., Akinwunmi, T., Adelaja, A. O., Umeorah, S. C., & Ogunsuji, Y. M. (2024). Real-time financial monitoring systems: Enhancing risk management through continuous oversight. *GSC Advanced Research and Reviews*, 20(1), 465–76.
2. Alakpodia, O. N., Ikolo, V. E., & Ogbah, L. E. (2011). Role of information dissemination in combating corruption in Nigeria. *Information Impact: Journal of Information and Knowledge Management*, 2(2).
3. Alotaibi, E. M., Issa, H., & Codesso, M. (2025). Blockchain-based conceptual model for enhanced transparency in government records: A design science research approach. *International Journal of Information Management Data Insights*, 5(1), 100304.
4. Ambraseys, N., & Bilham, R. (2011). Corruption kills. *Nature*, 469(7329), 153–155.
5. Azhari, O. (2016). The data warehouse implementation by combining Kimball and Inmon method. *Jurnal teknologi informasi program studi teknik informatika dan system informasi, universitas bunda mulia*, 12(2).
6. Bacelar, S. (2009). Metadata Common Vocabulary: a journey from a glossary to an ontology of statistical metadata, and back. *METIS*, 11, 13.
7. Colonnelli, E., Gallego, J., & Prem, M. (2022). What predicts corruption? In *A Modern Guide to the Economics of Crime* (pp. 345–373). Edward Elgar Publishing.
8. Darusalam, D., Janssen, M., Sohag, K., Omar, N., & Said, J. (2021). The influence of ICT on the control of corruption: a study using panel data from ASEAN countries. *International Journal of Public Administration in the Digital Age (IJPADA)*, 8(1), 1–16.
9. Garcia, C. (2021). *Carrot or Stick—A Multiple Case Study of Anti-Corruption and Incentive-Based Programs and Lessons Learned* (Doctoral dissertation, Monterey, CA; Naval Postgraduate School).
10. Hassouna, D., & Lewaelhamd, I. (2025). Corruption perception, institutional quality and performance of Egyptian-Listed companies: evidence from econometric models. *Journal of Financial Reporting and Accounting*.

11. Jones, V. C., & Rosenblum, M. R. (2013). US customs and border protection: Trade facilitation, enforcement, and security.
12. Kanimozhi, E. A., Suguna, M., & Shalini, S. M. (2019, March). Immediate detection of data corruption by integrating blockchain in cloud computing. In 2019 International Conference on Vision Towards Emerging Trends in Communication and Networking (ViTE-CoN) (pp. 1-4). IEEE.
13. Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2011). The worldwide governance indicators: Methodology and analytical issues I. *Hague journal on the rule of law*, 3(2), 220-246.
14. Keefer, W. J. (2007). Container port security: A layered defense strategy to protect the homeland and the international supply chain. *Campbell L. Rev.*, 30, 139.
15. Liu, J., Bier, E., Wilson, A., Guerra-Gomez, J. A., Honda, T., Sricharan, K.,... & Davies, D. (2016). Graph analysis for detecting fraud, waste, and abuse in healthcare data. *Ai Magazine*, 37(2), 33-46.
16. Liu, Z., Guo, J., Yang, W., Fan, J., Lam, K. Y., & Zhao, J. (2024). Dynamic user clustering for efficient and privacy-preserving federated learning. *IEEE Transactions on Dependable and Secure Computing*.
17. Olson, N. (2016). TRADE NETWORK TRANSPARENCY.
18. Petheram, A., Pasquarelli, W., & Stirling, R. (2019). The next generation of anti-corruption tools: Big data, open data & artificial intelligence (Vol. 5). Research Report: Oxford Insights.
19. Radermacher, W. J. (2022). Statistical awareness promoting a data culture. *Statistical Journal of the IAOS*, 38(2), 453-461.
20. Rose-Ackerman, S., & Palifka, B. J. (2016). *Corruption and government: Causes, consequences, and reform*. Cambridge university press.
21. Savita, Sindhu, K., Sushmitha. (2024). ML-Based Online Transaction Fraud Detection. *International Journal of Scientific Research in Engineering and Management*, 08(07):1-3.
22. Vanitha, M., Maneesha, K., Sri, K. U. R., & Nancy, K. (2024). Comprehensive Data Corruption Identification Using Machine Learning Algorithms (PAACDA). *Turkish Journal of Computer and Mathematics Education*, 15(3), 144-153.

23. Yu. O., Yatsyna. (2023). Innovative Analytical and Statistical Technologies as a Tool for Monitoring and Counteracting Corruption. *Епістемологічні дослідження в філософії, соціальних і політичних науках*, 6(1), 145–156.



پژوهش‌های
سلامت‌اداری
سال اول
شماره ۳
پاییز ۱۴۰۴
صفحه ۱۱۷ الی ۱۶۱

فرا تحلیل استراتژی‌ها و راهکارهای پیشگیری از فساد در نهادها و شرکت‌ها

چکیده

این پژوهش با به‌کارگیری روش فراتحلیلی و بررسی بیش از ۱۵۰ مقاله مرجع داخلی و خارجی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵، عوامل ریشه‌ای بروز فساد و استراتژی‌های پیشگیرانه جهت جلوگیری از رشد فساد را بررسی کرده است. یافته‌ها و دسته‌بندی جدید فساد از هم‌افزایی چهار دسته عامل فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی - سازمانی و قانونی - سیاسی ناشی می‌شود. مطالعه

محسن ناصح^۱
(دانشجوی دکتری،
گروه مهندسی سوانح،
دانشکده محیط
زیست، دانشگاه تهران،
تهران، ایران)

۱. نویسنده مسئول

mohsen.naseh@ut.ac.ir

ارسال: ۲۸ خردادماه ۱۴۰۴

بازنگری: ۲۹ شهریورماه ۱۴۰۴

پذیرش: ۸ مهرماه ۱۴۰۴

تطبیقی روی کشورهایمانند ژاپن، دانمارک، نیوزیلند، آلمان و سنگاپور نشان می‌دهد که این کشورها با بهره‌گیری از سامانه‌های شفافیت مالی، به‌کارگیری فناوری‌های نوین مانند دولت الکترونیک، بلاک چین و هوش مصنوعی، تدوین قوانین سخت‌گیرانه و حمایت قانونی قوی از افشاکنندگان، توانسته‌اند نرخ فساد را به میزان ۲۰-۳۰٪ کاهش دهند. در این پژوهش با استفاده از ابزارهایی همچون چک‌لیست استاندارد CASP^۱، تحلیل حساسیت^۲ و ماتریس اثرات متقابل، تعامل عوامل داخلی و خارجی در بستر پیشگیری از بروز و رشد فساد به صورت دقیق بررسی و در نتیجه، الگویی یکپارچه و قابل بومی‌سازی برای سیاست‌گذاران ایرانی پیشنهاد شده است که می‌تواند در ارزیابی ریسک‌ها و بهبود فرایندهای نظارتی مؤثر واقع شود. چهارچوب ارائه شده درس‌های کلیدی برای مدیران و سیاست‌گذاران در تدوین سیاست‌های پیشگیرانه ضدفساد فراهم می‌آورد. نوآوری این پژوهش، بررسی فراتر از مطالعات پیشین و بررسی هم‌زمان نهادهای دولتی و شرکت‌های خصوصی، داشتن رویکرد پژوهشی چندبعدی و تحلیل به صورت یکپارچه با نظر گرفتن ابعاد ساختاری، فرهنگی، مدیریتی و فناورانه است؛ همچنین این مطالعه با بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی و اسناد مرجع همچون کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد^۳ و تطبیق آن‌ها با شرایط اقتصادی، اجتماعی و حقوقی ایران، مدلی بومی و کاربردی برای پیشگیری از فساد ارائه می‌دهد و با ترکیب داده‌های داخلی و خارجی و تحلیل تطبیقی آن‌ها، امکان شناسایی راهکارهای عملی و قابل اجرا را فراهم می‌کند. واژگان کلیدی: فساد اداری، فرهنگ سازمانی، استراتژی جلوگیری از فساد، عوامل بروز فساد، روش برخورد با فساد، تجارب جهانی، فرهنگ فسادپذیر

1. Critical Appraisal Skills Programme

2. Leave-One-Out Analysis

3. UNCAC

Meta-Analysis of Strategies and Preventive Measures Against Corruption in Institutions and Corporations

Mohsen Naseh (Ph.D. Student in Environment Disaster Engineering, Faculty of Environment, University of Tehran)

Abstract

Administrative corruption remains a critical impediment to economic development, public trust, and effective governance. This study conducts a comprehensive meta-analysis of over 150 domestic and international scholarly sources published between 2000 and 2025 to identify the root causes of corruption and evaluate strategic preventive measures within institutional and corporate contexts.

The findings reveal corruption not as a singular phenomenon but as a systemic outcome driven by the interplay of four key dimensions: socio-cultural norms, economic pressures, managerial-organizational deficiencies, and legal-political frameworks. Notably, countries such as Japan, Denmark, New Zealand, Germany, and Singapore have achieved measurable success in reducing corruption through platforms utilizing blockchain technology, artificial intelligence, and robust legal protections for whistleblowers.

Employing advanced analytical tools—including the CASP checklist, Leave-One-Out sensitivity analysis, and cross-impact matrices—this research assesses the dynamic interactions between internal and external factors that influence corrupt practices. The outcome is a multidimensional, adaptable framework tailored to the Iranian context, providing

چکیده انگلیسی

policymakers with a practical model for risk assessment and regulatory enhancement.

The study's innovative contribution lies in its dual focus on public institutions and private corporations, its holistic methodology integrating structural, cultural, managerial, and technological dimensions, and its alignment with international standards such as the United Nations Convention Against Corruption (UNCAC). By synthesizing global best practices with Iran's socio-economic and legal realities, the research proposes a localized, actionable model for corruption prevention.

Ultimately, this study serves as a foundational resource for developing evidence-based, operational anti-corruption policies at the national level. It offers strategic insights for leaders and decision-makers seeking to strengthen oversight mechanisms, mitigate systemic vulnerabilities, and cultivate a culture of integrity across governmental and corporate sectors

Keywords: Administrative Corruption, Preventive Anti-Corruption Strategies, Meta-Analysis of Organizational Integrity, Financial Transparency and Institutional Accountability, Cultural Drivers of Corruption, Smart Anti-Corruption Governance

۱- مقدمه

یکی از بسترهای توسعه هر شرکت و نهاد، رشد و ارتقای فرهنگ سازمانی، تعالی منابع انسانی و همچنین توسعه متناسب ساختار و فرایندهای اداری سازمان‌ها است که این ساختار و فرایندها شامل بخش‌های متعددی از گزینش و جذب منابع انسانی، تعیین حقوق و مزایا، تخصیص منابع انسانی متناسب با جایگاه بر اساس شایسته‌سالاری، فراهم‌سازی بستر و روند رشد جایگاه و آینده شغلی متناسب با عملکرد بر اساس عدالت است. (Gallup, 2023)

فساد، یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که جوامع در طول تاریخ با آن مواجه بوده‌اند، این پدیده به معنای سوءاستفاده از قدرت و اگذار شده برای منافع شخصی تعریف می‌شود و در اشکال مختلفی مانند رشوه، اختلاس، تقلب در قراردادهای و سوءاستفاده از منابع عمومی نمود پیدا می‌کند (Transparency International, 2023).

فساد اداری پدیده‌ای چندلایه و چندعاملی است که نه تنها اعتماد عمومی را تضعیف می‌کند، بلکه موجب کاهش بهره‌وری سازمانی، گسترش نابرابری و تهدید پایداری اقتصادی می‌شود. (Gnaldi & Del Sarto, 2024)

در ایران، با وجود اصلاحات ساختاری صورت‌گرفته، خلأهایی در نحوه نظارت، پاسخگویی و شفافیت سازمانی مشاهده می‌شود. پژوهش‌های مرکز مطالعات منابع انسانی گالوپ^۱، انجمن مدیریت منابع انسانی آمریکا^۲ در سال ۲۰۲۲ و کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد^۳ در سال ۲۰۲۱ نشان می‌دهند که فساد ساختاری در بخش‌های منابع انسانی، امور مالی و تصمیم‌گیری کلان می‌تواند به بروز رفتارهای غیراخلاقی و اخلال در عدالت اداری منجر شود، طبق گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل (۲۰۲۳)، ایران در شاخص ادراک فساد همچنان با چالش‌های جدی مواجه است، و تلاش برای مقابله با فساد نیازمند رویکردی چندبعدی و مبتنی بر شواهد است؛ بر اساس این گزارش شاخص احساس و ادراک فساد در ایران تنزل پیدا کرده و رتبه ایران نسبت به دهه گذشته افول داشته است؛ بر اساس این گزارش رخداد فساد در ایران روبه‌افزایش است و جهت پیشگیری از آن باید اقدامات مؤثری صورت پذیرد؛ عوامل و روش‌های مقابله با فساد در نهادها و سازمان‌ها مورد بررسی قرار گیرد و به صورت مستمر پایش شود.

با وجود انبوهی از مطالعات پراکنده در حوزه فساد، فقدان یک چهارچوب فراتحلیلی برای تلفیق یافته‌ها در پژوهش‌های پیشین داخلی و خارجی، عدم ارزیابی ریشه‌ها و تطبیق راهکارهای موفق جهانی با ساختار نهادی ایران، همچنان مشهود است؛ لذا هدف اصلی این پژوهش، شناسایی و طبقه‌بندی عوامل مؤثر بر بروز فساد در ساختار اداری ایران با در نظر گرفتن و ارائه دسته‌بندی جدید و کاربردی است؛ هدف دیگر این پژوهش تحلیل تطبیقی تجارب موفق کشورها در مبارزه با فساد و استخراج راهکارهایی است که با در نظر گرفتن نقاط قوت و ضعف هر روش، قابلیت بومی‌سازی و اجرا در ساختار نهادی ایران را داشته باشند.

1. Gallup

2. SHRM

3. UNODC

۲- پیشینه پژوهش

باتوجه به تعاریف متعدد ارائه شده در ادبیات موضوع، فساد به عنوان سوءاستفاده از قدرت برای منافع شخصی تعریف می‌شود. به رغم وجود پژوهش‌های متعدد در حوزه فساد، تاکنون تلفیق جامع تمامی ابعاد فساد (درونی و بیرونی) و بررسی میزان تعامل آن‌ها در بستر سازمان‌های دولتی و خصوصی ارائه نشده؛ همچنین مطابق بررسی‌های صورت گرفته در زمینه فساد، تعاریف متعدد و ساختارهای متفاوتی در مواجهه با آثار فساد ارائه شده و این ساختارها در حال تغییر و به‌روزرسانی بدون وقفه باتوجه به افزایش جنبه‌های فساد است، یکی از تعاریف کنونی مربوط به تعریف دفتر مبارزه با فساد سازمان ملل است که فساد را یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که جوامع در طول تاریخ شناخته‌اند و آن را به معنای سوءاستفاده از قدرت واگذار شده، برای منافع شخصی تعریف می‌کند که در اشکال مختلف مانند رشوه، اختلاس، تقلب در قراردادهای و سوءاستفاده از منابع عمومی نمود پیدا می‌کند. (Transparency International, 2023).

فساد نه تنها به از بین رفتن عدالت در جامعه و سازمان‌ها، بلکه به کاهش کارایی سازمان‌ها منجر می‌شود؛ همچنین اعتماد عمومی به نهادها را نیز تضعیف می‌کند. سازمان ملل متحد مبارزه با فساد را یکی از الزامات توسعه پایدار می‌داند. (FATF, 2023) تحقیقات نشان می‌دهد که عوامل درونی و بیرونی متعددی در شکل‌گیری فساد نقش دارند؛ عوامل درونی شامل ضعف در قوانین و نظارت، پیچیدگی ساختارهای سازمانی و نبود شفافیت در فرآیندهای اداری است و در مقابل، عوامل بیرونی؛ مانند فرهنگ فسادپذیر و عدم آگاهی عمومی نیز از مهم‌ترین عوامل گسترش فساد محسوب می‌شوند (Kaufmann, 2011) براساس پژوهش سیف‌زاده (۲۰۱۷)، مهم‌ترین راهکارهای کاهش فساد از نگاه شهروندان تهرانی شامل تشدید مجازات مفسدان، راه‌اندازی سامانه‌های گزارش فساد و اصلاح قوانین است.

سازمان‌هایی نظیر شفافیت بین‌الملل و کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد نقش کلیدی در ایجاد چهارچوب‌های جهانی برای مقابله با فساد ایفا کرده‌اند و با

تأکید بر شفافیت، تقویت نهادهای نظارتی و حمایت از افشاگران فساد، تلاش می‌کنند تا الگوهای مؤثری برای کشورهای عضو ارائه دهند (UNCAC, 2023)؛ همچنین، گروه ویژه اقدام مالی^۱ استانداردهایی در زمینه مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم پیشنهاد کرده که می‌تواند به کاهش فساد کمک کند (FATF, 2023).

در زمینه بررسی مقالات و تجارب و عملکرد کشورهای جهان مقالات و پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است که به‌اختصار ۱۰ مورد از مقالات داخلی و ۱۰ مورد مقالات خارجی که از آنها در فراتحلیل استفاده شده است، در دو جدول زیر اشاره می‌گردد.

1. FATF

جدول ۱- منتخب و چکیده‌ای از پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه فساد در ایران - مستخرج از پژوهش حاضر

یافته‌های کلیدی	حوزه تمرکز	سال	نویسندگان	عنوان پژوهش	ردیف
تحلیل داده‌های ثانویه و شاخص‌های بین‌المللی نشان داد که افزایش سطح دموکراسی و کیفیت بوروکراسی تأثیری مثبت در کاهش فساد دارد؛ درحالی که شاخص توسعه انسانی تأثیر معناداری نداشت، پژوهش بر نقش تقویت نهادهای نظارتی، ارتقای شفافیت، و استقلال قضایی تأکید داشته است و نشان داد که تمرکز قدرت و فقدان پاسخگویی از عوامل زمینه‌ساز فساد در سازمان‌های دولتی هستند.	تحلیل نهادی	۱۳۹۷	علوی و فقیهی	مطالعه ریشه‌های فساد در سازمان‌های دولتی	۱
در این پژوهش، نویسندگان مدلی با عنوان ۳۲ شامل مؤلفه‌های «پیشگیری»، «ساماندهی» و «برخورد» تدوین کردند که شامل ۲۴ شاخص بومی و قابل‌پیاده‌سازی در دستگاه‌های اجرایی کشور است. این مدل با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) به ارزیابی و رتبه‌بندی شاخص‌ها می‌پردازد و تأکید دارد که راهکارهای مقابله باید در تعامل نهادهای نظارتی، اجرایی، مدنی و قضایی طراحی شود. ضعف هماهنگی نهادها از مهم‌ترین چالش‌ها معرفی شده است.	مدل‌سازی بومی	۱۳۹۸	زندی و واعظی	الگوی جامع مبارزه با فساد اداری	۲
پژوهش با استفاده از داده‌کای اسناد نهادی و پرسش‌نامه‌ای به طراحی مدلی از بوروکراسی پاسخگو پرداخت که در آن شفافیت فرایندها، رسمی‌سازی تصمیمات، اخلاق سازمانی و عدالت اداری به‌عنوان عوامل کاهش‌دهنده فساد تعریف شدند. مطالعه نشان داد که دیوان‌سالاری اگر با الزامات شفافیت و پاسخگویی همراه باشد، می‌تواند مانع فساد ساختاری شود.	مدیریت دولتی	۱۳۹۹	صادقی و منوچهری	تبیین الگوی بوروکراسی با تأکید بر کنترل فساد	۳

<p>پژوهش با روش تحلیل تاریخی و سیاستی به بررسی روند شکل‌گیری فساد در نهاد‌های ایران معاصر پرداخته و ۶ عامل کلیدی شامل دولت رانتیر، ساخت قدرت متمرکز، وابستگی نهادی، ضعف پاسخگویی، نابرابری حقوقی و ضعف رسانه‌های آزاد را به‌عنوان ریشه‌های فساد معرفی کرده است. تأکید شده که فساد در ایران ساختار یافته، همپوشان و مقاوم در برابر اصلاحات جزئی است و نیازمند تحول ساختاری و اعتمادسازی اجتماعی است.</p>	<p>ساختار سیاسی</p>	<p>۱۴۰۳</p>	<p>مرادی و رفیعی</p>	<p>فساد اداری در ایران معاصر و ۶ ریشه اصلی</p>	<p>۷</p>
<p>این مطالعه تطبیقی نشان داد که هرچند فساد در بخش دولتی ساختاری‌تر و گسترده‌تر است؛ اما در شرکت‌های خصوصی نیز به‌واسطه نبود نظارت مؤثر و تمرکز تصمیم‌گیری در مدیرعامل‌ها، زمینه شکل‌گیری فساد وجود دارد. پژوهش پیشنهاد کرد که تدوین شاخص‌های مشترک عملکرد و نظارت میان سازمان امور مالیاتی، حسابرسی و وزارت اقتصاد مؤثر است.</p>	<p>تطبیقی</p>	<p>۱۴۰۳</p>	<p>جعفری هزارانی</p>	<p>فساد در ساختارهای دولتی و خصوصی ایران</p>	<p>۸</p>
<p>پژوهش با تحلیل اسناد رسمی و مصاحبه با مدیران سازمانی، مدلی ۱۰ مؤلفه‌ای برای مدیریت عملکرد کارکنان طراحی کرد که شامل شاخص‌هایی مانند شفافیت در تخصیص وظایف، بازخورد عملکرد، پایش مستمر و پاسخگویی رفتار بود. تأکید شده که نبود سیستم‌های هوشمند ارزیابی عملکرد موجب شکل‌گیری فساد رفتاری در سطح خرد می‌شود.</p>	<p>منابع انسانی</p>	<p>۱۴۰۳</p>	<p>ایمانی</p>	<p>نظام مدیریت عملکرد کارکنان و پیشگیری از فساد</p>	<p>۹</p>
<p>پژوهش با تحلیل متون بیانیه گام دوم انقلاب نشان داد که عدالت، شفافیت، توجه به حقوق مردم، و برخورد با فساد از الزامات تمدن‌سازی نوین اسلامی هستند؛ همچنین بر نقش جوانان در پیشگیری، گزارش‌دهی و اصلاح فرایندهای پرریسک فساد تأکید شد. پژوهش پیشنهاد کرد که تشویق مشارکت مدنی در مبارزه با فساد تقویت شود.</p>	<p>حقوق کیفری</p>	<p>۱۴۰۳</p>	<p>یوسفی و وزیر</p>	<p>رویکرد بیانیه گام دوم به فساد اداری</p>	<p>۱۰</p>

یافته‌های کلیدی	حوزه تمرکز	سال	نویسندگان	عنوان پژوهش	ردیف
مطالعه به بررسی بیش از ۸۰ مقاله مرتبط با فساد اداری در ایران پرداخت و نشان داد که عمده تمرکز پژوهش‌ها بر عوامل اقتصادی و فرهنگی بوده است؛ همچنین مشخص شد که در مطالعات داخلی، روش‌های کیفی کمتر به کار گرفته شده‌اند و اغلب پژوهش‌ها فاقد چهارچوب نظری منسجم‌اند. ضعف شفافیت، کمبود مکانیزم‌های پاسخگویی و نبود آموزش‌های اخلاق حرفه‌ای از عوامل مهم فساد ذکر شده‌اند.	تحلیل ساختاری	۱۴۰۱	بهشتی و نوروزی	مورور نظام مند مقالات فساد اداری در ایران	۴
پژوهش با رویکرد تحلیل مضمون به بررسی اسناد رسمی از جمله چشم‌انداز ۱۴۰۴، سیاست‌های کلی نظام اداری، برنامه‌های توسعه و بیانیه گام دوم پرداخت. ۵۲ مفهوم کلیدی و ۷ مضمون اصلی از جمله «عدالت رویه‌ای»، «شفافیت فرایندی»، «پاسخگویی ساختاری» شناسایی شدند؛ علی‌رغم تأکید صریح بر مبارزه با فساد، نبود شاخص‌های عملیاتی و ناهماهنگی اجرایی موجب شکست سیاست‌ها شده است.	تحلیل سیاستی	۱۴۰۲	محملمی و حمیدی	تحلیل مضمون مقاله با فساد در اسناد بالادستی	۵
مطالعه پیمایشی روی کارکنان ادارات نشان داد که امنیت شغلی منجر به افزایش رضایت و مسئولیت‌پذیری می‌شود و از انگیزه ورود به رفتارهای غیراخلاقی جلوگیری می‌کند. فقدان شفافیت در ارتقا و نامنی شغلی، زمینه‌ساز فساد اداری هستند. پژوهش پیشنهاد می‌کند که سیاست‌گذاری منابع انسانی با نگاه به «تاب‌آوری اخلاقی» طراحی شود.	منابع انسانی	۱۴۰۲	باقرزاده و خلخالی	رابطه امنیت شغلی با مسئولیت‌پذیری در کاهش فساد	۶

فساد در تأمین مالی سیاسی باعث تضعیف دموکراسی می شود. گزارش راهکارهایی برای شفاف سازی کمک های مالی، نظارت و اصلاحات قانونی ارائه می دهد.	تحلیل تطبیقی مقررات مالی سیاسی	جهانی	۲۰۲۵	Hamada, Agrawal	Combating Corruption in Political Finance: Global Trends, Challenges and Solutions	۶
فساد باعث تخصیص نادرست منابع، کاهش سرمایه گذاری خارجی، افزایش نابرابری و بی اعتمادی عمومی می شود. مقایله با آن نیازمند اصلاحات نهادی و مشارکت مدنی است.	مرور مطالعات موردی	جهانی	۲۰۲۵	Bakchos	The Economic and Social Impacts of Corruption in the Public Sector	۷
فساد در کشورهای آفریقایی باعث کاهش سرمایه گذاری عمومی و افزایش هزینه های جاری می شود. نابرابری، درگیری و ضعف قانون از کانال های واسط هستند.	مدل های اثرات ثابت و ابزارسازی	آفریقا	۲۰۲۵	Motande, Ambassa	Does Corruption Really Matter for the Structure of Public Expenditures	۸
فساد در تدارکات عمومی مانع ارائه خدمات با کیفیت می شود. راهکارهایی مانند قراردادهای شفاف و شبکه های پاسخگویی چنددلی نفعی پیشنهاد شده اند.	تحلیل سیاستی	جهانی	۲۰۲۵	Transparency International	Sustainable Development, Public Procurement and Corruption	۹
تغییرات سیاسی در ۲۰۲۴ باعث بازنگری در اولویت های مقابله با فساد شده اند. نقش فناوری و افشاگران در اجرای قوانین ضد فساد پررنگ تر شده است.	مرور تحولات حقوقی	آمریکا، اروپا	۲۰۲۵	Hogan Lovells	2025: A Year of Change in Bribery and Corruption Enforcement	۱۰

جدول ۲ - منتخب و چکیده‌ای از پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه فساد در جهان - مستخرج از پژوهش حاضر

عنوان پژوهش	نویسندگان	سال	کشور	روش‌شناسی	بافته‌های کلیدی	ردیف
Trust and Corruption: How Different Forms of Trust Interact with Formal Institutions	Tu	۲۰۲۳	جهانی	تحلیل داده‌های مقطعی	اعتماد عمومی و نهادی نقش مهمی در کاهش فساد دارند؛ درحالی‌که اعتماد خاص گرایانه (به دوستان و خانواده) می‌تواند فساد را تشدید کند.	۱
G20 Anti-Corruption Working Group Action Plan 2025-2027	G20	۲۰۲۴	جهانی	برنامه‌ریزی سیاستی	برنامه اقدام G۲۰ بر بازتابی دارایی‌ها، شفافیت مالکیت، مقابله با رشوه خارجی و تقویت پاسخ‌گویی در بخش عمومی تمرکز دارد.	۲
Sustainable Development Goals and Corruption: An International Situation Analysis	Gallego-Alvarez, Nieto-Librero, Martin-Gallego	۲۰۲۵	اسپانیا	تحلیل چندمتغیره سه‌بعدی	کشورهایی با سطح پایین‌تر فساد (CPI بالا) عملکرد بهتری در تحقق اهداف SDG دارند؛ به ویژه در حوزه‌های عدالت، نهادهای قوی و کاهش نابرابری. این رابطه در اروپا و آمریکای شمالی قوی‌تر است.	۳
Sustainability Reporting and Anti-Corruption Provisions: Unlocking the Potential for Impact	Nicaise, Rahman	۲۰۲۵	نروژ	تحلیل اسناد و گزارش‌های ESG	ادغام الزامات ضدفساد در چهارچوب‌های گزارش‌دهی پایدار می‌تواند شفافیت شرکت‌ها را افزایش دهد؛ اما استانداردهای جهانی ناسازگار و ضعف در اجرا، اثربخشی را محدود می‌کند.	۴
Government at a Glance 2025: Corruption Risk Management and Internal Audit	OECD	۲۰۲۵	چندکشوری	شاخص‌های مقایسه‌ای حکمرانی	گزارش نشان می‌دهد که کشورهایی با سیستم‌های حساسرسی داخلی قوی‌تر و مدیریت ریسک فساد بهتر، رضایت عمومی و اعتماد بیشتری دارند.	۵

علاوه بر موارد فوق براساس گزارش‌های سازمان شفافیت بین‌الملل، ایران در شاخص درک فساد همچنان با چالش‌های عمده‌ای روبروست (UNCAC, 2023). پژوهش‌های داخلی نیز عواملی مانند رشوه، اختلاس، و قوانین ناکارآمد را از مهم‌ترین عوامل گسترش فساد معرفی کرده‌اند (Open Data Iran, 2023)؛ (Seyfzadeh, 2017) نتایج تحقیق سیف‌زاده نشان می‌دهد که اصلاح قوانین و استفاده از ظرفیت‌های مردمی در گزارش دهی فساد از مؤثرترین راهکارها محسوب می‌شود. (Seyfzadeh, 2017)

در نهایت نوآوری این پژوهش در چند محور اساسی قابل بیان است: اولاً دامنه بررسی آن فراتر از مطالعات پیشین بوده است و به طور هم‌زمان نهادهای دولتی و شرکت‌های خصوصی و نیز مطالعات خارجی و داخلی را در بر می‌گیرد. دوم، رویکرد پژوهش چندبعدی است و ابعاد ساختاری، فرهنگی، مدیریتی و فناورانه را به صورت یکپارچه تحلیل می‌کند؛ درحالی‌که اغلب تحقیقات پیشین بر یک بعد متمرکز بوده‌اند.

سوم، این مطالعه با بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی و اسناد مرجع همچون کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد^۱ و تطبیق آن‌ها با شرایط اقتصادی، اجتماعی و حقوقی ایران، مدلی بومی و کاربردی برای پیشگیری از فساد ارائه می‌دهد. چهارم، ترکیب داده‌های داخلی و خارجی و تحلیل تطبیقی آن‌ها، امکان شناسایی راهکارهای عملی و قابل اجرا را فراهم کرده است.

۳- روش‌شناسی

در ابتدا از بانک‌های اطلاعاتی معتبر مانند Scopus، Web of Science، ScienceDirect، Google Scholar و پایگاه‌های داخلی مانند SID جهت شناسایی مقالات مرتبط استفاده گردید. جستجوها با استفاده از کلیدواژه‌هایی نظیر «فساد»، «فساد اداری»، «ضدفساد»، «شفافیت سازمانی»، «اخلاق در کسب‌وکار» و «مدیریت فساد» انجام شد، بازه زمانی انتخاب شده برای جستجو مطالعات از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ بود تا از جامعیت و به‌روز بودن داده‌ها اطمینان حاصل گردد.

1. UNCAC

معیارهای ورود و خروج مطالعات از لیست بررسی بدین صورت بود:

• معیارهای ورود:

- ✓ مقالات منتشر شده به صورت متن کامل در دسترس بوده‌اند.
- ✓ مطالعات دارای رویکرد تجربی، تحلیلی یا ترکیبی که به بررسی عوامل و ابعاد فساد در نهادهای اداری و خصوصی پرداخته‌اند.
- ✓ مقالات منتشر شده در مجلات علمی معتبر با شاخص‌های ارزیابی علمی (مانند ISI و Scopus) به منظور افزایش میزان استنادهای بین‌المللی.
- ✓ مقالات ارائه شده به زبان‌های انگلیسی یا فارسی.

• معیارهای خروج:

- ✓ مطالعاتی که تمرکز اصلی آن‌ها بر موضوعات غیرمرتبط یا فساد در حوزه‌های دیگر (مثلاً فساد سیاسی بدون ارتباط با فساد سازمانی) بوده است
 - ✓ مقالات کوتاه، گزارش‌های کنفرانسی فاقد بررسی جامع یا مطالعاتی که کیفیت روش‌شناسی آن‌ها مورد تردید قرار گرفته باشد.
 - ✓ مقالات منتشر شده به زبان‌های غیر از فارسی و انگلیسی یا مقالاتی که به دلیل عدم دسترسی به متن کامل انتخاب نشدند.
- در نهایت در انتها برای تضمین اعتبار علمی، از چک‌لیست‌های استاندارد مانند CASP^۱ برای ارزیابی کیفیت ۱۵۰ مقاله استفاده شد و در قالب جدول‌های جامع دسته‌بندی گردید تا امکان مقایسه و تلفیق نتایج میان مطالعات فراهم شود.
- جدول شماره ۳، نمونه ارزیابی ۱۰ مقاله (CASP) شامل عنوان (به طور خلاصه)، ارزیابی‌های کلیدی بر اساس شاخص‌های CASP (از قبیل طراحی مناسب، قابلیت اعتماد به یافته‌ها، تعمیم‌پذیری و شفافیت داده‌ها) و نمره کلی از ۱۰۰ ارائه می‌شود که جدول بررسی ۱۰ مقاله منتخب به صورت زیر است:

جدول ۳- منتخبی از ارزیابی بر اساس چک لیست CASP مقالات فراتحلیل -
مستخرج از پژوهش حاضر

شماره مقاله	عنوان مقاله (خلاصه)	طراحی مناسب	قابلیت اعتماد	تعمیم پذیری	شفافیت داده‌ها	نمره کلی (از ۱۰۰)
۱	Economic and Social Parameters Affecting Administrative Corruption	مناسب (✓)	مناسب (✓)	متوسط (↔)	خوب (👍)	۸۲
۲	Examples of Anti-Corruption Training Sessions	مناسب (✓)	متوسط (↔)	متوسط (↔)	متوسط (↔)	۷۵
۳	Legal Frameworks for Combating Corruption in Asia	مناسب (✓)	مناسب (✓)	بالا (↑)	خوب (👍)	۸۸
۴	Lessons from Anti-Corruption in Post-Conflict Countries	مناسب (✓)	مناسب (✓)	متوسط (↔)	مناسب (✓)	۸۰
۵	Corruption Perception Index and Successful Countries	مناسب (✓)	مناسب (✓)	بالا (↑)	خوب (👍)	۸۵
۶	Impact of Cultural, Social, and Organizational Factors on Corruption	مناسب (✓)	متوسط (↔)	متوسط (↔)	متوسط (↔)	۷۸

شماره مقاله	عنوان مقاله (خلاصه)	طراحی مناسب	قابلیت اعتماد	تعمیم پذیری	شفافیت داده‌ها	نمره کلی (از ۱۰۰)
۷	A New Method for Measuring Corruption	مناسب (✓)	مناسب (✓)	متوسط (↔)	خوب (👍)	۸۴
۸	Legislative Strategies for Preventing Corruption	مناسب (✓)	مناسب (✓)	بالا (↑)	عالی (★)	۹۰
۹	Anti-Corruption Institutions in Hong Kong	مناسب (✓)	مناسب (✓)	بالا (↑)	عالی (★)	۹۲
۱۰	Corruption and Economic Growth in Iran	نسبی (▲)	متوسط (↔)	متوسط (↔)	متوسط (↔)	۷۰

طراحی مناسب: نشان دهنده درستی روش شناسی و شفافیت چیدمان طراحی

پژوهش است.

• قابلیت اعتماد: مدارک ارائه شده و اعتبار روش‌های آماری به کاررفته را مورد

ارزیابی قرار می‌دهد.

• تعمیم‌پذیری: میزان قابلیت استفاده از یافته‌ها در بسترهای مختلف یا

کشورهای دیگر را نشان می‌دهد.

• شفافیت داده‌ها: وضوح و مشخص بودن روش‌های جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها

و ارائه نتایج.

با ارزیابی کلی ۱۵۰ مقاله، نتایج اعتبارسنجی مقالات به صورت جدول شماره ۴

خلاصه شده است:

جدول ۴- نتایج تجمیعی استفاده از چک لیست اعتبارسنجی CASP برای ۱۵۰ مقاله
فراتحلیل - مستخرج از پژوهش حاضر

دسته‌بندی نمره کلی	تعداد مقالات (از ۱۵۰)	درصد (%)	ویژگی‌های شاخص کلی ارزیابی
۱۰۰ تا ۹۰	۴۲	۲۸٪	مطالعات با طراحی فوق‌العاده، قابلیت اعتماد بسیار بالا، شفاف و با تعمیم‌پذیری عالی.
۸۹ تا ۸۰	۶۳	۴۲٪	اکثر مطالعات دارای طراحی مناسب و ساختار قوی هستند؛ قابلیت اعتماد و شفافیت داده‌ها در حد بالاتر تا متوسط.
۷۹ تا ۷۰	۳۳	۲۲٪	مطالعات دارای برخی نواقص جزئی در طراحی یا شفافیت داده‌ها، تعمیم‌پذیری متوسط.
زیر ۷۰	۱۲	۸٪	مطالعات با مشکلات جدی در طراحی و روش‌شناسی؛ نیازمند بهبود شدید جهت افزایش اعتبار.

بر اساس نتایج اعتبارسنجی تقریباً ۹۰٪ از مقالات از نظر طراحی پژوهشی و روش‌شناسی از استانداردهای کافی برخوردار بودند؛ هرچند برخی از مطالعات داخلی یا با داده‌های ثانویه نمره پایین‌تری کسب کرده‌اند، حدود ۷۰٪ از مقالات، دارای نتایج قابل اعتماد و مستند بودند؛ حال آنکه در مقالاتی که روش‌های آماری یا گردآوری داده‌های اولیه کمتر مشخص بودند، در این بخش ضعیف‌تر ارزیابی شدند، حدود ۶۰٪ از مطالعات، دارای قابلیت تعمیم به بسترهای بین‌المللی بودند؛ مطالعات محلی یا ویژه کشور به دلیل محدودیت‌های مربوط به فرهنگ یا ساختار سازمانی نمره کمتری کسب کرده‌اند. در حدود ۷۰٪ از مقالات، اطلاعات لازم در خصوص فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها به صورت شفاف ارائه شده است.

بر اساس ارزیابی‌های انجام شده مطابق با چهارچوب CASP^۱ برای ۱۵۰ مقاله، تقسیم‌بندی نمره کلی نشان می‌دهد که حدود ۷۰٪ از مقالات در نیمه بالایی (بیشتر

از ۸۰ تا ۱۰۰) قرار دارند که از نظر طراحی پژوهش، قابلیت اعتماد یافته‌ها و شفافیت داده‌ها، کیفیت قابل قبولی را ارائه داده‌اند؛ علاوه بر آن به منظور سنجش پایداری نتایج متاآنالیز و شناسایی اینکه آیا حذف هر یک از مطالعات به تنهایی تأثیر قابل توجهی بر اندازه اثر کلی^۱ دارد یا خیر، تحلیل حساسیت به صورت حذف یک به یک^۲ اجرا شد و خروجی تحلیل حساسیت، نشان می‌دهد که تغییرات ایجاد شده در اندازه اثر کلی پس از حذف هر یک از مطالعات به صورت اندک بوده است و اختلاف معناداری در شاخص I² مشاهده نمی‌شود؛ به عبارت دیگر نتایج متاآنالیز از نظر آماری پایدار و قوی است و هیچ مطالعه‌ای به تنهایی نتایج کلی را دچار تغییر چشمگیری نمی‌کند.

۴- بررسی و شناسایی عوامل بروز فساد

برای بررسی و شناسایی عوامل نسبت به بررسی بیش از ۱۵۰ مقاله مرجع در خصوص فساد از قبیل گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس و گزارش‌های بین‌المللی از جمله گزارش‌های گروه ویژه اقدام مالی (FATF, ۲۰۲۳)، گزارش‌های مؤسسات مرتبط با منابع انسانی از قبیل گالوپ، مکنزی پرداخته شد و نتایج تحلیل پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد که فساد تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل قرار دارد که می‌توان آن‌ها را به چهار دسته عوامل فرهنگی - اجتماعی، عوامل اقتصادی، عوامل ساختاری و مدیریتی، عوامل سیاسی و قانونی تفکیک کرد که هرکدام دارای زیرشاخه و مؤلفه‌هایی به صورت ذیل است.

۱- عوامل فرهنگی - اجتماعی

- ضعف در آگاهی بخشی عمومی و اطلاع‌رسانی
- کاهش اعتماد عمومی به نهادهای دولتی
- عادی سازی فساد در فرهنگ سازمانی

۲- عوامل اقتصادی

- ضعف در شفافیت بودجه و تخصیص منابع
- نابرابری اقتصادی و تفاوت چشمگیر در حقوق کارکنان

1. Effect Size

2. Leave-One-Out Analysis

• ضعف در نظام مالی و فرارهای مالیاتی و پرداخت‌های غیررسمی

۳- عوامل ساختاری و مدیریتی

• پیچیدگی قوانین و مقررات اداری

• نبود نظام‌های کارآمد نظارت و شفافیت

• وابستگی فرایندها به روابط شخصی و تبعیض در انتصابات

۴- عوامل سیاسی و قانونی

• عدم استقلال نهادهای قضایی و نظارتی

• ضعف در اجرای قوانین و مجازات‌های مرتبط با فساد

• نبود حمایت‌های قانونی برای افشاکنندگان فساد و عدم حمایت از مدیران در

برخورد با فساد

لازم به ذکر است که هرکدام از این ۱۲ زیرشاخه دارای چندین عامل اصلی است و در مجموع به ۴۳ عامل تفکیک شدند و عوامل جزئی فساد بر اساس فراتحلیل مشخص گردید، بعضی عوامل با یکدیگر همپوشانی دارد و تقویت‌کننده یکدیگر هستند؛ به عنوان مثال فرهنگ فسادپذیر می‌تواند تمام عوامل دیگر را تحت تأثیر قرار دهد و آن‌ها را تقویت یا تضعیف کند یا سوءاستفاده از موقعیت قدرت، ممکن است با پرداخت‌های غیرقانونی و استخدام و ترفیع غیرقانونی هم‌پوشانی داشته باشد یا پیچیدگی‌های ساختاری و قوانین ناکارآمد می‌توانند سوءاستفاده از منابع سازمانی و اختلاس را تسهیل کنند؛ لذا در این پژوهش، با استفاده از روش فرا-تحلیلی و بررسی دقیق متن بیش از ۱۵۰ مقاله مرجع، ۴۳ عامل جزئی فساد شناسایی و سپس با تحلیل آماری و کیفی و بر اساس روش دلفی، ۱۰ عامل اصلی بر اساس فراوانی و اثرگذاری استخراج شد؛ لذا مهم‌ترین عوامل فساد به شرح ذیل مشخص گردید:

۱- فرهنگ فسادپذیر

۲- پرداخت‌های غیرقانونی (رشوه)

۳- سوءاستفاده از موقعیت قدرت

۴- بهره‌برداری از منابع سازمانی برای منافع شخصی

۵- انحراف در قراردادها

۶- قوانین و مقررات ناکارآمد

۷- اختلاس

۸- ترجیحات شخصی در تصمیم‌گیری‌ها

۹- استخدام و ترفیع غیرقانونی

۱۰- پیچیدگی‌های ساختاری و فرایندی

۵- بررسی مقالات در حوزه تحلیل عوامل فساد

بر اساس فراتحلیل و بررسی ۱۵۰ مقاله و گزارش، مربوط به فساد که از منابع داخلی و خارجی متعدد استفاده شده تا بتواند همه زوایای بروز فساد را پوشش دهد و تحلیل جامعی صورت گرفته که در جدول زیر، بخشی از مرور یافته‌های کلیدی ۲۰ مقاله به عنوان نمونه علاوه بر ۲۰ پژوهشی که در پیشینه پژوهش و جداول ۱ و ۲ نمایش داده شد، ارائه می‌گردد. اطلاعات و نتیجه‌گیری کلیدی هر پژوهش در جدول شماره ۵ به صورت بسیار مختصر شرح داده شده است.

جدول ۵- منتخبی از مقالات دیگر با نتایج کلیدی که در فراتحلیل استفاده شده است -

مستخرج از پژوهش حاضر

ردیف	نام مقاله یا گزارش	سال میلادی مقاله	نتیجه‌گیری کلیدی
۱	پارامترهای اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر فساد اداری	۱۹۹۸	تأثیر مستقیم پیچیدگی قوانین و ضعف در شفافیت بودجه بندی بر افزایش فساد؛ توصیه به اصلاح ساختاری و شفافیت.
۲	Examples of Anti-Corruption Training Sessions	۲۰۰۴	نقش آموزش تعاملی در کاهش فساد از طریق شبیه سازی و مشارکت عمومی؛ پیشنهاد کارگاه‌های آموزشی برای تقویت فرهنگ ضدفساد.
۳	بررسی ساختارها و قواعد حقوقی مبارزه با فساد در آسیا	۲۰۱۰	اهمیت شفافیت ساختاری و اصلاح قوانین در کاهش فساد؛ نظارت دقیق تر و شفاف سازی معاملات پیشنهاد شده است.

ردیف	نام مقاله یا گزارش	سال میلادی مقاله	نتیجه‌گیری کلیدی
۴	درس‌هایی از مبارزه با فساد در کشورهای پساناقشه‌ای	۲۰۱۲	تأکید بر تقویت نهادهای نظارتی و مشارکت شهروندان در کشورهای پساناقشه‌ای؛ آموزش عمومی و اصلاح سیاست‌های ضعیف از جمله راهکارهاست.
۵	بررسی شاخص سنجش فساد (CPI) و تجربه کشورهای موفق	۲۰۱۴	ناکارآمدی شاخص CPI در نشان دادن واقعیت فساد در ایران؛ پیشنهاد ایجاد شاخص‌های بومی و شفاف‌سازی سازمانی.
۶	تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و سازمانی بر فساد مالی	۲۰۱۴	عواملی نظیر ضعف شفافیت و نبود تعهدات دینی از زمینه‌های فساد هستند؛ تقویت نظارت و آموزش‌های فرهنگی پیشنهاد شده است.
۷	پیشنهاد روشی جدید برای سنجش فساد	۲۰۱۵	مدل تحلیل داده‌های مالی برای ارزیابی سرمایه‌گذاری واقعی؛ استفاده از این مدل در کشورهای درحال توسعه توصیه شده است.
۸	پیشگیری و مبارزه با فساد: راهبردهای قوه مقننه	۲۰۱۵	ایجاد شفافیت در قانون‌گذاری و تدوین قوانین جامع از مهم‌ترین راه‌های پیشگیری از فساد معرفی شده است.
۹	مروری بر نهادهای مبارزه با فساد در هنگ‌کنگ	۲۰۱۵	موفقیت هنگ‌کنگ در ایجاد نهاد نظارتی مستقل (ICAC) به عنوان الگویی مؤثر در مقابله با فساد؛ تأکید بر شفافیت و آموزش.
۱۰	بررسی رابطه فساد و رشد اقتصادی در ایران	۲۰۱۶	فساد موجب کاهش اشتغال و درآمدهای مالیاتی می‌شود؛ تقویت نظارت دولتی و اجرای قوانین اصلاحی پیشنهاد شده است.
۱۱	طراحی مدل بومی مبارزه با فساد در ایران	۲۰۱۷	تدوین مدلی جامع شامل ابعاد پیشگیری، مقابله و پایش؛ پیشنهاد تأسیس نهادهای پایش مستقل و شفافیت عملکرد.
۱۲	آیا می‌توان به دانمارک تبدیل شد: طراحی تاریخی کنترل فساد	۲۰۱۷	تأکید بر اصلاحات فرهنگی و اجتماعی بلندمدت و شفافیت نهادی برای حذف فساد؛ موفقیت دانمارک به عنوان الگویی قابل توجه.
۱۳	سنگاپور؛ کشوری عاری از فساد	۲۰۱۸	قوانین سخت‌گیرانه، حمایت از افشاگران و استفاده از فناوری برای نظارت؛ سنگاپور موفق به کاهش فساد به حداقل ممکن شده است.

ردیف	نام مقاله یا گزارش	سال میلادی مقاله	نتیجه‌گیری کلیدی
۱۴	بررسی دلایل عدم گزارش دهی از فساد	۲۰۱۹	نبود امنیت برای افشاگران و نگرانی از انتقام از دلایل اصلی عدم گزارش دهی مردم؛ پیشنهاد وضع قوانین حمایتی.
۱۵	فساد، مقابله با فساد و اهمیت راهکار تقویت نظارت فراگیر	۲۰۱۹	اهمیت شفافیت و پاسخگویی در کنترل فساد؛ استفاده از فناوری اطلاعات و گزارش دهی امن پیشنهاد شده است.
۱۶	بررسی میزان ادراک از فساد در بین کارکنان بانک تجارت	۲۰۲۰	کارکنان اعتقاد دارند شفافیت در پرداخت‌ها و تقویت فرهنگ سازمانی از عوامل کاهش فساد هستند؛ نظام پرداخت عادلانه پیشنهاد شده است.
۱۷	درس‌هایی از راهبردهای مبارزه با فساد در آسیا و اقیانوسیه	۲۰۲۰	استفاده از شفافیت، مشارکت عمومی و داده‌های مؤثر از عناصر موفقیت در مقابله با فساد در کشورهای آسیا و اقیانوسیه.
۱۸	بررسی راهکارهای کاهش فساد اداری از نگاه شهروندان تهرانی	۲۰۲۲	تشدید مجازات مفسدان و اصلاح پیچیدگی‌های اداری از راهکارهای کلیدی شهروندان برای کاهش فساد معرفی شده‌اند.
۱۹	مروری بر نهادهای مبارزه با فساد در برخی کشورها (مالزی)	۲۰۲۲	تحلیل نهادهای ضدفساد مالزی نشان‌دهنده موفقیت در کاهش فساد از طریق سیاست‌های تشویقی و نظارت دقیق است.
۲۰	تحلیل تجربیات موفق مبارزه با فساد در جهان	۲۰۲۳	تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان داده است که توسعه شفافیت و استفاده از سیستم‌های گزارش دهی مردمی موجب کاهش فساد می‌شود.

۶- دسته‌بندی عوامل فساد و ارائه راهکارهای مقابله با فساد

با تمرکز بر یافته‌های کلیدی مقالات بررسی شده می‌توان راهکارهایی برای پیشگیری و مقابله با فساد ارائه داد، این راهکارها مطابق دسته‌بندی عوامل فساد در چهار دسته ارائه شده که جهت استفاده کاربردی‌تر از پژوهش، خلاصه برخی از مقالات مربوط به همراه پیشنهاد در زمینه پیشگیری و مقابله و همچنین اشاره به برخی از تجربه‌های موفق و شکست با در نظر گرفتن جنبه‌های مختلف ارائه گردیده است.

۶-۱) راهکارهای فرهنگی - اجتماعی

۶-۱-۱) آگاهی بخشی عمومی:

مقاله "بررسی راهکارهای کاهش فساد از نگاه شهروندان تهرانی" (۲۰۱۸) نشان می‌دهد که حدود ۶۷٪ از مردم بر اهمیت آموزش عمومی برای جلوگیری از انواع فساد تأکید دارند و تقویت آگاهی مردم نسبت به آسیب‌های فساد و روش‌های گزارش دهی می‌تواند فضا را برای مفسدان ناامن کند.

پیشنهاد: اجرای برنامه‌های اطلاع‌رسانی ملی، بهره‌گیری از رسانه‌های عمومی، و معرفی برنامه‌های آموزشی در مدارس برای شرکت‌های دولتی و پیاده‌سازی اطلاع‌رسانی در بستر شبکه‌های ارتباطی، فضاهای محیطی و اداری نهادهای خصوصی

• تجربه موفق: تجربه ژاپن ثابت کرد سازمان‌های مردمی با ابزارهای

آگاهی بخش می‌توانند ریسک فساد را کاهش دهند و همچنین اجرای برنامه‌های آموزشی در مدارس باعث افزایش آگاهی جامعه در زمینه فساد شد.

• تجربه شکست: در نیجریه آموزش عمومی درباره فساد نتوانست تأثیر زیادی داشته

باشد؛ زیرا رسانه‌ها تحت کنترل دولت بود و محتوای مستقل، انتشار مناسب پیدا نکرد. دلیل شکست مطابق گزارش‌های صورت‌گرفته کمبود آزادی رسانه‌ها و اعتماد پایین جامعه به اطلاعات منتشرشده توسط رسانه‌های وابسته دولتی بود.

۶-۱-۲) تقویت فرهنگ سازمانی سالم:

نتایج مقاله "تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و سازمانی بر فساد مالی" (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که ضعف در ارزش‌های اخلاقی و اعتقادات دینی در سازمان‌ها، بستری برای فساد فراهم می‌آورد.

پیشنهاد: ترویج اخلاق حرفه‌ای، اجرای کارگاه‌های آموزشی، و تقدیر از رفتارهای اخلاقی در سازمان‌ها.

• تجربه موفق ۱:

در دانمارک، شرکت‌های متوسط و کوچک با تدوین منشور اخلاقی و آموزش اخلاق

حرفه‌ای به نظر می‌رسد توانسته‌اند فساد در سازمان‌هایشان را کاهش دهند، مطابق مقالات، فرهنگ شفافیت در میان کارکنان باعث رشد اعتماد داخلی شده است.

✓ دلیل موفقیت: شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها و پایداری تمامی کارکنان و مدیران به

اصول اخلاقی

• تجربه موفق ۲:

در ژاپن، شرکت‌های نوپا با تمرکز بر آموزش‌های مستمر در مورد قوانین و اهمیت گزارش‌دهی فساد، فرهنگ سازمانی سالمی ایجاد کردند.

✓ دلیل موفقیت: تأکید بر آموزش به عنوان یک ابزار پیشگیرانه و استفاده از ابزارهای

دیجیتال برای تعامل با کارکنان

• تجربه شکست ۱:

در نیجریه، بسیاری از شرکت‌ها تلاش کردند منشور اخلاقی تعریف کنند؛ اما به دلیل نبود تعهد مدیریتی و فرهنگ ضعیف پاسخگویی، این اقدامات شکست خورده است.

✓ دلیل شکست: عدم توجه مدیران به اجرای واقعی منشور و ارزش‌های اخلاقی و نبود

نظارت مؤثر

• تجربه شکست ۲:

در مکزیک، تلاش برای تقویت شفافیت سازمانی در شرکت‌های کوچک به دلیل وابستگی زیاد به روابط خانوادگی و شبکه‌های اجتماعی بی‌نتیجه بود.

✓ دلیل شکست: عدم وجود مرز مشخص میان روابط شخصی و حرفه‌ای

• پیشنهاد برای شرکت‌های خصوصی ایران:

تهیه منشور اخلاقی برای شرکت‌ها، برگزاری جلسات منظم با کارکنان برای ایجاد تعهد

اخلاقی و نظارت منظم بر عملکرد

✓ تناسب با ایران: این روش به شرط اینکه مدیران به‌طور کامل متعهد به اجرای اصول

منشور اخلاقی باشند و نظارت داخلی قوی‌تری اعمال شود مؤثر است.

۶-۱-۳) نقش نظارت مردمی:

پژوهش "نقش مشارکت مردمی در حوزه پیشگیری از فساد" (۲۰۱۶) تأکید دارد که نظارت مردم به عنوان "افشاگران فساد" می‌تواند به پیشگیری و کشف فساد کمک کند.

- پیشنهاد: طراحی سامانه‌های گزارش‌دهی آسان و امن که مهم‌ترین اهمیت آن حفظ هویت گزارش‌دهندگان باشد و پس از آن مشوق‌های لازم از قبیل پاداش‌های قابل توجه بدون اعلان و نمایش‌های تبلیغاتی به افشاکنندگان ارائه شود.

۶-۲) راهکارهای اقتصادی

۶-۲-۱) خصوصی‌سازی شفاف:

یافته‌های مقاله "بررسی رابطه فساد و رشد اقتصادی در ایران" (۲۰۱۶) نشان داد که انجام کارها به صورت دولتی و ناکارآمدی در تخصیص منابع مالی، زمینه‌ساز فساد است.

پیشنهاد: اجرای خصوصی‌سازی سالم و شفاف تحت نظارت دستگاه‌های مستقل

- تجربه موفق: در آلمان، خصوصی‌سازی با شفافیت کامل و نظارت مستقل انجام شد و توانست اعتماد عمومی در آلمان را جلب کند.
- تجربه شکست: در روسیه، خصوصی‌سازی گسترده در دهه ۹۰ منجر به ظهور لیگارش‌ها و تمرکز ثروت در دست تعداد محدودی از افراد شد.
- دلیل شکست: عدم وجود شفافیت در خصوصی‌سازی و واگذاری‌ها و کنترل ناکافی بر فرایند خصوصی‌سازی بود.

۶-۲-۲) شفافیت در بودجه‌بندی:

مقاله "پارامترهای اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر فساد اداری" (۱۹۹۸) به ارتباط مستقیم میان شفافیت در بودجه و کاهش فساد اشاره کرد.

پیشنهاد: انتشار عمومی جزئیات بودجه و فرایندهای تخصیص منابع

- تجربه موفق: نیوزیلند با استفاده از سیستم‌های دیجیتال برای انتشار عمومی اطلاعات بودجه، فساد در تخصیص منابع را کاهش داد.

• تجربه شکست: در هند، علی‌رغم اجرای سیاست‌های شفافیت مالی، سیستم‌های ناکارآمد IT و کمبود نظارت باعث عدم تحقق اهداف شفافیت شدند.

۶-۲-۳) اصلاح نظام مالی و کاهش پیچیدگی‌های اقتصادی:

بر اساس تحلیل "درس‌هایی از مبارزه با فساد در کشورهای پس از جنگ و شورش" (۲۰۱۲)، نیاز به ساده‌سازی فرایندهای مالی و اداری وجود دارد.

پیشنهاد: حذف نرخ‌های چندگانه ارز و سیستم‌های مالی پیچیده که فرصت رخدادهای فساد را افزایش می‌دهند، البته لازم به ذکر است لزوماً حذف نرخ ارز چندگانه بدون رعایت الزامات دیگر سبب تک‌نرخی شدن و کاهش فساد نخواهد شد و در صورت اصلاح فرایندها و ورود بانک مرکزی به صورت قدرتمند این موضوع، فساد را کاهش چشمگیر خواهد داد.

• تجربه موفق ۱:

در نیوزیلند، استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال برای مدیریت مالی در شرکت‌های کوچک و متوسط باعث شد تا شفافیت مالی افزایش و گزارش فساد کاهش یابد.

✓ دلیل موفقیت: مدیریت دیجیتالی امور مالی که دخالت انسانی را کاهش داده است.

• تجربه موفق ۲:

در سنگاپور، شرکت‌های خصوصی با نظارت دقیق بر زنجیره تأمین و تراکنش‌های مالی، فساد را به حداقل رساندند.

✓ دلیل موفقیت: پیاده‌سازی ابزارهای نظارتی پیشرفته و مانیتورینگ (پایشگری) دقیق

جریان مالی

• تجربه شکست ۱:

در روسیه، پیچیدگی قوانین مالیاتی و عدم شفافیت در پرداخت مالیات در شرکت‌های کوچک منجر به افزایش فساد شده است.

✓ دلیل شکست: عدم وجود سیستم مالی شفاف و پیچیدگی‌های قانونی و وجود

راه‌های فرار از مالیات سبب شکست شده است.

• تجربه شکست ۲:

در هند، استفاده از سیستم‌های مالی جدید به دلیل آموزش ناکافی و مقاومت کارکنان به کاهش فساد منجر نشده است.

✓ دلیل شکست: کمبود آموزش و نبود آمادگی زیرساختی برای پیاده‌سازی قوانین مالیاتی و نظارتی

• پیشنهاد برای شرکت‌های خصوصی ایران:

استفاده از نرم‌افزارهای حسابداری معتبر و ساده‌سازی فرایندهای مالی برای کاهش تعاملات انسانی و افزایش شفافیت

✓ تناسب با ایران: این راهکار مناسب ایران به نظر می‌رسد؛ اما نیاز به آموزش گسترده برای کارکنان و تضمین سازگاری نرم‌افزارها با قوانین مالی ایران دارد که اقدامات زیرساختی خوبی در طول چند سال گذشته در زمینه مالیاتی و شفافیت در این زمینه صورت گرفته است.

۳-۶ راهکارهای ساختاری - مدیریتی

۳-۶-۱ تقویت نظام نظارت:

مقاله "مروری بر نهادهای مبارزه با فساد در هنگ‌کنگ" (۲۰۱۵) موفقیت نهاد ICAC را در کاهش فساد به دلیل استقلال و قدرت نظارتی نشان می‌دهد.

پیشنهاد: تأسیس نهادهای نظارتی مستقل مشابه و تخصیص دسترسی، قدرت و

منابع کافی به آن‌ها

• تجربه موفق: در هنگ‌کنگ، کمیسیون مستقل مبارزه با فساد (ICAC) به‌عنوان

یک نهاد نظارتی مستقل توانست فساد را به حداقل ممکن برساند.

• تجربه شکست: در پاکستان، تأسیس نهادهای نظارتی موفقیت‌آمیز نبود؛ زیرا

این نهادها تحت نفوذ سیاسی قرار گرفتند و از استقلال لازم برخوردار نبودند.

دلیل شکست، فقدان تعهد سیاسی به استقلال این نهادها بود.

۳-۶-۲ شفافیت اداری و استفاده از فناوری اطلاعات:

یافته‌ها در مقاله "پیشنهاد روشی جدید برای سنجش فساد" (۲۰۱۵) نشان می‌دهد که

شفافیت در فرایندهای اداری و کاهش فرصت برای سوءاستفاده از قدرت، کلید موفقیت در سازمان‌ها است.

پیشنهاد: استقرار سامانه‌های الکترونیکی برای مدیریت امور اداری و کاهش وابستگی به فرایندهای دستی

• تجربه موفق ۱:

استونی با استفاده از دولت الکترونیک، بسیاری از فرایندهای شرکت‌ها را دیجیتالی کرد و فساد اداری را به حداقل رسانده است.

✓ دلیل موفقیت: کاهش تعامل مستقیم انسانی و جلوگیری از تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای و افزایش نظارت هوشمند.

• تجربه موفق ۲:

در هنگ‌کنگ، شرکت‌های متوسط و بزرگ با نظارت دقیق توسط سیستم‌های الکترونیکی موفق به کاهش فساد شدند.

✓ دلیل موفقیت: استفاده از فناوری نوین و هوش مصنوعی برای نظارت دقیق و شفاف.

• تجربه شکست ۱:

در مکزیک، دیجیتالی‌سازی فرایندها به دلیل عدم وجود زیرساخت‌های مناسب و مقاومت مدیران با شکست مواجه شد.

✓ دلیل شکست: عدم آماده‌سازی زیرساخت‌های فناوری و عدم فرهنگ‌سازی قبل

از دیجیتالی‌سازی

• تجربه شکست ۲:

در پاکستان، شرکت‌ها به دلیل نبود امنیت سایبری مناسب، بانفوذ و دست‌کاری داده‌ها روبه‌رو شدند.

✓ دلیل شکست: ضعف در امنیت سیستم‌ها

• پیشنهاد برای شرکت‌های خصوصی ایران:

اجرای سیستم‌های الکترونیکی ساده برای نظارت و مدیریت فرایندهای داخلی و همچنین تقویت امنیت سایبری برای جلوگیری از نفوذ اطلاعاتی

✓ تناسب با ایران: این روش مناسب به نظر می‌رسد؛ اما باید زیرساخت‌های فناوری و امنیت سایبری تقویت شوند و آموزش لازم به مدیران و کارکنان داده شود.

۳-۳-۶) نهادینه‌سازی فرهنگ پاسخگویی:

مقاله "طراحی مدل بومی مبارزه با فساد در ایران" (۲۰۱۷) بر اهمیت ایجاد ساختارهایی برای پاسخگویی مدیران سازمان‌ها تأکید دارد.

پیشنهاد: الزام مدیران به ارائه گزارش عملکرد دوره‌ای و نظارت جدی بر تصمیم‌گیری‌های کلان

۴-۶) راهکارهای سیاسی - قانونی

۱-۴-۶) تشدید قوانین و مجازات‌ها:

در مقاله "بررسی راهکارهای کاهش فساد از نگاه شهروندان تهرانی" (۲۰۱۸)، ۷۳٪ از شهروندان تشدید مجازات مفسدان را به عنوان مؤثرترین راهکار معرفی کردند.

پیشنهاد: اصلاح قوانین کیفری، اعمال مجازات‌های بازدارنده، و تسریع در رسیدگی به پرونده‌های فساد

- تجربه موفق: در کره جنوبی، اجرای سریع و سخت‌گیرانه قوانین ضدفساد باعث بازگشت اعتماد عمومی به دولت شده است.

- تجربه شکست: در بسیاری از کشورهای خاورمیانه (کشورهای حوزه خلیج فارس)، تشدید مجازات بدون ایجاد شفافیت در فرایندهای قانونی منجر به بی‌اعتمادی بیشتر شد و دلیل شکست، نبود نظارت صحیح و احتمال اعمال نفوذ است.

۲-۴-۶) حمایت قانونی از افشاکنندگان فساد:

بر اساس تحلیل "فساد، مقابله با فساد و اهمیت راهکار تقویت نظارت فراگیر" (۲۰۱۹)، حمایت از گزارش دهندگان فساد یک نیاز اساسی است؛ همچنین رسانه‌های مستقل در افشای فساد نقش مهمی ایفا می‌کنند که می‌بایست در این قانون از آن‌ها حمایت و حتی تشویق صورت بگیرد.

پیشنهاد: وضع قوانین جامع برای حمایت قضایی، مالی و امنیتی از گزارش دهندگان

فساد و یا عدم افشای اسامی و نفرات افشاکننده فساد

• تجربه موفق ۱:

در ایالات متحده، قانون حمایت از افشاکنندگان فساد باعث افزایش گزارش دهی و کاهش تخلفات شد و حمایت قانونی و مالی از گزارش دهندگان فساد را تضمین کرده و به صورت موفقیت آمیز به افزایش گزارش دهی منجر شده است.

✓ دلیل موفقیت: تضمین امنیت و ارائه پاداش های مالی مناسب به گزارش دهندگان

• تجربه موفق ۲:

در کانادا، ایجاد سیستم های محرمانه گزارش دهی در شرکت های بزرگ اعتماد کارکنان به فرایند را افزایش داد.

✓ دلیل موفقیت: حفظ محرمانگی و حمایت قانونی از کارکنان

• تجربه شکست ۱:

در هند، افراد گزارش دهنده فساد به دلیل نبود سیستم های حمایتی کافی، با تهدیدات جانی و شغلی مواجه شدند. این باعث کاهش انگیزه برای گزارش دهی شده است.

✓ دلیل شکست: عدم وجود قوانین حمایتی قوی و مناسب

• تجربه شکست ۲:

در بسیاری از کشورهای خاورمیانه (کشورهای حوزه خلیج فارس)، نبود شفافیت در پیگیری گزارش ها باعث کاهش انگیزه کارکنان برای گزارش دهی فساد شد.

✓ دلیل شکست: بی اعتمادی به سیستم های پیگیری

• پیشنهاد برای شرکت های خصوصی ایران:

راه اندازی سیستم گزارش دهی ناشناس در شرکت ها و ارائه پاداش مالی به گزارش دهندگان فساد

✓ تناسب با ایران: این روش مناسب است؛ اما باید اطمینان حاصل شود که

سیستم های گزارش دهی امن و بی طرف هستند و گزارش دهندگان در برابر اقدامات تلافی جویانه یا سیاسی محافظت می شوند.

۶-۴-۳) اصلاح و ساده‌سازی قوانین اداری:

مقاله «اصلاح قوانین و کم‌کردن پیچیدگی‌های اداری» (۲۰۱۶) تأکید دارد که قوانین پیچیده فرصت‌هایی برای تفسیرهای چندگانه و سوءاستفاده ایجاد می‌کنند. پیشنهاد: بازنگری و شفاف‌سازی قوانین برای کاهش فرصت‌های فساد و رفع ابهامات قانونی

لازم به ذکر است فساد دیجیتال و زیرشاخه‌ها مثل دست‌کاری داده‌ها در سیستم‌های مالی و یا هوش مصنوعی و امکان سوءاستفاده از پلتفرم‌های دولتی برای انحراف منابع، نیاز به بررسی‌های بیشتری دارد و روش‌های مقابله با آن شامل استفاده از فناوری‌های نوین از قبیل بلاک چین و غیره است که مدنظر است در مقاله‌ای به صورت مستقل بررسی صورت پذیرد؛ لذا در این مقاله به آن پرداخته نشده است.

۷- نتیجه‌گیری

این پژوهش باهدف شناسایی عوامل ریشه‌ای بروز فساد در ساختارهای اداری و ارائه راهکارهای پیشگیرانه و واکنشی، با استفاده از روش فراتحلیلی انجام شد. در این راستا، بیش از ۱۵۰ منبع داخلی و خارجی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ بررسی و با بهره‌گیری از چک‌لیست CASP، تحلیل حساسیت و ماتریس اثرات متقابل، اعتبارسنجی و طبقه‌بندی شدند. یافته‌ها نشان داد که فساد در چهار بعد اصلی فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، ساختاری - مدیریتی و سیاسی - قانونی قابل تحلیل است.

تجارب ۳۰ کشور جهان نشان می‌دهد که راهکارهایی مانند شفافیت مالی، استفاده از فناوری‌های نوین، حمایت قانونی از افشاگران، و ایجاد نهادهای نظارتی مستقل، بیشترین تأثیر را در کاهش فساد داشته‌اند.

بر اساس هدف اصلی پژوهش عوامل متعدد رخدادهای فساد در ۴ دسته دسته‌بندی شده و راهکارهای متناظر مقابله با فساد به صورت جدول شماره ۶ مشخص شده است.

جدول ۶- دسته‌بندی انواع راهکارها در مقابله با فساد - تحلیل نویسنده بر اساس

پژوهش حاضر

ردیف	سبک راهکار	انواع راهکار
۱	فرهنگی - اجتماعی	آگاهی‌بخشی عمومی
۲		تقویت فرهنگ سازمانی سالم
۳		نقش نظارت مردمی
۴	اقتصادی	خصوصی‌سازی شفاف
۵		شفافیت در بودجه‌بندی
۶		اصلاح نظام مالی و کاهش پیچیدگی‌های اقتصادی
۷	ساختاری - مدیریتی	تقویت نظام نظارت
۸		شفافیت اداری و استفاده از فناوری اطلاعات
۹		نهادینه‌سازی فرهنگ پاسخگویی
۱۰	سیاسی - قانونی	تشدید قوانین و مجازات‌ها
۱۱		حمایت قانونی از افشاکنندگان فساد
۱۲		اصلاح و ساده‌سازی قوانین اداری

بر اساس تجارب شکست و موفق ذکر شده در بخش قبلی این پژوهش پیشنهاد می‌شود نهادهای سیاست‌گذار با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و ساختاری کشور، از این الگوها برای تدوین برنامه‌های اجرایی بهره‌برداری کنند و جهت اجرای مؤثر قوانین، به آموزش مستمر کارکنان و ایجاد سازوکارهای پاسخگویی شفاف که نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش فساد دارد بپردازند.

در پژوهش‌های آینده، بررسی نقش فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی و بلاک چین در شفاف‌سازی فرایندها و کاهش فساد توصیه می‌شود. با وجود تلاش برای ارائه تحلیلی جامع، این پژوهش دارای محدودیت‌هایی از جمله اتکای صرف به منابع کتابخانه‌ای و فقدان داده‌های میدانی مستقیم است؛ همچنین، موضوع فساد دیجیتال به دلیل نیاز به تعاریف جدید و داده‌های تخصصی، به‌طور کامل بررسی نشد که در ادامه، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با جمع‌آوری داده‌های تجربی، تحلیل دقیق‌تر ابعاد

روان‌شناسی فردی و محیطی، و تفکیک راهکارها برای سازمان‌های دولتی و خصوصی، چهارچوب نظری دقیق‌تری ارائه دهند. در مجموع، مقابله با فساد نیازمند رویکردی ترکیبی، چندبعدی و مبتنی بر شواهد است که ضمن توجه به ویژگی‌های بومی، از تجارب موفق جهانی نیز بهره‌گیرد.

۱. ایرنا. (۱۴۰۳)، فساد اداری در ایران معاصر و ساختارهای مرتبط، گزارش تحلیلی پژوهشی، مرکز مطالعات ایران، نشانی: <https://www.irna.ir/news/85545591>
۲. ایمانی، ا. (۱۴۰۳)، «طراحی نظام مدیریت عملکرد کارکنان باهدف پیشگیری از فساد سازمانی»، فصلنامه مهندسی مالی و مدیریت، ۱۶(۱)، ۷۷-۹۹.
۳. باقرزاده، م و خلخالی، س. (۱۴۰۲)، «بررسی رابطه امنیت شغلی با مسئولیت‌پذیری و فساد اداری»، فصلنامه مدیریت منابع انسانی، ۱۱(۲)، ۱۳۵-۱۵۶.
۴. بهشتی، ع و نوروزی، م، (۱۴۰۱)، «مرور نظام‌مند مطالعات فساد اداری در ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق اداری، ۹(۳۰)، ۱۵۲-۱۶۶، نشانی: <https://doi.org/10.52547/qjal.9.30.141>
۵. جعفری هزارانی، م، (۱۴۰۲)، «بررسی تأثیر فساد بر بازدهی نهادهای دولتی ایران»، پژوهش‌های مالی و اقتصادی، ۱۴(۴)، ۲۱۱-۲۲۸.
۶. جعفری هزارانی، م، (۱۴۰۳)، «تحلیل فساد اداری در شرکت‌های خصوصی ایران»، فصلنامه مطالعات حسابرسی و راهبری، ۶(۳)، ۶۳-۸۴.
۷. جعفری هزارانی، م، (۱۴۰۳)، «فساد در ساختارهای دولتی و خصوصی ایران: یک تحلیل تطبیقی»، فصلنامه بررسی‌های اقتصادی، ۱۵(۱)، ۹۸-۱۲۴.
۸. حق‌شناس، محمدجواد و احمدی، س، (۱۳۹۸)، «تحلیل سیاست‌های ضدفساد در نظام حقوقی ایران»، مجله حقوق عمومی، ۱۵(۲)، ۷۸-۹۵.
۹. رضائیان، علی، (۱۳۹۹)، مبانی مدیریت رفتار سازمانی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۰. زرنندی، م و صداقت‌پیشه، ف، (۱۴۰۳)، «تحلیل نقشه علم فساد اداری در ایران»، فصلنامه علم‌سنجی و توسعه سیاست‌گذاری، ۴(۲)، ۲۷-۴۶.
۱۱. زرنندی، م، و واعظی، ح، (۱۳۹۸)، «طراحی الگوی جامع مبارزه با فساد اداری در ایران»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی، ۱۱(۲)، ۲۵-۴۴.
۱۲. صادقی، م و منوچهری، ن، (۱۳۹۹)، «تبیین الگوی بوروکراسی پاسخ‌گو با تمرکز بر کنترل فساد اداری»، فصلنامه مدیریت دولتی، ۱۲(۱)، ۸۸-۱۰۶.
۱۳. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، (۱۳۹۹)، حقوق اداری، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

۱۴. عسگری، ف و ناصری، ب، (۱۴۰۰)، «فساد اداری و راهکارهای مبارزه با آن در ایران»، مطالعات مدیریت دولتی، ۱۷(۴)، ۴۵-۶۲.
۱۵. علوی، ر، فقیهی، ر، موسی‌خانی، م، و نجف‌بیگی، ا (۱۳۹۷)، «بررسی ریشه‌های فساد اداری در نهادهای دولتی ایران»، مجله راهبردهای توسعه، ۱۰(۳)، ۱۱۳-۱۳۰.
۱۶. فرهادی‌نژاد، س، (۱۳۸۴)، «بررسی تطبیقی فساد در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه»، فصلنامه توسعه اقتصادی، ۴(۲)، ۹۹-۱۲۳.
۱۷. قادری، ا، (۱۳۸۸)، «تحلیل جامعه‌شناختی فساد اداری در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی، ۸(۳)، ۹۱-۱۱۶.
۱۸. کریمی‌ان، محمدوزین، (۱۴۰۱)، «چالش رویکرد و سطح تحلیل فساد در ادارات ایران»، فصلنامه حقوق اداری، ۹(۳۰)، ۱۵۲-۱۶۶، نشانی: doi: 10.2547/qjal.9.30.141
۱۹. محمدی، ر، حمیدی، س، (۱۴۰۲)، «تحلیل مضمون مقابله با فساد در اسناد بالادستی ایران»، پژوهش‌نامه سیاست‌گذاری عمومی، ۵(۱)، ۵۵-۸۰.
۲۰. محمدی، ر، قاسمی، ل، (۱۴۰۱)، «نقش شفافیت اطلاعات در کاهش فساد اداری»، فصلنامه راهبردهای حقوقی، ۱۲(۱)، ۱۰۱-۱۱۹.
۲۱. مرادی، م، رفیعی، ف، (۱۴۰۳)، «فساد اداری در ایران معاصر و شش ریشه اصلی آن»، تحقیقات سیاست اجتماعی، ۶(۲)، ۷۸-۹۸.
۲۲. ناصح، محسن، (۱۴۰۴)، «الگوی چندبعدی مقابله با فساد با استفاده از فراتحلیلی بر تجارب موفق و شکست در پیشگیری و مقابله با فساد در ۳۰ کشور جهان»، پنجمین کنفرانس بین‌المللی تحقیقات پیشرفته در مدیریت و علوم انسانی.
۲۳. یوسفی، ع، وزیری، ا، (۱۴۰۳)، «تبیین دیدگاه گام دوم انقلاب درباره فساد اداری»، فصلنامه حقوق عمومی، ۱۰(۱)، ۴۳-۶۲.

منابع انگلیسی

1. Acemoglu, D., & Robinson, J. A. (2012). Why nations fail: The origins of power, prosperity, and poverty. Crown Business.
2. Ackerman, J. (2004). Co-governance for accountability: Beyond exit and voice. World Development, 32(3), 447-463.
3. Ades, A., & Di Tella, R. (1999). Rents, competition, and corruption. American Economic Review, 89(4), 982-993.

4. Bakchos. (2025). The economic and social impacts of corruption in the public sector. Blak & Black. <https://blakandblack.com/...>
5. Bardhan, P. (1997). Corruption and development: A review of issues. *Journal of Economic Literature*, 35(3), 1320–1346.
6. Bardhan, P. (2006). The economist's approach to the problem of corruption. *World Development*, 34(5), 341–348.
7. Bhatnagar, S. (2003). Transparency and corruption: Does e-government help? Commonwealth Human Rights Initiative.
8. Bose, N., Capasso, S., & Murshid, A. P. (2008). The impact of banking development on corruption. *Journal of Economic Development*, 29(2), 137–152.
9. Chambers & Partners. (2025). Anti-corruption 2025: Global practice guide. <https://practiceguides.chambers.com/...>
10. Chen, Y., Zhang, L., & Li, Q. (2023). AI-driven auditing systems in public procurement. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 33(2), 237–258.
11. Choi, S., & Ahn, M.-S. (2001). OPEN the government: Online procedures enhancement for civil applications. American Society for Public Administration Conference.
12. De Sousa, L. (2010). Anti-corruption agencies: Between empowerment and irrelevance. *Crime, Law and Social Change*, 53(1), 5–22.
13. Dininio, P., & Kpundeh, S. (2005). Governance and anti-corruption reforms in developing countries. World Bank Group.
14. Djankov, S., La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., & Shleifer, A. (2002). The regulation of entry. *Quarterly Journal of Economics*, 117(1), 1–37.
15. Dreher, A., & Gassebner, M. (2013). Greasing the wheels? The impact of regulations and corruption on firm entry. *Public Choice*, 155(3–4), 413–432.
16. Dreher, A., Kotsogiannis, C., & McCriston, S. (2007). Corruption around the world: Evidence from a structural model. *Journal of Public Economics*, 91(3–4), 503–527.
17. Eigen, P. (2003). The web of corruption: How corruption affects governance and development around the world. Transparency International.
18. Fisman, R., & Svensson, J. (2007). Are corruption and taxation really harmful to growth? Firm-level evidence. *Journal of Development Economics*, 83(1), 63–75.

19. G20. (2024). Anti-corruption working group action plan 2025–2027. <https://www.g20.utoronto.ca/...>
20. Gallego–Alvarez, I., Nieto–Librero, A. B., & Martín–Gallego, E. (2025). Sustainable development goals and corruption: An international situation analysis. *Sustainability*, 17(5), 1806. <https://doi.org/10.3390/su17051806>
21. Gallup (2023): Gallup, Inc. (2023). State of the Global Workplace: 2023 Report. <https://www.gallup.com/analytics/328268/state-of-the-global-workplace.aspx>
22. Gerring, J., & Thacker, S. C. (2004). Political institutions and corruption: The role of unitary versus federal systems. *British Journal of Political Science*, 34(3) , 295–330.
23. Gerring, J., & Thacker, S. C. (2005). Do neoliberal economic policies kill or save lives? *Business and Politics*, 7(3) , 1–30.
24. Glaeser, E. L., & Saks, R. E. (2006). Corruption in America. *Journal of Public Economics*, 90(6–7) , 1053–1072.
25. Gnaldi, M., & Del Sarto, S. (2024). Validating Corruption Risk Measures: A Key Step to Monitoring SDG Progress. *Social Indicators Research*, 175, 1045–1071. <https://doi.org/10.1007/s11205-023-03238-y>
26. Goel, R. K., & Nelson, M. A. (2010). Causes of corruption: History, geography, and government. *Journal of Policy Modeling*, 32(4) , 433–447.
27. Golden, M. A., & Picci, L. (2005). Proposal for a new measure of corruption, illustrated with Italian data. *Economics & Politics*, 17(1) , 37–75. DOI: 10.1111/j.1468-0343.2005.00147.x
28. Golden, M. A., & Picci, L. (2005). Proposal for a new measure of corruption, illustrated with Italian data. *Economics & Politics*, 17(7) , 37–75.
29. Gupta, S., Davoodi, H., & Alonso–Terme, R. (2002). Does corruption affect income inequality and poverty? *Economics of Governance*, 3(7) , 23–45.
30. Hamada, H., & Agrawal, S. (2025). Combatting corruption in political finance. International IDEA. <https://www.idea.int/...>
31. Heidenheimer, A. J., & Johnston, M. (2011). *Political corruption: Concepts and contexts* (Third Edition). Transaction Publishers.
32. Hellman, J. S., & Kaufmann, D. (2001). *Confronting the challenge of state capture in*

- transition economies. *Finance and Development*, 38(3) , 1-9.
33. Hellman, J. S., Jones, G., & Kaufmann, D. (2003). Seize the state, seize the day: State capture and influence in transition economies. *Journal of Comparative Economics*, 31(4) , 751-773.
34. Hogan Lovells. (2025). A year of change in bribery and corruption enforcement. <https://www.hoganlovells.com/...>
35. Human Rights Watch. (2025). Ukraine: New law undercuts anti-corruption bodies. <https://www.hrw.org/...>
36. Huntington, S. P. (1968), *Political order in changing societies*. Yale University Press. ISBN: 978-0-300-00170-5.
37. Huntington, S. P. (1968). *Political order in changing societies*. Yale University Press.
38. Huntington, S. P. (1968). *Political order in changing societies*. Yale University Press.
39. Isabel Gallego-Alvarez, Ana Belén Nieto-Librero, Eugenio Martín (2025) , Sustainable Development Goals and Corruption: An International Situation Analysis Through the Application of a Three-Way Multivariate Analysis” -Gallego Sustainability, DOI: 10.3390/su17051806
40. Jain, A. K. (2001). Corruption: A review. *Journal of Economic Surveys*, 15(1) , 71-121. DOI: 10.1111/1467-6419.00133
41. Jain, A. K. (2001). Corruption: A review. *Journal of Economic Surveys*, 15(1) , 71-121.
42. Johnston, M. (2005). *Syndromes of corruption: Wealth, power, and democracy*. Cambridge University Press.
43. Johnston, M. (2014). *Corruption, contention, and reform: The power of deep democratization*. Cambridge University Press.
44. Kaufmann, D. (1997). Corruption: The facts. *Foreign Policy*, 107(1) , 114-131.
45. Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2006). Measuring corruption: Myths and realities. *Development Outreach*, 8(2) , 124-137.
46. Klitgaard, R. (1988). *Controlling corruption*. University of California Press. ISBN: 978-0-520-06694-0.
47. Klitgaard, R. (1988). *Controlling corruption*. University of California Press.
48. Knack, S., & Keefer, P. (1995). *Institutions and economic performance: Cross-country*

- tests using alternative institutional measures. *Economics & Politics*, 7(3), 207–227.
49. Lambsdorff, J. G. (2006). Consequences and causes of corruption: What do we know from a cross-section of countries? *International Handbook on the Economics of Corruption*, 3(7), 5–51. DOI: 10.4337/9781781007937.00009
50. Lambsdorff, J. G. (2006). Consequences and causes of corruption: What do we know from a cross-section of countries? *International Handbook on the Economics of Corruption*, 3(7), 5–51.
51. Lambsdorff, J. G. (2007). *The institutional economics of corruption and reform: Theory, evidence, and policy*. Cambridge University Press.
52. Larmour, P. (2008). *Civilizing techniques: Transparency international and the policy movement against corruption*. Edward Elgar.
53. Lederman, D., Loayza, N. V., & Soares, R. R. (2005). Accountability and corruption: Political institutions matter. *Economics & Politics*, 17(1), 1–35. DOI: 10.1111/j.1468-0343.2005.00144.x
54. Lederman, D., Loayza, N. V., & Soares, R. R. (2005). Accountability and corruption: Political institutions matter. *Economics & Politics*, 17(1), 1–35.
55. Lederman, D., Loayza, N., & Soares, R. (2005). Accountability and corruption: Political institutions matter. *Economics & Politics*, 17(1), 1–35.
56. Leff, N. H. (1964). Economic development through bureaucratic corruption. *American Behavioral Scientist*, 8(3), 8–17.
57. Lindstedt, C., & Naurin, D. (2010). Transparency is not enough: Making transparency effective in reducing corruption. *International Political Science Review*, 31(3), 301–322.
58. Mauro, P. (1995). Corruption and growth. *The Quarterly Journal of Economics*, 110(3), 681–712. DOI: 10.307/2946696
59. Mauro, P. (2002). Corruption and the composition of government expenditure. *IMF Staff Papers*, 49(1), 59–89. <https://doi.org/10.5089/9781589061163.005>
60. Mauro, P. (1995). Corruption and growth. *The Quarterly Journal of Economics*, 110(3), 681–712.
61. Méndez, F., & Sepúlveda, F. (2006). Corruption, growth and political regimes: Cross country evidence. *European Journal of Political Economy*, 22(1), 82–98.

62. Méon, P.-G., & Sekkat, K. (2005). Does corruption grease or sand the wheels of growth? *Public Choice*, 122(1-2), 69-97.
63. Miura & Partners. (2025). *Anti-Corruption 2025: Japan - Trends and Developments*. Chambers & Partners. <https://practiceguides.chambers.com/practice-guides/anti-corruption-2025/japan/trends-and-developments>
64. Mocan, N. (2008). What determines corruption? International evidence from microdata. *Economic Inquiry*, 46(4), 493-510.
65. Motande, N., & Ambassa, A. (2025). Does corruption really matter for the structure of public expenditures? Yaoundé University Policy Paper. <https://site.univ-yaounde2.org/...>
66. Myerson, R. B. (2006). Federalism and incentives for success of democracy. *Quarterly Journal of Political Science*, 1(1), 3-23.
67. Nicaise, K., & Rahman, A. (2025). Sustainability reporting and anti-corruption provisions: Unlocking the potential for impact. Basel Institute on Governance. <https://baselgovernance.org/...>
68. North, D. C. (1990). *Institutions, institutional change and economic performance*. Cambridge University Press. ISBN: 978-0-521-39734-6.
69. North, D. C. (1990). *Institutions, institutional change and economic performance*. Cambridge University Press.
70. North, D. C., Wallis, J. J., & Weingast, B. R. (2009). *Violence and social orders: A conceptual framework for interpreting recorded human history*. Cambridge University Press.
71. OECD. (2023). *Digital Government Index*. OECD Publishing.
72. OECD. (2025). *Corruption risk management and internal audit*. In *Government at a Glance 2025* (pp. 180-212). <https://www.oecd.org/...>
73. OECD. (2017). *Preventing Corruption in Public Procurement*. OECD Publishing.
74. Olken, B. A. (2007). Monitoring corruption: Evidence from a field experiment in Indonesia. *Journal of Political Economy*, 115(2), 200-249.
75. Olken, B. A., & Pande, R. (2012). Corruption in developing countries. *Annual Review of Economics*, 4, 479-509.
76. Olson, M. (1993). Dictatorship, democracy, and development. *American Political Science Review*, 87(3), 567-576. DOI: 10.2307/2938736

77. Olson, M. (1993). Dictatorship, democracy, and development. *American Political Science Review*, 87(3), 567–576.
78. Peisakhin, L., & Pinto, P. (2010). Is transparency an effective anti-corruption strategy? *World Development*, 38(5), 550–562.
79. Pellegrini, L., & Gerlagh, R. (2008). Causes of corruption: A survey of cross-country analyses and extended results. *Economics of Governance*, 9(3), 245–263.
80. Persson, T., & Tabellini, G. (2000). *Political economics: Explaining economic policy*. MIT Press.
81. Persson, T., Tabellini, G., & Trebbi, F. (2003). Electoral rules and corruption. *Journal of the European Economic Association*, 1(4), 958–989.
82. Ramin Azad, S. M., Omidvar, B., Shobeiri, S. M., & Parhizgar, M. M. (2022). Introducing the Model for Community Resilience against Environmental Disasters with a Meta-Analysis Approach. *Quarterly Journal of Environmental Education and Sustainable Development*, 10(2), 169–177. <https://doi.org/10.30473/EE.2022.60033.2392>
83. Reinikka, R., & Svensson, J. (2004). Local capture: Evidence from a central government transfer program in Uganda. *Quarterly Journal of Economics*, 119(2), 679–705.
84. Reuters Institute. (2025). Journalism, media and technology trends and predictions. <https://reutersinstitute.politics.ox.ac.uk/...>
85. Robbins, S. P. (1990). *Organization Theory: Structure, Design, and Applications* (Third Edition). Prentice-Hall.
86. Rose-Ackerman, S. (1999). *Corruption and government: Causes, consequences, and reform*. Cambridge University Press. ISBN: 978-0-521-65971-7.
87. Rose-Ackerman, S. (1999). *Corruption and government: Causes, consequences, and reform*. Cambridge University Press.
88. Rose-Ackerman, S., & Palifka, B. J. (2016). *Corruption and government: Causes, consequences, and reform* (Second Edition). Cambridge University Press.
89. Rothstein, B. (2011). Anti-corruption: A big bang theory. *World Development*, 39(6), 725–736.
90. Rothstein, B., & Uslaner, E. M. (2005). All for all: Equality, corruption, and social trust. *World Politics*, 58(1), 41–72.

91. Sequeira, S., & Djankov, S. (2014). Corruption and firm behavior: Evidence from African ports. *Journal of Law and Economics*, 57(3), 467–515.
92. Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1993). Corruption. *Quarterly Journal of Economics*, 108(3), 599–617. DOI: 10.307/2118402
93. Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1993). Corruption. *Quarterly Journal of Economics*, 108(3), 599–617.
94. Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1998). *The grabbing hand: Government pathologies and their cures*. Harvard University Press.
95. SHRM (2022): Society for Human Resource Management. (2022). 2022 U.S. Workplace Ethics Study. <https://www.shrm.org/ResourcesAndTools/research-and-surveys/Pages/2022-Workplace-Ethics-Study.aspx>
96. Søreide, T. (2009). Too much integrity? *Journal of Economic Behavior & Organization*, 70(1), 251–260.
97. Svensson, J. (2005). Eight questions about corruption. *Journal of Economic Perspectives*, 19(3), 19–42. DOI: 10.1257/089533005774357824
98. Svensson, J. (2003). Who must pay bribes and how much? Evidence from a cross-section of firms. *Quarterly Journal of Economics*, 118(1), 207–230.
99. Svensson, J. (2005). Eight questions about corruption. *Journal of Economic Perspectives*, 19(3), 19–42.
100. Tanzi, V. (1998). Corruption around the world: Causes, consequences, scope, and cures. *IMF Staff Papers*, 45(4), 559–594. DOI: 10.307/3867585
101. Tanzi, V. (1998). Corruption around the world: Causes, consequences, scope, and cures. *IMF Staff Papers*, 45(4), 559–594.
102. Tanzi, V., & Davoodi, H. (1997). Corruption, public investment, and growth. *IMF Working Papers*, No. 97/139.
103. Theobald, R. (1990). *Corruption, development and underdevelopment*. Macmillan.
104. Transparency International. (2023). *Corruption Perceptions Index 2023*. <https://www.transparency.org>
105. Transparency International. (2025). *Sustainable development, public procurement and corruption*. <https://www.transparency.org/...>

106. Treisman, D. (2000). The causes of corruption: A cross-national study. *Journal of Public Economics*, 76(3), 399-457. DOI: 10.1016/S0047-2727(99)00092-4
107. Treisman, D. (2000). The causes of corruption: A cross-national study. *Journal of Public Economics*, 76(3), 399-457.
108. Treisman, D. (2007). What have we learned about the causes of corruption from ten years of cross-national empirical research? *Annual Review of Political Science*, 10, 211-244.
109. Tu, X. (2023). Trust and corruption: How different forms of trust interact with formal institutions. *Journal of Political Trust*, 5(1), 19-44. <https://doi.org/10.1007/s43508-023-00061-6>
110. UN DESA & UNU-WIDER. (2025). World social report 2025. <https://www.wider.unu.edu/...>
111. UNDP. (2006). *Anti-Corruption Strategies: Lessons from International Experience*. United Nations Development Programme.
112. UNDP. (2012). *Seeing beyond the state: Women's perspectives on corruption & anti-corruption*. Recovered from <https://www.undp.org>
113. UNDP. (2015). *The importance of governance in reducing poverty*. Recovered from <https://www.undp.org>
114. United Nations Office on Drugs and Crime. (2004). *United Nations Convention against Corruption*. <https://www.unodc.org>
115. United Nations Office on Drugs and Crime. (2004). *United Nations Convention against Corruption*. UNITED NATIONS. Recovered from <https://www.unodc.org>
116. Uslaner, E. M. (2008). *Corruption, inequality, and the rule of law: The bulging pocket makes the easy life*. Cambridge University Press.
117. Wei, S.-J. (2000). How taxing is corruption on international investors? *Review of Economics and Statistics*, 82(1), 1-11. DOI: 10.162/003465300558533
118. Wei, S.-J. (2000). How taxing is corruption on international investors? *Review of Economics and Statistics*, 82(1), 1-11.
119. World Bank. (2000). *Reforming public institutions and strengthening governance*. World Bank Group.

120. World Bank. (2022). Blockchain for Public Sector Transparency. <https://www.worldbank.org>
121. World Bank. (2000). Reforming public institutions and strengthening governance. World Bank Group.
122. You, J.-S., & Khagram, S. (2005). A comparative study of inequality and corruption. *American Sociological Review*, 70(1) , 136-157. DOI: 10.177/000312240507000106
123. You, J.-S., & Khagram, S. (2005). A comparative study of inequality and corruption. *American Sociological Review*, 70(1) , 136-157.
124. Zakaria, F. (2003). *The future of freedom: Illiberal democracy at home and abroad*. W.W. Norton & Company. ISBN: 978-0-393-05737-4.
125. Zakaria, F. (2003). *The future of freedom: Illiberal democracy at home and abroad*. W.W. Norton & Company.



پژوهش‌های
سلامت اداری
سال اول
شماره ۳
پاییز ۱۴۰۴
صفحه ۱۶۳ الی ۲۱۷

مدل‌سازی عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در ارائه گزارش‌های فساد به سازمان بازرسی کل کشور^۱

(مورد مطالعه: اداره کل بازرسی
استان فارس)

چکیده

پژوهش حاضر به دنبال شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در ارائه گزارش‌های فساد به سازمان بازرسی کل کشور و مدل‌سازی و تفسیر روابط بین این عوامل برای تبیین و شناخت بیشتر در بین مدیران و سیاست‌گذاران است. پژوهش به صورت کیفی - کمی

محمد رضا نوربخش^۲

(دکترای ریاضی
کاربردی گرایش آمار)

محمد رضا ارغوان^۳

(کارشناسی ارشد
رشته مدیریت دولتی،
دانشکده اقتصاد،
مدیریت و علوم
اجتماعی، دانشگاه
شیراز)

عباس سنتی^۴ (دکترای

مدیریت، گروه آمار
و مدیریت سازمانی،
پژوهشکده مطالعات
بین رشته‌ای، پژوهشگاه
قوه قضاییه)

۱. پژوهش حاضر برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در ارائه گزارش‌های فساد به سازمان بازرسی کل کشور (مورد مطالعه: شهر شیراز)» است که با استفاده از رویکرد مدل‌سازی ساختاری - تفسیری جامع‌فازی انجام شده است.

تاریخ ارسال: ۱۲ خردادماه ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۹ تیرماه ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۸ مهرماه ۱۴۰۴

2. noorstat@gmail.com

3. marghavan7811@gmail.com

4. abbas_sonati@yahoo.com

انجام شده است؛ به‌گونه‌ای که ابتدا با استفاده از روش مرور سیستماتیک عوامل مؤثر شناسایی و در مرحله بعد با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری جامع‌فازی، روابط بین عوامل مدل‌سازی و تفسیر شد. یافته‌ها در بخش مرور سیستماتیک نشان داد که عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در ارائه گزارش فساد شامل ۸ مؤلفه است. مؤلفه‌ها عبارت است از: ویژگی‌های فردی، ویژگی‌های اخلاقی و معنوی (ارزشی)، ویژگی‌های ساختاری، ویژگی‌های قانونی، ویژگی‌های انگیزشی، ویژگی‌های ارتباطی و اطلاعاتی، ویژگی‌های امنیتی و ویژگی‌های آموزشی و فرهنگی. یافته‌ها در بخش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری جامع‌فازی نشان داد که بین عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در ارائه گزارش فساد، رابطه علت و معلولی وجود دارد و عوامل در سه سطح، طبقه‌بندی شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که در سطح یک که تأثیرپذیرترین سطح است، ویژگی‌های انگیزشی، ویژگی‌های اخلاقی و معنوی (ارزشی) و ویژگی‌های آموزشی و فرهنگی؛ در سطح دو، ویژگی‌های فردی، ویژگی‌های ارتباطی و اطلاعاتی و ویژگی‌های امنیتی و در سطح سه که تأثیرگذارترین سطح است، ویژگی‌های ساختاری و ویژگی‌های قانونی قرار دارند. نتایج نشان داد که وجود ساختار و قوانین دقیق و مشخص، پایه‌های اساسی در جذب مشارکت مردم در ارائه گزارش فساد است. پس از جذب مشارکت مردم، حفظ امنیت، ایجاد حلقه ارتباطی و اطلاعاتی و ویژگی‌های فردی موجب تقویت مشارکت مردم شده و در نهایت، ایجاد انگیزش، حفظ اخلاقیات و ارزش‌ها و آموزش صحیح و ایجاد بستر فرهنگی مناسب باعث به اوج رسیدن مشارکت مردم در ارائه گزارش فساد می‌شود.

کلمات کلیدی: مشارکت مردم، گزارش فساد، سازمان بازرسی کل کشور، اداره کل بازرسی استان فارس، مدل‌سازی ساختاری - تفسیری جامع‌فازی، مرور سیستماتیک.

Modeling Factors Affecting People's Participation in Submitting Corruption Reports to the General Inspectorate of the Country (Case Study: General Inspectorate of Fars Province) using a Fuzzy Total Interpretive Structural Modeling Approach

Mohammadreza Nourbakhsh (Ph.D. in Applied Mathematics, Statics Orientation)

Mohammadreza Arghavan (Master of public Administration, Faculty of Economics, Shiraz University)

Abbas Sonati (Ph.D. in Statics Management and Organization Management, Judiciary Research Institute)

Abstract

This study aims to identify the factors influencing public participation in reporting corruption to the General Inspectorate and to model the interrelationships among these factors to enhance managerial and policymaker understanding. Employing a quantitative approach, the research first identified key factors through a systematic review, then modeled and interpreted their relationships using Fuzzy Total Interpretive Structural Modeling (Fuzzy TISM).

In the systematic review phase, the study population comprised all relevant research conducted over more than 20 years (from 1998 onward). Following systematic review protocols, 272 studies were selected for final analysis. For the Fuzzy TISM phase, the expert population consisted of 9 senior managers from the General Inspectorate of Fars Province (including the Inspector General,

Deputy Inspector Generals, and Military Police), all of whom participated in the study.

The systematic review identified eight key factors affecting public participation in corruption reporting: 1) Individual Characteristics, 2) Moral and Spiritual (Value) Characteristics, 3) Structural Characteristics, 4) Legal Characteristics, 5) Motivational Characteristics, 6) Communication and Informational Characteristics, 7) Security Characteristics, and 8) Educational and Cultural Characteristics. The Fuzzy TISM analysis revealed causal relationships among these factors, organizing them into a three-level hierarchical model:

Level 1 (Most Influential / Driving Factors): Motivational, Moral/Spiritual, and Educational/Cultural Characteristics.

Level 2 (Linkage Factors): Individual, Communication/Informational, and Security Characteristics.

Level 3 (Most Dependent / Outcome Factors): Structural and Legal Characteristics.

The results indicate that well-defined structures and legal frameworks form the essential foundation for encouraging public participation in corruption reporting. Once participation is initiated, factors such as security assurance, effective communication channels, and individual attributes serve to strengthen engagement. Ultimately, fostering motivation, upholding ethical values, and promoting appropriate education and culture are pivotal for achieving optimal levels of public participation in the corruption reporting process.

Keywords: Public Participation, Corruption Reporting, General Inspectorate, Fars Province, Fuzzy Total Interpretive Structural Modeling (Fuzzy TISM), Systematic Review.

مقدمه

مشارکت، عاملی مبتنی بر شهروندی است و به معنای داشتن سهمی از چیزی و سود بردن از آن یا شرکت کردن در گروهی و همکاری با آن‌ها است. مشارکت، درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برانگیخته تا برای رسیدن به اهداف گروه، یکدیگر را یاری داده و در مسئولیت کار، شریک شوند. مشارکت اجتماعی به عنوان فرصتی برای توانمندسازی اعضای جامعه برای همکاری فعالانه، نفوذ در فرایند و سهمیم شدن در منافع حاصله تعریف شده و مشارکت مردم در ارائه گزارش فساد به عنوان فرصتی برای گسترش نظارت مردم بر اعمال دستگاه‌های اجرایی و سهمیم شدن در منافع حاصل از آن (منافع حاصل از گزارش فساد) است (اسدپور و همکاران، ۱۳۹۷). مشارکت مردم در ارائه گزارش فساد به گونه‌ای است که در آن جامعه، مردم در قالب گروه درآمدی و نسبت به محیط پیرامون خود احساس مسئولیت پیدا می‌کنند و تلاش دارند که با برانگیختن و همکاری یکدیگر، موارد فساد را گزارش داده تا بتوانند هم بر فرایندها و دستگاه‌های اجرایی نفوذ و نظارت داشته و هم از منافع حاصل شده بهره‌مند گردند. از ویژگی‌های اصلی یک حکومت مردم‌سالار، مشارکت مردم در امر نظارت بر دستگاه‌های اجرایی و مبارزه با فساد است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۷). در

نظام اسلامی، مشارکت مردم به عنوان یکی از عوامل اصلی در زمینه مقابله با فساد در نظر گرفته می‌شود (مرکزالمیری و همکاران، ۱۴۰۱). در راستای مبارزه با فساد، طرح‌ها و مدل‌های مختلفی ارائه شده که یکی از آن‌ها، مشارکت مردم در ارائه گزارش فساد است که طبق آمارهای جهانی، گزارش دهی مردمی به عنوان نخستین عامل کشف تخلف‌ها به شمار می‌رود و حدود نیمی از فسادها در سازمان‌های دولتی و خصوصی به این شیوه، کشف و شناسایی می‌شوند (پرنیان و همکاران، ۱۳۹۶).

گزارش دهی مردمی که یکی از اصول مهم نظارت محسوب می‌شود، نظارت را در دودسته متمرکز و غیرمتمرکز تقسیم کرده و گزارش دهی مردمی را به عنوان نظارت غیرمتمرکز مطرح کرده است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۷). نظارتی که توسط نهادهای دولتی مانند سازمان بازرسی کل کشور انجام می‌شود، نظارت متمرکز گفته می‌شود و ویژگی اصلی آن، ظرفیت محدود ناشی از محدودیت تعداد ناظران است. نظارتی که توسط مردم و نهادهای غیردولتی مانند جامعه مدنی، تشکل‌های مردم‌نهاد، روزنامه‌نگاران و غیره انجام می‌شود، نظارت غیرمتمرکز می‌نامند و برخلاف نظارت متمرکز، گسترده‌تر و وسیع‌تر است و به تعداد مشخصی محدود نمی‌شود.

چون یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب، مشارکت آحاد جامعه در ارتقای سطح حکمرانی است، بهره‌گرفتن از مشارکت مردمی می‌تواند در هم‌افزایی قدرت و ظرفیت دولت و بخش رسمی قدرت، نقش تعیین‌کننده داشته باشد. مطابق داده‌های سازمان شفافیت بین‌الملل در سال ۲۰۲۳، رتبه ایران در شاخص ادراک از فساد در بین ۱۸۰ کشور جهان، ۱۴۹ بوده است. با عنایت به نقش نهادهای مدنی، صاحبان مشاغل، اصناف، رسانه‌ها و حتی شهروندان عادی در قبال فساد در کنار دولت، مبارزه با فساد مسئولیتی جمعی تلقی می‌شود.

سازمان بازرسی کل کشور به عنوان سازمان مسئول در زمینه پیشگیری و مقابله، وظیفه نظارت خود را انجام می‌دهد؛ اما نظارت متمرکز به تنهایی نمی‌تواند تمامی موارد را پوشش دهد؛ از این رو، از گزارش دهی مردمی به عنوان یک ناظر غیرمتمرکز می‌توان بهره برد که در

کنار نظارت متمرکز، نقش مکملی را ایفا کند و همانند کنش‌یار که سبب افزایش سرعت واکنش‌ها می‌شود، روند شناسایی موارد مربوط به فساد را سرعت بخشد.

یکی از فایده‌های اصلی گزارش‌دهی مردمی برای سازمان بازرسی، کاهش حجم کاری کارکنان سازمان است، چراکه سازمان هم باید شناسایی کند و هم مقابله و ازاین‌رو سرعت رسیدگی کاهش می‌یابد؛ اما هنگامی که از مردم کمک گرفته شود، روند شناسایی بهبود یافته و به تبع آن مقابله نیز سرعت می‌یابد. مشارکت مردم در گزارش‌دهی فساد یکی از بهترین و مؤثرترین روش‌ها برای مقابله با فساد است، به خصوص که با مشارکت و همراهی مردم باشد. دلیل اثربخشی آن در این است که هر جا مردم و سازمان‌ها با هم متحد و همسو بوده‌اند، بهترین نتایج حاصل شده است (پرنیان و همکاران، ۱۳۹۶؛ قاسمی و همکاران، ۱۳۹۷). از دیگر پیامدهای مثبت مشارکت مردم در گزارش‌دهی فساد می‌توان به کاهش تبانی در اثر گستردگی و تعدد ناظران (رستمی و همکاران، ۱۳۹۷)، کاهش فساد، افزایش شفافیت، گسترش اعتماد عمومی (ناصری، ۱۳۹۶) و بهبود سلامت اداری (میرکمالی و همکاران، ۱۳۹۵) اشاره کرد.

باتوجه به مطالعات انجام‌شده، مشخص شد که عواملی مانند عوامل فردی شامل تعهد و مسئولیت‌پذیری (آگوئیلرا، ۲۰۲۳)، اعتماد به نفس (نیکولز و همکاران، ۲۰۲۱)؛ عوامل اخلاقی شامل آزادی بیان (محسنی، ۱۴۰۰)، وجود بستر نظارت همگانی (بابا محمدی، ۱۳۹۴)؛ عوامل انگیزشی شامل حمایت از گزارش‌دهندگان (وکیلی و همکاران، ۱۴۰۱)؛ عوامل قانونی شامل وجود شواهد و مدارک کافی (بولو و همکاران، ۱۳۹۶)؛ عوامل آموزشی شامل دانش و آگاهی (تسلیمی و همکاران، ۱۴۰۲)، آموزش و توانمندسازی (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۸)؛ عوامل ارتباطی و اطلاعاتی شامل ایجاد سامانه جامع دریافت گزارش (پورصمیمی و همکاران، ۱۴۰۰)؛ عوامل امنیتی شامل حفظ هویت و محرمانگی (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۶) و عوامل ساختاری شامل عزم جدی برای مقابله با فساد (تانکبه^۲، ۲۰۱۹) و حکمرانی خوب (یاراحمدی و همکاران،

1. Aguilera

2. Nicholls

3. Tankebe

۱۳۹۹) و مسائل و معضلات اجتماعی و اداری (پرنیان و همکاران، ۱۳۹۶) نقش مهمی در مشارکت مردم در گزارش دهی فساد داشته‌اند.

عدم حمایت از گزارش دهندگان فساد، رفتارهای ناشایست و برخوردهای نامناسب با آن‌ها (پرنیان و همکاران، ۱۳۹۶)، کاغذبازی‌ها و روند اداری طولانی، ترس از افشا نمودن فساد به جهت تهدیدهایی که وجود دارد، نسبت دادن القاب بد از جمله مخبر و آنتن به گزارش دهندگان (کریمی و همکاران، ۱۴۰۰)، عدم وجود بستر حقوقی مناسب برای گزارش دهی فساد و غیره سبب شده است تا گزارش دهی فساد از سرعت لازمه برخوردار نباشد و حتی در مواردی گزارش دهندگان به ارائه گزارش فساد نپرداخته و گزارش ندادن را ترجیح دهند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۷)؛ از این رو، این شکاف‌ها باعث شده تا سازمان بازرسی کل کشور به عنوان نهادی بسیار مهم در کشور که وظیفه مقابله با فساد را برعهده دارد از بازوی کمکی مهمی مانند گزارش دهی مردمی کمتر بهره‌برد و سرعت روند شناسایی فسادهای و برخوردها با آن‌ها کاهش یابد (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۷). در این راستا، سازمان سعی دارد که زمینه را برای حضور نظارت غیرمتمرکز (گزارش دهی مردمی) فراهم کند تا رابطه دقیق‌تری بین دولت و مردم حاصل شود (پلی بین مردم و دولت ایجاد شود) و با استفاده از این گزارش‌ها دامنه نظارت خود را گسترش داده و در پیشگیری و مقابله با فساد سریع‌تر، دقیق‌تر و با قدرت بیشتری عمل نماید. با این توضیحات، پژوهش حاضر درصدد است تا عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در ارائه گزارش فساد به سازمان بازرسی کل کشور را مورد واکاوی قرار دهد. پس از شناسایی عوامل مؤثر، مدل‌سازی و تعیین روابط بین آن‌ها نیز به مدیران و سیاست‌گذاران حوزه در شناخت بهتر عوامل کمک می‌کند؛ از این رو، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است:

۱- عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در ارائه گزارش‌های فساد به سازمان بازرسی کل کشور

چيست؟

۲- از منظر خبرگان، روابط بین عوامل مؤثر چگونه باعث مشارکت مردم در ارائه گزارش

فساد می‌شوند؟

مروری بر ادبیات موضوعی

گزارش‌دهی فساد

باتوجه به اینکه در زمینه فساد، گزارش‌دهی، افشاگری و سوت‌زنی از یک واژه واحد «ویسل بلوئر» (ویسل بلوئر حاصل ترکیب دو کلمه ویسل به معنای سوت و بلوئر به معنای دمنده است) برگرفته شده، در این قسمت هر سه مورد یک جا آورده شده است.

در اوایل دهه ۱۹۷۰، رالف نیدر^۱ (فعال مدنی آمریکایی) واژه‌ای را ابداع نمود و در معنای افشاگر به کار برد. او تلاش کرد که به این واژه بار معنایی مثبت افزوده تا از دیگر واژه‌هایی مانند مخبر^۲ و خبرچین^۳ که بار معنایی منفی دارند، جدا نماید. باتوجه به مطالعات انجام شده می‌توان بیان نمود که افشاگر را به کسی می‌گویند که در یک سازمان خصوصی یا دولتی، اطلاعات یا خبر فعالیت‌هایی غیرقانونی، غیراخلاقی و نادرست را آشکار (فاش) می‌نماید و آن را به اطلاع عموم می‌رساند (عارف، ۱۳۹۵). در حقوق کشورهای همانند انگلستان و آمریکا از گزارش دهندگان فساد با عنوان سوت‌زن یاد می‌شود. در رابطه با تشریح سوت‌زن می‌توان این چنین بیان نمود که گزارش‌دهنده فساد هنگامی که با فساد مواجه می‌شود، در سوت خود دمیده و دیگران را از فساد آگاه می‌سازد (رستمی و همکاران، ۱۳۹۷). افشاگری عملی است که از طریق آن، فرد در رابطه با تخلف‌های مشکوک و انجام شده ایجاد نگرانی نموده و گزارش خود در مورد این نگرانی‌ها و تخلف‌ها را به مقام‌های بالاتر، سازمان‌های نظارتی و عموم مردم اطلاع دهد. این سازوکار بخشی از سیستم یکپارچه ملی برای جلوگیری از فساد است (ویان، اگنیو و مک‌اینز، ۲۰۲۲). در تعریف افشاگر باید به چند عنصر توجه نموده و آن‌ها را مشخص ساخته تا تعریف کامل‌تری حاصل شود. این عناصر عبارت است از: ۱- انگیزه؛ ۲- زمان؛ ۳- سرتی یا محرمانه بودن؛ ۴- ابزار. انگیزه افشاگر باید بازدارندگی باشد نه انتقام‌جویی و کسب شهرت. باتوجه به این عناصر می‌توان تعریفی کامل‌تر از افشاگر بیان نمود که عبارت است از: افشاگر کسی است که با انگیزه‌ای، اطلاعات مربوط به

1. Ralph Nader
2. Informers
3. Snitches
4. Vian, Agnew & McInnes

جرائم، تخلفات و سوء جریان‌های محرمانه را در یک دستگاه اداری که به خصوص از سوی صاحبان قدرت در گذشته جریان داشته یا در زمان حال جریان دارد یا بر اساس برنامه‌های آن دستگاه در آینده رخ خواهد داد را با استفاده از ابزارهایی مانند مطبوعات، شبکه‌های تلویزیونی، رادیویی، سایت‌ها، شبکه‌های اجتماعی، شبکه‌های مخابراتی، تریبون و غیره به اطلاع متصدیان امور در همان دستگاه، مقامات ذی صلاح (در خارج از دستگاه) و عموم مردم می‌رساند (عارف، ۱۳۹۵).

مشارکت مردم در گزارش‌دهی فساد

مقابله با فساد با توجه به سیاست‌های راهبردی تدوینی رهبری می‌تواند زمینه مشارکت همگانی مردم در امور سیاسی و مردم‌سالاری را تقویت نماید (مرکزالمیری و همکاران، ۱۴۰۱). یکی از خصوصیات اصلی و پایه‌ای حکومت‌های مردم‌سالار، مشارکت مردم در نظارت بر دستگاه‌های اجرایی و هم‌افزایی با آنان در راستای مبارزه با فساد است. در حکومت اسلامی لازم است که مردم بر اساس آیه «لیقوم الناس بالقسط» جایگاهی محوری داشته باشند. پس بر حکومت چنین کشوری واجب است که زمینه لازم برای حضور مردم و مشارکت آن‌ها در نظارت بر سازمان‌ها را فراهم کند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۷). نظام اسلامی یک نظام ضدفساد است و مشارکت مردم به عنوان یکی از عوامل اصلی مقابله با فساد محسوب می‌شود (مرکزالمیری و همکاران، ۱۴۰۱). از مؤلفه‌های محوری در برنامه‌های مبارزه با فساد، مشارکت مردمی است و از مهم‌ترین مصادیق این نوع مشارکت، گزارش‌دهی تخلف است که منجر به کشف اولیه تخلف می‌شود (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۶)؛ همچنین یکی از قوی‌ترین ابزارهای مبارزه با فساد، استفاده از توان نظارتی مردمی و مشارکت آن‌ها برای کشف و کاهش تخلفات است (پرنیان و همکاران، ۱۳۹۶). با توجه به تجربیات مثبت استفاده از ظرفیت‌های مردمی در حوزه‌های مختلف، یکی از عرصه‌هایی که می‌توان از این ظرفیت‌ها استفاده نمود، حوزه پیشگیری از فساد است (میرکمالی و همکاران، ۱۳۹۵). تقویت همبستگی و ثبات جامعه و سپردن امور مردم به خود مردم در حوزه پیشگیری از جرائم، یکی از جلوه‌های افزایش مشارکت مردمی است. افزایش مشارکت مردمی باعث ایجاد نظم حداکثری در جامعه، کاهش هزینه‌های

پدیده مجرمانه، کاهش هزینه‌های دستگاه عدالت کیفری و غیره خواهد شد و تمامی این موارد به نفع خود مردم است (میرکمالی و همکاران، ۱۳۹۵).

عوامل مؤثر بر گزارش‌دهی فساد

در مطالعه دانژان^۱ و همکاران (۲۰۱۹) بیان شد که افرادی که دارای وجدان و کانون کنترل درونی قوی‌تری هستند و نوع دوستی بالاتری را احساس می‌کنند و همچنین برون‌گرایی بالا و کنش بیشتری دارند باعث تمایل بیشتری به افشاگری و سوت‌زنی می‌شود. ویان و همکاران (۲۰۲۲) چهار عامل را به عنوان تسهیل‌کننده‌های افشاگری مطرح نمودند که عبارت است از: ۱- پاداش‌های مالی برای افشاگری یا حمایت مالی از آن‌ها؛ ۲- وجدان کاری و افشاگری را وظیفه خود دانستن؛ ۳- اطمینان از محرمانه بودن و ۴- وجود کانال‌های متعدد برای گزارش‌دهی. قدرت شواهد ناشی از وقوع تقلب و میزان مسئولیت ادراک شده، تأثیری مثبت بر احتمال گزارشگری دارند. افراد، در زمان وجود شواهد قوی از تقلب، نسبت به گزارش آن، احساس مسئولیت بیشتری می‌کنند و به احتمال زیاد آن را در صورت ناشناس ماندن گزارش می‌کنند (بولو و همکاران، ۱۳۹۶).

پیشینه‌های داخلی و خارجی

فهادی‌نژاد و جعفری (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «شناسایی علل سوت‌زنی سازمانی و دلایل عدم تمایل سوت‌زنی در سازمان‌های دولتی» به دنبال آن بودند که در سازمان‌های دولتی چه عواملی سبب سوت‌زنی و چه عواملی سبب عدم سوت‌زنی می‌شوند. نتایج نشان داد که دلایل سوت‌زنی در قالب شش مضمون رویکرد سلامت محور، رویکرد منفعت طلبانه، رویکرد عدالت خواهانه، رویکرد اخلاق‌گرایانه، رویکرد تکلیف‌گرایانه و رویکرد انتقام جویانه قرار گرفته و دلایل عدم سوت‌زنی در قالب چهار مضمون عوامل مربوط به سازمان، عوامل مربوط به افشاکننده، عوامل مربوط به افشاشونده و عوامل مربوط به موضوع تخلف قرار گرفت؛ همچنین مشخص شد که رویکردهای عدالت خواهانه، اخلاق‌گرایانه، سلامت محور، منفعت طلبانه، تکلیف‌گرایانه و انتقام جویانه به ترتیب به عنوان مهم‌ترین دلایل تصمیم به سوت‌زنی بوده و عوامل مربوط به افشاشونده، عوامل

مربوط به سازمان، عوامل مربوط به موضوع تخلف و عوامل مربوط به افشاکننده به ترتیب مهم‌ترین علل سکوت در برابر مشاهده رفتارهای نامطلوب است.

پورصمیمی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «شناسایی و رتبه‌بندی پیشایندهای افشاگری در سازمان: رهیافت فراترکیب» به دنبال شناسایی و رتبه‌بندی پیشایندهای رفتارهای افشاگری در سازمان بودند. جهت جمع‌آوری پیشایندها از روش فراترکیب و جهت رتبه‌بندی از آنتروپی شانون استفاده شد. نتایج نشان داد که ارزش افشاگری، مسئولیت‌پذیری، هزینه‌های ناشی از افشاگری و مرکز کنترل فرد مهم‌ترین عوامل مؤثر بر افشاگری در سازمان هستند.

صیادقبادی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «سوت‌زنی سازمانی: کاهش فساد اداری و افزایش شفافیت در سازمان» مشخص نمودند که وجود سیستمی نظارتی که از سازمان آگاه باشد و کاستی‌ها را مشاهده و گزارش کند، قبل از بروز پیامدهای نامطلوب ضروری است؛ ازاین‌رو، وجود افرادی به عنوان ناظر با احساس مسئولیت در سازمان که به عنوان صدای سازمان، فریاد سازمان را در صورت وجود انحراف به گوش مسئولان برسانند، اجتناب‌ناپذیر است.

مرکزالمیری و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «گزارش دهی مردمی؛ چهارچوبی تدوینی برای مقابله با فساد» مشخص نمودند که مشارکت مردم در گزارش‌دهندگی فساد یکی از عوامل مؤثر بر پیشگیری از فساد بوده و با شیوه تعیین نظام پاداش، جبران خسارت وارده به فرد گزارش‌دهنده، حفظ هویت و محرمانگی، عدم اخراج و حمایت شغلی، گزارش شفاف تخلف به مردم و استفاده از وسایل الکترونیکی پیشرفته جهت دریافت شکایات و گزارش‌ها، اجرایی می‌گردد.

حاجیان و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش نهاد مردمی در افشاگری جهت پیشگیری از جرم» به دنبال آن بود که ماهیت فقهی افشاگری چیست و اشخاص حقیقی چگونه می‌توانند اقدام به افشاگری کنند که هم به وظیفه شرعی و عرفی خویش عمل نمایند و هم از حیث شرعی افشاگری آن‌ها منجر به افترا، غیبت نگردد. نتایج نشان داد که افشاگری مبتنی بر نهاد مردمی با پشتوانه قواعدی همچون وجوب امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت لائمه المسلمین و حسبه نقش پررنگی در پیشگیری و مبارزه با

فساد دارد. فرض عملی این مورد اطلاع از انتصاب قریب الوقوع افراد فاقد صلاحیت در برخی پست‌ها و نظارت مردم بر این امر و صدور اخطار لازم است.

تسلیمی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «پیشگیری اجتماعی از فساد اداری» به دنبال بررسی نقش پیشگیری اجتماعی در مقابله با فساد اداری بود. نتایج نشان داد که رشد و ارتقای آگاهی جمعی، رشد فرهنگی، مشارکت مدنی شهروندان، نقش فعال شبکه‌های اجتماعی و پدیده‌هایی چون سوت زنی از مهم‌ترین سازوکارهای پیشگیری اجتماعی از فساد اداری است.

پچتونگ^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «اقدامات حفاظتی قانونی برای افشاگران گزارش فساد در تایلند» مشخص نمود که تایلند باید بر اقدامات حفاظتی قانونی برای افشاگرانی که در مورد فساد گزارش می‌دهند، به‌ویژه در تعاریف افشاگر، مدل‌های حفاظتی (ایمنی زندگی، محرمانه بودن، چشم‌پوشی از مسئولیت قانونی، محافظت در برابر تلافی جویی همدست) به‌عنوان شاهد، تمرکز کند.

بینهداب، برین و گیلندرز^۲ (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «آزادی مطبوعات و فساد در تعاملات تجاری و دولت» به دنبال بررسی نقش آزادی مطبوعات و رسانه‌ها در مبارزه با فساد بود. نتایج نشان داد، کشورهایی که آزادی مطبوعات بیشتری دارند، به‌طور قابل توجهی تعداد کمتری از رشوه‌دهی با مقامات دولتی دارند. این موضوع نشان‌دهنده نقش یک رسانه مستقل را در مبارزه با فساد برجسته می‌کند.

پیفر و والتون^۳ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «انتقال پیام (درست): چگونه شهروندان را تشویق کنیم تا فساد را گزارش کنند» به دنبال بررسی تأثیر پیام‌های ضدفساد بر تمایل شهروندان برای گزارش فساد در پاپوآ گینه نو^۴ بود. یافته‌ها نشان داد وقتی که پاسخ‌دهندگان در معرض پیام‌های ضدفساد قرار می‌گرفتند که بر تأثیرات بر گروه‌های خویشاوندی محلی شان تأکید می‌کرد، احتمالاً نسبت به گزارش فساد رضایت بیشتری

1. Pechthong

2. . Binhadab, Breen & Gillanders

3. Peiffer & Walton

4. Papua New Guinea (PNG)

داشتند. پیام‌هایی که تأکید می‌کردند فساد گسترده، غیرقانونی یا غیراخلاقی است، بر تمایل پاسخ‌دهندگان برای انجام کاری در مورد آن تأثیری نداشت. پیام‌های خط‌مشی یافته‌ها نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران باید در قالب بندی پیام‌های ضدفساد که باید به دقت با بافت محلی تطبیق داده شوند و قبل از اجرا آزمایش شوند، مراقب باشند. اگر پیام‌ها بر تأثیر فساد بر آنچه برای شهروندان اهمیت دارد، تمرکز کنند، کمپین‌های هدفمند می‌توانند به انگیزه اقدامات ضدفساد کمک کنند. در مورد پاپوآ گینه نو، پیام‌های ضدفساد باید بر چگونگی تأثیر فساد بر خانواده شهروندان و جامعه محلی تأکید کند.

هوگیک^۱ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «مشوق‌های مالی برای افشاگری: یک دیدگاه مقایسه‌ای» به دنبال بررسی نقش پاداش‌های مالی بر افشاگری در ایالات متحده آمریکا و اروپا بود. نتایج نشان داد که استفاده از پاداش‌های مالی ظرفیت نظارتی کلی دولت را برای کاهش فساد و کلاهبرداری و کاهش افشاگری‌های دیجیتالی در حال ظهور و عمدتاً ناشناس افزایش می‌دهد؛ همچنین استدلال می‌کند که معرفی پاداش‌های مالی نباید به تفاوت‌های سنت‌ها یا فرهنگ قانونی، بلکه به کیفیت مؤسسات و توانایی آن‌ها برای ارزیابی گزارش‌های افشاگران وابسته باشد (به نوعی پاداش وابسته به کیفیت گزارش‌ها باشد نه سنت‌ها).

باربابلا^۲ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «ناسازگاری قضایی و حذف بسیج شهروندان ضدفساد: شواهدی از برزیل» به دنبال بررسی تأثیر تناقضات قضایی در پرونده‌های فساد اداری بر تمایل شهروندان برای مبارزه با فساد بود. نتایج نشان داد که تناقض قضایی به عنوان نشانه‌ای از تعهد غیرصادقانه به مبارزه با فساد تلقی می‌شود و تصمیمات متناقض قضات مختلف در یک روز اعتماد به دادگاه‌ها و تمایل شهروندان به گزارش فساد را از بین می‌برد؛ همچنین شهروندان می‌توانند نه تنها با قرارگرفتن در معرض اطلاعات در مورد فساد، بلکه با ایجاد ارزیابی‌های منفی از عملکرد ضدفساد، از مشارکت در تلاش‌های ضدفساد منصرف شوند.

1. Hogic

2. Barbabela

جمع‌بندی پیشینه پژوهش

باتوجه به بررسی انجام شده، تاکنون مطالعات زیادی در رابطه با گزارش دهی فساد انجام شده؛ اما پژوهش‌های انجام شده بیشتر به جنبه نظری پرداخته‌اند و به برخی از موارد به صورت موردی اشاره نموده‌اند. در رابطه با پژوهش‌های انجام شده، همان‌طور که عارف (۱۳۹۵) بیان نموده بود موضوع گزارش دهی در کشور مغفول مانده و فقیر است. پژوهش عارف (۱۳۹۵) با اینکه در رابطه با زمینه‌ها و پیامدها بوده؛ اما بیشتر اقسام گزارشگری را مدنظر قرار داده و باتوجه به گذشت چندین سال از این پژوهش و پژوهش‌های انجام شده نیاز است که بهبود یابد. پرنیان و همکاران (۱۳۹۶) بیان نموده‌اند که اگرچه نظارت مردمی بسیار کارآمد است؛ اما کشور ما فاقد بستر حقوقی و نهادهای لازم برای تسهیل فرایندهای نظارت عمومی و گزارش دهی است و از گزارش دهندگان نه تنها حمایتی انجام نمی‌شود بلکه در مواردی برخورد‌های نامناسب نیز صورت می‌گیرد. اگرچه این پژوهش نیز به مطالعه تطبیقی پرداخته؛ اما مواردی که مطرح شده خلاصه و موردی است. در جهت تقویت حقوقی، قاسمی و همکاران (۱۳۹۷) با مطالعه تطبیقی بین ایران و آمریکا در جهت ایجاد بستر حقوقی برای سازوکارهای گزارش دهی برآمدند؛ اما تأکید آن‌ها بیشتر بر موارد حقوقی بود. سایر پژوهش‌ها نیز به همین شیوه بیشتر موارد را به صورت موردی مطرح کرده یا به فساد از دید سیاسی، اقتصادی، اداری و غیره توجه نموده‌اند؛ همچنان فرهادی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۸)، وکیلی و همکاران (۱۴۰۱) و زکریا (۲۰۱۵) به شناسایی عوامل مؤثر بر افشاگری پرداخته‌اند و پورصمیمی و همکاران (۱۴۰۰) علاوه بر شناسایی، پیشایندها را رتبه‌بندی نیز نموده است؛ اما در این پژوهش‌ها تمرکز بیشتر بر افشاگری کارکنان در داخل سازمان است نه افراد خارج از آن؛ درحالی‌که پژوهش حاضر عواملی که باعث مشارکت شهروندان شود را مدنظر دارد و به نوعی علاوه بر کارکنان داخل سازمان به افراد خارج از سازمان نیز توجه می‌شود؛ از این رو پژوهش حاضر با دیگر پژوهش‌های انجام شده در این حوزه تفاوت‌هایی وجود دارد که عبارت است از: ۱- عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در ارائه گزارش فساد به صورت یکجا و یکپارچه آورده می‌شود تا از

پراکندگی مطالب جلوگیری شود. ۲- انجام پژوهش در فضای فازی و عدم قطعیت. ۳- استفاده از شیوه‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره. در نهایت این پژوهش باعث شناخت بهتر و جامع‌تر در رابطه با این موضوع شده و به مدیران سازمان کمک نموده که با دید وسیع‌تر و بهتری به این موضوع توجه نموده و در رابطه با آن تصمیم‌های بهتری اتخاذ شود.

روش پژوهش

در بخش مرور سیستماتیک، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه پژوهش‌های انجام شده در رابطه با مشارکت مردم در ارائه گزارش فساد است که در بازه زمانی بیش از ۲۰ سال (از ۱۹۹۸ به بعد) از پایگاه‌های داده داخلی (همانند مرکز جهاد دانشگاهی، نورمگز، مگ ایران، سیویلیکا، گوگل اسکولار، تولیدات پژوهشی سازمان بازرسی کل کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس و غیره) و خارجی (وب‌آف‌ساینس، اسکوپوس، گوگل اسکولار و غیره) با کلمات کلیدی همانند عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در گزارش فساد، گزارش دهی مردمی فساد، گزارش دهی فساد، افشاگری و سوت‌زنی جمع‌آوری شد و نمونه باتوجه به مراحل روش مرور سیستماتیک مشخص شده است. به‌گونه‌ای که مطابق با مراحل هفت‌گانه، پژوهش‌های انجام شده در این حوزه بررسی و موارد نامرتب حذف شده و این فرایند آن‌قدر ادامه یافت، تا به تعداد ۲۷۲ مطالعه نهایی رسید. در بخش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری جامع فازی، جامعه آماری شامل مدیران ارشد اداره کل بازرسی استان فارس است و باتوجه به اینکه روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره در فضای فازی، خبره محور است؛ از بین مدیران ارشد اداره کل بازرسی استان فارس (بازرس کل، معاونان بازرس کل و سربازرسان)، مدیران ارشد با سابقه کاری بیش از ۱۰ سال و با مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر و همچنین متخصص در زمینه موضوع پژوهش به عنوان نمونه انتخاب شدند. تعداد این مدیران ۹ نفر است (بازرس کل، ۱ نفر، معاونان بازرس کل، ۳ نفر و سربازرسان، ۵ نفر) و با تمامی آنان به شیوه، داده‌ها جمع‌آوری شد. مشخصات خبرگان در جدول ۱، آورده شده است.

جدول ۱. مشخصات خبرگان

ردیف	سن	سمت	سابقه کار	تحصیلات
۱	۵۷	بازرس کل استان فارس و رئیس منطقه ۳ بازرسی	۳۰	دکتر
۲	۵۳	معاون بازرسی منطقه ۳	۲۷	دکتر
۳	۴۹	معاون بازرسی منطقه ۳	۲۵	دکتر
۴	۴۵	معاون هماهنگی و برنامه‌ریزی منطقه ۳ و مشاور رئیس منطقه ۳	۱۷	دکتر
۵	۳۹	سربازرس گروه تولید و توسعه و سرپرست حفاظت و اطلاعات	۱۱	دکتر
۶	۵۳	سربازرس گروه سیاسی و قضایی	۳۰	دکتر
۷	۴۰	سربازرس گروه فرهنگی	۱۳	دکتر
۸	۵۳	سربازرس گروه شهرداری‌ها	۳۴	دکتر
۹	۳۷	سربازرس بانک‌ها و بیمه‌ها	۱۰	دکتر

ابزار جمع‌آوری داده‌ها در بخش مرور سیستماتیک به صورت تحلیل اسنادی و مطالعه کتابخانه‌ای و در بخش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری جامع‌فازی از پرسش‌نامه مقایسه زوجی برای بررسی رابطه علت و معلولی بین عوامل مؤثر استفاده شده است. تحلیل داده‌ها در بخش مرور سیستماتیک با تحلیل محتوا و در بخش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری جامع‌فازی با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری جامع‌فازی در نرم‌افزار اکسل انجام شد.

باتوجه به مطالعه صفاری و همکاران (۱۳۹۲)، مراحل روش مرور سیستماتیک عبارت است از: تعیین سؤال پژوهش، تنظیم قرارداد پژوهش، جستجوی متون، استخراج داده‌ها، ارزیابی کیفیت، تحلیل داده‌ها و ارائه نتایج و تفسیر نتایج.

باتوجه به مطالعه خاتوانی^۱ و همکاران (۲۰۱۵)، روش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری جامع‌فازی از هفت گام تشکیل شده که عبارت است از: شروع فرایند تصمیم‌گیری، انتخاب معیارها، جمع‌آوری پاسخ‌ها و ایجاد ماتریس خودتعاملی ساختاری، ایجاد

ماتریس دستیابی فازی نهایی، محاسبه قدرت نفوذ و وابستگی برای تحلیل میک مک، ایجاد ماتریس دستیابی و تعیین سطح و ترسیم مدل.

تحلیل مطالب

یافته‌های بخش مرور سیستماتیک

جهت شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در ارائه گزارش فساد از روش مرور سیستماتیک استفاده شده است. مطابق با مراحل روش مرور سیستماتیک، ابتدا سؤال پژوهش مشخص شد و سؤال عبارت است از اینکه عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در ارائه گزارش های فساد به سازمان بازرسی کل کشور چیست؟ سپس با توجه به اینکه موضوع مشارکت مردم در ارائه گزارش فساد موضوعی بین رشته‌ای (جامعه‌شناسی، حقوق، مدیریت، علوم سیاسی و دیگر رشته‌ها) است؛ تاکنون پژوهش‌های زیادی در این حوزه انجام شده که بررسی تمامی آن‌ها کاری بسیار دشوار است؛ به همین دلیل با استفاده از کلیدواژه‌های جدول ۲، پژوهش‌های انجام شده مشخص شد تا بتوان در حجمی معقول از تعداد پژوهش‌ها و رسیدن به اشباع نظری، به شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در ارائه گزارش فساد پرداخت. جهت مطالعه پژوهش‌ها از پایگاه‌های داده‌های داخلی (همانند مرکز جهاد دانشگاهی، نورمگز، مگ ایران، سیویلیکا، گوگل اسکولار، تولیدات پژوهشی سازمان بازرسی کل کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس و غیره) و خارجی (وب‌آف ساینس، اسکوپوس، گوگل اسکولار و غیره) در بازه زمانی طولانی (۱۹۹۸ تا ۲۰۲۳ میلادی و ۱۳۸۶ تا ۱۴۰۲ شمسی) استفاده شد.

جدول ۲. کلیدواژه‌های جستجو

کلیدواژه‌ها	
انگلیسی	فارسی
Citizen participation and corruption	مشارکت مردم در گزارش فساد
Citizen participation and anti-corruption	
Citizen and whistleblowing	گزارش دهی مردمی فساد
Citizen and anti-corruption	
Citizen and corruption	

کلیدواژه‌ها	
انگلیسی	فارسی
Report corruption	گزارش دهی فساد
Reporting corruption	
Whistleblowing	افشاگری
Whistleblower	سوت‌زنی

باتوجه به جستجوهای انجام شده، ۳۸۲۰ پژوهش انجام شده باتوجه به کلیدواژه‌ها از منابع داخلی و خارجی حاصل شد. سپس پژوهش‌ها بر اساس عنوان، چکیده، محتوا، روش، سال انتشار، مشترک بودن و غیره پالایش شد و درنهایت، ۲۲۷۹ پژوهش جهت شناسایی عوامل مؤثر حاصل شد. سپس جهت حصول اطمینان از باکیفیت بودن مطالعات حاصل شده از برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی^۱ استفاده شد. در این مرحله، مطالعات باتوجه به معیارهای برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی، امتیازبندی شدند و مطالعاتی که امتیازشان کمتر از ۳۰ بود، از چرخه مطالعات کنار گذاشته شد. پس از حذف ۷ پژوهش که امتیازشان کمتر از ۳۰ بود؛ درنهایت، ۲۷۲ پژوهش برای بررسی نهایی و شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در ارائه گزارش فساد باقی ماند. سپس پژوهش‌های باقی مانده به دقت مورد مطالعه قرار گرفت و نتایج هرکدام از آن‌ها به همراه اطلاعات فردی و پژوهشی در برگه‌ای تحت عنوان فیش، ثبت شد. سپس موارد حاصل شده به دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در گام بعد، عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در ارائه گزارش فساد که از طریق مرور سیستماتیک پژوهش‌های پیشین به دست آمد، طبقه‌بندی شد. به‌گونه‌ای که عوامل حاصله در قالب شاخص در نظر گرفته شد و پس از آن، شاخص‌هایی که به یکدیگر نزدیک‌تر بودند در یک دسته جای گرفتند و مؤلفه‌ها را ایجاد کردند. نتیجه حاصله در جدول ۳ آورده شده است.

<p>لیبرمن و همکاران، ۲۰۲۲، نیکوز و همکاران، ۲۰۲۱، زانا و همکاران، ۲۰۱۵، شاور، ۲۰۱۱، پورصمیمی و همکاران، ۱۴۰۰، بولو و همکاران، ۱۴۰۰</p>	<p>خودکا آمدی</p>	<p>ویژگی های فردی</p>	<p>۱</p>
<p>ساریخانی و همکاران، ۲۰۲۲، نیکوز و همکاران، ۲۰۲۱، هادی و همکاران، ۲۰۲۰، منصور و همکاران، ۲۰۲۰، می - امی و همکاران، ۲۰۲۰، الازلی و همکاران، ۲۰۲۰، دانژان و همکاران، ۲۰۱۹، پوروانتو و همکاران، ۲۰۱۸، گوپتا و همکاران، ۲۰۱۷، کریس و همکاران، ۲۰۰۹، چپو، ۲۰۰۳، وکیلی و همکاران، ۱۴۰۱، پورصمیمی و همکاران، ۱۴۰۰، جهانگیری و همکاران، ۱۳۹۹، افشانی و همکاران، ۱۳۹۷</p>	<p>کانون کنترل درونی</p>		
<p>کلمنته و همکاران، ۲۰۲۳، آگوییلا، ۲۰۲۳، اسلام و همکاران، ۲۰۲۳، چلیاتسیدو و همکاران، ۲۰۲۳، ساریخانی و همکاران، ۲۰۲۲، نیکوز و همکاران، ۲۰۲۱، می - امی و همکاران، ۲۰۲۰، آسارکا، ۲۰۲۰، چوردیا و همکاران، ۲۰۲۰، والنتین و همکاران، ۲۰۱۹، پوروانتو و همکاران، ۲۰۱۸، آلبین و همکاران، ۲۰۱۷، واتس و همکاران، ۲۰۱۷، گائو و همکاران، ۲۰۱۷، یوسف و همکاران، ۲۰۱۶، زکریا، ۲۰۱۵، مارتیانوف، ۲۰۱۴، کینان، ۲۰۰۷، رای، ۲۰۰۶، مسمر - مگنوس و همکاران، ۲۰۰۵، چپو، ۲۰۰۳، عالی و همکاران، ۱۴۰۲، وکیلی و همکاران، ۱۴۰۱، توانگر زنجیر و همکاران، ۱۴۰۱، بولو و همکاران، ۱۳۹۹، پورصمیمی و همکاران، ۱۴۰۰، یثینی و همکاران، ۱۳۹۷، عارف، یاراحمدی و همکاران، ۱۳۹۹، جهانگیری و همکاران، ۱۳۹۹، فرهادی نژاد و همکاران، ۱۳۹۸، افشانی و همکاران، ۱۳۹۷، عارف، ۱۳۹۵، علینقیان و همکاران، ۱۳۹۵، ززندی و همکاران، ۱۳۹۴، ملک محمدی و همکاران، ۱۳۸۹، نجف پور، ۱۳۸۹، شفیغ زاده، ۱۳۸۹</p>	<p>هویت و بسترسازی اخلاقی</p>	<p>ویژگی های اخلاقی و معنوی (ارزشی)</p>	<p>۲</p>
<p>نیکوز و همکاران، ۲۰۲۱، الازلی و همکاران، ۲۰۲۰، حسین و همکاران، ۲۰۱۸، حاجیان و همکاران، ۱۴۰۲، عالی و همکاران، ۱۴۰۲، حیدرزاده و همکاران، ۱۴۰۰، یاراحمدی و همکاران، ۱۳۹۹، فرهادی نژاد و همکاران، ۱۳۹۸، خسروشاهی و همکاران، ۱۳۹۵</p>	<p>توجه به آموزه ها و اعتقادات دینی</p>		
<p>ارزشمندی افشاگری</p>			
<p>رابطه محور بودن جامعه و جمع گرایی (توجه به قومیت ها)</p>	<p>نیکی و همکاران، ۲۰۲۲، مک دونالد و همکاران، ۲۰۲۲، کلیونیز و همکاران، ۲۰۲۱، لوریس، ۲۰۱۴، چپو، ۲۰۰۳، پورصمیمی و همکاران، ۱۴۰۰</p>		

جدول ۳. طبقه‌بندی عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در ارائه گزارش فساد

منابع	شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	ردیف
نیكوزل و همكاران، ۲۰۲۱، خوانكي و همكاران، ۲۰۲۰، آرياس و همكاران، ۲۰۲۰، حسين و همكاران، ۲۰۱۸، پورواتنو و همكاران، ۲۰۱۸، گوپتا و همكاران، ۲۰۱۷، گاتو و همكاران، ۲۰۱۷، پانياثايندو، ۲۰۰۸، كينان، ۲۰۰۷، مسمر - مگنوس و همكاران، ۲۰۰۵، بولو و همكاران، ۲۰۰۰، پورصميمي و همكاران، ۲۰۰۰، جهانگيري و همكاران، ۱۳۹۹، نجف پور و همكاران، ۱۳۹۱	سن		
آساموا و همكاران، ۲۰۲۳، پريسماكويو و همكاران، ۲۰۲۲، تاورس و همكاران، ۲۰۲۱، نيكوزل و همكاران، ۲۰۲۱، مولنار و همكاران، ۲۰۲۰، ساكسنا، ۲۰۱۸، حسين و همكاران، ۲۰۱۸، پورواتنو و همكاران، ۲۰۱۸، چانگ و همكاران، ۲۰۱۷، گاتو و همكاران، ۲۰۱۷، گوپتا و همكاران، ۲۰۱۷، شاور، ۲۰۱۱، كايلان و همكاران، ۲۰۰۹، پانياثايندو، ۲۰۰۸، رهگ و همكاران، ۲۰۰۸، كينان، ۲۰۰۷، مسمر - مگنوس و همكاران، ۲۰۰۵، بولو و همكاران، ۲۰۰۰، پورصميمي و همكاران، ۲۰۰۰، جهانگيري و همكاران، ۱۳۹۹، نجف پور و همكاران، ۱۳۹۱	جنسيت		
كروز، ۲۰۲۳، نيكوزل و همكاران، ۲۰۲۱، خوانكي و همكاران، ۲۰۲۰، كارايانزا و همكاران، ۲۰۱۸، حسين و همكاران، ۲۰۱۸، والتون و همكاران، ۲۰۱۷، گوپتا و همكاران، ۲۰۱۷، پانياثايندو، ۲۰۰۸، كينان، ۲۰۰۷، مسمر - مگنوس و همكاران، ۲۰۰۵، بولو و همكاران، ۲۰۰۰، پورصميمي و همكاران، ۲۰۰۰، جهانگيري و همكاران، ۱۳۹۹، سيف زاده و همكاران، ۱۳۹۶	سطح تحصيلات	ويژگي هاي فردي	۱
باريابلا و همكاران، ۲۰۲۲، خوانكي و همكاران، ۲۰۲۰، سريواسناوا و همكاران، ۲۰۲۰، زيبوارو، ۱۹۹۹، پورصميمي و همكاران، ۲۰۰۰، نجف پور و همكاران، ۱۳۹۱	سطح درآمد		
آگويلا، ۲۰۲۳، كلمننه و همكاران، ۲۰۲۳، آكانتارا - ليزارگا و همكاران، ۲۰۲۲، كوپر، ۲۰۲۲، باريابلا و همكاران، ۲۰۲۲، نيكوزل و همكاران، ۲۰۲۱، گارسيا - گاليو و همكاران، ۲۰۲۰، منصور و همكاران، ۲۰۲۰، امي - امي و همكاران، ۲۰۲۰، پيترنگ، ۲۰۱۹، كارايانزا و همكاران، ۲۰۱۸، پورواتنو و همكاران، ۲۰۱۸، آيين و همكاران، ۲۰۱۷، اولووا و همكاران، ۲۰۱۷، گوپتا و همكاران، ۲۰۱۷، استامامي و همكاران، ۲۰۱۵، بريك و همكاران، ۲۰۱۵، پويسكو، ۲۰۱۴، لوريس، ۲۰۱۴، وب، ۲۰۱۳، مسمر - مگنوس و همكاران، ۲۰۰۵، زيبوارو، ۱۹۹۹، توانگر رنجر و همكاران، ۱۴۰۱، صيادقيادي و همكاران، ۱۴۰۰، پورصميمي و همكاران، ۲۰۰۰، جهانگيري و همكاران، ۱۳۹۹، خسروي، ۱۳۹۹، ياراحمدی و همكاران، ۱۳۹۹، بولو و همكاران، ۱۳۹۶، سيف زاده و همكاران، ۱۳۹۶، نجف پور و همكاران، ۱۳۹۱، رشیدی، ۱۳۸۹، شفيع زاده، ۱۳۸۹، نجف پور و همكاران، ۱۳۸۷	حس تعهد و مسئوليت پذيري		
نيكوزل و همكاران، ۲۰۲۱، مك لئود، ۲۰۲۱، گوپتا و همكاران، ۲۰۱۷، مسمر - مگنوس و همكاران، ۲۰۰۵، دريایی و همكاران، ۱۳۹۹، خسروشاهي و همكاران، ۱۳۹۵	اعتمادبه نفس و عزت نفس		

نظام قضایی مستقل و اثربخش (بی طرف و کارآمد)	باربایلا، ۲۰۲۳؛ باربایلا و همکاران، ۲۰۲۲؛ مک دونالد و همکاران، ۲۰۲۲؛ لوریس، ۲۰۱۴؛ زنونیکوگرو، ۲۰۰۲؛ یاراحمدی و همکاران، ۱۳۹۹؛ ززندی و همکاران، ۱۳۹۴؛ مقدسی و همکاران، ۱۳۹۰
شایسته‌سالاری	کوپر، ۲۰۲۲؛ کیاروسینو، ۲۰۲۱؛ الازبی و همکاران، ۲۰۲۰؛ اختر و همکاران، ۲۰۲۱؛ احمدی، ۱۴۰۰؛ یاراحمدی و همکاران، ۱۳۹۹؛ بهرامیان، ۱۳۹۸
نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد	کلمنته و همکاران، ۲۰۲۳؛ آریو و همکاران، ۲۰۲۳؛ شپاک و همکاران، ۲۰۲۲؛ هارت و همکاران، ۲۰۲۲؛ کیاروسینو، ۲۰۲۱؛ اولوراجو و همکاران، ۲۰۲۱؛ خوانکی و همکاران، ۲۰۲۰؛ اسکوریک، ۲۰۱۹؛ کاربایزا و همکاران، ۲۰۱۸؛ کاماج، ۲۰۱۶؛ لوریس، ۲۰۱۴؛ شانز، ۲۰۱۳؛ فونس و همکاران، ۲۰۰۴؛ حاجیان و همکاران، ۱۴۰۲؛ تسلیمی و همکاران، ۱۳۹۶؛ نواده توپچی و همکاران، ۱۴۰۱؛ احمدی، ۱۴۰۰؛ یاراحمدی و همکاران، ۱۳۹۹؛ رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹؛ آرادمهر و همکاران، ۱۳۹۶؛ ززندی و همکاران، ۱۳۹۴؛ نجف‌پور و همکاران، ۱۳۹۱؛ مقدسی و همکاران، ۱۳۹۰؛ کمالی، ۱۳۹۰؛ رشیدی، ۱۳۸۹؛ نجف‌پور، ۱۳۸۹؛ نجف‌پور و همکاران، ۱۳۸۷؛ و همکاران، ۱۳۸۷؛ دهنیم، ۱۳۸۷؛ معصومی، ۱۳۸۶
جایگاه فرد متخلف	نیکولز و همکاران، ۲۰۲۱؛ چانگ و همکاران، ۲۰۱۷؛ گائو و همکاران، ۲۰۱۷؛ گویتا و همکاران، ۲۰۱۷؛ وکیلی و همکاران، ۱۴۰۱؛ توانگر زنجیر و همکاران، ۱۴۰۱؛ پورصمیمی و همکاران، ۱۴۰۰؛ افشانی و همکاران، ۱۳۹۷؛ علیقتیان و همکاران، ۱۳۹۵
نوع و اندازه تخلف (شدت)	خان و همکاران، ۲۰۲۲؛ نیکولز و همکاران، ۲۰۲۱؛ هاردی و همکاران، ۲۰۲۰؛ والبتین و همکاران، ۲۰۱۹؛ آندون و همکاران، ۲۰۱۸؛ گانگ و همکاران، ۲۰۱۷؛ گویتا و همکاران، ۲۰۱۷؛ رهگ و همکاران، ۲۰۰۸؛ مسمر - مگنوس و همکاران، ۲۰۰۵؛ وکیلی و همکاران، ۱۴۰۱؛ توانگر زنجیر و همکاران، ۱۴۰۱؛ پورصمیمی و همکاران، ۱۴۰۰؛ افشانی و همکاران، ۱۳۹۷
حکمرانی خوب	دالان و همکاران، ۲۰۱۹؛ کاربایزا و همکاران، ۲۰۱۸؛ یوسف و همکاران، ۲۰۱۶؛ لوریس، ۲۰۱۴؛ پانیااراتا پندو، ۲۰۰۸؛ یاراحمدی و همکاران، ۱۳۹۹؛ محمودی و همکاران، ۱۳۹۲؛ نجف‌پور، ۱۳۸۹؛ ملک محمدی و همکاران، ۱۳۸۹؛ خیره، ۱۳۸۸؛ کمالی، ۱۳۸۸

منابع	شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	ردیف
کورز، ۲۰۲۳، مک‌دونالد و همکاران، ۲۰۲۲، بینه و همکاران، ۲۰۲۲، لی، ۲۰۲۱، نیکولز و همکاران، ۲۰۲۱، گرین وود، ۲۰۲۰، وکیلی و همکاران، ۲۰۲۰، پورصمیمی و همکاران، ۲۰۲۰، یاراحمدی و همکاران، ۲۰۱۹	عدالت	ویرگی‌های اخلاقی و معنوی (ارزشی)	۲
کاستنا، ۲۰۱۹، نوتاری، ۲۰۱۷، اصلانوف، ۲۰۱۶، محسنی، ۱۴۰۰، رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹، دلیرپور، ۱۳۸۹، کمالی، ۱۳۸۸	آزادی بیان		
الازابی و همکاران، ۲۰۱۰، فوکس، ۲۰۱۵، حاجیان و همکاران، ۱۴۰۲، سیف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶، باباحمدی، ۱۳۹۴، کمالی، ۱۳۸۸	وجود بستر نظارت همگانی (عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر)		
کاهش بوروکراسی و ساده‌سازی فرایند (طولانی نبودن مسیر و تسهیل مشارکت شهروندان)			
فاجیمی و همکاران، ۲۰۲۳، ابراهیمی و همکاران، ۲۰۲۳، کنیازف، ۲۰۲۳، آدام و همکاران، ۲۰۲۱، نیکولز و همکاران، ۲۰۲۱، چن، ۲۰۱۸، استرانزد و همکاران، ۲۰۱۷، گلیگا و همکاران، ۲۰۱۲، یاراحمدی و همکاران، ۱۳۹۹، عارف، ۱۳۹۵	محیط پاک و سالم	ویرگی‌های ساختاری	۳
عزم جدی و اراده سیاسی مسئولین برای مهار و مقابله با فساد			
کورز، ۲۰۲۳، ماننزریس، ۲۰۱۵، لوریس، ۲۰۱۴، میسلی و همکاران، ۲۰۰۹، مسمر - مگنوس و همکاران، ۲۰۰۵، وکیلی و همکاران، ۱۴۰۱، یقینی و همکاران، ۱۴۰۰، یاراحمدی و همکاران، ۱۳۹۹، کمالی، ۱۳۹۰	هاجدو و همکاران، ۲۰۱۸، ماننزریس، ۲۰۱۵، زانا و همکاران، ۲۰۱۵		

<p>باربارا، ۲۰۲۳، کلمنته و همکاران، ۲۰۲۳، ساگار و همکاران، ۲۰۲۱، آسارکا، ۲۰۲۰، کاستا، ۲۰۱۹، بوما و همکاران، ۲۰۱۹، کارابازا و همکاران، ۲۰۱۸، اسکینل، ۲۰۱۸، چانگ و همکاران، ۲۰۱۷، استراند و همکاران، ۲۰۱۷، نوتاری، ۲۰۱۷، مانفريد - سانچز و همکاران، ۲۰۱۷، اصلانوف، ۲۰۱۶، کاماج، ۲۰۱۶، دی بارسلوس و همکاران، ۲۰۱۵، چت فیلد و همکاران، ۲۰۱۳، وب، ۲۰۱۳، گلیگا و همکاران، ۲۰۱۲، دارچ و همکاران، ۲۰۱۰، زمانویکوا، ۲۰۰۲، زیپارو، ۱۹۹۹، عالی و همکاران، ۱۴۰۲، محسنی، ۱۴۰۰، احمدی، ۱۴۰۰، پورصمیمی و همکاران، ۱۴۰۰، کاوانی و همکاران، ۱۳۹۹، رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹، شفیعی و همکاران، ۱۳۹۸، خسروانی، ۱۳۹۷، ناصری، ۱۳۹۶، میرکمالی و همکاران، ۱۳۹۵، زرنندی و همکاران، ۱۳۹۴، رفایی و همکاران، ۱۳۹۳، نجف پور و همکاران، ۱۳۹۱، مقدسی و همکاران، ۱۳۹۰، دلیرپور، ۱۳۸۹، رشیدی، ۱۳۸۹، نجف پور، ۱۳۸۹، ملک محمدی و همکاران، ۱۳۸۹، نجف پور و همکاران، ۱۳۸۸، نجف پور و همکاران، ۱۳۸۷، دهیهم، ۱۳۸۷، معصومی، ۱۳۸۶</p>	<p>دسترسی به اطلاعات (قانون آزادی اطلاعات)</p>	<p>شفافیت (در معرض عموم بودن و ارائه گزارش های منظم از مبارزه با فساد)</p>	<p>۴</p>
<p>ابراهیمی و همکاران، ۲۰۲۳، عالم و همکاران، ۲۰۲۳، فورتیونی و همکاران، ۲۰۲۳، آگوتیلرا، ۲۰۲۳، چلیاتسید و همکاران، ۲۰۲۳، بینه و همکاران، ۲۰۲۲، کیاروسینو، ۲۰۲۱، اولارواجو و همکاران، ۲۰۲۱، آدم و همکاران، ۲۰۲۱، گارسینا - گالیو و همکاران، ۲۰۲۰، دنیلز و همکاران، ۲۰۲۰، بومبا و همکاران، ۲۰۱۹، کوهلر، ۲۰۱۹، لیریو و همکاران، ۲۰۱۸، اسکینل، ۲۰۱۸، ولوسوا و همکاران، ۲۰۱۶، مولیدی، ۲۰۱۶، فزیرا، ۲۰۱۷، استراند و همکاران، ۲۰۱۷، موندلین و همکاران، ۲۰۱۶، ژانوتیکس و همکاران، ۲۰۱۶، اصلانوف، ۲۰۱۶، کوبه، ۲۰۱۷، فزیرا، ۲۰۱۷، استراند و همکاران، ۲۰۱۵، دی بارسلوس و همکاران، ۲۰۱۵، مانتراریس، ۲۰۱۵، فیلد و همکاران، ۲۰۱۳، وب، ۲۰۱۳، آرنولد، ۲۰۱۲، گلیگا و همکاران، ۲۰۱۲، پارک و همکاران، ۲۰۱۱، کیم، ۲۰۱۰، زمانویکوا، ۲۰۰۲، عالی و همکاران، ۱۴۰۰، محسنی، ۱۴۰۰، کاوانی و همکاران، ۱۳۹۹، رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹، یارا احمدی و همکاران، ۱۳۹۹، بشیری و همکاران، ۱۴۰۰، خسروانی، ۱۳۹۸، خسران، ۱۳۹۷، آرادمهر و همکاران، ۱۳۹۶، ناصری، ۱۳۹۶، میرکمالی و همکاران، ۱۳۹۵، زرنندی و همکاران، ۱۳۹۴، نجف پور و همکاران، ۱۳۹۱، مقدسی و همکاران، ۱۳۹۰، کمالی، ۱۳۹۰، رشیدی، ۱۳۸۹، نجف پور، ۱۳۸۹، شفیعی زاده، ۱۳۸۹، کمالی، ۱۳۸۸، نجف پور و همکاران، ۱۳۸۷، دهیهم، ۱۳۸۷</p>	<p>وجود شواهد و مدارک کافی (اثبات پذیری راحت تر)</p>	<p>ویژگی های قانونی</p>	<p>۴</p>
<p>نیکولز و همکاران، ۲۰۲۱، گانو و همکاران، ۲۰۱۷، برینک و همکاران، ۲۰۱۵، برینک و همکاران، ۲۰۱۳، مسمر - مگنوس و همکاران، ۲۰۰۵، زیپارو، ۱۹۹۹، عالی و همکاران، ۱۴۰۲، پورصمیمی و همکاران، ۱۴۰۰، سیف زاده و همکاران، ۱۳۹۶، پولو و همکاران، ۱۳۹۶</p>	<p>وجود شواهد و مدارک کافی (اثبات پذیری راحت تر)</p>	<p>ویژگی های قانونی</p>	<p>۴</p>

منابع	شاخص ها	مؤلفه ها	ردیف
ابراهیمی و همکاران، ۲۰۲۳، عالم و همکاران، ۲۰۲۳، چلیاتسید و همکاران، ۲۰۲۳، آکانتارا - لیزارگا و همکاران، ۲۰۲۲، ژوموفن و همکاران، ۲۰۲۲، بینه و همکاران، ۲۰۲۲، پردو و همکاران، ۲۰۲۱، کیاروسو، ۲۰۲۱، اولواجو و همکاران، ۲۰۲۱، ساگار و همکاران، ۲۰۲۱، آدام و همکاران، ۲۰۲۱، گاریسا - گالیو و همکاران، ۲۰۲۰، لی، ۲۰۲۰، کوهلر، ۲۰۱۹، بومبا و همکاران، ۲۰۱۹، دلان و همکاران، ۲۰۱۹، لیرویو و همکاران، ۲۰۱۸، اسکینل، ۲۰۱۸، فریرا، ۲۰۱۷، کوبه، ۲۰۱۷، موندلین و همکاران، ۲۰۱۶، ژازوکیس و همکاران، ۲۰۱۶، فوکس، ۲۰۱۵، استاماتی و همکاران، ۲۰۱۵، مانتزاریس، ۲۰۱۵، شاتر، ۲۰۱۳، آرنولد، ۲۰۱۲، اسپوزیتو و همکاران، ۲۰۰۹، بشیری و همکاران، ۲۰۰۹، یاراحمدی و همکاران، ۱۳۹۹، رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹، شفیع و همکاران، ۱۳۹۸، رستگار و همکاران، ۱۳۹۸، آردمهر و همکاران، ۱۳۹۶، زندی و همکاران، ۱۳۹۴، نجف پور و همکاران، ۱۳۹۱، مقدسی و همکاران، ۱۳۹۰، کمالی، ۱۳۹۰، رشیدی، ۱۳۸۹، شفیع زاده، ۱۳۸۸، کمالی، ۱۳۸۸، نجف پور و همکاران، ۱۳۸۷، دیهیم، ۱۳۸۷	پاسخگویی	ویژگی های ساختاری	۳
کیاروسو، ۲۰۲۱، آریاس و همکاران، ۲۰۲۰، کاستا، ۲۰۱۹، نوریس، ۲۰۱۹، نقاری، ۲۰۱۷، فزاده توپچی و همکاران، ۱۴۰۱، پورصمیمی و همکاران، ۱۴۰۰، آردمهر و همکاران، ۱۳۹۶، ملک محمدی و همکاران، ۱۳۸۹، شفیع زاده، ۱۳۸۹	تدوین صحیح حقوق شهروندی (منشور شهروندی)		
ابراهیمی و همکاران، ۲۰۲۳، لویا چارین و همکاران، ۲۰۲۰، مولنار و همکاران، ۲۰۲۰، دارچ و همکاران، ۲۰۱۰، پورصمیمی و همکاران، ۱۴۰۰، رستگار و همکاران، ۱۳۹۸، شفیع و همکاران، ۱۳۹۸، رفاعی و همکاران، ۱۳۹۳، کمالی، ۱۳۹۰، دیهیم، ۱۳۸۷	تفویض اختیار و آزادی عمل		
مک دونالد و همکاران، ۲۰۲۲، بینه و همکاران، ۲۰۲۲، لی، ۲۰۲۱، اسکینل، ۲۰۱۸، مانتزاریس، ۲۰۱۵، عالی و همکاران، ۱۴۰۲، رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹، یاراحمدی و همکاران، ۱۳۹۰، کمالی، ۱۳۹۰، پورصمیمی و همکاران، ۱۳۹۸، رشیدی، ۱۳۸۹، نجف پور، ۱۳۸۹	حاکمیت قانون	ویژگی های قانونی	۴
فاگیمی و همکاران، ۲۰۲۳، آگویرا، ۲۰۲۳، آروبو و همکاران، ۲۰۲۳، نیکولز و همکاران، ۲۰۲۱، گیبیس، ۲۰۲۰، چوردیا و همکاران، ۲۰۲۰، کاستا، ۲۰۱۹، دانگی و همکاران، ۲۰۱۷، پوپسکو، ۲۰۱۵، جوتل و همکاران، ۲۰۱۴، کینان، ۲۰۰۷، زمانوکیو، ۲۰۰۵، پورصمیمی و همکاران، ۱۴۰۰	تدوین قوانین جامع افشاگری در کشور (خط مشی و چهارچوب قانونی مشخص)		

<p>کنیازف، ۲۰۲۳، چلیاتسیدو و همکاران، ۲۰۲۳، نیکولز و همکاران، ۲۰۲۱، لازابی و همکاران، ۲۰۲۰، تانکبه، ۲۰۱۹، مسمر - مگنوس و همکاران، ۲۰۰۵، وکیلی و همکاران، ۱۴۰۱، احمدی، ۱۴۰۰، یاراحمدی و همکاران، ۱۳۹۹، طاهری، ۱۳۹۷، سیف‌زاده، ۱۳۹۷، آرادمهر و همکاران، ۱۳۹۶، سیف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶، زرنزی و همکاران، ۱۳۹۴، کمالی، ۱۳۹۰، رشیدی، ۱۳۸۹، نجف‌پور و همکاران، ۱۳۸۷</p>	<p>برخورد و مجازات مفسدان و متخلفان</p>	<p>ویژگی‌های انگیزشی</p>	<p>۵</p>
<p>کیاروسو، ۲۰۲۱، باتلر و همکاران، ۲۰۲۰، چن، ۲۰۱۸، مولیدی، ۲۰۱۶، عالی و همکاران، ۱۴۰۲، پورصمیمی و همکاران، ۱۴۰۰، سیف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶، آرادمهر و همکاران، ۱۳۹۶</p>	<p>رسیدگی و اهمیت دادن به شکایات و گزارش‌های مردمی</p>	<p>ویژگی‌های ارتباطی و اطلاعاتی</p>	<p>۶</p>
<p>ما و همکاران، ۲۰۲۲، باتلر و همکاران، ۲۰۲۰، آساوا، ۲۰۲۰، گانگ و همکاران، ۲۰۱۷، کوبه، ۲۰۱۷، کیم، ۲۰۱۶، پارک و همکاران، ۲۰۱۰، کیم، ۲۰۱۱</p>	<p>رضایت از تلاش‌های ضدفساد دولت</p>	<p>ویژگی‌های ارتباطی و اطلاعاتی</p>	<p>۶</p>
<p>کاس و همکاران، ۲۰۲۲، ژوموفن و همکاران، ۲۰۲۲، مک‌دونالد و همکاران، ۲۰۲۲، آدام و همکاران، ۲۰۲۱، ساگار و همکاران، ۲۰۲۱، نیکولز و همکاران، ۲۰۲۱، لولاچارین و همکاران، ۲۰۲۰، مولنار و همکاران، ۲۰۲۰، اسکینل، ۲۰۱۸، نوتاری، ۲۰۱۷، کیم، ۲۰۱۶، فوکس، ۲۰۱۵، دی بارسلوس و همکاران، ۲۰۱۵، وب، ۲۰۱۳، وینترز و همکاران، ۲۰۱۳، گلیگا و همکاران، ۲۰۱۲، گلیگا و همکاران، ۲۰۱۲، سوو و همکاران، ۲۰۱۰</p>	<p>ارتباطات دو طرفه بین بخش دولتی و شهروندان</p>	<p>ویژگی‌های ارتباطی و اطلاعاتی</p>	<p>۶</p>
<p>ابراهیمی و همکاران، ۲۰۲۳، بینهداب و همکاران، ۲۰۲۲، اولازوجو و همکاران، ۲۰۲۱، خوانکی و همکاران، ۲۰۲۰، روساکروا و همکاران، ۲۰۲۰، مولنار و همکاران، ۲۰۲۰، کاستا، ۲۰۱۹، اسکوریک، ۲۰۱۹، مونسابه، ۲۰۱۸، واتس و همکاران، ۲۰۱۷، کاماج، ۲۰۱۶، استاماتی و همکاران، ۲۰۱۵، دی بارسلوس و همکاران، ۲۰۱۵، لوریس، ۲۰۱۴، چت فیلد و همکاران، ۲۰۱۳، آرنولد، ۲۰۱۲، لی و همکاران، ۲۰۱۱، احمدی، ۱۴۰۰، یقینی و همکاران، ۱۴۰۰، یاراحمدی و همکاران، ۱۳۹۹، عارف، ۱۳۹۷، سیف‌زاده، ۱۳۹۷، نادری ملک‌شاه، ۱۳۹۳، مقدسی و همکاران، ۱۳۹۰، کمالی، ۱۳۹۰، ملک محمدی و همکاران، ۱۳۸۹، کمالی، ۱۳۸۸، دیهیم، ۱۳۸۷، معصومی، ۱۳۸۶</p>	<p>تقویت و تجهیز رسانه‌های</p>	<p>ویژگی‌های ارتباطی و اطلاعاتی</p>	<p>۶</p>

منابع	شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	ردیف
<p>فاکیمی و همکاران، ۲۰۲۳، کلمته و همکاران، ۲۰۲۳، آروبو و همکاران، ۲۰۲۳، پیفر و همکاران، ۲۰۲۲، بیبلی و همکاران، ۲۰۲۲، پریساکورا و همکاران، ۲۰۲۲، تاورس و همکاران، ۲۰۲۱، پردو و همکاران، ۲۰۲۱، اختر و همکاران، ۲۰۲۱، لاتان و همکاران، ۲۰۲۱، دی و همکاران، ۲۰۲۱، سورنسن و همکاران، ۲۰۲۰، لاتان و همکاران، ۲۰۱۹، سو و همکاران، ۲۰۱۸، ولوسو و همکاران، ۲۰۱۸، واتس و همکاران، ۲۰۱۷، فوکس، ۲۰۱۵، چو و همکاران، ۲۰۱۵، برینک و همکاران، ۲۰۱۳، تزانگر زنجیر و همکاران، ۲۰۱۸، محسنی، ۱۴۰۰، رستمی و همکاران، ۱۳۹۷، قاسمی و همکاران، ۱۳۹۶، برنیان و همکاران، ۱۳۹۶</p>	<p>ایجاد و تقویت انگیزه گزارش‌دهی (نظام انگیزشی)</p>		
<p>هوگیبک، ۲۰۲۳، کنیازف، ۲۰۲۳، ژو و همکاران، ۲۰۲۳، ویان و همکاران، ۲۰۲۲، بیبلی و همکاران، ۲۰۲۲، لاتان و همکاران، ۲۰۲۱، دی و همکاران، ۲۰۲۱، نیکلز و همکاران، ۲۰۲۱، چاپکین، ۲۰۲۰، هادی و همکاران، ۲۰۲۰، باتلر و همکاران، ۲۰۲۰، سورنسن و همکاران، ۲۰۲۰، دالان و همکاران، ۲۰۱۹، اسکوریبک، ۲۰۱۹، لاتان و همکاران، ۲۰۱۹، رزو و همکاران، ۲۰۱۸، آندون و همکاران، ۲۰۱۸، لاتان و همکاران، ۲۰۱۸، چن، ۲۰۱۸، زایت، ۲۰۱۷، الین و همکاران، ۲۰۱۷، فریرا، ۲۰۱۷، گاتو و همکاران، ۲۰۱۷، مولیدی، ۲۰۱۶، کوپر، ۲۰۱۵، مانتزاریس، ۲۰۱۵، چو و همکاران، ۲۰۱۵، پوپسکو، ۲۰۱۵، وردچی و همکاران، ۲۰۱۵، برینک و همکاران، ۲۰۱۵، میخائیلوف، ۲۰۱۴، برینک و همکاران، ۲۰۱۳، لی و همکاران، ۲۰۱۱، میسلی و همکاران، ۲۰۰۹، یاواس، ۲۰۰۷، فانوس و همکاران، ۲۰۰۴، زیبارو، ۱۹۹۹، عالی و همکاران، ۱۹۹۲، مرکزالمیری و همکاران، ۱۴۰۱، تزانگر زنجیر و همکاران، ۱۴۰۱، کرمی و همکاران، ۱۴۰۰، پورصیمی و همکاران، ۱۴۰۰، احمدی، ۱۴۰۰، یاراحمدی و همکاران، ۱۳۹۹، فرهادی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۸، رستمی و همکاران، ۱۳۹۷، قاسمی و همکاران، ۱۳۹۷، طاهرخانی و همکاران، ۱۳۹۷، قاسمی و همکاران، ۱۳۹۶، برنیان و همکاران، ۱۳۹۶</p>	<p>گزارش دهندگان تشویق و پاداش دهی (مزایا) به آنان</p>		۵
<p>فردریش و همکاران، ۲۰۲۳، چلیاتسیدو و همکاران، ۲۰۲۳، ون واینبرگه و همکاران، ۲۰۲۱، لی و همکاران، ۲۰۲۱، نیکلز و همکاران، ۲۰۲۱، اختر و همکاران، ۲۰۲۱، کیس، ۲۰۲۰، چاپکین، ۲۰۲۰، چوردیا و همکاران، ۲۰۲۰، نورس، ۲۰۱۹، دالان و همکاران، ۲۰۱۹، ولوسو و همکاران، ۲۰۱۸، الحیدر، ۲۰۱۸، چن، ۲۰۱۸، میرجانیچ و همکاران، ۲۰۱۷، چانگ و همکاران، ۲۰۱۷، آیین و همکاران، ۲۰۱۷، گوپتا و همکاران، ۲۰۱۷، کوبه، ۲۰۱۷، دانگی و همکاران، ۲۰۱۷، موندلین و همکاران، ۲۰۱۶، میرجانیچ و همکاران، ۲۰۱۶، پوپسکو، ۲۰۱۵، چو و همکاران، ۲۰۱۵، مانتزاریس، ۲۰۱۵، لیو و همکاران، ۲۰۱۵، میخائیلوف، ۲۰۱۴، لی و همکاران، ۲۰۱۱، اسکودلاری، ۲۰۱۱، رهگ و همکاران، ۲۰۰۸، مسمر - مگنوس و همکاران، ۲۰۰۵، فانوس و همکاران، ۲۰۰۴، زیبارو، ۱۹۹۹، عالی و همکاران، ۲۰۰۲، محمدزاده و همکاران، ۲۰۰۱، وکیلی و همکاران، ۲۰۰۱، تزانگر زنجیر و همکاران، ۲۰۰۱، سپهوند و همکاران، ۱۴۰۰، محسنی، ۱۴۰۰، بولو و همکاران، ۱۴۰۰، پورصیمی و همکاران، ۱۴۰۰، خسروی، ۱۳۹۹، یاراحمدی و همکاران، ۱۳۹۹، شفیع و همکاران، ۱۳۹۸، فرهادی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۸، طاهرخانی و همکاران، ۱۳۹۷، رستمی و همکاران، ۱۳۹۷، قاسمی و همکاران، ۱۳۹۷، سیف‌زاده، ۱۳۹۷، باقری، ۱۳۹۷، آزاد مهر و همکاران، ۱۳۹۶، قاسمی و همکاران، ۱۳۹۶، برنیان و همکاران، ۱۳۹۶، سیف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶، میرکمالی و همکاران، ۱۳۹۵، کریمی، ۱۳۹۵، علی‌نقیان و همکاران، ۱۳۹۵، عارف، ۱۳۹۵، سپه‌سرا، ۱۳۹۴، دلیریپور، ۱۳۸۹، نجف‌پور و همکاران، ۱۳۸۷، معصومی، ۱۳۸۶</p>	<p>حمایت و پشتیبانی از گزارش دهندگان</p>		

<p>کلمنته و همکاران، ۲۰۲۳، ژنو و همکاران، ۲۰۲۳، فردریش و همکاران، ۲۰۲۳، چلیاتسیدو و همکاران، ۲۰۲۳، آروبو و همکاران، ۲۰۲۳، الشویکی و همکاران، ۲۰۲۲، خان و همکاران، ۲۰۲۲، تاروس و همکاران، ۲۰۲۱، ون واینبرگ و همکاران، ۲۰۲۱، آمبلر و همکاران، ۲۰۲۱، لاتان و همکاران، ۲۰۲۱، نیکولز و همکاران، ۲۰۲۱، گیبس، ۲۰۲۰، چایکین، ۲۰۲۰، آسازکا، ۲۰۲۰، چوردیا و همکاران، ۲۰۲۰، پچتوگ، ۲۰۲۰، نوریس، ۲۰۱۹، الحیدر، ۲۰۱۸، لاتان و همکاران، ۲۰۱۸، آلبین و همکاران، ۲۰۱۷، اولادینزین و همکاران، ۲۰۱۷، گلداسمیت و همکاران، ۲۰۱۶، میرچانیچ و همکاران، ۲۰۱۶، پسیک، ۲۰۱۶، مولیدی، ۲۰۱۶، چو و همکاران، ۲۰۱۵، کویپر، ۲۰۱۵، مانترایس، ۲۰۱۵، بوداک و همکاران، ۲۰۱۲، لی و همکاران، ۲۰۱۲، وکیلی و همکاران، ۲۰۱۱، رهگ و همکاران، ۲۰۰۸، پارک و همکاران، ۲۰۰۸، مسمر - مگنوس و همکاران، ۲۰۰۵، عالی و همکاران، ۲۰۰۴، کاسمی و همکاران، ۱۴۰۱، محسنی، ۱۴۰۰، پورصمیمی و همکاران، ۱۴۰۰، رسگار و همکاران، ۱۳۹۸، آردمهر و همکاران، ۱۳۹۶، قاسمی و همکاران، ۱۳۹۶، ناصری، ۱۳۹۶، برزینان و همکاران، ۱۳۹۶، سیف زاده و همکاران، ۱۳۹۵، سپهسرا، ۱۳۹۵، نجف پور، ۱۳۸۹، ۱۳۸۷</p>	<p>تأمین امنیت و حفاظت از گزارش دهندگان (جهت جلوگیری از اقدام علیه آن‌ها)</p>	<p>ویژگی های امنیتی</p>	<p>۷</p>
<p>فگیمی و همکاران، ۲۰۲۳، پریشوم و همکاران، ۲۰۲۱، کوبه، ۲۰۱۷</p>	<p>تقویت سازمان های ضد فساد</p>		
<p>نیکولز و همکاران، ۲۰۲۱، نشکورا و همکاران، ۲۰۱۹، گوتیا و همکاران، ۲۰۱۷، آلبین و همکاران، ۲۰۱۷، گلداسمیت و همکاران، ۲۰۱۶، چو و همکاران، ۲۰۱۵، کپلان و همکاران، ۲۰۰۹</p>	<p>ادراک هزینه های فساد</p>		
<p>کروز، ۲۰۲۳، یاسون، باربابلا، ۲۰۲۳، چلیاتسیدو و همکاران، ۲۰۲۳، امینی و همکاران، ۲۰۲۲، شپاک و همکاران، ۲۰۲۲، باربابلا و همکاران، ۲۰۲۲، بیژلی و همکاران، ۲۰۲۲، مک دونالد و همکاران، ۲۰۲۲، منا، ۲۰۲۲، باکوس و همکاران، ۲۰۲۲، وان دی وال و همکاران، ۲۰۲۲، کاس و همکاران، ۲۰۲۲، بوندازف و همکاران، ۲۰۲۲، کامبریزس و همکاران، ۲۰۱۹، اسکوریک، ۲۰۱۹، نشکورا و اختر و همکاران، ۲۰۲۱، لولاچارین و همکاران، ۲۰۲۰، آسازکا، ۲۰۲۰، کامبریزس و همکاران، ۲۰۱۹، اسکوریک، ۲۰۱۹، نشکورا و همکاران، ۲۰۱۹، اینگرامز و همکاران، ۲۰۱۹، ویلچس، ۲۰۱۸، گانگ و همکاران، ۲۰۱۷، والتون و همکاران، ۲۰۱۷، کوبه، ۲۰۱۷، بیوسف و همکاران، ۲۰۱۶، کیم، ۲۰۱۶، مانزین و همکاران، ۲۰۱۵، چت فیلد و همکاران، ۲۰۱۲، بوداک و همکاران، ۲۰۱۲، گلیگا و همکاران، ۲۰۱۲، پارک و همکاران، ۲۰۱۱، کیم، ۲۰۱۰، پانیااراتابندو، ۲۰۰۸، عالی و همکاران، ۲۰۰۴، وکیلی و همکاران، ۲۰۰۴، احمدی، ۱۴۰۰، پورصمیمی و همکاران، ۱۴۰۰، رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹، خسروی، ۱۳۹۹، یاراحمدی و همکاران، ۱۳۹۹، شفیع و همکاران، ۱۳۹۸، ناصری، ۱۳۹۶، سیف زاده و همکاران، ۱۳۹۶، علیقتیان و همکاران، ۱۳۹۵، بابامحمدی، ۱۳۹۴، کمالی، ۱۳۹۰، ملک محمدی و همکاران، ۱۳۸۹، رشیدی، ۱۳۸۹، کمالی، ۱۳۸۸</p>	<p>اعتماد عمومی</p>	<p>ویژگی های آموزشی و فرهنگی</p>	<p>۸</p>

منابع	شخص‌ها	مؤلفه‌ها	ردیف
کلمنته و همکاران، ۲۰۲۳، فورتینو و همکاران، ۲۰۲۳، ویان و همکاران، ۲۰۲۲، بوندارف و همکاران، ۲۰۲۲، نیکولز و همکاران، ۲۰۲۱، آریاس و همکاران، ۲۰۲۰، مولنار و همکاران، ۲۰۲۰، باتلر و همکاران، ۲۰۲۰، سورنسن و همکاران، ۲۰۲۰، لویوسو و همکاران، ۲۰۱۸، فریرا، ۲۰۱۷، گائو و همکاران، ۲۰۱۷، گلداسمیت و همکاران، ۲۰۱۶، زانا و همکاران، ۲۰۱۵، گائو و همکاران، ۲۰۱۵، سوه و همکاران، ۲۰۱۰، مسمر - مگنوس و همکاران، ۲۰۰۵، زیپارو، ۱۹۹۹، مرکومالمیری و همکاران، ۱۴۰۱، صیادقبادی و همکاران، ۱۴۰۰، پورصمیمی و همکاران، ۱۴۰۰، طاهری، ۱۳۹۷، سیف‌زاده، ۱۳۹۷، پرنیان و همکاران، ۱۳۹۶، سیف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶، میرکمالی و همکاران، ۱۳۹۵، علیقلیان و همکاران، ۱۳۹۵، کمالی، ۱۳۹۰	ایجاد سامانه جامع و لین گزارش دهی (مکانیسم‌ها و کانال‌های گزارش دهی)		
ابراهیمی و همکاران، ۲۰۲۳، عالم و همکاران، ۲۰۲۳، کاس و همکاران، ۲۰۲۲، بووما و همکاران، ۲۰۱۹، ساکسنا، ۲۰۱۸، سربوستانوا و همکاران، ۲۰۱۶، زانا و همکاران، ۲۰۱۵، دی بارسولوس و همکاران، ۲۰۱۵، یاراحمدی و همکاران، ۱۳۹۷، جعفری، ۱۳۹۷، حق شناس، ۱۳۹۷، طاهری، ۱۳۹۷، عارف، ۱۳۹۷، کاشانی موحدا، ۱۳۹۷، خسروانی، ۱۳۹۷، دلپریور، ۱۳۸۸	دولت الکترونیک	ویژگی‌های ارتباطی و اطلاعاتی	۶
دوتیس و همکاران، ۲۰۲۳، لاتان و همکاران، ۲۰۲۱، مانفرد - سانچز و همکاران، ۲۰۱۷، تسلیمی و همکاران، ۱۴۰۲، بشیری و همکاران، ۱۴۰۰، پورنقلدی و همکاران، ۱۳۹۳	شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی		
ابراهیمی و همکاران، ۲۰۲۳، فورتینو و همکاران، ۲۰۲۳، ژومفون و همکاران، ۲۰۲۲، اولواوچو و همکاران، ۲۰۲۱، ساگار و همکاران، ۲۰۲۱، سیلال و همکاران، ۲۰۲۱، آدام و همکاران، ۲۰۲۱، آساوکا، ۲۰۲۰، بووما و همکاران، ۲۰۱۹، هوندی، ۲۰۱۹، موتسایه، ۲۰۱۸، کارابازا و همکاران، ۲۰۱۸، میرجانچ و همکاران، ۲۰۱۷، والر، ۲۰۱۷، استراند و همکاران، ۲۰۱۷، اولادیرین و همکاران، ۲۰۱۷، سربوستانوا و همکاران، ۲۰۱۶، دی بارسولوس و همکاران، ۲۰۱۵، جوتل و همکاران، ۲۰۱۴، وب، ۲۰۱۳، سوه و همکاران، ۲۰۱۰، فانوس و همکاران، ۲۰۰۴، مرکومالمیری و همکاران، ۱۴۰۱، حسین آبادی و همکاران، ۱۳۹۹، یاراحمدی و همکاران، ۱۳۹۹، مهدوی فر، ۱۳۹۷، ملک محمدی و همکاران، ۱۳۸۹	فناوری اطلاعات و ارتباطات (وسایل الکترونیکی پیشرفته)		
هوگیک، ۲۰۲۳، ژو و همکاران، ۲۰۲۳، ویان و همکاران، ۲۰۲۲، پرویتالی و همکاران، ۲۰۲۲، بانگ و همکاران، ۲۰۲۱، نیکولز و همکاران، ۲۰۲۱، پچتونگ، ۲۰۱۹، سو و همکاران، ۲۰۱۸، میرجانچ و همکاران، ۲۰۱۷، فریرا، ۲۰۱۷، آلبن و همکاران، ۲۰۱۷، اولادیرین و همکاران، ۲۰۱۷، گائو و همکاران، ۲۰۱۵، چو و همکاران، ۲۰۱۵، بوداک و همکاران، ۲۰۱۲، کاپلان و همکاران، ۲۰۰۹، مرکومالمیری و همکاران، ۱۴۰۱، کریمی و همکاران، ۱۴۰۰، محسنی، ۱۴۰۰، رستگار و همکاران، ۱۳۹۸، طاهری، ۱۳۹۷، قاسمی و همکاران، ۱۳۹۶، پرنیان و همکاران، ۱۳۹۶، بولو و همکاران، ۱۳۹۶، کریمی، ۱۳۹۵	حفظ هویت و محرمانگی	ویژگی‌های امنیتی	۷

<p>چیزین و همکاران، ۲۰۲۳، کلمنته و همکاران، ۲۰۲۳، آروبو و همکاران، ۲۰۲۳، شپاک و همکاران، ۲۰۲۲، بوندارف و همکاران، ۲۰۲۲، خوانکی و همکاران، ۲۰۲۰، سوزنسن و همکاران، ۲۰۲۰، اسکوریک، ۲۰۱۹، چانگ و همکاران، ۲۰۱۷، نوتاری، ۲۰۱۷، آلین و همکاران، ۲۰۱۷، جوتل و همکاران، ۲۰۱۴، آرنولد، ۲۰۱۲، سیپورسکی، ۲۰۱۰، تسلیمی و همکاران، ۱۴۰۲، عالی و همکاران، ۱۴۰۲، نژاده توپچی و همکاران، ۱۴۰۱، جیلدزاده و همکاران، ۱۴۰۰، شفیع و همکاران، ۱۳۹۸، طاهری، ۱۳۹۷، سیف زاده، ۱۳۹۷، سیف زاده و همکاران، ۱۳۹۶، نجف پور و همکاران، ۱۳۹۱، مقدسی و همکاران، ۱۳۹۰، کمالی، ۱۳۹۰، دلیرپور، ۱۳۸۹، رشیدی، ۱۳۸۹، ملک محمدی و همکاران، ۱۳۸۹، کمالی، ۱۳۸۸، دهیم، ۱۳۸۷، معصومی، ۱۳۸۶</p>	<p>دانش و آگاهی و ارتقا سطح آن</p>	<p>ویژگی های آموزشی و فرهنگی</p>	<p>۸</p>
<p>موریلو و همکاران، ۲۰۲۳، آگوئیلرا، ۲۰۲۳، کاس و همکاران، ۲۰۲۲، بوندارف و همکاران، ۲۰۲۲، نیکولز و همکاران، ۲۰۲۱، آریاس و همکاران، ۲۰۲۰، گرین وود، ۲۰۲۰، تانکبه، ۲۰۱۹، اولادینیزین و همکاران، ۲۰۱۷، گوپتا و همکاران، ۲۰۱۷، گلداسمیت و همکاران، ۲۰۱۶، شاور، ۲۰۱۱، پارک و همکاران، ۲۰۰۸، کینان، ۲۰۰۷، مسمر - مگنوس و همکاران، ۲۰۰۵، زمانویکویا، ۲۰۰۲، عالی و همکاران، ۱۴۰۲، تزانگر زنجیر و همکاران، ۱۴۰۱، پورصمیمی و همکاران، ۱۴۰۰، پاراحمدی و همکاران، ۱۳۹۹، جهانگیری و همکاران، ۱۳۹۹، علینقیان و همکاران، ۱۳۹۵</p>	<p>وجود بستر و فرهنگ مشارکت و تقویت جو مشارکت</p>		

منابع	شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	ردیف
آگوییلا، ۲۰۲۳، باکوس و همکاران، ۲۰۲۲، نیکولز و همکاران، ۲۰۲۱، بلیر و همکاران، ۲۰۱۹، اسکوریک، ۲۰۱۹، دانتان و همکاران، ۲۰۱۹، اوروزو و همکاران، ۲۰۱۷، گلیگا و همکاران، ۲۰۱۲، استپن-هرست و همکاران، ۱۹۹۸، پورصیمی و همکاران، ۱۴۰۰، نجف‌پور، ۱۳۸۹	اتحاد و یکپارچگی ملی (روحیه همکاری و همبستگی)		
بارابلا، ۲۰۲۳، چلیاتسیدو و همکاران، ۲۰۲۳، آریویو و همکاران، ۲۰۲۳، بیولی و همکاران، ۲۰۲۲، باکوس و همکاران، ۲۰۲۲، بارابلا و همکاران، ۲۰۲۲، ساریخانی و همکاران، ۲۰۲۱، لی و همکاران، ۲۰۲۱، نیکولز و همکاران، ۲۰۲۱، می - امی و همکاران، ۲۰۲۰، کامبریراس و همکاران، ۲۰۱۹، اسکوریک، ۲۰۱۹، نشکورا و همکاران، ۲۰۱۹، دلان و همکاران، ۲۰۱۹، والنتین و همکاران، ۲۰۱۹، کارابازا و همکاران، ۲۰۱۸، چانگ و همکاران، ۲۰۱۷، اولدیزین و همکاران، ۲۰۱۷، رانا و همکاران، ۲۰۱۵، لویس، ۲۰۱۴، پانیا‌اتانبدو، ۲۰۰۸، زیپارو، ۱۹۹۹، عالی و همکاران، ۱۴۰۲، پورصیمی و همکاران، ۱۴۰۰، بولو و همکاران، ۱۴۰۰، افشانی و همکاران، ۱۳۹۷	تغییرت نگرش‌ها نسبت به گزارش‌دهی		
ویان و همکاران، ۲۰۲۲، دانتان و همکاران، ۲۰۱۹، آلبین و همکاران، ۲۰۱۷، زکریا، ۲۰۱۵، فانوس و همکاران، ۲۰۰۴، حاجیان و همکاران، ۱۴۰۲، عالی و همکاران، ۱۴۰۲، سپهوند و همکاران، ۱۴۰۱، پورصیمی و همکاران، ۱۴۰۰، یاراحمدی و همکاران، ۱۳۹۹، فرهادی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۸، شفیع‌زاده، ۱۳۸۹	ایجاد فرهنگ وظیفه‌شناسی و وجدان	ویژگی‌های آموزشی و فرهنگی	۸
کلمنته و همکاران، ۲۰۲۳، ما و همکاران، ۲۰۲۲، بوندارف و همکاران، ۲۰۲۲، ساریخانی و همکاران، ۲۰۲۲، پریشم و همکاران، ۲۰۲۱، نیکولز و همکاران، ۲۰۲۱، تانکبه، ۲۰۱۹، نشکورا و همکاران، ۲۰۱۹، دلان و همکاران، ۲۰۱۹، ساکسنا، ۲۰۱۸، استراند و همکاران، ۲۰۱۷، گلداسمیت و همکاران، ۲۰۱۶، مانزین و همکاران، ۲۰۱۵، آرنولد، ۲۰۱۲، زمانویکویو، ۲۰۰۴، پورصیمی و همکاران، ۱۳۸۹، شفیع‌زاده، ۱۳۸۹	تعریف صحیح و ادراک درست (ذهنیت مشترک) از فساد		
آگوییلا، ۲۰۲۳، اسلام و همکاران، ۲۰۲۳، چلیاتسیدو و همکاران، ۲۰۲۳، آریویو و همکاران، ۲۰۲۳، شپاک و همکاران، ۲۰۲۲، پرویتالی و همکاران، ۲۰۲۲، کیاروسینو، ۲۰۲۱، اولاروجو و همکاران، ۲۰۲۱، ساگار و همکاران، ۲۰۲۱، نیکولز و همکاران، ۲۰۲۱، چو و اسکوریک، ۲۰۱۹، والر، ۲۰۱۷، اولدیزین و همکاران، ۲۰۱۷، گلداسمیت و همکاران، ۲۰۱۶، وردیچی و همکاران، ۲۰۱۶، زمانویکویو، ۲۰۰۴، تزانگر و همکاران، ۲۰۰۱، یقینی و همکاران، ۲۰۱۵، برینک و همکاران، ۲۰۱۵، کیم، ۲۰۱۰، پانیا‌اتانبدو، ۲۰۰۸، زمانویکویو، ۲۰۰۲، تزانگر و همکاران، ۲۰۰۱، یقینی و همکاران، ۱۴۰۰، شفیع‌زاده، ۱۳۹۸، رستگار و همکاران، ۱۳۹۸، بهرامیان، ۱۳۹۸، طاهری، ۱۳۹۷، ۱۳۹۷، میرکمالی و همکاران، ۱۳۹۵، زرندی و همکاران، ۱۳۹۴، نجف‌پور و همکاران، ۱۳۹۱، کمالی، ۱۳۹۰، نجف‌پور، ۱۳۸۹، ملک محمدی و همکاران، ۱۳۸۹، شفیع‌زاده، ۱۳۸۹، دیهیم، ۱۳۸۷، معصومی، ۱۳۸۶	آموزش و توانمندسازی		

در رابطه با چگونگی احصاء شاخص‌ها و مؤلفه‌ها، هرکدام از منابع باقی مانده در چرخه مرور سیستماتیک به دقت مورد مطالعه قرار گرفت. ابتدا اطلاعات فردی و پژوهشی و نتایج حاصله در برگه‌ای تحت عنوان فیش ثبت شد. سپس شاخص‌ها مشخص و شاخص‌هایی که مفهوم مشترک یا نزدیک به هم داشتند در قالب یک مؤلفه آورده شدند. در نهایت، ۵۶ شاخص و ۸ مؤلفه احصا شد.

خلاصه جدول ۲ عبارت است از این‌که در ارائه گزارش فساد به سازمان بازرسی کل کشور، ۸ مؤلفه اثرگذار هستند که هرکدام از آن‌ها نیز خود دارای شاخص‌هایی هستند. باتوجه به شاخص‌های هر مؤلفه مشخص می‌شود که هرکدام از آن‌ها جنبه‌ای از ویژگی‌های مربوط به فرد، سازمان و جامعه را در بر دارند که ترکیب آن‌ها با یکدیگر در جذب مردم برای مشارکت در امر گزارش فساد اثرگذار است.

روایی و پایایی عوامل مؤثر شناسایی شده

جهت بررسی روایی عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در ارائه گزارش فساد از روایی صورتی و محتوایی استفاده شد. جهت بررسی روایی صورتی، تمامی مراحل که در روش مرور سیستماتیک جهت مشخص نمودن عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در ارائه گزارش فساد طی شده بود در اختیار اساتید (ناظران طرح، ۲ نفر) قرار گرفت و پس از بحث و بررسی انجام شده، مورد تأیید اساتید واقع شد. جهت اطمینان بیشتر، فرایند در اختیار خبرگان (جدول ۱) شناسایی شده در سازمان مورد مطالعه قرار گرفت، آن‌ها نیز پس از بررسی‌هایی که انجام دادند، اظهار داشتند که کار انجام شده با دقت زیاد و توجه به ریز جزئیات انجام شده و موارد حاصله مورد تأیید است و در نهایت، روایی صورتی آن تأیید شد؛ همچنین باتوجه به اینکه عوامل مؤثر از طریق پژوهش‌های پیشین حاصل شده بود، روایی آن از نظر محتوایی، مورد تأیید قرار گرفت.

جهت اندازه‌گیری پایایی عوامل از شاخص کاپا^۱ استفاده شد. باتوجه به اینکه میزان شاخص کاپا برابر با ۰/۷۳ است، میزان شاخص در وضعیت معتبر قرار دارد و پایایی عوامل شناسایی شده نیز تأیید شد.

1. Kappa

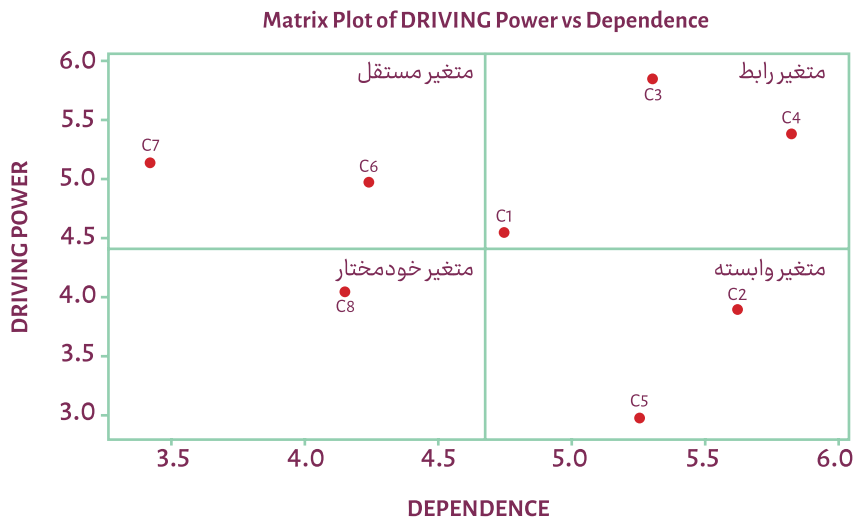
یافته‌های بخش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری جامع فازی

در این مرحله، با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری جامع فازی به تعیین روابط بین عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در ارائه گزارش فساد پرداخته شد. مطابق با روش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری جامع فازی، در نخستین گام، هدف مشخص و خبرگان هدف، شناسایی شدند. هدف پژوهش در این بخش، تعیین روابط بین عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در ارائه گزارش فساد بود و خبرگان مطابق با جدول ۱، ۹ نفر بودند. در گام دوم، پس از مشخص شدن معیارهای مورد بررسی که عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در ارائه گزارش فساد است (جدول ۳) و در این بخش، مؤلفه‌ها با عبارات‌های (C۱) تا (C۸) مشخص شدند. در گام سوم، پس از جمع‌آوری پاسخ‌ها (نظرات خبرگان)، ماتریس خودتعاملی ساختاری ایجاد شد. به‌گونه‌ای که خبرگان به مقایسه زوجی بین عوامل پرداخته و تأثیرگذاری عوامل بر یکدیگر را در طیف پنج‌تایی از خیلی زیاد تا تأثیری ندارد، مشخص کردند. پس از جمع‌آوری نظرات کلیه خبرگان، به روش فراوانی، پرسش‌نامه‌ها را ادغام نموده و به یک پرسش‌نامه واحد با عنوان پرسش‌نامه خودتعاملی ساختاری دست‌یافته شد. در گام چهارم، ماتریس دستیابی فازی نهایی ایجاد شد. در گام پنجم، جهت محاسبه قدرت نفوذ و میزان وابستگی برای تحلیل میک‌مک، ابتدا محاسبات غیرفازی سازی انجام شد. پس از مشخص شدن قدرت نفوذ و میزان وابستگی (جدول ۴)، با استفاده از اعداد غیرفازی شده، میک‌مک فازی رسم گردید. میک‌مک فازی در شکل ۱ آورده شده است. باتوجه به اینکه جدول‌های فازی بسیار بزرگ و طولانی هستند برای کاهش حجم پژوهش، آورده نشده است.

جدول ۴. قدرت نفوذ و میزان وابستگی فازی

مؤلفه‌ها	قدرت نفوذ	میزان وابستگی
C1	۴/۵۶	۴/۷۵
C2	۳/۹۰	۵/۶۳
C3	۵/۸۵	۵/۳۱

میزان وابستگی	قدرت نفوذ	مؤلفه‌ها
۵/۸۳	۵/۳۹	C4
۵/۲۶	۲/۹۸	C5
۴/۲۴	۴/۹۷	C6
۳/۴۱	۵/۱۶	C7
۴/۱۵	۴/۰۶	C8



شکل ۱. میک مک فازی

باتوجه به شکل ۱، می‌توان مشاهده کرد که نمودار میک مک از دو محور افقی و عمودی تشکیل شده است که محور عمودی، قدرت نفوذ و محور افقی، میزان وابستگی نام دارد؛ همچنین نمودار به ۴ قسمت شامل متغیرهای رابط، مستقل، خودمختار و وابسته تقسیم شده است که باتوجه به مطالعه بیات و همکاران (۱۳۹۸)، هریک از این متغیرها دارای ویژگی‌هایی است که اشاره می‌شود. متغیرهای رابط، متغیرهایی هستند که قدرت نفوذ و میزان وابستگی بالایی دارند و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها بالاست به گونه‌ای که هر تغییری هرچند کوچک در این متغیرها باعث تغییرات بسیار زیادی در سیستم می‌شود.

متغیرهای مستقل، متغیرهایی هستند که قدرت نفوذ بالا و میزان وابستگی پایینی دارند و به نوعی، تأثیرگذاری بالا و تأثیرپذیری کمی دارند. متغیرهای وابسته، متغیرهایی هستند که قدرت نفوذ پایین و میزان وابستگی بالایی دارند به گونه‌ای که تأثیرگذاری پایین و تأثیرپذیری بالایی دارند. متغیرهای خودمختار، متغیرهایی هستند که قدرت نفوذ و میزان وابستگی پایینی دارند و به نوعی، جدا از سیستم هستند و تغییر در آن‌ها باعث تغییر آن چنانی در سیستم نمی‌شود.

همچنین باتوجه به شکل ۱، می‌توان بیان کرد که ویژگی‌های ساختاری، ویژگی‌های قانونی و ویژگی‌های فردی در دسته متغیرهای رابط قرار دارند. ویژگی‌های ارتباطی و اطلاعاتی و ویژگی‌های امنیتی در دسته متغیرهای مستقل جای دارند. ویژگی‌های اخلاقی و معنوی (ارزشی) و ویژگی‌های انگیزشی در دسته متغیرهای وابسته قرار دارند. ویژگی‌های آموزشی و فرهنگی در دسته متغیرهای خودمختار جای دارد.

در گام ششم، ابتدا ماتریس دستیابی تشکیل شد (جدول ۵). سپس، ماتریس دستیابی از نظر انتقال‌پذیری در روابط بین متغیرها، سازگار شد و موارد انتقال‌پذیر با (*۱) مشخص شدند (جدول ۶).

جدول ۵. ماتریس دستیابی

	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8
C1	1	1	0	0	1	1	0	۱
C2	0	1	0	0	1	0	0	1
C3	0	0	1	1	1	1	1	1
C4	0	0	1	1	1	0	1	0
C5	0	1	0	0	1	0	0	0
C6	1	0	0	0	1	1	1	0
C7	0	0	0	0	1	1	1	0
C8	0	1	0	0	0	0	0	1

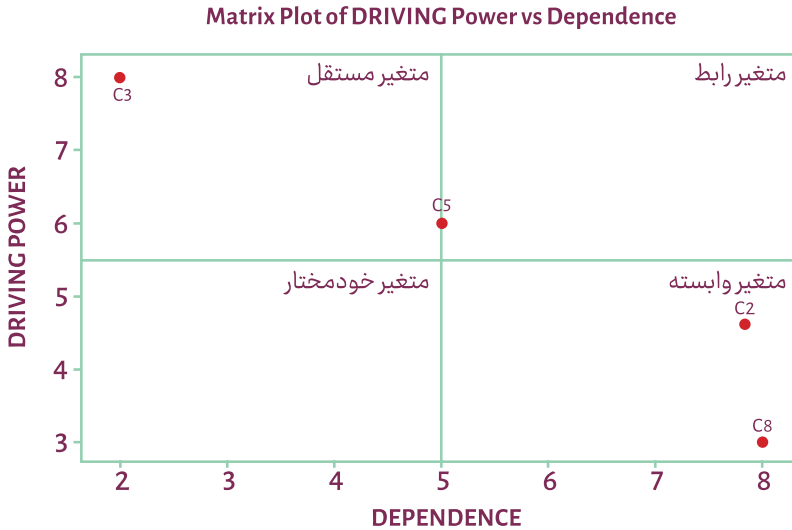
جدول ۶. ماتریس دستیابی سازگار

	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8
C1	1	1	0	0	1	1	*1	1
C2	0	1	0	0	1	0	0	1
C3	*1	*1	1	1	1	1	1	1
C4	*1	*1	1	1	1	*1	1	*1
C5	0	1	0	0	1	0	0	*1
C6	1	*1	0	0	1	1	1	*1
C7	*1	*1	0	0	1	1	1	*1
C8	0	1	0	0	*1	0	0	1

پس از مشخص نمودن ماتریس دستیابی سازگار، قدرت نفوذ و میزان وابستگی متغیرها با استفاده از اعداد قطعی مشخص شد (جدول ۷) و تحلیل میک مک آن نیز در شکل ۲ رسم شد.

جدول ۷. قدرت نفوذ و میزان وابستگی قطعی

میزان وابستگی	قدرت نفوذ	مؤلفه‌ها
۵	۶	C1
۸	۳	C2
۲	۸	C3
۲	۸	C4
۸	۳	C5
۵	۶	C6
۵	۶	C7
۸	۳	C8



شکل ۲. میک مک قطعی

باتوجه به شکل ۲ می توان بیان کرد که ویژگی های قانونی و ویژگی های ساختاری در دسته متغیرهای مستقل جای دارند. ویژگی های فردی، ویژگی های ارتباطی و اطلاعاتی و ویژگی های امنیتی در مرز بین متغیرهای مستقل و متغیرهای رابط و متمایل به متغیرهای رابط قرار دارند. ویژگی های اخلاقی و معنوی (ارزشی)، ویژگی های انگیزشی و ویژگی های آموزشی و فرهنگی در دسته متغیرهای وابسته قرار دارند.

از مقایسه میک مک فازی با میک مک قطعی می توان بیان کرد که تفاوت هایی بین آن ها وجود دارد به گونه ای که در میک مک قطعی تعداد متغیرهای وابسته افزایش یافته، تعداد متغیرهای خودمختار کاهش یافته و تعداد متغیرهای مستقل بدون تغییر مانده است؛ همچنین باتوجه به اینکه متغیرهای مرز مشترک مستقل و رابط بیشتر به سمت رابط سوق دارند، تعداد متغیرهای رابط نیز تغییری نداشته است؛ اما تفاوت اصلی بین میک مک فازی و میک مک قطعی در پراکنش متغیرهاست؛ به گونه ای که در میک مک فازی، متغیرها به خوبی پراکنش صورت گرفته و به طور دقیق متغیرها در جای خود قرار گرفته اند؛ اما در میک مک قطعی، پراکنش متغیرها به خوبی حالت فازی نبوده و تعداد

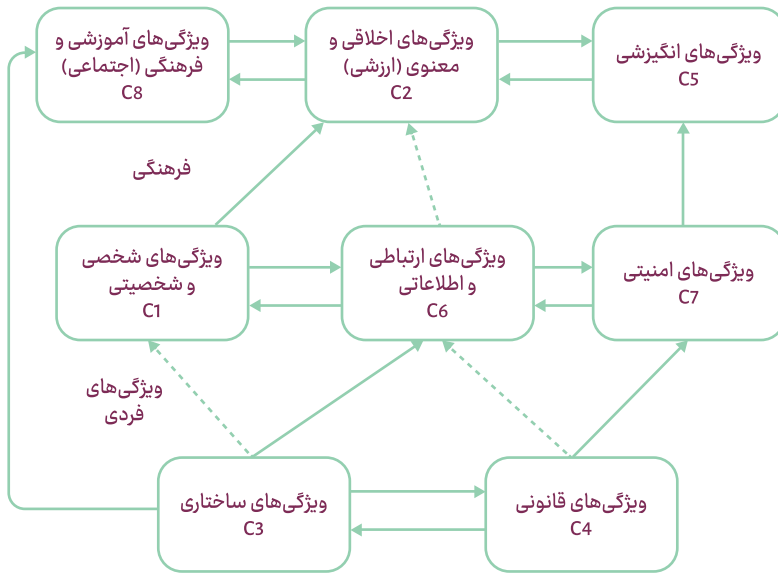
زیادی از متغیرها در یک جایگاه مشترک پراکنده شده‌اند که این نشان از برتری بخش فازی در پراکنش متغیرها نسبت به بخش قطعی دارد.

سپس، به تعیین سطح متغیرها پرداخته به‌گونه‌ای که ابتدا خروجی (دستیابی)، ورودی (پیش‌نیاز) و اشتراک مشخص شد و پس از آن مواردی که خروجی و اشتراک آن‌ها مانند هم بود در یک سطح قرار گرفتند و این فرایند آن قدر ادامه یافت تا تمامی متغیرها سطح‌بندی شدند. تمامی موارد مذکور در جدول ۸، آورده شده است.

جدول ۸. تعیین سطح

مؤلفه‌ها	خروجی (دستیابی)	ورودی (پیش‌نیاز)	اشتراک	سطح
C۱	۸-۷-۶-۵-۲-۱	۱-۳-۴-۶-۷	۱-۶-۷	۲
C۲	۲-۵-۸	۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸	۲-۵-۸	۱
C۳	۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸	۳-۴	۳-۴	۳
C۴	۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸	۳-۴	۳-۴	۳
C۵	۲-۵-۸	۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸	۲-۵-۸	۱
C۶	۱-۲-۵-۶-۷-۸	۱-۳-۴-۶-۷	۱-۶-۷	۲
C۷	۱-۲-۵-۶-۷-۸	۱-۳-۴-۶-۷	۱-۶-۷	۲
C۸	۲-۵-۸	۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸	۲-۵-۸	۱

در گام هفتم، ابتدا با استفاده از اطلاعات حاصل شده، مدل مستخرج از نظر خبرگان ترسیم شد که در شکل ۳، آورده شده است. همان‌طور که در شکل ۳، مدل مستخرج از نظرات خبرگان مشاهده می‌شود، برخی از روابط با خطوط جهت‌دار پیرنگ و برخی به صورت خط چین کم‌رنگ آورده شده است. خطوط جهت‌دار پیرنگ، نشان‌دهنده وجود رابطه به صورت اصلی و غیرتعدی^۱ و خط چین کم‌رنگ، نشان‌دهنده وجود رابطه به صورت تعدی مهم و معنادار است.



شکل ۳. مدل مستخرج از نظر خبرگان

در نهایت در شکل ۴، مدل نهایی مدل‌سازی ساختاری تفسیری جامع‌فازی همراه با روابط اصلی و غیرتعددی و برخی از روابط تعددی مهم و معنادار باقی مانده است؛ همچنین تفسیرهایی که در رابطه با روابط بین متغیرها در ماتریس تفسیری (جدول ۹) ارائه شده، در مدل نهایی آورده شده است.

جدول ۹. تفسیر روابط بین مؤلفه‌ها

تفسیر رابطه	رابطه بین مؤلفه‌ها	رابطه‌ها
تقویت ارزش‌های اخلاقی و معنوی و توجه ویژه نسبت به آن‌ها	ویژگی‌های فردی با ویژگی‌های اخلاقی و معنوی (ارزشی)	رابطه ۱ با ۲
بهبود روابط و افزایش اشتراک‌گذاری اطلاعات و جریان‌سازی اطلاعات	ویژگی‌های فردی با ویژگی‌های ارتباطی و اطلاعاتی	رابطه ۱ با ۶
تقویت انگیزش در اثر ترکیب انگیزه‌های اخلاقی و ارزشی با انگیزه‌های مادی و معنوی	ویژگی‌های اخلاقی و معنوی (ارزشی) با ویژگی‌های انگیزشی	رابطه ۲ با ۵
جاری‌سازی مسائل اخلاقی در بستر فرهنگی و آموزشی و تقویت ماهیت اجتماعی	ویژگی‌های اخلاقی و معنوی (ارزشی) با ویژگی‌های آموزشی و فرهنگی	رابطه ۲ با ۸

تفسیر رابطه	رابطه بین مؤلفه‌ها	رابطه‌ها
متناسب‌سازی خود با ویژگی‌های پست و جایگاه در یک ساختار	ویژگی‌های ساختاری با ویژگی‌های فردی	رابطه ۳ با ۱
اجرای‌سازی مسائل قانونی و پیاده‌سازی قوانین در قالب ساختار	ویژگی‌های ساختاری با ویژگی‌های قانونی	رابطه ۳ با ۴
ارتباطات بهتر و تشریح اطلاعات بیشتر در پی ایجاد یک ساختار دقیق و نظام‌مند	ویژگی‌های ساختاری با ویژگی‌های ارتباطی و اطلاعاتی	رابطه ۳ با ۶
بهبود مسائل فرهنگی و آموزشی و تقویت مسائل اجتماعی در قالب ساختارهای مشخص	ویژگی‌های ساختاری با ویژگی‌های آموزشی و فرهنگی	رابطه ۳ با ۸
ایجاد ساختارهای متناسب با قانون‌های تدوین شده (بهبود ساختارها)	ویژگی‌های قانونی با ویژگی‌های ساختاری	رابطه ۴ با ۳
تشکیل روابط و گروه‌های اطلاعاتی دقیق‌تر و بهتر در پی تدوین قوانین مشخص و مدون	ویژگی‌های قانونی با ویژگی‌های ارتباطی و اطلاعاتی	رابطه ۴ با ۶
تقویت موارد امنیتی با تدوین قوانین مشخص و دقیق	ویژگی‌های قانونی با ویژگی‌های امنیتی	رابطه ۴ با ۷
بهبود ارزش‌ها و اخلاقیات با بهره‌گیری از انگیزه‌های مادی و معنوی	ویژگی‌های انگیزشی با ویژگی‌های اخلاقی و معنوی (ارزشی)	رابطه ۵ با ۲
رشد ویژگی‌های فردی در طی ارتباطات و اشتراک‌گذاری اطلاعات	ویژگی‌های ارتباطی و اطلاعاتی با ویژگی‌های فردی	رابطه ۶ با ۱
بهبود جایگاه اخلاقیات، معنویات و ارزش‌ها در پی ارتباطات و هنجارهای گروهی	ویژگی‌های ارتباطی و اطلاعاتی با ویژگی‌های اخلاقی و معنوی (ارزشی)	رابطه ۶ با ۲
ایجاد سازوکارهای بهبود یافته امنیتی در پی تشکیل روابط و تشریح اطلاعات	ویژگی‌های ارتباطی و اطلاعاتی با ویژگی‌های امنیتی	رابطه ۶ با ۷
افزایش انگیزه‌های مادی و معنوی در پی حفظ هویت و حفاظت	ویژگی‌های امنیتی با ویژگی‌های انگیزشی	رابطه ۷ با ۵
بهبود سازوکار روابط و اطلاعات در پی حفظ وضعیت حفاظتی و محرمانگی	ویژگی‌های امنیتی با ویژگی‌های ارتباطی و اطلاعاتی	رابطه ۷ با ۶
تقویت ارزش‌های اخلاقی در پی بسترسازی آموزشی و فرهنگی	ویژگی‌های آموزشی و فرهنگی با ویژگی‌های اخلاقی و معنوی (ارزشی)	رابطه ۸ با ۲

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به دنبال مدل‌سازی عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در ارائه گزارش فساد به سازمان بازرسی کل کشور با کمک خبرگان حاضر در اداره کل بازرسی استان فارس بود. در راستای مدل‌سازی، ابتدا عوامل مؤثر به شیوه مرور سیستماتیک مشخص شدند و پس از آن با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری جامع‌فازی، مدل‌سازی انجام گرفت و روابط بین عوامل و تفسیر روابط بین آن‌ها مشخص شد. با توجه به مطالعه انجام‌شده، عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در ارائه گزارش فساد، در قالب ۸ مؤلفه و ۵۶ شاخص جای گرفتند. مؤلفه‌ها عبارت است از: ویژگی‌های فردی، ویژگی‌های اخلاقی و معنوی (ارزشی)، ویژگی‌های ساختاری، ویژگی‌های قانونی، ویژگی‌های انگیزشی، ویژگی‌های ارتباطی و اطلاعاتی، ویژگی‌های امنیتی و ویژگی‌های آموزشی و فرهنگی.

همان‌طور که در عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در ارائه گزارش فساد قابل مشاهده است، عوامل شناسایی‌شده جنبه‌های مختلف زندگی یک فرد را پوشش داده؛ به‌گونه‌ای که از ویژگی‌های فردی فرد شروع شده و با اخلاق، انگیزش، ارتباطات و اطلاعات و آموزش و فرهنگ ادامه یافته است. در کنار جنبه‌های زندگی فرد، به وجود ساختار و قوانین اشاره شده که نقش پایه و اساس را در این حوزه داشته و بدون وجود آن‌ها اصلاً مشارکتی شکل نخواهد گرفت که بخواهد عوامل مؤثری را شامل شود؛ همچنین به حفظ امنیت اشاره شده که بحثی بسیار مهم در این زمینه است. بدون حفظ امنیت، مشارکت وجود دارد اما مشارکت‌کنندگان باید همیشه با ترس از اقدام‌های مفسدان علیه خودشان زندگی کنند؛ اما هنگامی که امنیت پدید آید، هویت محرمانه بماند و مورد محافظت قرار گیرند، نوعی آسایش خاطر برای مشارکت‌کنندگان پدید می‌آید و مشارکت بهبود پیدا می‌کند.

گیبس^۱ (۲۰۲۰)، حاکمیت قانون، حمایت، حفاظت، حفظ هویت و محرمانگی؛ بینهداب و همکاران (۲۰۲۱)، آزادی مطبوعات و رسانه‌ها؛ تاوارس^۲ و همکاران (۲۰۲۱)،

1. Gibbs

2. Tavares

جنسیت و انگیزه؛ ویان و همکاران (۲۰۲۲)، اعطای پاداش، وجدان، حفظ هویت و محرمانگی و وجود کانال‌ها و راه‌های متعدد برای گزارش دهی؛ پیفر و همکاران (۲۰۲۲)، توجه به قومیت‌ها؛ هوگیک (۲۰۲۳)، پاداش، حفظ هویت و محرمانگی و استفاده از ابزارهای دیجیتال؛ ابراهیمی^۱ و همکاران (۲۰۲۳)، دولت الکترونیک، شفافیت و پاسخگویی؛ بولو و همکاران (۱۴۰۰)، سن، جنسیت، سطح تحصیلات، اخلاق، خودکارآمدی، حمایت و نگرش؛ سپهوند و همکاران (۱۴۰۱)، رهبری مثبت؛ مرکزالمیری و همکاران (۱۴۰۱)، اعطای پاداش، حمایت، حفظ هویت و محرمانگی، شفافیت و استفاده از وسایل الکترونیکی پیشرفته جهت دریافت گزارش‌ها؛ وکیلی و همکاران (۱۴۰۱)، تقویت نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد؛ تسلیمی و همکاران (۱۴۰۲)، رشد و ارتقای آگاهی، تقویت شبکه‌های اجتماعی و تشویق به گزارش دهی و سوت زنی را به عنوان عوامل مؤثر بر گزارش دهی فساد ارائه داده‌اند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش‌های پیشین همسو است.

عوامل مؤثر (مؤلفه‌ها و شاخص‌ها) نشان دادند که برای جلب مشارکت مردم به ارائه گزارش فساد باید تمامی جنبه‌های فردی، سازمانی و اجتماعی مردم در نظر گرفته شده و فقط به یک جنبه اکتفا نشود. به‌گونه‌ای در پژوهش حاضر ویژگی‌های فردی و اخلاقی به جنبه فردی، ویژگی‌های سازمانی، انگیزشی، امنیتی و آموزشی و فرهنگی به جنبه سازمانی و ویژگی‌های قانونی و ارتباطی و اطلاعاتی به جنبه اجتماعی اشاره دارد.

باتوجه به مطالعه انجام‌شده، مشخص شد که بین عوامل مؤثر رابطه وجود دارد. برای شناسایی روابط بین عوامل مؤثر از روش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری جامع‌فازی استفاده شد. پس از اینکه مراحل مربوط به این روش طی شد، مدل نهایی به دست آمد. مدل نهایی که دربرگیرنده روابط بین عوامل مؤثر است، از سه سطح تشکیل شد. در سطح سه که سطحی زیربنایی و تأثیرگذارترین سطح است، ویژگی‌های قانونی و ساختاری قرار گرفته و مهم‌ترین ویژگی این سطح، بیشترین تأثیرگذاری و کمترین تأثیرپذیری است. در سطح دو که سطحی بینابینی است، ویژگی‌های امنیتی، ویژگی‌های فردی و ویژگی‌های

ارتباطی و اطلاعاتی قرار دارند و ویژگی آن‌ها در این است که تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متوسطی دارند. در سطح یک که سطحی روبنایی و تأثیرپذیرترین سطح است، ویژگی‌های اخلاقی و معنوی (ارزشی)، ویژگی‌های انگیزشی و ویژگی‌های آموزشی و فرهنگی قرار گرفته و مهم‌ترین ویژگی این سطح، کمترین تأثیرگذاری و بیشترین تأثیرپذیری است.

قبل از اینکه به تفسیر روابط بین عوامل مؤثر پرداخته شود، میک‌های فازی و قطعی مطرح می‌شود؛ به‌گونه‌ای که میک‌ها در فضای فازی و قطعی دارای چهار بخش متغیرهای مستقل، رابط، وابسته و خودمختار است. متغیرهای رابط، متغیرهایی هستند که قدرت نفوذ و میزان وابستگی بالایی دارند و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها بالاست به‌گونه‌ای که هر تغییری هرچند کوچک در این متغیرها باعث تغییرات بسیار زیادی در سیستم می‌شود. متغیرهای مستقل، متغیرهایی هستند که قدرت نفوذ بالا و میزان وابستگی پایینی دارند و به‌نوعی، تأثیرگذاری بالا و تأثیرپذیری کمی دارند. متغیرهای وابسته، متغیرهایی هستند که قدرت نفوذ پایین و میزان وابستگی بالایی دارند به‌گونه‌ای که تأثیرگذاری پایین و تأثیرپذیری بالایی دارند. متغیرهای خودمختار، متغیرهایی هستند که قدرت نفوذ و میزان وابستگی پایینی دارند و به‌نوعی، جدا از سیستم هستند و تغییر در آن‌ها باعث تغییر آن‌چنانی در سیستم نمی‌شود. در میک‌های فازی، ویژگی‌های ساختاری، ویژگی‌های قانونی و ویژگی‌های فردی در دسته متغیرهای رابط قرار دارند. قدرت نفوذ و میزان وابستگی این متغیرها نشان می‌دهد که هر دو در سطح بالایی قرار دارند، قانون، ساختار و شخصیت را در بر گرفته است و اگر تغییری کوچک در این ویژگی‌ها ایجاد شود، سیستم دچار تغییرات زیادی می‌شود. ویژگی‌های ارتباطی و اطلاعاتی و ویژگی‌های امنیتی در دسته متغیرهای مستقل جای دارند. قدرت نفوذ و میزان وابستگی این متغیرها نشان می‌دهد که نفوذ بالا و وابستگی پایینی دارند. امنیت، ارتباطات و اطلاعات در این دسته قرار دارند و در سیستم از تأثیرگذاری زیادی برخوردار هستند. ویژگی‌های اخلاقی و معنوی (ارزشی) و ویژگی‌های انگیزشی در دسته متغیرهای وابسته قرار دارند. قدرت نفوذ و میزان وابستگی این متغیرها نشان می‌دهد که نفوذ پایین و وابستگی بالایی دارند. اخلاق و انگیزه در این دسته قرار دارند و در

سیستم از تأثیرپذیری زیادی برخوردار هستند. درنهایت، ویژگی‌های آموزشی و فرهنگی در دسته متغیرهای خودمختار جای دارد که قدرت نفوذ و میزان وابستگی پایینی دارند و در این سیستم، نقش زیادی ندارند. اگر چه آموزش و فرهنگ به طور کلی اهمیت زیادی برای ارتقای گزارش‌دهی و مشارکت مردم دارند؛ اما در این سیستم به علت کنش‌ها و واکنش‌های پدیدآمده قدرت نفوذ و میزان وابستگی آن، یکدیگر را خنثی کرده و در دسته خودمختار قرار گرفته است.

در میک مک قطعی، ویژگی‌های قانونی و ویژگی‌های ساختاری در دسته متغیرهای مستقل، ویژگی‌های فردی، ویژگی‌های ارتباطی و اطلاعاتی و ویژگی‌های امنیتی در مرز بین متغیرهای مستقل و متغیرهای رابط و متمایل به متغیرهای رابط و ویژگی‌های اخلاقی و معنوی (ارزشی)، ویژگی‌های انگیزشی و ویژگی‌های آموزشی و فرهنگی در دسته متغیرهای وابسته قرار دارند. همان‌طور که مشاهده می‌شود در این سیستم، جای متغیرها نسبت به سیستم قبل تغییر کرده و این تغییرات در اثر کنش‌ها و واکنش‌هایی است که وجود دارد.

از مقایسه میک مک فازی با میک مک قطعی می‌توان بیان کرد که تفاوت‌هایی بین آن‌ها وجود دارد به‌گونه‌ای که در میک مک قطعی تعداد متغیرهای وابسته افزایش یافته، تعداد متغیرهای خودمختار کاهش یافته و تعداد متغیرهای مستقل بدون تغییر مانده است؛ همچنین باتوجه به اینکه متغیرهای مرز مشترک مستقل و رابط بیشتر به سمت رابط سوق دارند، تعداد متغیرهای رابط نیز تغییری نداشته است؛ اما تفاوت اصلی بین میک مک فازی و میک مک قطعی در پراکنش متغیرهاست؛ به‌گونه‌ای که در میک مک فازی، متغیرها به خوبی پراکنش صورت گرفته و به‌طور دقیق متغیرها در جای خود قرار گرفته‌اند؛ اما در میک مک قطعی، پراکنش متغیرها به خوبی حالت فازی نبوده و تعداد زیادی از متغیرها در یک جایگاه مشترک پراکنده شده‌اند که این نشان از برتری بخش فازی در پراکنش متغیرها نسبت به بخش قطعی دارد.

در میک مک‌ها در اثر کنش‌ها و واکنش‌ها مدام جای متغیرها تغییر می‌کند تا اینکه درنهایت سطح‌بندی صورت گیرد و مدل‌سازی انجام شود تا موقعیت نهایی متغیرها

به صورت دقیق، مشخص شود.

پس از اینکه تمامی این مراحل طی شد، باید روابطی که بین متغیرها به وجود آمده، تفسیر شود. روابط موجود در مدل نشان می‌دهد که برخی از روابط با خطوط جهت دار پررنگ و برخی به صورت خط چین کم‌رنگ آورده شده است. خطوط جهت دار پررنگ، نشان دهنده وجود رابطه به صورت اصلی و غیرتعدی و خط چین کم‌رنگ، نشان دهنده وجود رابطه به صورت تعدی مهم و معنادار است. تفسیر روابط بین عوامل در ادامه آورده می‌شود.

رابطه بین ویژگی‌های فردی با ویژگی‌های اخلاقی و معنوی (ارزشی) باعث تقویت ارزش‌های اخلاقی و معنوی و توجه ویژه نسبت به آن‌ها می‌شود. رابطه بین ویژگی‌های فردی با ویژگی‌های ارتباطی و اطلاعاتی باعث بهبود روابط و افزایش اشتراک‌گذاری اطلاعات و جریان‌سازی اطلاعات می‌شود. رابطه بین ویژگی‌های اخلاقی و معنوی (ارزشی) با ویژگی‌های انگیزشی باعث تقویت انگیزش در اثر ترکیب انگیزه‌های اخلاقی و ارزشی با انگیزه‌های مادی و معنوی می‌شود. رابطه بین ویژگی‌های اخلاقی و معنوی (ارزشی) با ویژگی‌های آموزشی و فرهنگی باعث جاری‌سازی مسائل اخلاقی در بستر فرهنگی و آموزشی و تقویت ماهیت اجتماعی می‌شود. رابطه بین ویژگی‌های ساختاری با ویژگی‌های فردی باعث متناسب‌سازی خود با ویژگی‌های پست و جایگاه در یک ساختار می‌شود. رابطه بین ویژگی‌های ساختاری با ویژگی‌های قانونی باعث اجرای مسائل قانونی و پیاده‌سازی قوانین در قالب ساختار می‌شود. رابطه بین ویژگی‌های ساختاری با ویژگی‌های ارتباطی و اطلاعاتی باعث ارتباطات بهتر و تشریح اطلاعات بیشتر در پی ایجاد یک ساختار دقیق و نظام‌مند می‌شود. رابطه بین ویژگی‌های ساختاری با ویژگی‌های آموزشی و فرهنگی باعث بهبود مسائل فرهنگی و آموزشی و تقویت مسائل اجتماعی در قالب ساختارهای مشخص می‌شود. رابطه بین ویژگی‌های قانونی با ویژگی‌های ساختاری باعث ایجاد ساختارهای متناسب با قانون‌های تدوین شده (بهبود ساختارها) می‌شود. رابطه بین ویژگی‌های قانونی با ویژگی‌های ارتباطی و اطلاعاتی باعث تشکیل روابط و گروه‌های اطلاعاتی دقیق‌تر و بهتر در پی تدوین قوانین مشخص و مدون

می‌شود. رابطه بین ویژگی‌های قانونی با ویژگی‌های امنیتی باعث تقویت موارد امنیتی با تدوین قوانین مشخص و دقیق می‌شود. رابطه بین ویژگی‌های انگیزشی با ویژگی‌های اخلاقی و معنوی (ارزشی) باعث بهبود ارزش‌ها و اخلاقیات با بهره‌گیری از انگیزه‌های مادی و معنوی می‌شود. رابطه بین ویژگی‌های ارتباطی و اطلاعاتی با ویژگی‌های فردی باعث رشد ویژگی‌های فردی در طی ارتباطات و اشتراک‌گذاری اطلاعات می‌شود. رابطه بین ویژگی‌های ارتباطی و اطلاعاتی با ویژگی‌های اخلاقی و معنوی (ارزشی) باعث بهبود جایگاه اخلاقیات، معنویات و ارزش‌ها در پی ارتباطات و هنجارهای گروهی می‌شود. رابطه بین ویژگی‌های ارتباطی و اطلاعاتی با ویژگی‌های امنیتی باعث ایجاد سازوکارهای بهبود یافته امنیتی در پی تشکیل روابط و تشریح اطلاعات می‌شود. رابطه بین ویژگی‌های امنیتی با ویژگی‌های انگیزشی باعث افزایش انگیزه‌های مادی و معنوی در پی حفظ هویت و حفاظت می‌شود. رابطه بین ویژگی‌های امنیتی با ویژگی‌های ارتباطی و اطلاعاتی باعث بهبود سازوکار روابط و اطلاعات در پی حفظ وضعیت حفاظتی و محرمانگی می‌شود. رابطه بین ویژگی‌های آموزشی و فرهنگی با ویژگی‌های اخلاقی و معنوی (ارزشی) باعث تقویت ارزش‌های اخلاقی در پی بسترسازی آموزشی و فرهنگی می‌شود.

میرکمالی و همکاران (۱۳۹۵) به تأثیر مشارکت مردم در پیشگیری از فساد پرداخته و نشان داده که مشارکت مردم در پیشگیری از فساد تأثیرگذار است و همچنین بیان داشته که برای جذب مشارکت مردم به گزارش‌دهی، دسترسی آزاد به اطلاعات شفاف، در معرض عموم بودن، ایجاد سامانه جامع گزارش‌دهی، حمایت از گزارش‌دهندگان و آموزش آن‌ها لازم و ضروری است.

بشیری و همکاران (۱۴۰۰) به تأثیر شبکه‌های اجتماعی برای مبارزه با فساد پرداخته و مشخص کرده‌اند که شبکه‌های اجتماعی هم برای مبارزه با فساد تأثیرگذار است و هم باعث بهبود گزارش‌دهی می‌شود. صیادقبادی و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی تأثیر سوت‌زنی بر فساد و شفافیت پرداخته و مشخص کرده‌اند که سوت‌زنی باعث کاهش فساد و افزایش شفافیت می‌شود.

مانزین^۱ و همکاران (۲۰۱۵) به ادراک از فساد؛ میرجانچ^۲ و همکاران (۲۰۱۶) به حمایت و حفاظت از افشاگران به ویژه در برابر اقدام‌های تلافی جویانه؛ والتون^۳ و همکاران (۲۰۱۷) به آموزش، تحصیلات و جذب اعتماد عمومی؛ بینهداب و همکاران (۲۰۲۱) به آزادی مطبوعات و رسانه‌ها اشاره کرده‌اند و هر یک از موارد مطرح شده بر گزارش دهی تأثیرگذار هستند. با توجه موارد ارائه شده، می‌توان بیان کرد که یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌ها مطالعات پیشین همسو است.

توانگرنجبر و همکاران (۱۴۰۱) برای ترسیم مدل اجرای خط مشی سوت زنی در سازمان‌های دولتی ایران به تعیین روابط پرداخته‌اند و متغیرهای مربوط به مطالعه خود را در دو سطح خرد و کلان سطح بندی کرده‌اند. این پژوهش از نظر مفهومی و متغیرها با پژوهش حاضر متفاوت است؛ اما از نظر روش تا حدی قرابت دارد.

بختیاری و همکاران (۱۴۰۱) در رابطه با عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فساد اقتصادی در ایران، با استفاده از روش مدل سازی ساختاری - تفسیری به طراحی مدل پرداخته‌اند. مدل نهایی آن‌ها در شش سطح ترسیم شده است. برخلاف پژوهش حاضر که برای عوامل مؤثر بر گزارش دهی، مدل ترسیم کرده، این پژوهش به ترسیم مدل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فساد اقتصادی پرداخته است. بهبودی و همکاران (۱۳۹۷) در رابطه با علل مؤثر بر فساد اداری دولت الکترونیک در ایران با استفاده از روش مدل سازی ساختاری - تفسیری به طراحی مدل پرداخته‌اند. مدل نهایی آن‌ها در سیزده سطح ترسیم شده است. برخلاف پژوهش حاضر که برای عوامل مؤثر بر گزارش دهی، مدل ترسیم کرده، این پژوهش به ترسیم مدل علل مؤثر بر فساد اداری دولت الکترونیک در ایران پرداخته است. این پژوهش‌ها از نظر مفهومی و متغیرها با پژوهش حاضر متفاوت هستند؛ اما از نظر روش قرابت دارند؛ ولی در این پژوهش‌ها فقط مدل ترسیم و سطح بندی شده است در حالی که در پژوهش حاضر علاوه بر ترسیم و سطح بندی مدل، روابط بین عوامل نیز تفسیر صورت گرفته است.

1. Manzin

2. Mirjanic

3. Walton

می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که وجود ساختار و قوانین دقیق و مشخص، پایه‌های اساسی در جذب مشارکت مردم در ارائه گزارش فساد است. پس از جذب مشارکت مردم، حفظ امنیت، ایجاد حلقه ارتباطی و اطلاعاتی و ویژگی‌های فردی موجب تقویت مشارکت مردم شده و درنهایت، ایجاد انگیزش، حفظ اخلاقیات و ارزش‌ها و آموزش صحیح و ایجاد بستر فرهنگی مناسب باعث به اوج رسیدن مشارکت مردم در ارائه گزارش فساد می‌شود.

پیشنهادها

- باتوجه به موارد ارائه شده در پژوهش حاضر، پیشنهادهایی برای بهبود امور ارائه می‌شود.
- ۱- باتوجه به اینکه وجود ساختار و قانون سنگ بنای جذب مشارکت در گزارش دهی موارد فساد است، پدید آوردن ساختارها و بسترهای حقوقی و قانون‌های دقیق و مشخص در این زمینه لازم و ضروری است. در این زمینه، سازمان بازرسی کل کشور توانسته که طرح جامع حمایت از گزارش دهندگان فساد را به تصویب برساند و در قالب قانون قرار گیرد؛ ازاین‌رو باید به افزایش آگاهی مردم پیرامون این طرح از طریق رسانه‌ها، تبلیغات، شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی پرداخت. به‌گونه‌ای که با آموزش و تحلیل دقیق آن به مردم در جهت بهره‌گیری هر چه بهتر از قوانین و مقررات کمک کرد.
 - ۲- محرمانه ماندن و حفظ امنیت گزارش دهندگان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است؛ بنابراین برای اینکه مشارکت مردم در گزارش دهی موارد فساد افزایش یابد، ضروری است که زمینه لازم برای حفظ هویت و محرمانه ماندن گزارش دهندگان و حفاظت از آن‌ها فراهم شود. اگرچه در سازمان بازرسی کل کشور این امر رعایت می‌گردد؛ اما باتوجه به اینکه در جهت کشور هوشمند و دولت الکترونیک گام برداشته می‌شود و بیشتر موارد در بستر اینترنت قرار دارد باید در این زمینه‌ها نیز دقت بیشتری وجود داشته و از بهترین نرم‌افزارها و ضدویروس‌های موجود استفاده کرد تا امنیت داده‌ها مختل نشود.

۳- به تقویت انگیزه گزارش‌دهندگان و حمایت از آنان توجه ویژه شود؛ چراکه با ایجاد ساختار، قانون‌گذاری و حفظ امنیت می‌توان مشارکت در گزارش‌دهی را به وجود آورد؛ اما بدون حمایت و تقویت انگیزه تمایل به مشارکت در گزارش‌دهی روزبه‌روز کاهش می‌یابد. تقویت انگیزه می‌تواند به صورت اعطای پاداش‌های مالی و غیرمالی باشد. پاداش‌های مالی همان‌طور که از نامش پیداست در قالب پول اعطا می‌شود؛ اما پاداش‌های غیرمالی می‌تواند در قالب تقدیر و تشویق، نام‌گذاری یکی از روزهای سال در تقویم، تقویت روحیه و غیره قرار گیرد.

۴- فرایند باید در جهت تقویت اعتماد به نفس، عزت نفس، خودکارآمدی بوده و باعث تقویت حس تعهد و مسئولیت‌پذیری افراد شود. هنگامی که این موارد پدید آید، فرد خود را جزء مهمی از جامعه دانسته و برای آبادانی آن تلاش می‌کند و در جهت مقابله با فسادگران به گزارش‌دهی می‌پردازد، اما برخلاف آن، وضعیت جامعه برای فرد مهم نبوده و فقط سعی می‌کند که خود را نجات دهد و اگر منفعی شامل حال او شد با سکوت خود به فساد بیشتر کمک می‌کند.

۱. اسدپور، عهدیه؛ انتظاری، علی و احمدی اهنک، کاظم (۱۳۹۷)، «مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهرستان آمل)»، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۹(۳)، ۶۷-۸۶.
۲. بابامحمدی، مهدی (۱۳۹۴)، «نظارت همگانی، رویکردی متفاوت و فراگیر در مبارزه با فساد»، دانش ارزیابی، ۷(۲۶)، ۳۵-۴۶.
۳. بختیاری، حسین؛ صالح‌نیا، علی و سیفی، وحید (۱۴۰۱)، «طراحی مدل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فساد اقتصادی در ایران با رویکرد مدل‌سازی ساختاری - تفسیری»، مجلس و راهبرد، ۲۹(۱۰۹)، ۳۰۵-۳۳۶.
۴. بشیری، سعید و ساعی، مهدی (۱۴۰۰)، «نقش شبکه‌های اجتماعی بر مبارزه با فساد اداری مالی؛ بررسی دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم و تحقیقات تهران»، مطالعات سیاسی، ۵۲، ۷۹-۵۳.
۵. بولو، قاسم و اکبریان شورکایی، رضا (۱۳۹۶)، «بررسی رابطه پدیده تماشاگری، قدرت شواهد و مسئولیت ادراک شده با احتمال گزارشگری تقلب»، حسابداری ارزشی و رفتاری، ۳، ۳۲-۱.
۶. بولو، قاسم؛ سیدی، سید جلال؛ قاضی نوری، سروش و بزیده، فرخ (۱۴۰۰)، «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش حسابرسان داخلی به گزارش دهی اقدامات خطاکارانه در ایران»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۸(۴)، ۵۷۴-۵۹۷.
۷. بهبودی، محمدحسن؛ ابرزی، مهدی و اعتباریان، اکبر (۱۳۹۷)، «طراحی مدل تحلیل تفسیری - ساختاری علل مؤثر بر فساد اداری دولت الکترونیک در ایران»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۹(۲)، ۶۳-۹۰.
۸. بیات، اکبر؛ لطیفی، میثم؛ مرادی، مرتضی و اسلامبولچی، علیرضا (۱۳۹۸)، «طراحی الگوی ایدئولوژی سازمانی با رویکرد TISM فازی»، مدیریت سازمان‌های دولتی، ۷(۳)، ۶۳-۷۶.
۹. پرنیان، احسان؛ رزقی، ابوالفضل و پرهیزکار، سید عباس (۱۳۹۶)، «استفاده از ظرفیت‌های مردمی برای مبارزه و پیشگیری از فساد (بررسی تجربیات کشورهای منتخب)»، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱-۳۶.
۱۰. پورصمیمی، علی؛ طهرانی، مریم و وکیلی، یوسف (۱۴۰۰)، «شناسایی و رتبه‌بندی پیشایندهای افشاگری در سازمان: رهیافت فراترکیب»، چشم‌انداز مدیریت دولتی، ۴۵، ۳۳-۴۵.

۱۱. تسلیمی، امیرحسین؛ اشرفی، محمود و مالیر، محمود (۱۴۰۲)، «پیشگیری اجتماعی از فساد اداری»، فصلنامه فقه جزای تطبیقی، ۳(۳)، ۱-۱۱.
۱۲. توانگر رنجبر، محمد؛ الوانی، سید مهدی و مهرمنش، حسن (۱۴۰۱)، «فهم پدیده سوت‌زنی با رویکرد فراترکیب»، مطالعات راهبردی، ۹۷، ۱۵۵-۱۸۷.
۱۳. حاجیان، هادی؛ ابراهیمی، سعید و زارعی، محمد مهدی (۱۴۰۲)، «بررسی نقش نهاد مردمی در افشاکاری جهت پیشگیری از جرم»، مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شناسه دیجیتال (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/IJRJ/۱۰۲۲۵.۱۹۶۲۱۸۹/۲۰۲۳.
۱۴. رستمی، ولی و قاسمی، محمدرضا (۱۳۹۷)، «سازوکارهای حقوقی فعال‌سازی ظرفیت گزارش دهندگان مردمی فساد با مطالعه تطبیقی ایران و آمریکا»، حقوق تطبیقی، ۹(۲)، ۶۳۹-۶۵۹.
۱۵. سپهوند، رضا؛ فتحی چگنی، فریبرز و عظیمی، حسین (۱۴۰۱)، «اثر رهبری مثبت‌گرا بر افشاکاری سازمانی با نقش میانجی ارباب روان‌شناختی»، توسعه مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی، ۶۳، ۱-۲۶.
۱۶. شفیع، محمود؛ آقایی طوق، مسلم و کریمیان، محمدوزین (۱۳۹۸)، «تأثیر توانمندسازی شهروندان در کاهش فساد»، رهیافت پیشگیری از جرم، ۶، ۶۳-۸۰.
۱۷. صیادقبادی، عقیل و صیادقبادی، علی (۱۴۰۰)، «سوت‌زنی سازمانی: کاهش فساد اداری و افزایش شفافیت در سازمان»، مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه، ۳۳، ۵۹-۶۴.
۱۸. عارف، رضا (۱۳۹۵)، «افشاکاری؛ زمینه‌ها و پیامدها»، مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد، ۹(۹۲)، ۱-۵۴.
۱۹. فرهادی‌نژاد، محسن و جعفری، سکینه (۱۳۹۸)، «شناسایی علل سوت‌زنی سازمانی و دلایل عدم تمایل به سوت‌زنی در سازمان‌های دولتی»، مدیریت سازمان‌های دولتی، ۲۸، ۷۱-۸۴.
۲۰. قاسمی، محمدرضا و غمامی، سید محمد مهدی (۱۳۹۶)، «مطالعه تطبیقی قاعده ایجاد انگیزه برای گزارش‌دهی فساد و سازوکارهای حقوقی برای تحقق آن»، تعالی حقوق، ۳(۴)، ۷-۲۸.
۲۱. قاسمی، محمدرضا؛ غمامی، سید محمد مهدی و مخلص‌الائمه، فرزاد (۱۳۹۷)، «پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق، گرایش حقوق عمومی، قواعد و سازوکارهای ناظر بر گزارش‌دهی مردمی فساد در نظام حقوقی ایران و آمریکا»، دانشگاه امام صادق، تهران، ایران.
۲۲. کرمی، سعید و احمدوند، ولی محمد (۱۴۰۰)، «گزارش فساد، مرزها، مؤلفه‌ها و موانع آن در ایران»، دین و قانون، ۳۴، ۱۹۰-۱۷۱.

۲۳. محسنی، فرید (۱۴۰۰)، «پیشگیری از جرم در سازمان با حمایت از افشاگران»، مجله حقوقی دادگستری، ۸۵(۱۱۶)، ۲۵۷-۲۸۲.
۲۴. مرکزالمیری، احمد؛ کرمانی، علی‌اکبر و زارعی محمودآبادی، حسن (۱۴۰۱)، «گزارش‌دهی مردمی؛ چهارچوبی تدوینی برای مقابله با فساد»، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵(۵)، ۱۴۳-۱۵۹.
۲۵. میرکمالی، سید علیرضا و خلیلی پاجی، «نقش مشارکت مردمی در حوزه پیشگیری از فساد»، کارآگاه، ۳۵، ۱۲۲-۱۰۸.
۲۶. ناصری، ناهید (۱۳۹۶)، «تأثیر درگیرکردن شهروندان در پیشگیری از فساد»، مجله علمی، خبری و تحلیلی کانون وکلای دادگستری اردیبهیل، ۳(۳ و ۴)، ۳۲۵-۳۵۸.
۲۷. وکیلی، یوسف؛ جعفری‌نیا، سعید؛ حسن‌پور، اکبر و رزم‌آور، توران (۱۴۰۱)، «فرا تحلیل پیشایندهای افشاگری تخلف (سوت‌زنی) در سازمان»، مطالعات مدیریت دولتی ایران، ۵(۳)، ۲۵-۵۶.
۲۸. یاراحمدی، حمیدرضا؛ پورعزت، علی‌اصغر؛ کیا کجوری، داوود و تقی پوریانی گیلانی، یوسف (۱۳۹۹)، «مروری بر پیش‌ران‌ها و پس‌ران‌های فساد در سازمان‌ها با استفاده از روش فراترکیب»، مطالعات راهبردی، ۸۸، ۳۳-۵۶.

منابع انگلیسی

1. Aguilera, J. D. A. (2023). Compliance and Citizen Training in Ecuador. **Revista Conrado**, 19(92), 491-498.
2. Barbabela, L. (2023). Judicial Inconsistency and Citizen Anti-Corruption Demobilization: Evidence from Brazil. **Government and Opposition**, 1-20. <https://doi.org/10.1017/gov.2023.36>
3. Binhadab, N., Breen, M., Gillanders, R. (2021). Press freedom and corruption in business-state interactions. **Economic Systems**, 45(4), 1-20. DOI: 10.1016/j.ecosys.2021.100922
4. Dungan, J. A., Young, L., Waytz, A. (2019). The power of moral concerns in predicting whistleblowing decisions. **Journal of Experimental Social Psychology**, 85(1), 1-12.
5. Gibbs, T. (2020). Whistleblowing: protection or discouragement. **Journal of Money Laundering Control**, 23(3), 591-600. <https://doi.org/10.1108/JMLC-03-2020-0031>

6. Hovic, N. (2023). Financial Incentives for Whistleblowing A Comparative Perspective. **European Journal of Comparative Law and Governance**, 10(2), 176–205.
7. Ibrahimy, M. M., Virkus, S., Norta, A. (2023). The role of e-government in reducing corruption and enhancing transparency in the Afghan public sector: a case study. **Transforming Government: People, Process and Policy**, 17(3), 459–472.
8. Manzin, M., Sumi, R., Oberckal, A. K., Bavec, C. (2015). Impact of Perception of Corruption on Readiness to Report Corruption. **Revija za Kriminalistiko in Kriminologijo**, 66(3), 220–234.
9. Mirjanic, Z., Cosabic, J. (2016). Protection of Whistleblower's Employment Status. **16th International Scientific Conference on Economic and Social Development- The Legal Challenges of Modern World**, 97–107.
10. Nicholls, A. R., Fairs, L. R. W., Toner, J., Jones, L., Mantis, C., et al. (2021). Snitches Get Stitches and End Up in Ditches: A Systematic Review of the Factors Associated With Whistleblowing Intentions. **Frontiers in Psychology**, 12, 1–20. DOI:10.3389/fpsyg.2021.631538
11. Pechthong, P. (2019). Legal Protection Measures for Whistleblowers reporting on Corruption in Thailand. **International Journal of Criminal Justice Sciences**, 14(2), 163–180.
12. Peiffer, C., Walton, G. W. (2022). Getting the (right) message across: How to encourage citizens to report corruption. **Development Policy Review**, 40(5), 1–30.
13. Tankebe, J. (2019). Cooperation with the police against corruption: Exploring the roles of legitimacy, deterrence and collective action theories. **British Journal of Criminology**, 59(6), 1390–1410. <https://doi.org/10.1093/bjc/azz030>
14. Tavares, G. M., Lima, F. V., Michener, G. (2021). To blow the whistle in Brazil: The impact of gender and public service motivation. **Regulation & Governance**, 1–19. DOI:10.1111/rego.12418
15. Vian, T., Agnew, B., McInnes, K. (2022). Whistleblowing as an anti-corruption strategy in health and pharmaceutical organizations in low- and middle-income countries: a scoping review. **Global Health Action**, 15(1), 1–14.

16. Walton, G., Peiffer, C. (2017). The impacts of education and institutional trust on citizens' willingness to report corruption: lessons from Papua New Guinea. **Australian Journal of Political Science**, 52(4), 517-536.
17. Zakaria, M. (2015). Antecedent factors of whistleblowing in organizations. **Procedia Economics and Finance**, 28, 230-234.



پژوهش‌های
سلامت‌اداری
سال اول
شماره ۳
پاییز ۱۴۰۴
صفحه ۲۱۹ الی ۲۴۶

ارائه مدل ساختاری - تفسیری توسعه اکوسیستم نظارت دیجیتال در کشور

چکیده

در عصر تحولات دیجیتال، نظارت سنتی دیگر پاسخگوی پیچیدگی‌ها و سرعت تصمیم‌سازی‌های حاکمیتی نیست. ظهور فناوری‌های نوین، داده‌محوری و رویکردهای مشارکتی، ضرورت طراحی یک اکوسیستم نظارت دیجیتال را دوچندان کرده است. پژوهش حاضر باهدف شناسایی و اولویت‌بندی

مهدی هدایت‌فر^۱
(دکترای مدیریت
صنعتی، گروه مدیریت
سیستم‌ها، پردیس
بین‌المللی کیش،
دانشگاه تهران، تهران
ایران)

ایوب محمدیان^۲
(دانشیار دانشگاه تهران،
گروه مدیریت فناوری
اطلاعات، دانشکده
مدیریت صنعتی و
فناوری، دانشکده‌گان
مدیریت، دانشگاه
تهران، تهران، ایران)

پریرسا رسولیان^۳ (دکترای
کارآفرینی، دانشکده
کارآفرینی، دانشگاه
تهران، تهران، ایران)

۱. نویسنده مسئول:

m.hedayatfar@ut.ac.ir

تاریخ ارسال: ۲۲ تیرماه ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۵ شهریورماه ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۸ مهرماه ۱۴۰۴

2. mohamadian@ut.ac.ir

3. p.rasouljan@ut.ac.ir

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و پیشبرد این اکوسیستم در سطح ملی انجام شده است. روش پژوهش از نوع آمیخته است که در دو مرحله فراترکیب و سپس مدل‌سازی ساختاری تفسیری انجام شده است. ابتدا از فراترکیب ۱۵ سند علمی معتبر بین‌المللی منتشرشده بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و توسعه اکوسیستم نظارت دیجیتال شناسایی شدند و سپس با روش تحلیل مدل‌سازی ساختاری تفسیر، نظرات خبرگان موضوع مورد تحلیل قرار گرفت و بین عوامل شناسایی شده، اولویت‌بندی انجام گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که عوامل مؤثر بر اکوسیستم نظارت دیجیتال در پنج سطح مفهومی قرار می‌گیرند: رهبری (بنیادین‌ترین عامل)، فناوری‌های دیجیتال، داده و فرهنگ (عوامل زیرساختی)، فرایندهای پشتیبانی و نظارت (عوامل عملیاتی)، فرایندهای اکوسیستمی (عوامل ساختاری) و درنهایت ارزش‌های حاکمیتی همچون شفافیت، عدالت و اعتماد عمومی (به‌عنوان خروجی نهایی این ساختار). مدل پیشنهادی نشان می‌دهد که موفقیت در استقرار نظارت دیجیتال نیازمند تعامل پایدار میان عوامل فنی، فرهنگی و نهادی است و صرف اتکا به فناوری، بدون اصلاحات ساختاری و رهبری تحولی، کفایت نمی‌کند. نوآوری این پژوهش در ارائه مدلی چندسطحی، تعاملی و قابل‌تعمیم برای تحلیل اکوسیستم نظارت دیجیتال است که هم قابلیت مفهومی‌سازی برای سیاست‌گذاران دارد و هم می‌تواند مبنایی برای طراحی شاخص‌ها، ارزیابی‌ها و برنامه‌های تحول دیجیتال در نهادهای نظارتی کشور باشد.

واژگان کلیدی: اکوسیستم دیجیتال، نظارت دیجیتال، فساد اداری، ISM، شفافیت نهادی.

Developing a Digital Surveillance Ecosystem at the National Level: An Interpretive Structural Modeling (ISM Approach)

Mehdi Hedayatfar (Ph.D. in Industrial Management, University of Tehran)

Ayoub Mohammadian Associate Professor, University of Tehran, Faculty of Industrial Management and Technology)

Parisa Rasoulia (Ph.D. in entrepreneurship, University of Tehran)

Abstract

In the era of digital transformation, traditional oversight mechanisms are increasingly inadequate for addressing the complexity and pace of governance. The rise of new technologies, data-driven methodologies, and participatory models has amplified the urgency to design a robust digital oversight ecosystem. This study aims to identify and structurally prioritize the factors essential for establishing and advancing such an ecosystem at the national level. Employing a mixed-methods design, the research unfolded in two sequential phases: meta-synthesis and Interpretive Structural Modeling (ISM). First, a meta-synthesis of 15 reputable international scientific documents published between 2015 and 2025 was conducted to extract key contributing factors. Subsequently, ISM analysis was applied to expert judgments to determine the structural relationships and hierarchical priorities among these factors. The findings categorize the influential factors into a five-level conceptual hierarchy:

- Leadership & Political Will (the most fundamental driving factor)
- Digital Infrastructure & Data Culture (enabling infrastructural factors)

چکیده انگلیسی

- Supportive & Oversight Processes (operational factors)
- Ecosystem Interactions (structural and relational factors)
- Governance Values—transparency, justice, and public trust (the ultimate outcome factors)

The resulting model illustrates that the successful implementation of a digital oversight ecosystem depends on the sustained interaction and alignment of technical, cultural, and institutional elements. It underscores that technological adoption alone, without concurrent structural reforms and transformative leadership, is insufficient.

The primary innovation of this research lies in proposing a multi-level, interactive, and generalizable analytical model for the digital oversight ecosystem. This framework offers conceptual utility for policymakers and provides a foundation for designing performance indicators, evaluation frameworks, and targeted digital transformation programs within national oversight institutions.

Keywords: Digital Ecosystem, Digital Oversight, Administrative Corruption, Interpretive Structural Modeling (ISM), Institutional Transparency.

مقدمه

دنیای امروز با شتابی بی سابقه به سوی دیجیتالی شدن حرکت می‌کند؛ مفهوم «نظارت» نیز دیگر نمی‌تواند در قالب‌های سنتی، کند و صرفاً کاغذی باقی بماند. در بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه، ساختارهای نظارتی سنتی پاسخگوی چالش‌های پیچیده و چندبعدی فساد، ناکارآمدی نهادی و اتلاف منابع عمومی نیستند؛ از این رو، مفهوم «اکوسیستم دیجیتال نظارت» به عنوان یک ساختار یکپارچه و هوشمند برای ارتقای شفافیت، پاسخگویی و سلامت اداری مطرح شده است (آ.ای. سی.دی،^۱؛ ۲۰۲۱؛ آسیمییو،^۲ ۲۰۲۴).

اکوسیستم نظارت دیجیتال مجموعه‌ای از فناوری‌ها، قوانین، نهادها و فرایندهاست که در تعامل با یکدیگر، امکان رصد، تحلیل و کنترل داده‌محور بر عملکرد نهادهای اجرایی و حاکمیتی را فراهم می‌کنند (اف و سندبرگ،^۳ ۲۰۲۳). این سازوکار نوین، با تکیه بر ابزارهایی مانند هوش مصنوعی، بلاک چین، کلان داده‌ها و سامانه‌های هشدار زودهنگام، فرایند

1. OECD

2. Asimiyu

3. Ofe & Sandberg

نظارت را از حالت ایستا و پسینی، به حالتی پویا، پیش‌بینی‌گر و بازدارنده ارتقا می‌دهد (هوونگا و گرین^۱، ۲۰۲۲؛ راجی و همکاران^۲، ۲۰۲۲). شکل‌گیری چنین اکوسیستمی مستلزم شناسایی دقیق عوامل تأثیرگذار در سطوح فناوری، نهادی، حقوقی، فرهنگی و اقتصادی است که در تعامل با یکدیگر، موفقیت یا شکست چنین نظامی را رقم می‌زنند.

تجربه‌های موفق بین‌المللی از جمله در کشورهای استونی، کره جنوبی و اندونزی نشان می‌دهد که استقرار این نوع از اکوسیستم، منجر به کاهش معنادار فساد اداری، افزایش اعتماد عمومی و بهبود بهره‌وری حاکمیتی شده است (آدام^۳، ۲۰۲۱). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که در سطح ملی، عوامل مهمی چون یکپارچگی زیرساخت‌های داده، وجود چهارچوب‌های حقوقی حمایتگر، ظرفیت تحلیلی نهادهای نظارتی، شفافیت اطلاعاتی، تعامل بین‌نهادی و مشارکت جامعه مدنی، از عوامل کلیدی در موفقیت یا ناکامی اکوسیستم نظارت دیجیتال محسوب می‌شوند (ناموگنی و همکاران^۴، ۲۰۱۹/همچنین: راجی و همکاران، ۲۰۲۲). به‌طور خاص، کشورهای نظیر استونی، کره جنوبی و سنگاپور توانسته‌اند با طراحی معماری کل‌نگر دیجیتال و اتصال سامانه‌های اطلاعاتی، اثربخشی نظام‌های نظارتی خود را به‌طور چشمگیری افزایش دهند (آدام، ۲۰۲۱). در مقابل، بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، با چالش‌هایی نظیر نبود زیرساخت‌های داده‌ای منسجم، مقاومت نهادی در برابر شفافیت، و ضعف در قوانین حاکمیت داده مواجه هستند (مظهری و همکاران، ۱۴۰۲) که مانع توسعه کامل این اکوسیستم می‌شود.

از سوی دیگر، مطالعات میدانی در کشور ایران حاکی از آن است که فساد اداری یکی از مهم‌ترین عوامل تضعیف‌کننده اعتماد عمومی و کارآمدی نظام‌های اجرایی است (عشایری و همکاران، ۱۴۰۱). این پدیده نه تنها منجر به اتلاف منابع و کاهش بهره‌وری می‌شود، بلکه مشروعیت نظام اداری را نیز زیر سؤال می‌برد (همتی و همکاران، ۱۴۰۲). پژوهش‌های داخلی تأکید دارند که تقویت سازوکارهای نظارتی داده‌محور و استقرار سامانه‌های دیجیتال،

1. Hovenga & Grain

2. Raji et al

3. Adame

4. Namugenyi et al.

می‌تواند مسیر پیشگیری و مبارزه با فساد را کارآمدتر، سریع‌تر و شفاف‌تر کند (طاووسی باغ‌سیاه، ۱۴۰۱؛ کمالی، ۱۴۰۲)؛ از این رو پژوهش حاضر به دنبال «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و پیشبری اکوسیستم نظارت دیجیتال کشور» از طریق مدل‌سازی ساختاری است و تلاش دارد به دو پرسش زیر پاسخ دهد:

- ۱- عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و پیشبری اکوسیستم نظارت دیجیتال کشور کدامند؟
- ۲- رابطه بین عوامل و ساختار سلسله‌مراتبی آن‌ها چگونه بوده و کدام عوامل نسبت به سایرین اصلی‌تر و ریشه‌ای‌ترند؟

با توجه به ضرورت و فوریت موضوع، این مقاله با هدف «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر اکوسیستم نظارت دیجیتال کشور» انجام می‌شود تا با بهره‌گیری از نظریه‌های به‌روز، داده‌های تجربی و تلفیق دیدگاه‌های داخلی و بین‌المللی، چهارچوبی کاربردی برای سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی در نهادهای نظارتی، به‌ویژه سازمان بازرسی کل کشور، ارائه دهد. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش، گامی در جهت طراحی آینده‌نگرانه و بومی اکوسیستم نظارت دیجیتال در ایران باشد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تحولات گسترده در حوزه فناوری اطلاعات، ساختارهای حکمرانی را با دگرگونی‌های بنیادی مواجه ساخته است. در این میان، مفاهیمی مانند «اکوسیستم دیجیتال»، «نظارت هوشمند» و «نظارت دیجیتال» به عناصر کلیدی در طراحی و پیاده‌سازی نظام‌های نوین شفافیت و پاسخگویی تبدیل شده‌اند. درک دقیق این مفاهیم و روابط میان آن‌ها، مبنای شکل‌گیری رویکردهای نوآورانه برای مقابله با فساد و ارتقای کارآمدی حاکمیتی به شمار می‌رود. در این بخش، سه مفهوم بنیادین این پژوهش تبیین می‌شود:

اکوسیستم دیجیتال

اکوسیستم دیجیتال، ساختاری شبکه‌ای، باز و پویا است که مجموعه‌ای از بازیگران دولتی، خصوصی و اجتماعی را در بستری دیجیتال گرد هم می‌آورد تا از طریق فناوری، داده و تعامل، به خلق ارزش مشترک بپردازند. در این بستر، روابط میان نهادها، کاربران،

زیرساخت‌ها و مقررات به‌گونه‌ای درهم‌تنیده می‌شوند که امکان پاسخگویی سریع، سازگاری با تحولات محیطی و هم‌افزایی سیستمی فراهم شود (آفه و سندبرگ، ۲۰۲۳). یکی از ویژگی‌های کلیدی این اکوسیستم، تمرکززدایی و انعطاف‌پذیری است که آن را از ساختارهای سنتی متمایز می‌سازد (برینسکو و همکاران، ۲۰۲۲). در اکوسیستم‌های دیجیتال، جریان داده و تعاملات بین‌نهادی غالباً به صورت بلادرنگ^۱ انجام می‌شود و نقش فناوری‌هایی همچون هوش مصنوعی، بلاک‌چین و یادگیری ماشین در ایجاد شفافیت، پیش‌بینی و تنظیم تصمیم‌گیری‌ها پررنگ است (ویتز و همکاران، ۲۰۲۳). به همین دلیل، این اکوسیستم‌ها در حکمرانی نوین به بستری ضروری برای طراحی سیاست‌های پاسخگو، نظارت‌پذیر و آینده‌نگر تبدیل شده‌اند.

نظارت و کاهش فساد

نظارت، به‌عنوان یکی از ارکان حکمرانی شایسته، نقش بی‌بدیلی در کاهش فساد، ارتقای عدالت و افزایش اعتماد عمومی دارد. سازوکارهای نظارتی مؤثر، معمولاً از طریق ارزیابی مستمر عملکرد دستگاه‌ها، شفاف‌سازی فعالیت‌ها و آشکارسازی تخلفات، زمینه را برای کنترل قدرت و استفاده درست از منابع عمومی فراهم می‌آورند (لیندکوئیست و هوسه^۲، ۲۰۱۷). در دهه‌های اخیر، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در حوزه نظارت، منجر به شکل‌گیری رویکردی جدید تحت عنوان «نظارت دیجیتال» یا «نظارت هوشمند» شده است. در این رویکرد، با استفاده از سامانه‌های خودکار، تحلیل داده، و الگوریتم‌های کشف ناهنجاری، نه تنها تخلفات شناسایی می‌شوند، بلکه هشدارهای پیشگیرانه نیز صادر می‌گردند (میلاکوویچ^۳، ۲۰۲۱). چنین تحولاتی به‌ویژه در حوزه‌های فساد اداری، تدارکات عمومی و تخصیص منابع، نتایج مثبتی در کاهش انحرافات ساختاری به‌همراه داشته‌اند (راجی و همکاران، ۲۰۲۲).

1. Brynskov et al.
2. real-time
3. Wirtz et al.
4. Lindquist & Huse
5. Milakovich

اکوسیستم نظارت دیجیتال

اکوسیستم نظارت دیجیتال را می‌توان حاصل ادغام ساختاری بین فناوری‌های نظارتی، داده‌های حاکمیتی و تعاملات نهادی دانست. این اکوسیستم نه فقط بستری برای اجرای فرایندهای نظارت دیجیتال فراهم می‌کند، بلکه امکان هم‌راستایی اهداف حاکمیتی با الزامات فناورانه، حقوقی و فرهنگی را نیز به وجود می‌آورد (تان و همکاران، ۲۰۲۲). در این ساختار، هر یک از مؤلفه‌ها نقشی پویا ایفا می‌کنند: زیرساخت‌های فنی به انتقال داده‌ها، سامانه‌های هوش مصنوعی به تحلیل تخلفات، نهادهای نظارتی به تفسیر یافته‌ها، و سیاست‌گذاران به تنظیم پاسخ‌ها می‌پردازند (گلدزبی و همکاران، ۲۰۲۳). یکی از ویژگی‌های مهم این اکوسیستم، بهره‌گیری از قابلیت یادگیری است؛ به این معنا که سامانه‌ها و نهادهای نظارتی با استفاده از تجربه و تحلیل مستمر داده‌ها، عملکرد خود را بهبود می‌دهند (کریشنا و همکاران، ۲۰۲۵). در چنین ساختاری، شفافیت، پاسخگویی، همکاری بین‌نهادی و عدالت داده‌محور به ارزش‌های محوری تبدیل می‌شوند و بستر لازم برای حکمرانی هوشمند را فراهم می‌سازند.

پیشینه نظری خارجی و داخلی

در سال‌های اخیر، پژوهشگران به بررسی سازوکارهای حکمرانی داده‌محور و توسعه اکوسیستم‌های دیجیتال نظارت در بخش عمومی توجه ویژه‌ای داشته‌اند (افه و سندبرگ، ۲۰۲۳). مفهوم اکوسیستم نظارت دیجیتال را به عنوان ترکیبی از فناوری، تعامل نهادی و تنظیم‌گری نوین تعریف کرده‌اند که در آن، نظارت به صورت توزیع شده، مشارکتی و بازطراحی می‌شود.

هونگا و گرین^۴ (۲۰۲۲) بر توسعه زیرساخت‌های ملی دیجیتال در حوزه سلامت و خدمات عمومی تمرکز کرده‌اند و نشان داده‌اند که ترکیب داده‌های بین‌بخشی با

1. Tan et al.

2. Goldsby et al.

3. Krishna et al.

4. Hovenga & Grain

نظارت الگوریتمی می‌تواند اثربخشی را در کنترل فساد افزایش دهد. برجیا^۱ (۲۰۲۵) نقش استانداردهای داده‌ها و نظارت بلادرنگ را در بهبود شفافیت و پاسخگویی در سیاست‌های محیط‌زیستی تحلیل کرده است.

از دیدگاه امنیت داده و اعتماد نهادی، کریشنا و همکاران (۲۰۲۵) بیان می‌کنند که اعتماد کاربران به نهادهای نظارتی دیجیتال، تابعی از شفافیت الگوریتمی و عدالت در تصمیم‌سازی سیستمی است. گونادی^۲ (۲۰۲۵) نیز بر نقش «سواد حقوقی عمومی» و «بسترهای قانون‌گذاری در فضای دیجیتال» برای ایجاد توازن میان نظارت و حقوق شهروندی در زیست‌بوم‌های نظارت دیجیتال تأکید دارد. در پژوهش راسل و مک‌گروی^۳ (۲۰۲۵) بر موازنه میان مشارکت بخش خصوصی و حاکمیت دولتی در نظارت دیجیتال اشاره شده و لزوم وجود ساختارهای نظارتی فرابخشی و مستقل مطرح می‌شود. کاستروجن و دفو^۴ (۲۰۲۵)، نشان داده‌اند که استقرار سامانه‌های نظارتی دیجیتال در حوزه‌های حفاظت منابع، از جمله در اقیانوس‌ها، موجب ارتقای شفافیت و کاهش تخلفات شده است. مطالعه موتانجیلی^۵ (۲۰۲۵) درباره دولت کنیا نیز نشان می‌دهد که پیاده‌سازی اکوسیستم دیجیتال نظارت در حوزه تدارکات عمومی با استفاده از بلاک چین، کاهش تخلف، بهبود مدیریت داده و شفافیت مالی را به دنبال داشته است.

به‌طور کلی، می‌توان از مطالعات بین‌المللی موارد مهم زیر را در حوزه اکوسیستم نظارت دیجیتال استنباط کرد: یکپارچگی زیرساخت‌های داده‌ای، حاکمیت تنظیم‌گر و اخلاقی، تحلیل پیش‌بینی‌گر و هشدار زودهنگام، مشارکت چندذی‌نفعی، مدیریت امنیت و اعتماد نهادی.

پژوهش‌های داخلی نیز طی سال‌های اخیر به بررسی نقش فناوری اطلاعات و نظارت داده‌محور در ارتقای سلامت اداری و پیشگیری از فساد پرداخته‌اند. در پژوهشی هدایت‌فر و محمدیان (۱۴۰۳) با تحلیل بیش از ۴۴۰۰ مقاله منتشر شده

1. Borja

2. Gunadi

3. Russell & McGravey

4. Castrejón & Defeo

5. Mutangili

در حوزه اکوسیستم دیجیتال در پایگاه وب آو ساینس^۱، نقشه دانشی، خوشه‌های موضوعی و شبکه هم‌تألفی این حوزه را ترسیم کرده‌اند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که اکوسیستم دیجیتال از منظر مدیریتی حول شش محور شکل گرفته است: مدیریت فناوری‌های نوظهور، نوآوری و کارآفرینی، خلق ارزش مشترک، راهبرد، تحول دیجیتال و شبکه‌ها. از نظر جغرافیای علمی، پژوهش کشورهای ایالات متحده، انگلستان و چین بیشترین سهم را داشته‌اند، درحالی‌که جایگاه ایران هم در تولید و هم در همکاری بین‌المللی نیازمند بهبود جدی عنوان شده است. عشایری و همکاران (۱۴۰۱) با استفاده از روش فراترکیب کیفی، عوامل بروز فساد اداری را شناسایی کرده و بر ضعف نظارت هوشمند در شکل‌گیری فساد تأکید کرده‌اند. در پژوهش طاووسی باغ‌سیاه (۱۴۰۱)، نقش فناوری اطلاعات در افزایش شفافیت و کاهش فساد اداری بررسی شده و دولت الکترونیک به عنوان بستری برای نظارت دیجیتال معرفی شده است. همتی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی میدانی، نشان داده‌اند که فساد اداری ناشی از عدم هم‌افزایی بین سامانه‌های نظارتی و اجرایی است و بر ضرورت طراحی نظارت الکترونیکی یکپارچه تأکید دارند؛ همچنین، مظهری و همکاران (۱۴۰۱) به نقش سازمان بازرسی کل کشور در تحقق شفافیت قانونی پرداخته و تأکید می‌کنند که برای تحقق یک اکوسیستم نظارت دیجیتال مؤثر، نهادهای نظارتی باید به ابزارهای تحلیل داده، هوش مصنوعی و زیرساخت‌های امن اطلاعاتی مجهز شوند.

روش پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر از نوع تفسیری و با روش آمیخته است. پژوهش در دو مرحله انجام گرفت. در مرحله اول با مرور اسناد علمی با استفاده از روش مرور سیستماتیک تلاش شد فهرستی از عوامل مؤثر بر اکوسیستم نظارت دیجیتال شناسایی شود. در مرحله دوم، به منظور اولویت‌بندی عوامل شناسایی شده اکوسیستم نظارت دیجیتال کشور و بررسی رابطه سلسله‌مراتبی آن‌ها از روش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری (ISM) استفاده شد.

مرحله اول: شناسایی عوامل اثرگذار بر اکوسیستم نظارت دیجیتال کشور

تحلیل داده‌ها با روش تحلیل مضمون (تم) و با ابزار کدگذاری صورت گرفت. تحلیل تم روشی برای تحلیل داده‌های کیفی است و محقق، داده‌ها را از نزدیک بررسی می‌کند تا مضامین مشترک، موضوعات، ایده‌ها و الگوهای معنایی تکرار شده را شناسایی کند (براون و کلارک^۱، ۲۰۰۶). برای شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و پیشبرد اکوسیستم نظارت دیجیتال، مرور سیستماتیک با استفاده از پایگاه داده علمی اسکوپوس و سپس گوگل اسکالر در بازه زمانی ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۵ انجام شد. پس از تعریف واژگان کلیدی اکوسیستم نظارت دیجیتال، حکمرانی دیجیتال، نظارت و بازرسی در بخش عمومی^۲ در مجموع ۱۲۴ مقاله علمی بازیابی شد. در ادامه با اعمال معیارهایی، ۱۵ مقاله به عنوان مقالات نهایی تحلیل شدند.

جدول ۱. فرایند انتخاب مقالات برای فراترکیب

مرحله	تعداد مقالات	توضیحات
جستجوی اولیه در پایگاه Scopus	۱۲۴ مقاله	بر اساس کلیدواژه‌های ترکیبی در عنوان، چکیده و کلیدواژه‌ها
حذف مقالات تکراری یا غیرمرتبط	۵۲ مقاله	بررسی تطبیقی عنوان و موضوع اصلی مقاله
بررسی دقیق چکیده و روش‌شناسی	۳۶ مقاله	اولویت با مطالعات تجربی و مفهومی در حوزه نظارت دیجیتال
انتخاب نهایی برای تحلیل کیفی	۱۵ مقاله	مبنای استخراج کدهای نظری و مفاهیم کلیدی پژوهش حاضر

مرحله دوم: مدل‌سازی سلسله‌مراتبی عامل‌ها مبتنی بر مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM)

هدف اصلی این مرحله به دست آوردن یک ساختار سلسله‌مراتبی از عوامل شناسایی شده است. بر اساس مدل نهایی حاصل از این روش، شناسایی

1. Brown & clarke

2. Digital Oversight Ecosystem, Digital Governance, Surveillance, Public Sector Monitoring

عامل‌های ریشه‌ای امکان‌پذیر خواهد بود. سپس سطح‌بندی نهایی عامل‌ها بر اساس مراحل روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری به دست آمد. روش ISM امکان تبدیل مسائل پیچیده به یک ساختار سلسله‌مراتبی و ساده‌تر را فراهم می‌کند. این روش براساس دانش کارشناسان و داده‌های موجود، ماتریسی از تأثیرات متقابل عوامل را ایجاد می‌کند و به شناسایی عوامل کلیدی که سایر عوامل را تحت تأثیر قرار می‌دهند، کمک می‌کند (عطری و همکاران^۱، ۲۰۲۲). این ویژگی روش ISM در طراحی و پیشبری اکوسیستم نظارت دیجیتال بسیار حیاتی است؛ چراکه در مرحله شکل‌گیری اکوسیستم دیجیتال بسیار مهم هستند. این اولویت‌بندی می‌تواند به مدیران و تصمیم‌گیران کمک کند تا منابع خود را به عوامل کلیدی تخصیص دهند، چراکه بدون پرداختن به این عوامل ریشه‌ای، احتمالاً تلاش‌های انجام‌شده برای توسعه عوامل وابسته به آن‌ها، ثمربخش نخواهد بود. مراحل به‌کارگیری این روش به صورت زیر است (مالیک و همکاران^۲، ۲۰۲۳):

۱- تحلیل تأثیرات متقابل: از خبرگان خواسته می‌شود تا تأثیرات متقابل میان عوامل را مشخص کنند و با تشکیل ماتریس خودتعاملی، ماتریس دسترسی اولیه^۳ تدوین شود.

۲- ساختاردهی سلسله‌مراتبی: داده‌های ماتریس دسترسی اولیه پردازش می‌شود تا نموداری سلسله‌مراتبی از روابط میان عوامل تولید شود. این نمودار نشان می‌دهد که کدام عوامل در رأس سلسله‌مراتب قرار دارند و کدام عوامل وابسته به آن‌ها هستند.

۳- تحلیل سطح تأثیرگذاری: عوامل براساس میزان تأثیرگذاری به عوامل کلیدی (که اثرگذاری بالایی دارند) و عوامل وابسته (که از دیگر عوامل تأثیر می‌پذیرند) دسته‌بندی می‌شوند.

1. Attri et al.

2. Malik et al.

3. Initial Reachability Matrix

یافته‌ها

در مرحله اول پژوهش، با مطالعه پژوهش‌های داخلی انجام‌گرفته در موضوع اکوسیستم نظارت دیجیتال به استخراج و دسته‌بندی عوامل پرداخته شد. براین اساس عوامل مؤثر در اکوسیستم نظارت دیجیتال در ۱۰ عنوان اصلی به شرح جدول ۲ دسته‌بندی شده‌اند. در این مرحله ۴۵ زیر مقوله فرعی شناسایی شد که در نهایت به منظور ایجاد درکی بهتر و یکپارچه‌تر در ۱۰ مقوله اصلی دسته‌بندی شدند. جدول ۲ نتایج تحلیل کیفی مقالات و عوامل مستخرج در شکل‌گیری و پیش‌بری اکوسیستم نظارت دیجیتال را ارائه می‌دهد.

جدول ۲. عامل‌های اکوسیستم نظارت دیجیتال براساس مرور سیستماتیک

ردیف	عامل کلیدی	تعریف مفهومی	نمونه شواهد و مقاله‌های کلیدی
۱	زیرساخت فناوری‌های دیجیتال	بسترهای فناورانه شامل هوش مصنوعی، بلاک‌چین، اینترنت اشیا برای نظارت هوشمند	Tan et al. (2022); Zuiderwijk et al. (2021); Milakovich (2021); Tripathi et al. (2021)
۲	حکمرانی داده	دردسترس بودن، یکپارچگی، کیفیت داده، حفاظت از داده‌ها	Lnenicka et al. (2024); Krishna et al. (2025); Othman et al. (2020); Elias Baltassis et al. (2019)
۳	قابلیت تحلیلگری داده	توانایی پردازش، تحلیل پیشگویانه و مصورسازی داده‌ها	Otia & Bracci (2022); Cromptvoets et al. (2022)
۴	سرمایه انسانی	مهارت دیجیتال، آشنایی با ابزار نظارتی و تحلیل داده	Di Giulio & Vecchi (2023); Brynskov et al. (2022); Jansen (2020); Roland Deiser (2021); Gollhardt (2020); Apurv et al., (2021)
۵	فرهنگ و پذیرش اجتماعی	سطح اعتماد عمومی، تمایل به مشارکت و شفافیت	Lindquist & Huse (2017); Elayah (2025); Janowski (2015); Apurv et al. (2021); Guerrero et al. (2022); Ulrike Deetjen et al. (2022); Tripathi et al. (2021)

ردیف	عامل کلیدی	تعریف مفهومی	نمونه شواهد و مقاله‌های کلیدی
۶	سیاست‌گذاری رهبری و	حمایت سیاسی و استراتژیک از پیاده‌سازی نظارت دیجیتال	Ofe & Sandberg (2023); Balaji (2025); Goldsby et al. (2023); Ulrike Deetjen et al. (2022); Roland Deiser (2021); Weera-bahu et al. (2022); Ehrensperger (2023); Mohamadian (2014)
۷	ارزش‌ها	عدالت، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، اعتماد عمومی	Apurv et al., (2021); Wirtz et al. (2023); Milakovich (2012); Milakovich (2021); Schumacher et al. (2016); Mohamadian (2014)
۸	فرایندهای پشتیبانی	بسترهای قانونی، مالی و اجرایی برای اجرای نظارت دیجیتال	Mohamadian (2014)
۹	فرایندهای نظارت	استانداردهای ارزیابی، ممیزی دیجیتال، شاخص‌های عملکرد	Otia & Bracci (2022); Goldsby et al. (2023); Tan et al. (2022)
۱۰	فرایندهای اکوسیستم	تعامل نهادها، مشارکت بخش خصوصی، NGOها و APIهای مشترک	Gallebard (2023); Ulrike Deetjen et al, (2022); Guerrero et al. (2022); Elayah (2025); Wirtz & Müller, (2023);

در بخش دوم پژوهش به منظور ارائه پاسخ به سؤال دوم پژوهش، اولویت‌بندی عامل‌ها و بررسی روابط عامل‌ها از روش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری استفاده شد و عوامل شناسایی شده با انجام مراحل زیر اولویت‌بندی شدند. ابتدا ماتریس خودتعاملی (جدول ۳) از برآیند پاسخ‌های خبرگان استخراج شد. سپس فاز کمی‌سازی ماتریس به دست آمده از مرحله قبل انجام شد و ماتریس دسترس اولیه (جدول ۴) حاصل شد. سپس با شمارش روابط بین متغیرها ماتریس نهایی (جدول ۵) به دست آمد و نتایج نهایی تکرارها و سطوح حاصل از آن‌ها در جدول ۶ نشان داده شد. در نهایت با مشخص شدن سطح عوامل، مدل ساختاری تفسیری آن‌ها ترسیم شد. به این منظور، نخست با توجه به ماتریس دسترس نهایی، مدل اولیه طراحی می‌شود و سپس با حذف روابط گذار، مدل نهایی به دست می‌آید. در ادامه هر گام مرحله دوم پژوهش و یافته‌های آن بررسی می‌شود.

گام اول: در مدل‌سازی ساختاری تفسیری، ابتدا ماتریس خودتعاملی ساختاری تهیه می‌شود. این ماتریس روابط بین متغیرها (عامل‌ها) را با استفاده از نمادهای زیر مشخص می‌کند:

- **V**: عامل i بر عامل j تأثیر دارد.
- **A**: عامل j بر عامل i تأثیر دارد.
- **X**: عوامل i و j بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند.
- **O**: هیچ رابطه‌ای بین عامل i و عامل j وجود ندارد.

جدول ۳. ماتریس خودتعاملی ساختاری (SSIM)

عامل ۱۰	عامل ۹	عامل ۸	عامل ۷	عامل ۶	عامل ۵	عامل ۴	عامل ۳	عامل ۲	عامل ۱	عامل‌ها
V	V	V	V	V	V	O	V	V	-	عامل ۱
X	X	X	O	O	O	V	X	-	A	عامل ۲
X	X	X	V	V	V	V	-	X	A	عامل ۳
A	A	A	V	O	X	-	A	A	O	عامل ۴
A	A	A	V	V	-	X	A	O	A	عامل ۵
A	A	A	A	-	A	O	A	O	A	عامل ۶
A	A	A	-	A	A	A	A	O	A	عامل ۷
V	V	-	V	V	V	V	X	X	A	عامل ۸
V	-	V	V	V	V	V	X	X	A	عامل ۹
-	V	V	V	V	V	V	X	X	A	عامل ۱۰

در گام دوم، برای تشکیل ماتریس دسترسی اولیه، از ماتریس خودتعاملی (SSIM) استفاده می‌کنیم و قوانین زیر را برای تبدیل روابط به اعداد (۰ و ۱) به کار می‌بریم:

- **V**: مقدار ۱ در محل تقاطع قرار می‌گیرد.
- **A**: مقدار ۰ در محل تقاطع قرار می‌گیرد.
- **X**: مقدار ۱ در محل تقاطع قرار می‌گیرد.
- **O**: مقدار ۰ در محل تقاطع قرار می‌گیرد.

جدول ۴. ماتریس دسترسی اولیه

عامل ۸	عامل ۷	عامل ۶	عامل ۵	عامل ۴	عامل ۳	عامل ۲	عامل ۱	عامل ۱۰
۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۰	عامل ۱
۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	عامل ۲
۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۰	عامل ۳
۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	عامل ۴
۰	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	عامل ۵
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	عامل ۶
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	عامل ۷
۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	عامل ۸
۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۰	عامل ۹
۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	عامل ۱۰

گام سوم، ماتریس دسترسی نهایی^۱ با استفاده از بسته شدن انتقالی^۲ روی ماتریس دسترسی اولیه (RM) محاسبه می‌شود. این بسته شامل تمامی روابط مستقیم و غیرمستقیم بین عوامل هاست. برای محاسبه، ابتدا تمام مسیرهای غیرمستقیم در نظر گرفته می‌شود: اگر در ماتریس دسترسی اولیه، مسیر $A \rightarrow B$ و $B \rightarrow C$ برقرار باشد، در ماتریس دسترسی نهایی رابطه $A \rightarrow C$ نیز برقرار می‌شود.

1. Final Reachability Matrix

2. Transitive Closure

جدول ۵. ماتریس دسترسی نهایی

عاملها	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴	عامل ۵	عامل ۶	عامل ۷	عامل ۸	عامل ۹	عامل ۱۰	محرك قدرت
عامل ۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۷
عامل ۲	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۶
عامل ۳	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۶
عامل ۴	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۳
عامل ۵	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۲
عامل ۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۱
عامل ۷	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱
عامل ۸	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۹
عامل ۹	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۹
عامل ۱۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۹
وابستگی	۰	۳	۴	۴	۴	۹	۹	۹	۹	۳	۰

گام چهارم، تعیین سطوح عامل‌ها است. برای تعیین سطوح، دو مجموعه برای هر عامل تعریف می‌شود:

مجموعه دسترسی^۱: شامل تمامی عواملی است که از یک عامل معین قابل دسترسی هستند.

مجموعه مقدم^۲: شامل تمامی عواملی است که به یک عامل معین دسترسی دارند. اشتراک^۳ این دو مجموعه مشخص‌کننده عامل‌هایی است که در یک سطح قرار می‌گیرند.

1. Reachability Set

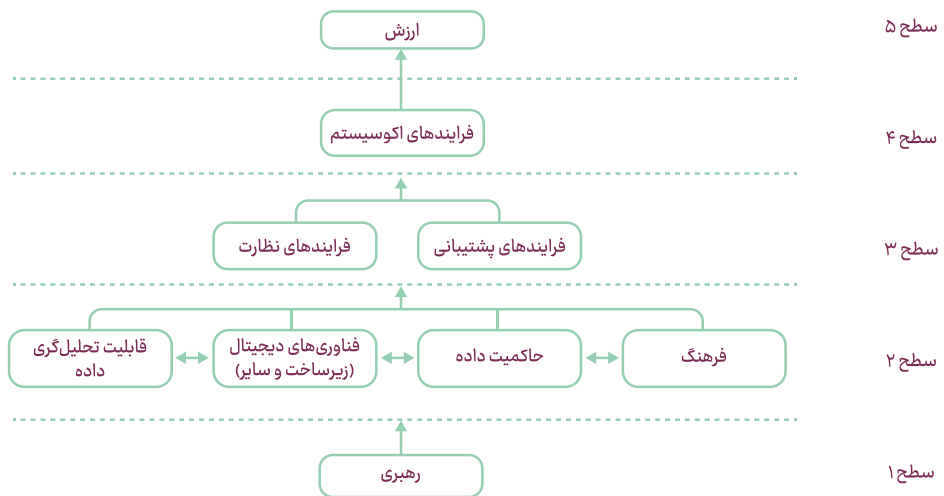
2. Antecedent Set

3. Intersection

جدول ۶. نتیجه تکرارهای سطح بندی

سطح	مجموعه مقدم (A)	مجموعه دسترسی (R)	عامل
۱	۱	۱۰, ۸, ۷, ۶, ۵, ۴, ۳, ۲, ۱	عامل ۱
۲	۲, ۱	۸, ۷, ۶, ۵, ۴, ۲	عامل ۲
۲	۳, ۱	۷, ۹, ۶, ۵, ۴, ۳	عامل ۳
۲	۳, ۱	۷, ۹, ۶, ۵, ۴, ۳	عامل ۴
۳	۸, ۴, ۳, ۲, ۱	۸, ۷, ۶, ۴	عامل ۵
۳	۸, ۵, ۳, ۲, ۱	۷, ۹, ۶, ۵	عامل ۶
۴	۸, ۶, ۵, ۴, ۳, ۲, ۱	۶, ۴	عامل ۷
۴	۸, ۷, ۵, ۴, ۳, ۲, ۱	۷, ۳	عامل ۸
۲	۳, ۱	۷, ۹, ۶, ۵, ۴, ۳	عامل ۹
۵	۱۰, ۹, ۸, ۶, ۵, ۴, ۳, ۲, ۱	۷	عامل ۱۰

در نهایت پس از استخراج سطح بندی، مدل سلسله مراتبی عامل های اکوسیستم نظارت دیجیتال کشور به صورت شکل (۱) رسم شد. این شکل به صورت سطوح مختلفی متشکل از ۵ سطح ترتیب داده شده است که در ادامه هر سطح و عامل های آن تبیین می شود.



شکل ۱- مدل سلسله مراتبی عامل های اکوسیستم نظارت دیجیتال ایران (یافته پژوهش).

مدل ساختاری تفسیری ترسیم شده در شکل، روابط سطح‌بندی شده بین عوامل کلیدی مؤثر بر شکل‌گیری و پیش‌بری اکوسیستم نظارت دیجیتال را نشان می‌دهد. این مدل بر اساس تعاملات علی و تأثیرگذار بین عوامل، پنج سطح از تأثیر را به صورت نظام‌مند سازمان‌دهی کرده است.

سطح ۱: عامل ریشه‌ای و بنیادین

در پایین‌ترین سطح قرار دارد و به عنوان عامل بنیادین و هدایت‌گر شناخته می‌شود. نقش رهبری در تسهیل سیاست‌گذاری، ایجاد اراده سیاسی و هدایت منابع حیاتی برای سایر عوامل بالادستی مدل کلیدی است. این عامل، هیچ وابستگی به سایر عوامل ندارد؛ اما بر همه سطوح بالاتر اثرگذار است.

سطح ۲: زیرساخت‌ها و زمینه‌های توانمندساز

این چهار عامل به صورت متقابل () با یکدیگر در تعامل‌اند و به عنوان پایه‌های فنی، فرهنگی و اطلاعاتی برای پیاده‌سازی نظارت دیجیتال عمل می‌کنند. فناوری‌های دیجیتال مانند بلاک چین، سامانه‌های هشدار، داشبوردهای نظارتی و API‌ها بستر اجرایی مدل را فراهم می‌سازند. داده‌ها باید کیفی، قابل اتکا، یکپارچه و تحلیل‌پذیر باشند. فرهنگ نیز به عنوان یک عامل نرم‌افزاری، در پذیرش فناوری و شفافیت عمومی نقش دارد.

سطح ۳: عوامل میانی

در این سطح، دو گروه فرایندی وجود دارند که در تعامل تنگاتنگ با یکدیگر هستند: فرایندهای پشتیبانی (مالی، قانونی، فنی، سیاسی) نقش تسهیل‌گر دارند. فرایندهای نظارت (ممیزی، تحلیل‌گر، پایش در لحظه) که بخش عملیاتی اکوسیستم هستند.

این سطح مستقیماً تحت تأثیر زیرساخت‌های سطح ۲ قرار دارد و خود زمینه‌ساز شکل‌گیری زیست‌بوم نهایی در سطح ۴ است.

سطح ۴: عوامل میانی دوم

این سطح نشان دهنده یکپارچگی سیستماتیک همه عوامل زیرین است که منجر به تشکیل یک اکوسیستم نظارت دیجیتال منسجم، پایدار و منعطف می شود. فرایندهای این سطح شامل هماهنگی بین نهادها، تبادل داده بین سازمانی، تنظیم‌گری مشارکتی و سازوکارهای پاسخگویی باز هستند.

سطح ۵: خروجی نهایی

در بالاترین سطح، «ارزش» به عنوان خروجی کل سیستم مطرح است. این مفهوم شامل عدالت، شفافیت، اعتماد عمومی، پاسخگویی نهادها و بهینه‌سازی عملکرد نظام حکمرانی است. به عبارت دیگر، اگر تمام عوامل سطوح پایین به درستی شکل گیرند، نتیجه آن تحقق ارزش‌های حکمرانی مطلوب خواهد بود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و پیش‌بری اکوسیستم نظارت دیجیتال، تلاشی است برای ترسیم تصویری نظام‌مند از مؤلفه‌های کلیدی این زیست‌بوم پیچیده. یافته‌های به دست آمده از مرور سیستماتیک مقالات علمی و مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM)، نشان می‌دهند که این اکوسیستم تنها زمانی می‌تواند به صورت پایدار و هدفمند عمل کند که تعامل میان سطوح مختلف آن با دقت طراحی و هدایت شود.

در مدل نهایی ارائه شده، «رهبری» به عنوان ریشه و پیشران اصلی تغییر در پایین‌ترین سطح قرار گرفته است. این انتخاب نه فقط نشانه‌ای از نقش تصمیم‌سازان کلان در سیاست‌گذاری نظارت دیجیتال است، بلکه تأکیدی بر این واقعیت است که بدون عزم نهادی در سطح بالا، هیچ‌یک از عناصر فناورانه یا اطلاعاتی قادر به کنش اثربخش نخواهند بود. پس از آن، چهار مؤلفه کلیدی، فناوری‌های دیجیتال، حاکمیت داده، تحلیل‌گری داده و فرهنگ، در کنار هم نقش زیرساختی ایفا می‌کنند؛ به این معنا که

بستر فنی، اطلاعاتی و اجتماعی لازم برای پیاده‌سازی نظارت دیجیتال از دل این چهار عنصر بیرون می‌آید. در سطح سوم، فرایندهای پشتیبانی و نظارت قرار دارند که با اتکا به سطح زیرین خود، عملیات نظارت را به اجرا درمی‌آورند. سرانجام، این نظام در دو سطح بالاتر به «فرایندهای اکوسیستمی» و «ارزش‌ها» ختم می‌شود؛ فرایندهای اکوسیستمی از همکاری شروع شده و در مراتب بعدی به هماهنگی و تشریک مساعی می‌رسد. در نهایت، خروجی این الگو تحقق ارزش‌هایی مانند شفافیت، عدالت و اعتماد عمومی به عنوان نتایج موردانتظار خود را نشان می‌دهند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، افزایش شفافیت و عدالت و اعتماد عمومی به عنوان دستاورد این الگو است که موجب کاهش فساد اداری می‌شوند. این خروجی نشان می‌دهند برای کاهش فساد اداری نیاز است سه عنصر شفافیت، عدالت و اعتماد در نظام‌های اداری و سیستم نظارتی نهادینه شود و این موارد تالیه‌های زیرین برنامه‌ریزی و اجرا نشوند، محقق نخواهند شد؛ همچنین چندلایه بودن و تعدد پیش‌نیازها برای هر لایه، بیانگر پیچیدگی موضوع کاهش فساد اداری و افزایش عدالت و شفافیت و اعتماد است و نشان می‌دهد یک شبه نمی‌توان به چنین اهدافی نائل شد؛ بلکه با برنامه‌ریزی‌های کل‌نگر و توجه به ابعاد پیچیده اجتماعی، فرهنگی، زیرساختی و رفتاری است که می‌توان امیدوار به طراحی نظامی برای اکوسیستم‌سازی و توسعه همکاری‌ها و تشریک مساعی‌ها بود. در گام اول نیز رهبری مناسب برای آماده‌سازی و پیشبری این اکوسیستم همکاری نیاز است تا الزامات فنی و اجتماعی را گردهم آورد و مسیر پیچیده این همکاری‌ها را پیشبری نماید. این الگو در مقایسه با پیشینه نظری نیز وجوه اشتراک و تمایز قابل توجهی دارد. به عنوان مثال، مطالعات بین‌المللی همچون پژوهش‌های افه و سندبرگ (۲۰۲۳)، کریشنا و همکاران (۲۰۲۵) نیز به عناصر کلیدی مشابهی مانند حاکمیت داده، تعامل نهادی و زیرساخت فناوری اشاره کرده‌اند؛ اما تمایز پژوهش حاضر در آن است که علاوه بر عوامل فناورانه، بر عوامل نرم مانند «فرهنگ» و «رهبری» تأکید ویژه‌ای دارد، موضوعی که در ادبیات داخلی نیز کمتر به آن پرداخته شده است؛ همچنین برخلاف بسیاری از مدل‌های خطی، در این مدل، روابط چندجهتی، تعاملات افقی و هم‌افزایی بین عوامل

لحاظ شده که درک پویاتری از سیستم فراهم می‌سازد. این پژوهش هم از نظر ساختاری (ارائه مدل پنج‌سطحی تعاملی)، و هم از نظر روشی (ترکیب روش مرور سیستماتیک با روش مدلسازی ساختاری تفسیری) گامی نو در تحلیل اکوسیستم نظارت دیجیتال برداشته است. این مدل نه تنها بر مبنای تحلیل مفاهیم موجود در پیشینه نظری طراحی شده، بلکه از مسیر تحلیلی جدیدی را در این موضوع طی کرده است که آن را برای پژوهش‌های آتی نیز قابل تعمیم می‌سازد.

از منظر کاربردی، یافته‌های این پژوهش می‌تواند به صورت مستقیم در فرایند طراحی و توسعه سیستم‌های نظارتی دیجیتال به کار گرفته شود. سازمان‌هایی نظیر سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات، یا شورای عالی فضای مجازی می‌توانند با استناد به این مدل، برنامه‌های راهبردی خود را برای گذار به نظارت دیجیتال طراحی کنند؛ همچنین این مدل می‌تواند در طراحی «داشبوردهای یکپارچه نظارت»، استخراج شاخص‌های کلیدی عملکرد (KPI)، و ارزیابی بلوغ نظارتی دستگاه‌ها مورد استفاده قرار گیرد. در سطح کلان نیز، مدل ارائه شده مبنایی برای تدوین سیاست‌های ملی در زمینه «شفافیت دیجیتال» و «پاسخ‌گویی داده‌محور» فراهم می‌سازد.

در مجموع، این پژوهش با ترکیب شواهد نظری، تحلیل ساختاری و نگاه آینده‌نگر، گامی در جهت ارتقاء فهم و سیاست‌گذاری مؤثر در مسیر توسعه یک اکوسیستم نظارت دیجیتال ایرانی و بومی است.

اگرچه این پژوهش با بهره‌گیری از روش مرور سیستماتیک و مدل‌سازی ساختاری تفسیری توانست مدلی سلسله‌مراتبی و تحلیلی برای تبیین عوامل مؤثر بر اکوسیستم نظارت دیجیتال ارائه دهد، اما همچنان با چند محدودیت مهم روبه‌رو بوده است: علی‌رغم گسترش نسبی پژوهش‌ها در حوزه فناوری دیجیتال و دولت الکترونیک، مطالعات علمی در حوزه اکوسیستم نظارت دیجیتال با رویکرد سیستمی هنوز بسیار محدودند و این مسئله موجب استفاده از منابع مرتبط با اکوسیستم دیجیتال در حالت کلی در بخش دولتی و عمومی شده است. ساختار پیشنهادی ISM عمدتاً بر مبنای تحلیل مفهومی و نظری ۱۵ سند علمی معتبر بین‌المللی آماده شده و سپس در معرض نظر چند خبره در سطح داخل کشور

قرار داده شده است؛ بنابراین تعمیم عملی مدل نیازمند اعتبارسنجی تجربی بیشتر است تا ابعاد مختلف مدل بررسی و ارزیابی شود. با وجود تعیین سطح عوامل، پژوهش از روش‌های کمی مانند تحلیل MICMAC یا تکنیک دلفی برای اعتبارسنجی میزان تأثیرگذاری عوامل استفاده نکرده است. این مطالعه به صورت نظری و بدون مطالعه موردی مشخص طراحی شده است؛ لذا ارتباط بین یافته‌ها و واقعیت‌های نهادی در بستر ایران نیازمند بررسی بیشتر است و می‌تواند در بخش‌های نهادی و سازمانی مختلف به صورت مطالعه موردی، مورد بررسی عمیق‌تر قرار گیرد.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

باتوجه به محدودیت‌های فوق، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران آتی جهت تکمیل، تعمیق و بومی‌سازی مدل ارائه شده، اقدامات زیر را در دستور کار قرار دهند:

- ۱- اعتبارسنجی مدل در سازمان‌های نظارتی داخلی: پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی با مطالعه موردی بر سازمان‌هایی مانند سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات یا نهادهای نظارتی دیگر انجام شود تا قابلیت انطباق و بومی‌سازی مدل ISM بررسی شود.
- ۲- ترکیب روش ISM با تکنیک‌های پویایی سیستم‌ها: پژوهشگران می‌توانند با مدل‌سازی پویای عوامل کلیدی، نحوه تعامل زمانی بین مؤلفه‌ها و تأثیر بلندمدت آن‌ها را شبیه‌سازی کنند.
- ۳- سطرهای مطالعات تجربی (میدانی) بیشتر: پژوهش‌های آینده می‌توانند با بهره‌گیری از روش‌هایی مانند تحلیل MICMAC، فرایند تحلیل شبکه (ANP) یا دلفی فازی، میزان اثرگذاری و وابستگی عوامل مدل را به صورت کمی بررسی و رتبه‌بندی کنند.
- ۴- مطالعات تطبیقی بین‌المللی: پژوهش‌هایی که عملکرد اکوسیستم‌های نظارت دیجیتالی در کشورهای با ساختار حکمرانی مشابه ایران را تحلیل تطبیقی کنند، می‌توانند به استخراج سیاست‌های موفق و قابل‌الگو برداری منجر شوند.

منابع فارسی

۱. طاووسی باغ‌سیاه، حسن (۱۴۰۱). نقش IT و دولت الکترونیک در ایجاد شفافیت و کاهش فساد اداری. پایگاه اطلاعات علمی. <https://www.sid.ir/paper/fa/۱۰۳۰۹۶۳/SID>.
۲. عشایری، طاها؛ جهان‌پرور، طاهره؛ تأملی، حمیدرضا و عباسی، الهام (۱۴۰۱). مطالعه عوامل مؤثر بر ظهور فساد اداری و الگوهای پیشگیری از آن به روش استقرایی فراترکیب کیفی. پایگاه اطلاعات علمی. <https://www.sid.ir/paper/fa/۱۰۹۵۸۷۶/SID>.
۳. کمالی، یحیی (۱۴۰۲). شناسایی و دسته‌بندی راهکارهای حمایت از افشاگران فساد اداری در ایران. پایگاه اطلاعات علمی. <https://www.sid.ir/paper/fa/۱۱۲۵۵۳۶/SID>.
۴. محمدیان، ا. (۱۳۹۳). تدوین مدل شبکه‌پذیری سازمان‌ها در شبکه‌های بین‌سازمانی مبتنی بر فناوری اطلاعات. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت.
۵. مظهري، محمد؛ علیزاده، سروش؛ زمان‌زاد قويدل، احد (۱۴۰۱). موانع تحقق اصل شفافیت در نظام حقوقی - سیاسی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر نقش سازمان بازرسی کل کشور. پایگاه اطلاعات علمی. <https://www.sid.ir/paper/fa/۱۰۳۰۹۸۰/SID>.
۶. هدایت‌فر، مهدی؛ محمدیان، ایوب (۱۴۰۳). «نگاشت نقشه پژوهشی و تحلیل رخداد هم‌واژگانی زیست‌بوم دیجیتال با رویکرد مدیریتی در پایگاه استنادی وب‌آوساینس»، پژوهش‌نامه علم‌سنجی، شماره ۲، پاییز و زمستان، ۲۳-۴۴. doi: ۱۰.۲۰۷۰/۲۰۲۴,۱۸۹۲۹,۱۷۲۴.rsci
۷. همتی، بهزاد؛ کریمی، علیرضا؛ و همتی، فریبا (۱۴۰۲). بررسی اکتشافی زمینه‌های بروز فساد اداری در شهرداری تهران. پایگاه اطلاعات علمی. <https://www.sid.ir/paper/fa/۱۰۶۵۹۵>.

منابع انگلیسی

1. Adame, B. O. (2021). The Ethiopian telecom industry: gaps and recommendations towards meaningful connectivity and a thriving digital ecosystem. *Heliyon*, 7(12). <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2021.e08523>
2. Apurv Bhatnagar, Shashank Modi, Brent Powers, Konrad von Szczepanski, and Tjun Tang, (2021), BCG's Digital Ecosystem Accelerator Kick-Starts Platform Strategies.
3. Asimiyu, Z. (2024). Policy Pathways for Cyber Ecosystem Resilience: National Security Approaches in the Digital Era. ResearchGate. <https://www.researchgate.net/publica->

- tion/385681683
4. Balaji, K. (2025). E-Government & Governance. IGI Global. <https://www.igi-global.com/chapter/e-government-and-e-governance/372312>
 5. Brynskov, M., et al. (2022). DIGISER Report. Polimi. <https://re.public.polimi.it/handle/11311/1229401>
 6. Di Giulio, M., & Vecchi, G. (2023). Technologies and public governance. Public Policy and Administration. <https://doi.org/10.1177/09520767211023283>
 7. Ehrensperger, R., Sauerwein, C., & Breu, R. (2023). A Maturity Model for Digital Business Ecosystems from an IT Perspective. JUCS: Journal of Universal Computer Science, 29(1).
 8. Elayah, M. (2025). Digital engagement in Qatar's e-government. Public Administration and Development. <https://doi.org/10.1002/pad.2102>
 9. Elias Baltassis, Antoine Gourévitch, and Lucas Quarta, (2019), "Good Data Starts with Great Governance", BCG report.
 10. Gallemard J. (2023). How to Develop A Knowledge Management Framework That Benefits Your Business, Available Online at: <https://blog.smart-tribune.com/en/knowledge-management-framework>
 11. Gartner report, "what is data and analytics" <https://www.gartner.com/en/topics/data-and-analytics>
 12. Goldsby, C.M., Fabian, N.E. (2023). Digital governance framework. Journal of Business Research. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2023.113456>
 13. Gollhardt, T., Halsbenning, S., Hermann, A., Karsakova, A., Becker, J., 2020. Development of a Digital Transformation Maturity Model for IT Companies, in: Proceedings of the 2020 IEEE 22nd Conference
 14. Guerrero, R., Lattemann, C., Michalke, S., & Siemon, D. (2022). 18. A digital business ecosystem maturity model for personal service firms. Handbook on Digital Business Ecosystems: Strategies, Platforms, Technologies, Governance and Societal Challenges, 269.
 15. Hovenga, E., & Grain, H. (2022). Global and national infrastructures supporting digital health ecosystems. In Roadmap to Successful Digital Health Ecosystems. Elsevier. <https://>

- www.sciencedirect.com/science/article/pii/B9780128234136000082
16. Janowski, T. (2015). Digital Government Evolution. *Government Information Quarterly*. <https://doi.org/10.1016/j.giq.2015.02.001>
 17. Jansen, S. (2020). A focus area maturity model for software ecosystem governance. *Information and Software Technology*, 118, 106219.
 18. Krishna, B., Krishnan, S., & Sebastian, M. P. (2025). Understanding the process of building institutional trust among digital payment users. *Information Technology & People*. <https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/itp-05-2023-0434/full/html>
 19. Lindquist, E. A., & Huse, I. (2017). Monitoring digital governance. *Canadian Public Administration*. <https://doi.org/10.1111/capa.12243>
 20. Lnenicka, M., Nikiforova, A., et al. (2024). Public data ecosystems. *Telematics and Informatics*. <https://doi.org/10.1016/j.tele.2024.102019>
 21. Milakovich, M. (2021). *Digital Governance: Advanced Technologies*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003215875>
 22. Namugenyi, C., Nimmagadda, S. L., & Reiners, T. (2019). Design of a SWOT analysis model in digital business ecosystem contexts. *Procedia Computer Science*, 164, 462–469. <https://doi.org/10.1016/j.procs.2019.12.215>
 23. Ofe, H. A., & Sandberg, J. (2023). The emergence of digital ecosystem governance. *Information Systems Journal*, 33(1), 82–108. <https://doi.org/10.1111/isj.12404>
 24. on Business Informatics (CBI), 94–103.
 25. Otia, J.E., & Bracci, E. (2022). Public sector auditing and digital transformation. *Wiley Online Library*. <https://doi.org/10.1111/faam.12317>
 26. Parida, V., Burström, T., Visnjic, I., & Wincent, J. (2019). Orchestrating industrial ecosystem in circular economy: A two-stage transformation model for large manufacturing companies. *Journal of business research*, 101, 715–725.
 27. Raji, I. D., Xu, P., Honigsberg, C., & Ho, D. (2022). Outsider oversight: Designing a third-party audit ecosystem for AI governance. *ACM Conference on Fairness, Accountability, and Transparency (FAccT)*. <https://doi.org/10.1145/3514094.3534181>
 28. Roland Deiser, (2021). “How to Succeed in Business Ecosystems: A Capability Frame-

- work for Business Ecosystem Leadership”
29. Salako, A. O., Fabuyi, J. A., & Aideyan, N. T. (2024). Advancing information governance in AI-driven cloud ecosystem. *Asian Journal of Cloud Computing*. <http://journal.submanuscript.com/id/eprint/2644/>
 30. Schumacher, A., Erol, S., & Sihm, W. (2016). A maturity model for assessing Industry 4.0 readiness and maturity of manufacturing enterprises. *Procedia Cirp*, 52, 161–166.
 31. Tan, E., Mahula, S., & Cromptvoets, J. (2022). Blockchain governance in the public sector. *Government Information Quarterly*. <https://doi.org/10.1016/j.giq.2021.101637>
 32. Tripathi, S., & Gupta, M. (2021). Indian supply chain ecosystem readiness assessment for Industry 4.0. *International Journal of Emerging Markets*.
 33. Ulrike Deetjen, Jorge Garate, Salomon Spak, 2022, Exploring ecosystem maturity in Latin American insurance- available online at: <https://www.mckinsey.com/industries/financial-services/our-insights/insurance-blog/exploring-ecosystem-maturity-in-latin-american-insurance>
 34. Weerabahu, W. S. K., Samaranayake, P., Nakandala, D., & Hurriyet, H. (2021, December). Enabling factors of digital manufacturing supply chains: a systematic literature review. In *2021 IEEE International Conference on Industrial Engineering and Engineering Management (IEEM)* (pp. 118–123). IEEE.
 35. Wirtz, J., Kunz, W. H., Hartley, N. (2023). Corporate Digital Responsibility. *Journal of Service Research*. <https://doi.org/10.1177/10946705221130467>
 36. Zainab, A., & Ayo, A. (2024). Ecosystem Data Governance in National Digital Surveillance Platforms. *OSC Proceedings*. <https://www.atlantis-press.com/article/126007005.pdf>
 37. Zeng, J. (2022). Orchestrating ecosystem resources in a different country: Understanding the integrative capabilities of sharing economy platform multinational corporations. *Journal of World Business*, 57(6), 101347.
 38. Zuiderwijk, A., Chen, Y.C., & Salem, F. (2021). AI in public governance. *Government Information Quarterly*. <https://doi.org/10.1016/j.giq.2021.101568>



7

**New Public Management:
Rectifier of Bureaucratic
Obstacles to Production**
(Mohammad Javaheri Tehrani /
Seyed Amir mosavinedjad)

45

**A Reflection on the Position,
Functioning, and Situation of the
High Council of Civil Aviation in
Iranian Legal System**
(Millad Sadeghi / Vahideh Najafi)

79

**Role of Statistical Data
and Metadata Exchange in
Combating Corruption**
(Abbas Moradi / Mohsen
Mohammadi Hassanloei)

117

**Meta-Analysis of Strategies
and Preventive Measures
Against Corruption in
Institutions and Corporations**
(Mohsen Naseh)

163

**Modeling Factors Affecting
People's Participation in
Submitting Corruption Reports
to the General Inspectorate
of the Country (Case Study:
General Inspectorate of Fars
Province) using a Fuzzy
Total Interpretive Structural
Modeling Approach**
(Mohammadreza Arghavan /
Mohammadreza Nourbakhsh /
Abbas Sonati)

219

**Developing a Digital
Surveillance Ecosystem
at the National Level: An
Interpretive Structural
Modeling (ISM Approach)**
(Mehdi Hedayatfar /
Ayoub Mohammadian /
Parisa Rasouljan)

Contents



in the name of God

Administrative Integrity Research

Volume 1; Issue No. 3; Autumn 1404 (2025)

License Holder: **General Inspection Organization of Iran**
Managing Director: **Dr. Zabihollah Khodaiyan**
Vice Editor-in-chief: **Dr. Mohammad Amin keikhah Farzaneh**
Editor-in-Chief: **Dr. Kheyrollah Parvin**

Editorial Board Members: Dr. Mohammad Hadi Sadeghi ,Dr. Ali Emami Meybodi, Dr. Saeed Habibi, Dr. Mohammad Javad Javid, Dr. Arian Gholipour, Dr. Mohammad Hossein Sadeghi Moghaddam, Dr. Hassan Danaee Fard, Dr. Abbas Karimian, Dr. Ali Rezaian, Dr. Homayoun Mafi, Dr. Mohammad Hossein Ghomi, Dr. Alireza Rahmani, Dr. Maryam Mohammadi, Dr. Farshad Momeni, Dr. Mohammad Taghi Tavakoli Dorafshan, Dr. Seyed Javad Amini, Dr. Shahram Ebrahimi, Dr. Bagher Ansari, Dr. Mohammad Vazin Kariman, Dr. Mostafa Alsan

Persian editor: **Dr. Reza Aref** /// English editor: **Mahmoud Mahdavifar** ///
Managing Editor of the Quarterly: **Ameneh Kashani Movahed**

Number of copies: **500** /// Price: **250,000 Toman**

Address: Tehran / Ayatollah Taleghani Street / at the intersection with the
Shahid Gharani Street / The General Inspection Organization of Iran / Center
for Training and Research on Administrative Integrity and Anti-Corruption
Tel: +98-21-88834641 /// P.O. Box: 15815-141 /// Fax: +98-21-88834641
<https://www.salamatedari-mag.ir>

This journal is published under the publishing license No. 21730 dated 2022/12/31,
issued by the Ministry of Culture and Islamic Guidance.

Note: The contents of the articles do not represent the views
of the General Inspection Organization of Iran; the
authors bear sole responsibility for the
validity and accuracy of their
work.